

زر و آتش
یا
ذهب و نار

مجموعه‌ای از آثار مبارکه
درباره
بهره‌وری از آزمایشهای زندگی

ترجمه: فاروق ایزدی‌نیا

۲۰۰۳

تألیف و تدوین: برایان کورزیوس

۱۹۹۵

ناشر انگلیسی

جورج رونالد - آکسفورد

۱۹۹۵

تقدیم به خاطرہ پدر روحانی ام

ریچارد گوان

کہ بدون شور و اشتیاقش، بدون خلوص عمیق و
محبتِ انتہی ناپیدایش به حضرت بہاء اللہ، این
مجموعہ نہ بدایتی داشت و نہ نہایتی

فهرست

۳	۱- سپاسگزاری
۴	۲- مقدمه
۹	۳- هدف از امتحانات
۱۰	۳-۱ نزدیک شدن ما به خداوند
۱۴	۳-۲ ترقی اخلاقی و روحانی
۱۹	۳-۳ منقطع ساختن ما از دنیا
۲۲	۳-۴ آموزش توکل و تسلیم
۲۷	۳-۵ اثبات اخلاص
۳۳	۳-۶ اصلاح اعمال
۳۸	۳-۷ رشد امرالله
۴۷	۳-۸ مواهب الهیه
۵۰	۴- منشأ امتحانات
۵۱	۴-۱ نفس
۵۶	۴-۲ یکدیگر
۶۳	۴-۳ عالم و خصوصیات آن
۷۱	۴-۴ ایذاء و آزار اجبای الهی
۷۷	۴-۵ مصائب و بلا یا در عالم
۸۶	۵- راه حل برای امتحانات
۸۷	۵-۱ ایمان و اطمینان
۹۵	۵-۲ قدرت، قاطعیت و عزم راسخ
۱۰۳	۵-۳ دعا و تزئید معارف
۱۱۱	۵-۴ تسلیم در مقابل اراده الهی

جهت رشد نگاه کنیم، تجارب منفی خود را به تجربه‌های مثبت تبدیل می‌کنیم و می‌توانیم استعداد، توانایی و قابلیت در خود به وجود آوریم که هرگز از وجودش اطلاعی نداشتیم.

همه ما می‌توانیم آزمایشی را به خاطر آوریم که، زمانی، بدترین بلای قابل تصور بود و با این حال، وقتی که به گذشته نظر می‌افکنیم و آن را می‌نگریم، درمی‌یابیم که در ما استقامت و مقاومت بیشتری ایجاد کرده و شخصیتی قوی‌تر با درکی بهتر نسبت به حیات به وجود آورده است.

می‌توانیم نمونه‌های بی‌شماری از نفوس بشری را در سراسر تاریخ بیابیم که علیرغم، یا شاید در اثر، بحرانهای عظیم شخصی، تأثیراتی عظیم و استثنایی بر ترقی و پیشرفت مدنیت گذاشتند. حضرت ولی امرالله می‌فرماید:

رنج و درد هم تذکر است هم راهنما. رنج ما را برمی‌انگیزد تا خود را با شرایط محیط بهتر تطبیق دهیم و به این ترتیب طریقی را برای ارتقاء وجود خود طی کنیم. هر فردی در هر نازاحتی و رنجی می‌تواند معنی و حکمتی بیابد. اما همیشه یافتن سر حکمت مزبور سهل و آسان نیست. گاهی اوقات فقط وقتی که رنج مزبور سپری شد بر ثمره و فایده‌اش وقوف می‌یابیم. (ترجمه)^(۱)

مقصود از این مجموعه آثار که در این کتاب گردآوری شده، توضیح امتحانات و بلایا و نیز اعطاء درکی بهتر نسبت به این جریان مرموز و پویا است. معدودی از موارد نقل شده در اینجا برای نخستین مرتبه ذکر می‌شود و برخی از آنها ممکن است برای احببایی مطلع و اهل کتاب هم آشنا نباشد. هدف این است که برای همه ما در اوقات احاطه بلایا آرامش و امید به ارمغان آورد و در درک مقصود از امتحانات به ما کمک کند. از آن مهم‌تر به ما مساعدت خواهد کرد از عهده امتحانات بر آئیم و ما را قادر خواهد ساخت از آنها به عنوان وسیله رشد و وصول به حد اعلای سعادت استفاده کنیم.

بخش اول کتاب به هدف از امتحانات مربوط می‌شود: چرا با آنها روبرو می‌شویم و نحوه کمک آنها به ما برای رشد و بالندگی چگونه است؟ بخش ثانی به توصیف منشأ امتحاناتی که در زندگی با آن روبرو می‌شویم می‌پردازد. بخش سوم و شاید مهم‌ترین قسمت، راه‌حلهایی را نشان می‌دهد که چگونه از عهده امتحانات بر آئیم. بخش چهارم بیاناتی را معرفی می‌کند که در موارد بیماری به ما آرامش می‌بخشد و بخش پنجم بیاناتی را برای آرامش خاطر محرومین عرضه می‌کند.

اما مبادا اشتباه شود. هیچ راه سریع و آسانی برای کسانی که با امتحانات روبرو می‌شوند وجود ندارد. هر قدر هدایت عرضه شده مشخص یا جواب روشن باشد، راهی که باید پیمود سخت‌تر است و دشوار است. بهترین کاری که می‌توان کرد سعی و تلاش است، صبور بودن با خود و مدارای با دیگران است، آگاهی بر این نکته است که هر قدر رنجهای ما مصیبت‌بار و محنت‌افزا باشد، به هر نحو یا هر دلیلی به آن دچار شده باشیم، محبت و عشق خداوند، حفظ و صیانت او برای ما، بی‌پایان و قوی است.

برایان کورزیوس - اکتبر ۱۹۹۵

هدف از امتحانات

هدف از امتحانات:

نزدیکتر شدن ما به

خداوند

نزدیکتر شدن به خدا

حکایت کنند عاشق سالها در هجر معشوقش جان می‌باخت و در آتش فراقش می‌گذاخت، از غلبه عشقش صدرش از صبر خالی ماند و جسمش از روح بی‌زاری جُست و زندگی در فراق را از نفاق می‌شمرد و از آفاق بغایت در احتراق بود. چه روزها که از هجرش راحت نجسته و بسا شبها که از دردش نخفته؛ از ضعف، بدن چون آهی گشته و از درد، دل چون وای شده؛ به یک شربه وصلش هزار جان رایگان می‌داد و میسر نمی‌شد. طیبیان از علاجش درماندند و مؤانسان از آنش دوری جستند. بلی مریض عشق را طیب چاره نداند مگر عنایت حبیب دستش گیرد.

باری، عاقبت شجر رجایش ثمر یأس بخشید و نار امیدش یفسرد، تا آن که شی از جان بیزار شد و از خانه به بازار رفت. ناگاه او را عسسی تعاقب نمود. او از پیش تازان و عسس از پی دوان. تا آن که عسس‌ها جمع شدند و از هر طرف راه فرار بر آن بی‌قرار بستند و آن فقیر از دل می‌نالید و به اطراف می‌دوید و با خود می‌گفت این عسس عزرائیل من است که به این تعجیل در طلب من است و یا شداد بلادست که در کین عباد است. آن خسته تیر عشق به پا دوان بود و بدل نالان تا به دیوار باغی رسید و به هزار زحمت و محنت بالای دیوار رفت. دیواری به غایت بلند دید. از جان گذشت و خود را در باغ انداخت. دید معشوق در دست چراغی دارد و تفحص انگشتری می‌نماید که از او گم شده بود. چون آن عاشق دلداده معشوق دل‌برده را دید آهی برکشید و دست به دعا برداشت که ای خدا این عسس را عزت ده و دولت بخش و باقی دار که این عسس جبرئیل بود که دلیل این علیل گشت یا اسرافیل بود که حیات بخش این ذلیل شد و آنچه گفت فی الحقیقه درست بود، زیرا ملاحظه شد که این ظلم منکر عسس چقدر عدلها در سر داشت و چه رحمت‌ها در پرده پنهان نموده بود. به یک قهر تشنه صحرای عشق را به طیب قلب راه نمود. حال، آن عاشق اگر آخرین بود در اول بر عسس رحمت می‌نمود و دعایش می‌گفت و آن ظلم را عدل می‌دید. چون از آخر محبوب بود، در اول ناله آغاز نمود و به شکایت زبان گشود. ولکن مسافران حدیقه عرفان چون آخر را در اول بینند لهذا در جنگ، صلح و در قهر، آشتی ملاحظه کنند.^(۱)

با تحمل رنج به کمال می‌رسیم

وقتی انسان مسرور است ممکن است خدا را فراموش کند؛ اما زمانی که غم او را احاطه می‌کند و حزن او را فرا می‌گیرد، در آن حال، پدرش را که در آسمانهاست به خاطر می‌آورد، خدایی که قادر است او را از ذلتها برهاند و نجات بخشد.

انسانی که قرین رنج و درد نباشد، به کمال نمی‌رسد. گیاهی که باغبانان بیشتر آن را هرس کنند و شاخ و برگ اضافه‌اش را قطع کنند، وقتی تابستان فرا می‌رسد، زیباترین گلها و بیشترین

۱- هفت وادی، آثار قلم اعلی ج ۳، صص ۱۰۷-۱۰۴

بسیار اوقات بلا به فضل و عنایت منجر می‌گردد. تا انسان برای وصول به شیئی متحمل شدت و سختی نگردد، ارزش کامل آن را درک نخواهد کرد. هرچه انسان برای تحصیل چیزی بیشتر فریضه رنج گردد، ارزش آن را بهتر می‌فهمد، همانطور که در قرآن نازل شده، "أحسب الناس أن یترکوا أن یقولوا آمنا و هم لا یفتنون." ^(۲) امتحانات، افتتانات و بلاها برای نفوس مؤمن، یعنی کسانی که آنها را با صبر و انقطاع از ماسوی الله تحمل می‌کنند، سبیل ترقی روحانی است. در قرآن می‌فرماید، "أم حسبتم أن تدخلوا الجنة و لمّا یأتکم مثل الذین خلوا من قبلکم مستهم البأساء و الضراء." ^(۳)

انسان تا از باده محبت ننوشد، سرمست نگردد. ابداً به لذت نفوسی که از حقیق محبت الله نوشیده‌اند پی نبرد، مگر آن که از کأس بلا سرمست شود. هرچه بیشتر بر آهن بکوبید، شمشیر شما تیزتر شود؛ هرچه بیشتر آن را در آتش بگذارید، خالص‌تر شود. (ترجمه)^(۴)

مهم نیست که جسم و روان ما چه چیزی را تحمل می‌کند

موقعی که از این بلاها و مصائب رنج می‌بریم، باید به خاطر داشته باشیم که انبیاء الهی خود از مصائبی که انسانها به آن مبتلا می‌شوند مصون نبودند. آنها نیز با حزن و اندوه، بیماری و درد آشنا بودند. آنها با روح متعالی خود فوق این مصائب حرکت می‌کردند و این همان امری است که ما نیز باید سعی کنیم در حین ابتلاء به مصائب به آن عامل باشیم. معضلات حیات سپری می‌شوند و آنچه از ما باقی می‌ماند همان است که ما از روح و روان خود ساخته‌ایم. لذا باید به این ناظر باشیم که روحانیت شویم، به خداوند تقرب جویم؛ مهم نیست جسم و روان ما چه چیزی را تحمل می‌کند. (ترجمه)^(۵)

تا انسان بتواند به خدا نزدیکتر شود

واقفیم که رنج نوع انسان باید بالمآل او را میهنای توجه به حضرت بیاء الله و پیام حیات بخش ایشان کند، اما ما نمی‌توانیم بگوییم چه زمان این جریان تحقق خواهد یافت. ما فقط می‌توانیم جد و جهد کنیم تا مثالی را به عرصه شهود آوریم که قلوب انسانها را جذب کند و لیلأ و نهاراً به انتشار تعالیم مبارکه بپردازیم. (ترجمه)^(۶)

بیت العدل اعظم مکتوب شما را که در طی آن احزان قلبی خود را ابراز داشتید و نسبت به

۲- سورة عنکبوت، آیه ۲

۱- Paris Talks، صص ۵۱-۵۰

۳- سورة بقره، آیه ۲۱۱

۴- منسوب به حضرت عبدالبهاء، نقل در Summon Up Remembrance، اثر مرضیه گیل، صص ۶-۲۵۵

۵- نقل از مکتوب ۵ اوت ۱۹۴۹ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء، انوار هدایت فقره ۱۰۱۴

۶- از مکتوب ۲۵ فوریه ۱۹۴۵ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء

سرنوشت توده‌های مصیبت‌دیده نوع بشر، ابراز نگرانی کردید دریافت کردند... بدیهی است عالم به امراض مستولیه مبتلا شده و در زیر ثقل مصیبت و بلائی مخرف و وحشتناک ناله و فریاد می‌کند. ابتلائات نفس بی‌گناه فی الحقیقه دلخراش و جانگداز است و مبین شری است که ذهن انسان قادر به کشف آن نیست. حتی خود انبیاء الهی در هر عصری از این مصایب و مشکلات دردناک سهمی برده‌اند و نصیبی برداشته‌اند. اما علیرغم شواهد دال بر این مصایب، مظاهر مقدسه الهیه، که حیات و حکمت آنها نشان می‌دهد که درک ایشان به مراتب اعلی و اشرف از افراد بشر است، بالاتفاق بر عدالت، محبت و رحمت الهی شهادت می‌دهند. برای درک شرایط عالم لازم است قدمی به عقب برداریم و با اصطلاح دیدی واضح‌تر نسبت به چشم‌انداز نقشه کلی عظیم نجات‌بخش الهی که سرنوشت انسان را مطابق با اراده و مشیت الهی رقم می‌زند، پیدا کنیم. نباید بر این تصور بود که وقایع مصیبت‌باری که در جمیع اطراف و اکناف کره ارض اتفاق می‌افتد، اتفاقی و بدون هدف است، اگرچه درک یکایک آنها ممکن است دشوار باشد. بنا به بیان حضرت ولی امرالله، "بد غیبی در کار است و لرزو تلاطمی که بر وجه ارض حادث می‌شود مقدمه اعلام امر مبارکه الهی است." لہذا، زمانی که لطمات بارده مخرب طوفانی شتا سیر خود را طی نمود، در کمال اطمینان می‌توانیم انتظار طلبه "ربیع بدیع حیات بخش" را داشته باشیم.

ما بیائیان می‌دانیم که "شغای غالب" برای هر یک از این امراض در توجه و تسلیم به طیب حاذق و مقتدر و "پزشک دانا" است. حضرت بهاءالله در آثار مقدسه خود به ما اطمینان داده‌اند که خداوند ما را به حال خود رها نکرده است. او نسبت به نفوسی که در کمال تضرع و ابتهاج به او توجه نمایند، بصیر و علیم و ادعیه آنها را سمیع و مجیب است و با بعث مظاهر ظهور، منابع معرفت و حقیقت روحانی برای آزادی ابناء بشر از ظلمت جهالت و تضمین صلح و آرامش عالم انسانی، در تاریخ بشر فعالانه مداخله می‌فرماید. در این عصر، خداوند مصمم است ملکوت ابدی‌اش را در میان انسانها تأسیس فرماید و لذا برای حصول این هدف، حضرتش روح و پیام بوم بدیع را با بعث دو مظهر ظهور متوالی به ما عنایت فرمود. اسفا که هر دو مظهر ظهور را عموم ناس رد و طرد نمودند. (ترجمه)^(۱)

هدف از امتحانات:

ترقی اخلاقی و روحانی

ترقی اخلاقی و روحانی

يَا اَيُّهَا الْاِنْسَانُ لِكُلِّ شَيْءٍ عَلَامَةٌ و علامه الحب الصبر في قضائي و الاضطبار في بلائي. (۱)

ترقی روحانی

انسان در این عالم هرچه بیشتر با مشکلات مواجه شود کاملتر می‌گردد. زمین را هرچه بیشتر شخم بزنید حاصلخیزتر می‌گردد. ذهب را هرچه بیشتر در آتش بگذاری خالص‌تر می‌شود. فولاد را با ساییدن و پرداختن تیزتر کنی بهتر می‌شود. لهذا، هرچه شخص احزان بیشتری را متحمل گردد، کاملتر می‌شود. به این سبب است که همیشه انبیاء الهی با مصائب و مصاعب مواجه شدند و استقامت ورزیدند. هرچه ناخدای کشتی بیشتر در معرض طوفان و معضلات کشتیرانی قرار گیرد، دانش او افزونتر می‌گردد. لهذا من مسرورم که شما با مصائب و مشکلات عظیمه مواجه شده‌اید. من به این علت مسرورم که شما احزان بسیار داشته‌اید. بسیار غریب است که من به شما محبت دارم و باز هم مسرورم که محاط به احزان هستید. (ترجمه) (۲)

کارگر با شخم خود زمین را می‌شکافد و از این زمین محصول پربار و فراوان به دست می‌آید. هرچه انسان بیشتر تأدیب و تزکیه شود، محصول فضائل روحانی او بیشتر به منصفه ظهور می‌رسد. یک سرباز جنرال خوبی نیست مگر آن که در جبهه شدیدترین نبردها حضور داشته و عمیق‌ترین جراحات را برداشته باشد. (ترجمه) (۳)

ای کنیز جمال مبارک محزون مباش، مغموم مگرد. اگرچه امتحانات الهی شدید است اما منتج به حیات روح و قلب می‌شود. ذهب ابریز هرچه بیشتر در کوره امتحانات بماند، خلوص و درخشش آن بیشتر شود و جلال و تألؤو بدیع کسب کند. امید من چنان است که تو در چنین وضعی باشی.

حیات نفوس مقدسه سالفه را ملاحظه نما؛ چه امتحاناتی را مقاومت نمودند و چه ابتلائاتی را مشاهده فرمودند؛ زمانی که محاط به بلا یا بودند بر استقامت افزودند و موقعی که مستغرق در امتحانات بودند اشتیاق و شهادت مضاعف به ظهور رساندند. تو هم مانند آنها باش. (ترجمه) (۴)

این امتحان همانست که مرقوم نمودید، زنگ انانیت را از آئینه دل زائل نماید تا آفتاب

۱- کلمات مکنونه عربی، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۷

۲- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء، نجم باختر مجلد ۱۴، شماره ۲، ص ۴۱

۳- حضرت عبدالبهاء - Paris Talks، ص ۵۱

۴- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء مندرج در Tablets of 'Abdu'l-Baha، صص ۴-۲۰۳

حقیقت در آن بدرخشد، زیرا هیچ حجابی اعظم از آنائیت نیست و هرچند آن حجاب رقیق باشد، عاقبت انسان را بکلی محتجب و از فیض ابدی بی نصیب نماید.^(۱)

تبدیل ضعف به قدرت

هرچه انسان از عالم، از آمال، از امور بشری، از اوضاع و احوال، بیشتر منفک و منتقطع گردد، در امتحانات الهی مقاوم تر و محکم تر شود. امتحانات الهی وسیله‌ای است که به توسط آن، لیاقت و قابلیت او سنجیده و با سلوک و رفتارش صحت آن ثابت می‌شود. خداوند بر لیاقت و صلاحیت او و نیز عدم آمادگی او واقف است، اما انسان که نفس بر او غلبه دارد بر عدم قابلیت خویش وقوف ندارد، الا آن که بر او مدلل و میرهن شود. در نتیجه وقتی در ورطه امتحانات افتد، آسیب پذیری و شکنندگی او در مقابل مصائب و بلاها ثابت شود و امتحانات استمرار یابد تا نفس بر عدم قابلیت خود وقوف یابد و بعد ندامت و تأسف سبب شود که ضعف او بالمره زائل گردد. همان امتحانات به درجات بیشتر و شدیدتر تکرار شود تا زمانی که معلوم گردد ضعف سابق به قوت تبدیل شده و قدرت غلبه بر مصائب و شرور حاصل شده است. (ترجمه)^(۲)

به نظر می‌رسد اغلب اندازات واضح و مکرز مولای محبوبمان را فراموش می‌کنیم که، بالاخص در سنوات اخیر رسالتش بر وجه ارض بر "امتحانات شدید ذهنی" که مسلماً اجتناب در غرب را احاطه خواهد کرد تأکید می‌فرمود، امتحاناتی که آنها را تطهیر، تزکیه و برای رسالت و مأموریت متعالی شان در زندگی مهیا خواهد ساخت. (ترجمه)^(۳)

تطهیر روح

همواره باید ناظر به آینده و طالب کسب توفیق در انجام دادن امری باشیم که در گذشته نتوانسته ایم تحقق بخشیم. شکستها، امتحانات و افتانات اگر به نحو صحیح مورد استفاده قرار گیرند، می‌توانند وسیله تطهیر روح، تقویت و تحکیم شخصیت ما گردند و ما را به قیام به اعلی مراتب خدمت قادر سازند. (ترجمه)^(۴)

رنج و مصیبت، از هر نوع که باشد، به نظر می‌رسد سهم و نصیب انسان در این عالم است. حتی نفوس محبوب و معزز یعنی انبیاء الهی ابداً از امراض و عللی که در این جهان ما مشهود می‌گردد، مستثنی و معاف نبودند؛ فقر، بیماری و ماتم به نظر می‌رسد بخشی از صیقلی است که خداوند برای ایجاد خلوص

۱- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبداله، ج ۱، ص ۱۷۸ (قره ۱۵۵)

۲- بیانات منسوب به حضرت عبداله در جواب سؤالاتی که دکتر ادوارد گتسینگر مطرح ساخته است، مندرج در نجم باختر، مجلد ۶، شماره ۶، ص ۴۵

۳- بیان حضرت ولی امرالله مندرج در صفحه ۵۰ Bahā'ī Administration

۴- مکتوب ۱۴ دسامبر ۱۹۴۱ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء / انوار هدایت شماره ۲۰۳۹

بیشتر در ما مورد استفاده قرار می‌دهد تا ما را قیّدر سازد صفات و سجایای الهی را بیشتر منعکس سازیم. تردیدی نیست که در آئیه ایام، وقتی که اساس و شالودهٔ اجتماع منطبق با نقشهٔ الهی نیامده شود و انسانیا از روحانیت کامل بهره‌مند شوند، بسیاری از امراض، علل و مشکلات فعلی ما مرتفع خواهند شد. مآکه هم‌اکنون متحمل آلام و اوجاع می‌گردیم، راه را برای دنیایی بهتر هموار می‌سازیم و این معرفت باید ما را در هر افتتانی تنبیه کند و حفظ نماید. (ترجمه)^(۱)

ترقی اخلاقی و روحانی

هر یک از احبّاء باید به خاطر داشته باشد که از خصلت‌های اساسی این عالم عنصری آن است که مستمراً با امتحانات، مصائب، شداید و آلام مواجه می‌شویم و با غلبه بر آنها به ترقیات اخلاقی و روحانی نائل می‌گردیم. باید در آینده طالب کسب توفیق در انجام دادن امری باشیم که در گذشته نتوانسته‌ایم تحقق بخشیم و بدانیم که خداوند به این طریق بندگانش را امتحان می‌کند و ما باید به شکست‌ها و نقائص به عنوان فرصتی برای سعی مجدد و کسب آگاهی و معرفت بیشتر نسبت به مثبت و هدف الهی نگاه کنیم. (ترجمه)^(۲)

طبیعی است که دوره‌های رنج و عذاب و وقوع مشکلات و حتی امتحاناتی شدیدتر وجود خواهد داشت. اما اگر شخص در نهایت استقامت و ثبات قدم به مظهر ظهور الهی توجه نماید، تعالیم روحانی او را مطالعه کند، و از نقائص روح القدس بهره‌مند شود، متوجه می‌شود که در واقع این امتحانات و مشکلات مواهب الهیه‌اند تا او را به رشد و ترقی قادر سازند.

شما به این ترتیب می‌توانید به مشکلات خود که در سیل خدمت با آن مواجه می‌شوید، نگاه کنید. آنجا وسیلهٔ رشد و ترقی روح شما هستند. شما ناگهان ملاحظه می‌کنید که بر بسیاری از مسائل خود که شما را مضطرب و آشفته ساخته‌اند غلبه کرده‌اید و بعد متحیر خواهید ماند که اصلاً چرا باید آنها موجب ناراحتی شما شده باشند. (ترجمه)^(۳)

حضرت ولی امرالله شما را تشویق می‌فرمایند که از هیچ مانعی مأیوس و دل‌سرد نشوید. زندگی عبارت از جریانی از امتحانات و افتتانات است و آنجا، بر خلاف آنچه که ما احتمالاً تصور می‌کنیم، برای ما مفیدند، به ما توان و استقامت می‌بخشند، و می‌آموزند که به خداوند توکل کنیم. ما با وقوف بر این که او ما را تأیید خواهد نمود، می‌توانیم پیش از پیش به خود کمک کنیم. (ترجمه)^(۴)

۱- مکتوب ۳ مارس ۱۹۴۳ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احبّاء، انوار هدایت فقره ۲۰۴۹

۲- دستخط مورخ ۹ ژانویه ۱۹۷۷ از طرف بیت‌العدل اعظم به یکی از احبّاء، انوار هدایت شماره ۱۲۲۶

۳- مکتوب ۱۶ اکتبر ۱۹۵۴ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احبّاء، *Living the Life*، صص ۳۶-۳۵

۴- مکتوب ۲۳ دسامبر ۱۹۴۸ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احبّاء، *Unfolding Destiny*، صص ۴۵۳

آیا حضرت بقاء الله به ما اطمینان نداده‌اند که رنج و حرمان در حقیقت مواهب الیهی‌اند، که قوای روحانی باطنی ما به وسیلهٔ آنها برانگیخته می‌شوند، تطمیر و متعالی می‌گردند؟ پس مطمئن باشید که شدائد عنصری شما نه تنها مانع فعالیت‌های امری شما نخواهند شد، بلکه انگیزه و محرکی قوی به قلب شما خواهد بخشید تا بتر به خدمت پردازید و منافع امرالله را ترویج دهید. (ترجمه)^(۱)

۱- مکتوب ۲۲ نوامبر ۱۹۳۶ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء، *Compilation of*

Compilations، ج ۲، فقرة ۱۲۸۲

هدف از امتحانات:

منقطع ساختن ما از دنیا

منقطع ساختن ما از دنیا

انّی لعلی یقین فی حیّی لک بانک لم تنزل علی احدٍ بلاء الا بما اردت له بان ترفع درجاته فی رضوانک و تثبت قلبه بأرکان قهاریتک فی هذه الحیوة الدنیا أن لا یمیل الی زخرفها^(۱)

انه قد ینزل من سماء جوده ما هو خیر لکم و ما نزل من عنده انا لیغنیکم عن العالمین^(۲)

ای بنده الهی از بلایا و محنی که بر تو وارد شده مکدر مباش. جمیع مصائب و بلایا از برای انسان خلق شده است تا انسان از این جهان فانی نفرت کند، چه که نهایت تعلق به دنیا دارد. چون به زحمت و مشقت بسیار گرفتار شود، از طبیعت نفرت کند و توجه به خدا نماید و جهان باقی طلبد که از جمیع مصائب و بلایا میزاست. انسان عاقل چنین است: جامی که نهایتش درد است او ننوشد، همیشه جام صافی طلبد، شهدی که ممزوج به سم است تناول ننماید.^(۳)

همانطور که شخم زمین را عمیقاً می شکافد و آن را از علفهای خودرو و خارها پاک و تمیز می کند، رنجها و مصائب هم انسان را از امور جزئیة حیات دنیوی خلاصی می بخشد تا به انقطاع کامل واصل شود و طرز تفکر او در این دنیا تمایل به سعادت روحانی و سرور حقیقی گردد: (ترجمه)^(۴)

این دو احساس (حزن و سرور) شامل جمیع عموم بشر است. از برای روح انسان حزنی حاصل نمی شود و از عقل انسان زحمت و ملالی رخ نمی دهد، یعنی قوای روحانیه سبب مشقت و کدورت انسان نمی گردد. اگر حزنی از برای انسان حاصل شود از مادیات است. اگر برای انسان خمودت و جمودتی حاصل شود از مادیات است. مثلاً تاجر است زبان می کند، محزون می شود؛ زراعتی دارد، برکت حاصل نمی شود، مغموم می گردد؛ بنیانی می سازد، خراب می شود، محزون می شود و مضطرب می گردد.

مقصود این است که حزن انسان، کدورت انسان از عالم مادیات است؛ یأس و نومیدی از نتایج عالم طبیعت است. پس واضح و مشهود شد که حزن انسان و نکبت انسان و نحوست انسان و ذلت انسان همه از مادیات است. اما از احساسات روحانیه هیچ ضرری و زبانی و غصّه و غمی از برای انسانی حاصل نمی شود ... وقتی که از مادیات نهایت تنگدلی حاصل گردد انسان توجه به روحانیات می کند، زائل می شود...^(۵)

۱- منتخبات آیات از آثار حضرت تقطه اولی، صص ۱۵۴-۱۵۳

۲- همان، ص ۱۱۶

۳- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۲۳۱

۴- خطابات مبارکه، ج ۱، ص ۱۹۷؛ ج ۳، ص ۱۴۶

۵- Paris Talks، ص ۱۷۸

وقایع سان فرانسسکو^(۱) عظیم بود. اینگونه وقایع باید سبب انتباه گردد و تعلق قلوب به این جهان فانی کم شود. زیرا جهان ناسوتی چنین وقایع مولمه دارد و چنین جامه‌ها از بادۀ تلخ بپاشد.^(۲)

هیچ نفسی در این عالم راحت نیست، از ملوک گرفته تا به مملوک برسد. اگر یک جام شیرین دهد، در عقب صد جام تلخ دارد. این است شأن این دنیا. لهذا انسان عاقل به حیات دنیویّه تعلق ندارد و اعتمادی ننماید بلکه در بعضی اوقات بی‌نهایت آرزوی وفات کند تا از این اقدار و احزان نجات یابد.^(۳)

۱- مقصود زلزله سال ۱۹۰۶ سان فرانسسکو است.

۲- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبداله‌اء، ج ۱، ص ۷۸

۳- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبداله‌اء، ج ۱، ص ۱۹۵

هدف از امتحانات:

تا به ما بیاموزد به خدای توکل

کنیم و اراده اش را بپذیریم

دقیق باشد. خدا به انسان هوش و درایت عنایت کرده تا خود را حفظ و حراست کند. لہذا، از تمام آنچه که مهارت های علمی می تواند خلق کند باید برای خود استفاده کند. او باید در مقاصد خود آگاہ، سنجیده و با تفکر عمل کند، بهترین کشتی را بسازد و از مجرب ترین ناخدا استفاده نماید؛ اما در عین حال به خداوند توکل کند و او را تنها حافظ حقیقی بشناسد. اگر خداوند حفظ کند، هیچ چیز نمی تواند امنیت انسان را دچار مخاطره نماید و اگر اراده او به صیانت و حراست تعلق نگرفته باشد، هر قدر تدارکات کامل و احتیاط و پیشگیری در حد عالی باشد، نتیجه ای ندارد. (ترجمه) (۱)

ایمان و اعتماد بیشتر به خدا

در عین حال که حضرت ولی امرالله شما را تشویق می فرمایند که در کمال شہامت با بسیاری از موانع که بر سر راه شما قرار دارد، مواجه شده بر آنها غلبه نمایید، اما توصیه می فرمایند در صورتی که شکست حاصل شود یا هر اتفاقی برای شما بیفتد، شما باید در کمال بشاشت و طراوت راضی به رضای الہی و کاملاً تسلیم اراده او باشید. ایثالات، امتحانات و افتتانات ما گاهی مواهب الہی در ہیأتی متفاوتند؛ چه که به ما می آموزند ایمان و اعتماد بیشتر به خدا داشته باشیم و خود را به او نزدیکتر سازیم. (ترجمه) (۲)

هر واقعه ای دلیلی دارد

رنج و درد هم تذکر است هم راحتما. رنج ما را برمی انگیزد تا خود را با شرایط محیطی بهتر تطبیق دهیم و به این ترتیب طریقی را برای ارتقاء وجود خود طی کنیم. هر فردی در هر ناراحتی و رنجی می تواند معنی و حکمتی بیابد. اما همیشه یافتن سر حکمت مزبور سهل و آسان نیست. گاهی اوقات فقط وقتی که رنج مزبور سپری شد بر ثمره و فایده اش وقوف می یابیم. آنچه را که انسان ستر می پندارد غالباً معلوم می شود علتی برای مواهب الہیہ بوده است. این بدان سبب است که انسان میل دارد بیش از آنچه که می تواند، بداند. حکمت الہی مسلماً برای همه ما اسرار آمیز و غیر قابل درک است و سعی و تلاش بیش از حد برای کشف آنچه که باید همیشه برای ذهن ما به صورت ستری باقی بماند، بی فایده است. (ترجمه) (۳)

چقدر غریب است که انسان مادام که بر وجه ارض حضور دارد چقدر باید رنج و مصیبت را بر خود هموار سازد، اما تسلای ما باید آن باشد که این مصایب بخشی از نقشه الہی است که ما هنوز نمی توانیم کاملاً پی به ارزش آن ببریم. (ترجمه) (۴)

۱- خطابه ۲۳ آوریل ۱۹۱۲، Promulgation، ص ۴۸

۲- مکتوب ۲۸ آوریل ۱۹۳۶ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء، Compilation، ج ۲، صفحه ۷، فقره ۱۲۸۲

۳- مکتوب ۲۹ مه ۱۹۳۵ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء، Unfolding Destiny، ص ۴۳۴

۴- مکتوب ۲ ژانویه ۱۹۳۲ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء، Unfolding Destiny، ص ۴۲۹

تا به ما بیاموزد به خدای توکل کنیم و اراده‌اش را بپذیریم

يَا ابْنَ الْإِنْسَانِ إِنَّ لَإِيصِيكَ الْبَلَاءُ فِي سَبِيلِي كَيْفِي تَسْلُكُ سُبُلَ الرَّاغِبِينَ فِي رِضَائِي وَإِنْ
لَا تَمْسُكَ الْمَشَقَّةَ شَوْقاً لِلْقَانِي كَيْفَ يَصِيُكَ التَّوَرُّجُ حُبّاً لِحِمَالِي (۱)

بگو ای قوم، مبدا این حیات و جلوه‌های آن شما را فریب دهد. چه که عالم و مافیها کل در قبضه اراده الهی است. مواهبش را به هر که بخواهد عنایت می‌فرماید و از هر که اراده کند اخذ می‌کند. یفعل مایشاء و یحکم ما یرید است. (ترجمه) (۲)

لَا تَمْنَعُ الْمُقَرَّبِينَ أَرْيَاحُ الْإِفْتِنَانِ عَنِ التَّوَجُّهِ إِلَىٰ أَفْقِ عَزْكَ وَلَا تَطْرُدُ الْمُخْلِصِينَ عَوَاصِفُ
الْإِمْتِحَانِ عَنِ التَّقَرُّبِ إِلَيْكَ... لَا يَقْلِبُهُمُ الْبِلَايَا عَنْ أَمْرِكَ وَلَا الْقَضَايَا عَنْ رِضَائِكَ. (۳)

آنه قد ینزل من سماء جوده ما هو خیر لکم و ما نزل من عنده انه لیغنیکم عن العالمین. (۴)

باید توجه داشته باشیم که هر آنچه اتفاق می‌افتد، بنا به حکمتی است و ابداً هیچ واقعه‌ای بدون دلیل نیست. (ترجمه) (۵)

ما در زمان اتکاء به شرایط مادی زندگی می‌کنیم. مردم تصور می‌کنند که عظمت و قدرت کشتی، موتور و دستگاه کامل و پیشرفته و مهارت ناخدا امنیت را تضمین می‌کند. اما این مصیبت‌ها (۶) گاهی اتفاق می‌افتد تا مردم بدانند خداوند حافظ حقیقی است. اگر مشیت خداوند بر حفظ انسان تعلق گرفته باشد، قایقی کوچک از انهدام و نابودی نجات می‌یابد، در حالی که بزرگترین و کاملترین کشتی با ماهرترین و بهترین ناخدا ممکن است از خطری که امروز در اقیانوس وجود دارد مصون نماند. مقصود این است که اهل عالم به خداوند که تنها حافظ و حارس است توجه کنند و نفوس بشری به حفظ و صیانت او توکل کنند و بدانند که او امنیت و سلامت حقیقی است ...

تصور نکنید که مقصود از این کلمات این است که انسان در تعهداتش نباید کامل، بی نقص و

۱- کلمات مکنونه عربی، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۷

۲- فقرة ۱۰۳ از *Gleanings from the Writings of Baha'u'llah* (اصل این بیان یافت نشده است).

۳- مناجاة، طبع برزیل، ص ۷

۴- منتخبات آیات از آثار حضرت نقطه اولی، ص ۱۱۶

۵- خطابه مورخ ۲۳ آوریل ۱۹۱۲ حضرت عبدالهاء، *Promulgation of Universal Peace*، ص ۴۶

۶- غرق شدن کشتی تایتانیک

رنج و اختیار

جناب ... در مکتوب مورخ ۱۹ اوت ۱۹۹۴ سؤالاتی را در خصوص رنج و اختیار مطرح می‌کنند. ایشان سؤال می‌کنند که غیر از افتتاناتی که خود ما یا برای یکدیگر مسبب آن هستیم، آیا تمام امتحانات را خداوند برای تطهیر فردی و جمعی عالم انسانی نازل می‌فرماید یا برخی از آنها مانند زمین لرزه یا امراض علاج‌ناپذیر کاملاً تصادفی هستند. ایشان همچنین می‌پرسند آیا اراده آزاد و اختیار انسان برای ظهور مشیت الهیه مورد استفاده قرار می‌گیرد. ایشان برای این که به مثال این موضوع را روشن کنند به قتل ناقص میثاق، سید محمد اصفهانی، به دست سه نفر از بهائیان که در آن زمان با حضرت بهاء‌الله در عکا زندگی می‌کردند اشاره می‌کنند. ایشان متوجه هستند که حضرت بهاء‌الله این کار را نپسندید و بعد از وقوع آن مبهوت و مأیوس شدند، معهذا در کتاب اقدس به مرگ سید محمد اصفهانی به عنوان هشدار به میرزا یحیی اشاره کرده می‌فرمایند، "قد أخذ الله من أغواک."^(۱) یعنی در این مثال، می‌تواند اینگونه باشد که خداوند از نفوس بیگناه و باوفا برای ارتکاب یک عمل نفرت‌انگیز استفاده می‌کند تا هدف خودش تحقق یابد...

همانطور که جناب ... از مطالبی که قبلاً مطالعه کرده‌اند متوجه هستند مسأله رنج بردن و برخورداری از اختیار، هم عمیق است و هم درک آن بسیار دشوار. در برخی یادداشتهای زائرین مذکور است که حضرت عبدالبهاء خاطر نشان می‌فرمایند که رنج موجودات بیگناه و اختیار انسان دو مورد از سه راز بزرگ الهی است و سومین مورد راز خیر و شر است. معهذا، برخی از نصوص امری این مواضع را تا حدی روشن می‌کنند. ما به طور اخص به موارد زیر اشاره می‌کنیم:

- دو نوع رنج و عذاب وجود دارد؛ یکی برای آزمایش و دیگری برای مجازات.
- عالم انسانی به طور اعم مجازات الهی و بلایی را که عقوبت اوست تجربه می‌کند و این مصیبت عبارت از آشوبها، پریشانی‌ها، جنگ، قحطی و شیوع بیماری مسری است.
- برخی از امتحانات نتیجه اختیار خود انسان و اراده آزاد اوست.
- علم خداوند به وقایع آتی موجب و سبب وقوع آنها نیست.
- هر آنچه که رخ می‌دهد برای احبای الهی مطلوب و مفید است.
- خداوند از هر آنچه که اتفاق می‌افتد برای اهداف خود استفاده می‌کند.

شاید نکته اخیر بخصوص به موضوع قتل سید محمد اصفهانی به وسیله پیروان باوفای حضرت بهاء‌الله مربوط باشد. نمی‌توان گفت که ارتکاب قتل منطبق با مشیت الهیه بود، زیرا نقض آشکار حکم الهی است که حضرت بهاء‌الله بنفسه المقدس هدایت فرمودند. معهذا این عبارت که "انه ينصر امره مرة بأعدائه وأخرى باولياؤه"^(۲) به نظر می‌رسد تلویحاً به این نکته اشاره دارد که هر نفسی، از جمله نفوسی که بنا به اختیار خویش به مخالفت با امر الهی و عصیان نسبت به خداوند مبادرت می‌کنند، در آخرین تحلیل، وسیله‌ای در اختیار خداوند است. این موضوع با آن فرضیه انطباق دارد که هر چه اتفاق می‌افتد تجلی یا وسیله مشیت الهیه است که "کلُّ عبادِ له وکلُّ

بأمره قائمون^(۱)، گو این که هر آنچه اتفاق می افتد میسبب آن ضرورتاً خداوند نیست. تفاوت بین نفوسی که آگاهانه به خداوند روی می آورند و کسانی که با او مخالفت می کنند یا عصیان او امر او را می نمایند، به نظر می رسد چنین باشد که گروه اول آگاهانه حالتی را انتخاب می کنند که در جنب اراده حق فانی و لاشیء محض^(۲) باشند.^(۳)

جناب ... ممکن است مایل باشند به توضیحات جان اسلمنت که در کتاب بقاء الله و عصر جدید در مبحث عمومیت رنج^(۴) مطرح کرده اند مراجعه نمایند. (ترجمه)^(۵)

۱- منتخبات آیات از آثار حضرت نطقه اولی، ص ۱۵۶

۲- لوح شیخ فانی، گنج شایگان، ص ۱۷۷

۳- این بحث از توضیحات آرش ابی زاده که در *Journal of Bahá'í Studies* مجلد سوم، شماره ۱، صص

۶۷-۷۲ درج شده، اقتباس شد. ۴- بخش ۶

۵- یادداشت دارالتحقیق بیت العدل اعظم به تاریخ ۹ نوامبر ۱۹۹۴

هدف از امتحانات:

اثبات اخلاص

اثبات اخلاص

لو لا البلیا فی سیلک من این تظہر مقامات عاشقیک و لو لا الرزایا فی حبک بأی شیء تبین شئون مشتاقیک و عزتک انیس محبیک دموع عیونهم و مونس مریدیک زفرات قلوبهم و غذاء قاصدیک قطعات اکبادهم.^(۱)

امتحانات الهیه همیشه در مابین عباد او بوده و خواهد بود تا نور از ظلمت و صدق از کذب و حق از باطل و هدایت از ضلالت و سعادت از شقاوت و خار از گل ممتاز و معلوم شود، چنانچه فرمود، "ألم أحسب الناس أن یترکوا أن یقولوا آمنا و هم لا یفتنون"^{(۲) (۳)}

لو لا البلیا لم یظہر الامتیاز بین عبادک الموقنین و المریین، ان الذینهم سکروا من خمر معارفک اولئک یسرعون الی البلیا شوقاً للقائک.^(۴)

آن سماء حقیقت قادر و مقتدر است که جمیع ناس را از شمال بعد و هوئی یمین قرب و لقا رساند. لو شاء الله لیكون الناس أمة واحدة. ولكن مقصود صعود انفس طیبه و جواهر مجرّده است که بفطرت اصلیه خود بشاطی بحر اعظم وارد شوند تا طالبان جمال ذوالجلال از عاکفان امکانه ضلال و اضلال از یکدیگر مفصول و ممتاز شوند. کذلک قدر الامر من قلم عز منیر...^(۵)

چون مقصود امتیاز حق از باطل و شمس از ظل است، این است که در کلّ حین امتحانهای منزله از جانب ربّ العزّه چون غیث هاطل جاری است.^(۶)

بلیا و محن نصیب اصفیاء الهی است

فاعلموا بانّ البلیا و المحن لم یزل کانت موکّلة لاصفیاء الله و احبائه ثمّ لعباده المنقطعیین الذین لا تلهمهم التجارة و لا یبع عن ذکر الله و لا یسبقونه بالقول و هم بامرہ لمن العالمین. کذلک جرت سنة الله من قبل و یجری من بعد.^(۷)

امتحانات و افتتانات فقط قلوب ضعیفه را مضطرب سازد. اما صد هزار بلیا برای نفوس مخلصه جز شبح، تصوّرات و ظلّ زائل نیست. ظلّ مقاومت اشعه آفتاب نتواند و تفحات پاک

۱- حضرت بهاء الله، مناجاة، طبع برزیل، ۱۲۸ بدیع، ص ۱۰۶

۲- قرآن، سوره عنکبوت، آیه ۲

۳- ایقان، طبع آلمان، ۱۵۵ بدیع، ص ۵

۴- حضرت بهاء الله، مناجاة، ص ۱۱

۵- مجموعه الواح مبارکه طبع مصر، ص ۳۶۹

۶- ایقان، ص ۳۵

۷- سوره الملوک طبع طهران، ص ۱۵ / الواح نازله خطاب به ملوک و رؤسای ارض، ص ۲۸

مقدّس با شک و ریب همج رعاع مستور نیماند. صداع متزلزلین و مریبین بر شور و اشتیاق
سرمت خمر محبت الهیه تأثیر نگذارد. (ترجمه)^(۱)

تا گوهر از خزف و ذهب ابریز از زر مغشوش متمایز شود

اگر امتحانات نبود ذهب ابریز از زر مغشوش متمایز نمی یافت. اگر امتحان نبود، نفس شجاع
و شهیم از خائف و جبون تمیز داده نمی شد. اگر امتحان نبود، نفوس باوفا از بی وفایان متمایز
نمی شدند؛ اگر امتحان نبود، متفکرین و هیأت های علمیه محققین در دارالعلم های عظیم پدید
نمی آمد. اگر امتحان نبود احجار کریمه ثمینه از سنگریزه های لایثمن و لایغنی متمایز نمی گشت.
اگر امتحان نبود هیچ چیز در این دنیای فانی ارتقاء نمی یافت. (ترجمه)^(۲)

تا انسان به امتحان نیشد زر خالص از زر مغشوش ممتاز نگردد. عذاب آتش امتحان است
که زر خالص در آن رخ برافروزد و مغشوش سوخته و سیاه گردد.^(۳)

از امتحانات وارده نگاشته بودید. امتحان از برای صادقان موهبت حضرت یزدان است،
زیرا شخص شجاع به میدان امتحان حرب شدید بنهایت سرور و شادمانی بشتابد ولی جبان
ترسد و بلرزد و به جزع و فرغ افتد و همچنین تلمیذ ماهر دروس و علوم خویش را بنهایت مهارت
تتبع و حفظ نماید و در روز امتحان در حضور استادان در نهایت شادمانی جلوه نماید و همچنین
ذهب خالص در آتش امتحان با روی شکفته جلوه نماید. پس واضح شد که امتحان از برای نفوس
مقدسه موهبت حضرت یزدان است اما از برای نفوس ضعیفه بلای ناگهان.^(۴)

مکتوب مفصل واصل شد. از قرائت آن سرور بی نهایت حاصل گردید، چون دلالت بر این
حقیقت می نمود که به معرفت واقعی امتحانات نائل شده ای که تحمل بلایا فی سبیل الله سبب
حصول تأیید است، بلکه قوه آسمانی است و فیوضات عوالم قدرت و عزت. اما مصائب و بلایا از
برای ضعف امتحان است چه که ضعف ایمان و اطمینان آنها را به مصائب و مشکلات مبتلا سازد.
اما، برای نفوسی که ثابت و مستقیمند، امتحانات اعظم فیوضاتند. ملاحظه نما وقت
امتحان علوم و فنون، تلمیذ کودن و تنبل خود را محاط به بلایا مشاهده کند. اما برای تلمیذ هوشیار
و دانا امتحان آموخته ها، مورث فخر و مباهات لایثامی است. زر مغشوش چون بر آتش قرار
گیرد، پستی و غش خود را ظاهر سازد، اما شدت آتش بر جمال زر خالص بیفزاید. لذا، امتحان
برای نفوس ضعیفه مصیبت است و برای محتجبین موجب رسوایی و حقارت. پس در سبیل حق

۱- حضرت عبدالبهاء، *Tablets of Abdu'l-Baha*، ص ۲۵۲

۲- حضرت عبدالبهاء، نجم باختر، مجلد ۸، ص ۲۳۹

۳- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۱۱۷

۴- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۱۷۷

هر مشکلی آسان شود و هر مصیبتی فیض بی منتی گردد. لَیْذَا احْبَبَی الٰهَی و اَمَاءَ الرَّحْمَنِ نَبَايَدُ دَر بَلَايَا اَرَامٍ و سَاكِنِ نَشِيْنَتِنْدُ و هِيْجِ بَلَايِي نَبَايَدُ اَنِّيَا رَا اَز خَدْمَتِ بِي اَمْرَاللّٰهِ مَانَعٍ و رَادِعٌ گَرْدَد. (ترجمه)^(۱)

و اَمَّا دَر خُصُوصِ اَمْتِحَانَاتٍ؛ مَسْلَمٌ اَسْتُ كِه اَنِّيَا يَابَدُ شَدِيْدٌ بَاشُنْدُ تَا نَفُوسِي كِه ضَعِيْفُنْدُ مَأْيُوسٌ و مَنْتَعَلٌ شُوْنْدُ؛ اَمَّا نَفُوسٌ ثَابِتَةٌ مَخْلَصَةٌ اَز اَفْقِ هِدَايَتِ كِبْرِي بَمَثَابَةِ اَنْجَمِ مَضِيْئِهِ بَدْر خُشُنْدُ. (ترجمه)^(۲)

صداقت و خلوص نیت فقط با افعال ثابت شود

نفوسی که اظهار تمایل می‌کنند که به خاطر حضرت مسیح متحمل رنج و عذاب گردند باید صداقت و خلوص خود را ثابت نمایند؛ نفوسی که اظهار اشتیاق می‌کنند که فداکاری عظیم نمایند فقط با اعمال و رفتار می‌توانند صدق گفتار خود را ثابت کنند. ایوب وفای به محبت الهی را با وفای خود در حین تحمل فقر شدید و همچنین ثروت و مکنت در زندگی اثبات کرد. حواریون مسیح که در کمال استقامت جمیع مصائب و آلام را تحمل کردند، وفای به عهد را به ثبوت رساندند؛ تحمل آنها بهترین دلیل و برهان بود. آن احزان، حال به انتهی رسیده؛ قیافا زندگی راحت و سعادت‌مندی داشت، در حالی که زندگی پطرس مشحون از احزان و مصائب بود. کدام یک از آنها بیشتر محسود سائرین است؟ لابد بر این است که شرایط فعلی پطرس ارجح است، چه که از حیات ابدی برخوردار است؛ اما قیافا ننگ ابدی برای خود خرید. مصائب پطرس وفای او را امتحان کرد. (ترجمه)^(۳)

اِقْبَالَ بِي مَلَكُوتِ اللّٰهِ اَسَانَ و لِي ثَبَاتٍ و اَسْتِقَامَتٍ مُشْكَلٍ و اَمْتِحَانَاتٍ صَعْبٍ و گِرَانٍ.^(۴)

نامه‌ات رسید و مضمون معلوم شد. فی الحقیقه در ورطه امتحانات شدید افتادی و ابتلائات مولمه تحمل کردی. این امتحانات مطابق نهایت حکمت است، لهذا احسن و اولی. انسان باید متحمل باشد.

در حضرت ایوب تأمل کن؛ چه مصائبی، ابتلائاتی و معضلاتی را تحمل فرمود. اما این امتحانات مانند نار بود و حضرت ایوب مانند ذوب ابریز. لابد بر این است که چون ذوب را در آتش نهی تظهير گردد و بر خلوص بیفزاید و اگر مغشوش باشد یا ناخالصی داشته باشد، غش زائل گردد. این است که امتحانات شدیدة علت ابدیه صالحان شود و به محو و زوال ناصلاحان منتج گردد.

۱- بیان حضرت عبدالبهاء خطاب به خانم الا گودال کوپر، نجم باختر، مجلد ۲، شماره ۱۵، صص ۶-۵

۲- حضرت عبدالبهاء، *Tablets of Abdu'l-Baha*، ص ۴۷۱

۳- خطابه حضرت عبدالبهاء، *Paris Talks*، ص ۵۰

۴- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۲۶۴

حکمت جمیع این مصائب که لا یتطیع بر تو نازل گردید، این بود که می بایست آماده می شدی و مہیای این امر می گشتی و مشتاق وصول به هدایت کبری می شدی؛ چه که جمیع این امتحانات فقط جهت حصول آمادگی تو برای ورود به فردوس اعلی و بدایت کسب فیض عظمی بود.

اگر فصل زمستان ظاهر نشود، رعد نغزد، صاعقه ندرخشد، برف نریزد، باران نیارد، تگرگ و سرما نیاید، شدت برد احاطه نکند، در این صورت بهار روحبخش پدیدار نگردد و نسیم جانبخش نوزد، اعتدال هوا تحقق نیابد، گل و سنبل نروید، بسط غیرا فردوس ابھی نگردد، درخت به شکوفه ننشیند، ثمر نبخشد، شاخ و برگ نرویاند. آن شدت برد و برف و یخ و طوفان بدایت ظہور گل و سنبل، شکوفه و غنچه و ثمر بود.

پس، از این بلائی وارده محزوم مباش و مغموم مگرد؛ بلکه برخیز و حمد و ثنا گوی که مقصد نهائی حصول این فیض جلیل است و تنعم از این موهبت جمیل رب عزیز. لہذا، کمر ہمت محکم بیند و بذل مجهودات کن تا اثمار پدیدار شود و فواکہ فراہم آید، سراج حیات ابدیہ مضیء گردد و مواہب رب الملکوت باہر شود تا بتوانی در کمال وجد و شغف و شور و اشتیاق به عبادت رب الجنود پردازی. (ترجمہ)^(۱)

ای احباء و اماء الرحمن نامہ ئی از محفل روحانی لاز آنجلیز رسید. دلیل بر این بود کہ نفوس مبارکہ کالیفرنیا مانند جبل راسخ مقاومت ارباح نقض می نمایند و چون اشجار مبارکہ در ارض میثاق ریشہ نموده اند و در نہایت متانت و ثباتند. لہذا امید از الطاف شمس حقیقت دارم کہ روز بروز بر متانت و استقامت بیفزایند. امتحانات ہر امری بقدر عظمت آن امر است. چون تا بحال چنین میثاقی صریح بہ قلم اعلی وقوع نیافتہ، لہذا امتحانات نیز عظیم است. این امتحانات نفوس ضعیفہ را متزلزل نماید، ولی در نفوس قویہ امتحان چہ تأثیر دارد.^(۲)

امتحانات الہیہ از جمیع جہات شما را احاطہ نمودہ و ابتلائات کثیرہ واقع شدہ؛ اما الحمد للہ شما و ہمسر محترم صابر، شاکر و ثابت هستید. از لوازم و سجایای نفوس مؤمنہ این است کہ بر امر الہی ثابت و راسخند و در مقابل امتحانات ظاہرہ و باطنہ مستقیم و ثابت. الحمد للہ شما ممتازید و با این موهبت شہیر و نامور شدید. در ہنگام راحت و سلامت، صحت و نعمت، مسرت و لذت، ہر نفسی ابراز رضایت نماید؛ اما اظہار مسرت و رضایت در حین شدت و مشقت و احاطہ مرض و فقدان صحت علامت علو طبع است و سمو نفس. الحمد للہ این امہ عزیز نہایت صبر و شکیبایی در این مصیبت نشان می دہد و در جایی کہ سایرین لسان بہ شکوہ و شکایت باز کنند بہ شکر و ثنا پردازد.

من فی الحقیقہ از ہر دوی شما راضی ام و از خداوند می خواہم کہ در عالم بالا راحت و

۱- حضرت عبدالہاء، Tablets، صص ۷-۶۵۵ / مورد مشابہ در ماندہ: ۵، صص ۲۲۰ (حرف ت، باب ۷)

۲- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالہاء، ج ۱، صص ۲۰۴، فقرہ ۱۸۵

سرت بی منتهی عنایت فرماید؛ چه که این جهان خاک تنگ و تاریک و خوفناک است، تصور راحت و استراحت نتوان کرد، سرت واقعی مفقود است. هر نفسی اسیر دام احزان است و شب و روز گرفتار زنجیر مصائب و بلاها. اما احبای الهی توجّه به عالم نامحدود دارند و از مصائب و بلاها مغموم و دلسرد نشوند، بلکه تسلّی دل و جان یابند. اما سائرین ابدأ وسیله ای ندارند که در زمان مصیبت آنها را تسلّی بخشد. هر زمان مصیبتی واقع شود و شدت و سختی رخ گشاید، محزون شوند و مأیوس گردند و از فیض و رحمت ربّ ایهی نومید شوند. (ترجمه) (۱)

برای متمایز ساختن مؤمنین مخلص از عامّة ناس در عالم انسانی

در حقیقت نفس الامر این عطیة روحانیه نظر بشور و مکاره حتمیه ایست که متأسفانه ملت مذکور (آمریکا) بسبب افراط در مدیّت مادیّه و انهماک در شئون ناسوتیه با وجود خصائص و مزایای جسمیة باهره بدان مبتلا گردیده است. این است که جمال اقدس ایهی و مرکز عهد اوفی حضرت عبدالبهاء آن کشور را بنحو اخصّ علمدار نظم بدیع الهی که در الواح و آثار مقدّسه مدوّن و مسطور است مقرر فرموده اند. زیرا به همین دلائل و امارات و ظهور شواهد و بیّنات است که قدرت مطلقه حضرت بهاء الله به نسلی که به حقایق روحانیه بی اعتناء بوده و هست، واضح و مسلم می گردد که چگونه آن وجود مبارک از بین جماعتی که در دریای مادیات مستغرق و به یکی از موحش ترین و قدیم ترین تعصبات جنسیه گرفتار و در دام مکاید سیاسیه و افعال سیئه سخیفه و عدم انضباط در اصول و بنیادی اخلاقیه مقید و محصور، رجال و نسائی مبعوث فرمود که به مضیّ زمان و به نحو دائم التزایدی به اخلاق و شیم راضیه مرضیه و صفات و آداب ممدوحه از انقطاع و متانت و عفت و عصمت و راستی و عداقت و محبت عمومیّه فارغ از حدود و ضوابط بشریّه و نظم و اتقان و معرفت و ایقان متصف و متخلق گردند به نحوی که خود را برای تحقّق سهم عظیمی که در استقرار نظم بدیع جهانی و مدیّت آسمانی بر عهده داشته مستعدّ و مهیا سازند، نظم و مدیّتی که سگان آن ارض بل کافّة نوع بشر را بدان احتیاج و نیازمندی شدید است. (۲)

آینده امر مبارک به مؤمنین ممتحن بستگی دارد

همیشه بین یاران و احبای ممتحن تفاوت مهمی وجود دارد. هر قدر که یاران الهی نفوسی گرانقدر و ارجمند باشند، آینده امر مبارک به احبای ممتحن بستگی دارد. (ترجمه) (۳)

۱- حضرت عبدالبهاء، Tablets، صص ۵-۲۶۴ ۲- ظهور عدل الهی، ۴۲

۲- مکتوب ۴ آوریل ۱۹۳۰ از طرف حضرت ولی امر الله به یکی از احبباء، Lights of Divine Guidance

هدف از امتحانات:

اصلاح اعمال

اصلاح اعمال

یا حزب الله مرتب عالم عدل است چه که دارای دو رکن است، مجازات و مکافات؛ و این دو رکن دو چشمه‌اند از برای حیات عالم.^(۱)

خیمه نظم عالم بدو ستون قائم و برپا، مجازات و مکافات ... لِلْعَدْلِ جُنْدٌ وَ هِيَ بِمَجَازَاتِ الْعَمَالِ وَ مَكَافَاتِهَا؛ بِهَا أَرْتَفَعَ خَبَاءُ النَّظْمِ فِي الْعَالَمِ وَ أَخَذَ كُلُّ طَائِعٍ زِمَامَ نَفْسِهِ مِنْ خَشْيَةِ الْجَزَاءِ.^(۲)

اعمال ما، ما را از خداوند دور می‌کند

لم ادر یا الهی ای نار جعلتها مشتعلة فی أرضک بحیث لا یسترها التراب و لا یخمدھا المیاء ... وَ مِنْ النَّاسِ مَنْ وَقَفَتْهُ یَا اَلْهٰی بِالتَّقَرُّبِ اِلَیْهَا وَ مَنْ جَعَلَتْهُ مَحْرُومًا عَنْهَا بِمَا اُكْتَسَبَتْ یَدَاہُ فِی اِیَّامِکَ.^(۳)

امتحانات بردو قسم است. اول عواقب اعمال خود او. اگر نفسی در خوردن افراط نماید، به دستگاه هاضمه‌اش لطمه می‌زند؛ اگر زهر بخورد مریض می‌شود یا می‌میرد؛ اگر نفسی قمار کند، ثروت خود را از دست می‌دهد؛ اگر به شرب خمر به افراط مبادرت کند، تعادلش را از دست می‌دهد. موجب تمام این آلام، نفس انسان است. پس واضح است که بعضی از احزان و آلام منبث از اعمال خود ماست.

دوم، آلامی که ناشی از وفای به خداوند است. احزان عظیمه‌ای را که حضرت مسیح و حواریون آن حضرت تحمل کردند ملاحظه کنید. (ترجمه)^(۴)

جنگ و غارت و مظالم توأم با آن در ساحت حق مردود است و لذا مورث جزا می‌شود، زیرا خدای محبت خدای عدالت نیز هست و هر نفسی لابد باید جزای اعمال خود را مشاهده کند. (ترجمه)^(۵)

۱- بشارت سیزدهم از لوح بشارت، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۱۲۲

۲- لوح مقصود، دریای دانش، ص ۱۵ ۳- مناجاة، طبع برزیل، ص ۵۶

۴- خطابه حضرت عبدالهء، Paris Talks، صص ۵۰-۵۱

۵- خطابه حضرت عبدالهء، Paris Talks، ص ۱۰۸ (توضیح مترجم: اصل این خطابه مبارک که به تاریخ

۲۱ نوامبر ایراد شده در صفحات ۱۴۵-۱۳۹ خطابات مبارکه جلد سوم مندرج است. اما عبارات فوق در اصل خطابه موجود نیست. فقط این بیانات مشاهده می‌شود، "تا بدانند که خدا عادل است، لابد جزای هر عملی را می‌دهد، خداوند از ظلم نمی‌گذرد، البتہ عادل است." (ص ۱۴۲)

مجازات فی الحقیقه محبت الهی نسبت به انبیان است

سؤال نمودی که آیا آلام، مصائب و مشقت‌ها از جانب خداست یا نتیجه اعمال شر انسان. بدان که آلام دو قسم است: یکی برای امتحان است و دیگری برای مجازات اعمال غیرممدوحه. آنچه که برای امتحان است جهت تربیت و ترقی فرد است، و آنچه که برای مجازات اعمال است کیفر شدید است.

پدر و معلم گاهی نسبت به اطفال عطف و ملایمت نشان می‌دهند و گاهی با خشونت رفتار می‌کنند. مقصد از چنین شدت و حدتی تربیت و تعلیم است؛ عطف حقیقی است و فضل و مرحمت واقعی. اگرچه بظاهر خشم باشد، در واقع مهربانی است. هرچند به ظاهر عذاب است، در باطن نسیم رحمت رب و هاب است. در هر دو صورت، باید به آستان مقدس دعا و مناجات کرد تا در امتحانات ثابت قدم باشی و در آلام و اوجاع صبور و بردبار بمانی. (ترجمه)^(۱)

عذاب بر دو قسم است

بدان که عذاب بر دو قسم است، عذاب لطیف و عذاب غلیظ. مثلاً نفس جهل عذاب است، ولی عذاب لطیف است و نفس غفلت از حق عذاب است، نفس کذب عذاب است، ظلم عذاب است، خیانت عذاب است، جمیع تقایص عذاب است. نهایتش این است که عذاب لطیف است. البته انسانی که شعور داشته باشد نزد او قتل بهتر از خطاست و لسان بریده بهتر از کذب و افتراست. و نوع دیگر از عذاب، عذاب غلیظ است که مجازات است، حبس است، ضرب است، طرد است، نفی است. اما در نزد اهل الله احتجاب از حق اعظم از جمیع این عذابیهاست.^(۲)

فی الواقع عصیان را مدخلی عظیم در امراض جسمانیه محقق است. اگر چنانچه بشر از اوساخ عصیان و طغیان بری بود و بر میزان طبیعی خلقتی بدون اتباع شهوات سلوک و حرکت می‌نمود. البته امراض به این شدت تنوع نمی‌یافت و استیلا نمی‌نمود. زیرا بشر منمک در شهوات شد و اکتفا به اطعمه بسیطه نکرد. طعام‌های مرکب و متنوع و متباین ترتیب داد و منمک در آن و در رذایل و خطایا شد و از اعتدال طبیعی منحرف گشت. لهذا، امراض شدیدة متنوعه گوناگون حادث گردید.^(۳)

به علت قصور انسان در اقبال به یزدان

دو عامل وجود دارد، اراده الهی و اختیار ما؛ ما بازپچه و آلت دست نیستیم؛ اگر مرتکب اشتباهی شویم، باید بیای آن را بپردازیم. حضرت بیهاء الله طالب ممانعت از وقوع جنگهای پنجاه سال گذشته

۱- بیان حضرت عبداله، نجم باختر، مجلد ۸، ص ۲۳۵

۲- مفارقات عبداله، ص ۱۹۹

۳- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبداله، ج ۷، ص ۱، ۱۴۹، فقرة ۱۳۴

بودند. احدی اعتناء نکرد. حال ما با تحمل این آلام و اوجاع مجازات می شویم و این به نفع ما است؛ اما راه ساده‌تری هم وجود داشت که اقبال به پیام نازله از ساحت حق بود. ما آن طریق را انتخاب نکردیم؛ لذا خداوند ما را در این سیل قرار داد...

مصائبی برای امتحان و نیز برای مجازات وجود دارد - تصادفات و اتفاقاتی نیز وجود دارد که به وضوح مربوط به امر علت و معلول است. (ترجمه)^(۱)

نقض قوانین روحانی به ما لطمه می‌زند

در ملاحظه تأثیر اطاعت از احکام در زندگی فردی، باید به خاطر داشت که هدف از این حیات آماده ساختن روح جهت زندگی بعدی است. در اینجا باید آموخت که چگونه باید غرایز و امیال حیوانی را تحت انضباط در آورد و برده آنها نشد. زندگی در این عالم عبارت از یک رشته امتحانات و موقفت‌ها، یک سلسله شکست‌ها و ترقیات روحانی است. گاهی اوقات سیر امور ممکن است دشوار به نظر آید، اما مکرراً می‌توان مشاهده نمود نفسی که در کمال استقامت از احکام حضرت بهاء‌الله، هر قدر که مشکل به نظر برسند، اطاعت می‌کند، از لحاظ روحانی رشد می‌نماید، در حالی که شخصی که برای حصول مسرت ظاهری خود حکم الهی را بی اعتبار می‌سازد، آشکارا از اوهام و خیالات خویش تبعیت می‌نماید. او به مسرتی که طالب آن است واصل نمی‌گردد، ترقی روحانی اش را به تعویق می‌اندازد و غالباً برای خود مشکلاتی ایجاد می‌کند. (ترجمه)^(۲)

درست همانطور که قوانینی بر زندگی عنصری ما حاکم است و ما را ملزم می‌سازد که اگر مایلیم از ناتوانی‌های جسمی پرهیز کنیم، اغذیه معلوم را برای جسم خویش تأمین نماییم و آن را در حد معینی از حرارت حفظ نمائیم و امثال آن، احکامی چند نیز بر حیات روحانی ما حاکم است. این احکام و قوانین در هر عصری توسط مظاهر ظهور الهی برای نوع بشر نازل شده، و اطاعت از آنها برای هر یک از افراد بشر حائز اهمیت حیاتی است و عالم انسانی به طور کلی، باید به نحوی مناسب و هماهنگ رشد نماید. بعلاوه، این وجوه مختلف از یکدیگر مستقل هستند. اگر نفسی احکام روحانی را به خاطر پیشرفت شخصی خود نقض نماید، نه تنها به خویش بلکه به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند نیز لطمه خواهد زد. همچنین شرایط جامعه تأثیر مستقیم بر افرادی دارد که باید در آن زندگی کنند. (ترجمه)^(۳)

تبدیل موانع به مرحله‌ای از پیشرفت

ما بیانیان اعتقاد راسخ داریم که، اگر روحی سلیم داشته باشیم، می‌توان موانع را به مراحل از

۱- مکتوب ۱۹ مارس ۱۹۴۶ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء

۲- دستخط بیت‌العدل اعظم به یکی از احباء، *Lights of Guidance*، فقرة ۱۲۰۹

۳- دستخط بیت‌العدل اعظم به یکی از احباء، *Lights of Guidance*، فقرة ۱۱۴۶

یشرفت تبدیل کرد. شما، بالاخره، با شهامت، با حقیقت مواجه شدید و تصدیق نمودید که تاکنون در اداره امور زندگی خود قصور نموده مرتکب اشتباه شده‌اید و در صراط مستقیم قدم نینداید. اما، حال، این وضعیت جدید و روحانی شما باید ثابت گردد و اثبات و امتحان مطمئناً شامل طریقی خواهد بود که برای مکافات خود تعیین می‌کنید.

زندگی مبتنی بر قوانین و احکام است. قوانین عصری، مصنوع بشری و قوانین روحانی. چون شما مقررات اجتماعی را که در آن زندگی می‌کنید نقض کرده‌اید، باید مردانه بایستید و متحمل مجازات شوید. روحیه انجام دادن این کار بسیار حائز اهمیت است و فرصتی عظیم را برای شما تأمین خواهد نمود ... در حال حاضر، تا زمانی که محکومیت شما به اتمی برسد، باید در درون خود به نحوی زندگی کنید که آینده جدیدی را که منتظر شماست ضایع نکند. نباید احساس مرارت کنید - زیرا از همه چیز گذشته، ثمره اعمال خود را می‌چشید. حضرت بی‌الله و حضرت عبدالیهاء، بدون این که ادنی جرمی مرتکب شده باشند، بهترین ایام حیات را در تبعید و سجن سپری ساختند. اما، اگرچه قربانی بی‌عدالتی بودند، ابداً زندگی را به خود تلخ نکردند. از طرف دیگر، شما قربانی بی‌عدالتی ای هستید که مسبب آن خود شما هستید، لهذا، نباید نسبت به عالم، احساسی تلخ و ناگوار داشته باشید.

هیكل مبارك به شما توصیه می‌فرمایند که در نهایت رسوخ به تعالیم امر مبارک متمسک باشید و به عائله و دوستان یهائی بسیاری که دارید عشق بورزید تا گذشته را بکلی پشت سر بگذارید و دریابید که گذشته نمی‌تواند به شما آسیبی برساند. برعکس، گذشته با متحول ساختن و آگاهی روحانی بخشیدن به شما، می‌تواند باعث غنای روحانی زندگی آینده شما شود. (ترجمه)^(۱)

مجازات می‌تواند ما را از ضعف‌های گذشته خلاصی بخشد

حضرت ولی امرالله او را تشویق فرمودند شجاعانه با آینده روبرو شود، مجازات قانونی جامعه را به عنوان تنبیهی جهت رفتارش که مدعن است ضد اجتماع بود بپذیرد و بداند که رنج، تحقیر و میجازات او می‌تواند - اگر خود او بگذارد - وسیله استخلاص او از بسیاری از نقاط ضعف و اشتباهات گذشته‌اش شود و او را عضو ارزشمند جامعه سازد. او باید ناظر به آینده باشد، زیرا در قوه اوست که با اعانت حضرت بی‌الله، در طریق ارزنده و سازنده زندگی قدم بگذارد. (ترجمه)^(۲)

۱- مکتوب ۸ آوریل ۱۹۴۸ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء، *Unfolding Destiny*. صص

۴۴۹-۵۰

۲- مکتوب ۲۳ ژوئن ۱۹۴۸ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء

هدف از امتحانات:

رشد امرالله

رشد امرالله

در این کور ملاحظه شد که این هیچ رعاع گمان نموده‌اند که بقتل و غارت و نفی احبای الهی از بلاد توانند سراج قدرت ربّانی را بیفروشند و شمس صمدانی را از نور باز دارند، غافل از این که جمیع این بلاها به منزله دُهن است برای اشتعال این مصباح کذلک یدلّ الله ما یشاء و انه علی کلّ شیء قدير^(۱)

این بدگویان چنینند. سبب می‌شوند که مردم تفحص می‌کنند. در زمان مسیح گنّبی که در مذمت مسیح تألیف کردند، افتراهایی که به مسیح زدند، کذبهایی که در حقّ حواریون گفتند، آیا هیچ ثمری داشت؟ کتب که فلاسفه آن زمان ردّ به مسیح نوشتند، آیا هیچ ضرری رسانید؟ بلکه جمیع آن کتب سبب ترویج شد، زیرا ذکر مسیح را مردم شنیدند، به تفحص و تجسس آمدند و هدایت یافتند.^(۲)

... معارضه و مقاومت جاهلان سبب اعلاء کلمة الله و نشر آثار الله است. اگر تعرض مستکبرین و تهتک مرجفین نبود و فریاد بر منابر و بیداد اکابر و اصاغر و تکفیر جهلاء و عربده بلهائ نبود، کی صیت ظهور نقطه اولی روحی له الفدا و آوازه سطوع شمس بپاء روحی له الفدا بشرق و غرب می‌رسید و جهان را از کران تا به کران به جنبش و حرکت می‌آورد... این فیوضات و برکات اسباب ظهور و بروزش به حسب ظاهر استکبار جهلاء و تعرض بلهائ و تعنت ثقلا و تشدد ظلماء بود و الا صیت ظهور حضرت اعلیٰ هنوز به اقرب بقاع نرسیده بود. پس نباید از جهل جهلاء و تعدی زنماء و غفلت فقها و تکفیر بلهائ محزون شد.^(۳)

ایذاء و آزارها باعث تقویت ایمان ما است

تاریخ امر مبارک، بخصوص در ایران، تصویری بارز از این حقیقت است که ایذاء و آزارها با برانگیختن قوای روحانی مکنون در قلوب آنها و با ایقاع آگاهی و وقوفی جدید و عمیق‌تر در آنها نسبت به وظایف و مسئولیت‌هایشان در قبال امر مبارک، بلااستثناء مومجب تقویت ایمان احبای الهی می‌گردد. (ترجمه)^(۴)

امر مبارک دیر یا زود در معرض جمیع انواع حملات و آزارها واقع خواهد شد و این حرکتها فی الواقع عبارت از جریان خون حیات بخش در عروق تشکیلات امریه و به عبارت دقیق‌تر، بخش ذاتی

۱- مجموعه الواح طبع مصر، ص ۳۷۰ ۲- خطابات مبارکه، ج ۳، ص ۱۳۵

۳- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبداله، ج ۱، صص ۲۲۸-۲۲۷

۴- مکتوب ۲۰ ژانویه ۱۹۳۵ از طرف حضرت ولی امرالله به محفل روحانی ملی هند و برما، *Compilation*، ج ۱، صص ۱۴۷-۱۴۶، فقرة ۲۸۵

و لا یشک رشد و توسعه آن است. امتحانات و افتانات به بیان حضرت بهاء الله عبارت از ذهنی است که سراج امر مبارک را منضیء نگاه می دارد و مسلماً در باطن، موجب الهی است. لئذا یاران باید مطمئن باشند که تمام این حملات که حال امر مبارک در معرض آن قرار گرفته ... برای اتساع نطاق امرالله لازم و ضروری است و نتیجه آنها برای مصالح و منافع امر مبارک مفید و مؤثر خواهد بود. (ترجمه)^(۱)

مخالفت با امرالله موجب انتشار و اعلان آن است

اما بعد از عزیمت من، بعضی از نفوس به مخالفت قیام کنند، شما را در کمال مرارت معرض ایداء و آزار قرار دهند، و در جرید مقالاتی علیه امر منتشر کنند. مطمئن و مستقیم باشید. متین و آرام باشید و به خاطر داشته باشید که این به مثابه آوازی بی آزار طیور است و طولی نکشد که محو و نابود شود... پس، مقصود این است که شما را در مقابل بهتانها، انتقادهای، دشنامها و استهزاها در مقالات جرید یا سایر نشریات، انداز نمایم و تقویت کنم. از آنها متأثر نشوید، ملول نگردید. آنها نفس تحکیم امرند، منشأ اعتلاء این حرکتند. (ترجمه)^(۲)

امیدواریم خداوند یومی را قطعیت بخشد که دهها قسیر کلیساها قیام کنند و با رؤس برهنه به صدای بلند فریاد برآرند که بیائیان گمراهند. مشتاقم آن یوم را ببینم، چه که یومی است که امر الهی انتشار یابد. حضرت بهاء الله امثال اینها را منادی امرالله خواندند. آنها بر فراز منابر فریاد برآرند که بیائیان از جهلائند و از بلهها، گویند که آنها نفوس شریرند و ناصالح. اما شما بر امر الهی ثابت و راسخ باشید. آنها پیام حضرت بهاء الله را انتشار خواهند داد. (ترجمه)^(۳)

امتحانات شدید موجب تقویت شجره سماوی شده است

تاریخ محیر العقول این قرن جلیل بالمآل بر جمیع مخالفین امرالله، در سراسر عالم، واضح و مبرهن خواهد ساخت که آشوبها و بلوهای شدید موجب تقویت ریشه این شجره سماوی شده، امتحانات و مشکلات شديده اساس و بنیاد این بنای الهی را قوت بخشیده است. ذلت محض به خلع عزت مزین گشته و مشقات و مصیبات ذهن سراج دین الله گشته و شعله اش را اشتعالی شدیدتر بخشیده است. حملات و خشونت های شدید مورث رسوخ و استقامت گشته و ایداء و محرومیت بر شور و شوق افزوده و به اقبال نفوس و اعلان امر منجر شده است. (ترجمه)^(۴)

۱- مکتوب ۳۱ اوت ۱۹۳۷ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احناء، *Compilation*، ج ۱، فقرة ۲۸۸، صص ۱۴۹-۱۴۸

۲- خطابه مبارک ۱۰ نوامبر ۱۹۱۲، *The Promulgation of Universal Peace*، صفحات ۴۳۰-۴۲۸

۳- مأخذ قبل

۴- بیان حضرت ولی امرالله مندرج در عالم بهائی، ج ۱۸، ص ۳۷

از آنجا که مخالفت با امرالله، از هر منشائی که نشأت گیرد، به هر شکل و صورتی که ظاهر شود، هر قدر طغیانیش شدید و حادّ باشد، فی الحقیقه قوّه محرّکه‌ای است که از طرفی نفوس مدافعیین شیعیّ را برمی‌انگیزد، و از طرف دیگر سیلان جدیدی از قوّه النبیّه پایان‌ناپذیر را از وجود آنها به جریان می‌اندازد. مآکه دعوت شده‌ایم تا مظیّر، مدافع و مروجّ مصالح و منافعش باشیم، باید، نه تنها هر گونه ظیور و بروز خصومتی را دالّ بر تضعیف ارکان امرالله تلقّی نکنیم، بلکه آن را موهبتی از طرف خداوند و فرصتی الهی بدانیم که، اگر متهور و بی‌باک باقی بمانیم، می‌توانیم برای پیشبرد امر الهی و اضمحلال و امحاء کاملی مخالفتش و اعدایش مورد استفاده قرار دهیم...

مخالفت و منابله‌ای که این تبلور و ظیور باید برانگیزد، شدید، سبعانه، بلاوقته و بیرحمانه خواهد بود. احساس خطری که باید ایجاد نماید و خواهد نمود، حقد و حسدی که محقّقاً بر خواهد انگیزد، سوء تعییراتی که به شدّت و بی‌امان در معرض آن قرار خواهد گرفت، موانع و مشکلاتی که دیر یا زود با آنها مواجه خواهد گشت، اغتشاش و آشوبی که بالمال باید برانگیزد، اثماری که نهایتاً باید برداشت نماید، مواهب و عنایاتی که مسلماً باید اعطاء نماید و عصر ذهبی جلیل و شکوهمندی که به نحوی مقاومت‌ناپذیر طلایه‌اش را باید آشکار سازد، تنها بدایتی است که به نحوی مبهم و ضعیف درک می‌شود و موقعی که نظم کهن در زیر ثقل ظیوری چنین عظیم و شگفت‌انگیز منلاشی و مضمحل گردد، به نحوی دائم‌التراید ظاهر و باهر گردد و جالب انتظار عموم شود. (ترجمه)^(۱)

از آن طرف آئین مبارکی که به آن همه خیانت ظالمانه دچار و به آن همه هجمات عینفه محاط شده بود، پیوسته قدرتمندتر می‌شد و به پیش می‌رفت و از جراحاتش پروانداشت و ارکانش از هم پناشید و زخم‌کاری برنداشت و در بحبوحه بلا یا پیروان باوفایش را چنان الهام بخشید و چنان عزمی راسخ عطا کرد که هیچ سدّ محکمی مانعی برایشان به وجود نمی‌آورد و نور ایمانی در جانسان برافروخت که هیچ مصیبتی خاموش نمی‌کرد و امیدی در دلشان نهاد که هیچ نیروی سرسختی آن را بدر نمی‌برد.^(۲)

حرکتهای ایدایی اخیر در ایران

حرکتهای ایدایی جاری باعث شده است که حیثیت و شهرت امر محبوبمان آنچنان مورد توجه اهل عالم قرار گیرد که ابدأ در طول تاریخش سابقه نداشته است. نتیجه مستقیم اعتراضاتی که توسط جامعه جهانی اسم اعظم به اولیاء حکومت در ایران گردید، شکایاتی که در اثر بی‌توجهی به این اعتراضات برای رسانه‌های گروهی فرستاده شد، مراجعه مستقیم تشکیلات بهائی به دولتها در سطح ملی و بین‌المللی، جوامع کشورها، سازمانهای بین‌المللی و نقش سازمان ملل متحد، چنان بود که امر مبارک حضرت بهاءالله در شوراهاى جهان نه تنها مورد توجه شفقت‌آمیز قرار گرفته، بلکه مزایا و حقوق پایمال شده‌اش مورد بحث واقع و قطعنامه‌های اعتراض‌آمیزی توسط حکومتها و دولتها، اعم از انفراداً یا متفقاً، برای اولیاء حکومت ایران ارسال

۱- مکتوب ۱۲ اوت ۱۹۶۱ حضرت ولی امرالله به بهائیان آمریکا، Messages fo America صص ۵۰-۵۲

۲- نظم جهانی بهائی، ص ۱۵۲

گردیده است. جراید عمده جهان و به دنبال آنها مطبوعات محلی، گزارش های شفقت آمیز درباره امر مبارک خطاب به میلیونها خواننده درج کردند، و ایستگاههای رادیو و تلویزیون به نحوی دائم التزاید حرکتهای ایدایی در ایران را موضوع برنامه های خود قرار می دهند ... مسلماً این موج جدید اذیت و آزارها را که مهد امرالله را فرا گرفته، می توان الطاف الهیه در کسوتی دیگر، مشاهده کرد، "عنایتی" دید که "بلا"یش را چون همیشه، جامعه محبوب ایرانی در کمال شیامت تحمل می کنند. می توان آن را به عنوان جدیدترین حرکت در نقشه عظیم الهی دید، یعنی صور اسرافیلی دیگر برای بیدار کردن غافلان از خواب سنگین و عمیقشان ... (ترجمه)^(۱)

حضرت ولی امرالله در حیات طبیعی امر مبارک مناظره ای بین پیروزی و بحران را دریافتند. انتصارات غیرمترقبه منبث از استقامت سرسختانه یاران ایرانی، مسلماً مورث مخالفتهایی خواهد شد تا موجب امتحان و افزایش قوت و توان ما گردد. هر یک از بهائیان عالم اطمینان داشته باشد هر آنچه که این امر در حال رشد و بالندگی الهی بدان مبتلا گردد، شاهدی است محقق و غیر قابل انکار بر توجه محبت آمیزی که سلطان ملکوت جلال و مبشر شهیدش، از طریق مرکز بی مثل و بدیل میثاقش و ولی محبوب امرالله، به وسیله آن پیروان ضعیفش را برای فتح و ظفر نهایی و عظیم آماده می سازد. (ترجمه)^(۲)

امتحانات و افتتانات حارس امرالله است

... مؤثرترین وسیله ای که توسط آن این نور حقیقت صیانت و حراست می گردد، عبارت از هجوم اعداء، امتحانات شديده و شداید کثیره است. زجاج این سراج اریاح طوفانی است و امنیت این سفینه در امواج متلاطم شدید. لهذا، باید در مقابل مصائب آیوبی به شکر و ستایش پرداخت و در برابر ظلم و جور شدید اشرار به ابراز سرور و حبور مشغول شد. چه که مصائب و مصاعب به بقای ابدی منجر گردد و اعظم وسیله جذب تأییدات لاریبیه و عنایات لانهایه شود. (ترجمه)^(۳)

وقتی انسانها مشاهده کنند امر الهی، حتی در چنین ادوار ناآرامی های دهشتناک و با موانع بسیاری که در مقابل آن ایجاد شده، همچنان به ترقی و تقدّم خود ادامه می دهد، اگر انصاف داشتند و عدالت را می شناختند، حقیقت امرالله را تصدیق می کردند. بدیهی است اگر در این امر حقیقتی وجود نداشت، چنین ناآرامی و آشوبی، چنین موانع و سدّهای تاکنون شعله اش را خاموش ساخته بود. اما چون این امر الهی است، علیرغم هر مانع و رادعی به پیش می رود و

۱- پیام ۲۶ ژانویه ۱۹۸۲ معهد اعلی خطاب به اهل عالم، Compilation، ج ۱، شماره ۲۲۷

۲- پیام ۲ ژانویه ۱۹۸۶ بیت العدل اعظم، Compilation، ج ۱، شماره ۲۲۸

۳- بیان حضرت عبداله، عالم بهائی، ج ۱۸، ص ۲۹

طوفان ضغینه و بغضا باعث اشتعال بیشتر آن می‌گردد. (ترجمه)^(۱)

اگر به دیده بصیرت ملاحظه شود، واضح و معلوم گردد که نفس اضطراب و آشفتگی، همین توالی مصائب و بلاها و شداید، و تکرر امتحانات، مشقات و آلام فی نفسه نیروی محرکه استعدادهای مکنون در امر مبارک شده و قوه پُر جذبه و نفوذ فراگیر آن را تقویت نموده است. مسلماً در نتیجه هبوب اریاح بلاها و طوفان شدید امتحانات و افتانات، ابعاد فعالیت امر مبارک توسعه، ارکانش به درجات متعالی تر ارتقاء و اساس و بنیانش تحکیم، شکوه و جلالش تزیید، سرعت توسعه نفوذش از دیاد و تنوّق و استیلاش ظهور و بروز یافته است. هر لطمه‌ای که از خارج توسط ابادی خاطیان بر جامعه پیروان امرالله وارد گشته، وسیله فتح و ظفر جدیدی برای امر الهی شده و هر بلوا و آشوبی که از داخل جامعه در اثر دسائس و تحریکات خائنین بی‌وفا ایجاد شده به توفیق بارز امرالله و ظهور جلال و عظمت آن منجر شده است. (ترجمه)^(۲)

حال چون به نظر دقیق ملاحظه نمائیم معلوم می‌شود که این صرصر حوادث و شدائد با آن که به صورت ظاهر علت تشویش و اضطراب دوستان و موجب تشنیت و تفریق شمل یاران و مورث حدود بلاهای فراوان گردید و از جانب اعداء به ظهور علائم ذمّول و انحطاط و بروز آثار ضعف و انحلال تلقی می‌شد، نتوانست از پیشرفت و تقدّم آئین الهی جلوگیری نماید و یا از وحدت و جامعیت آن بکاهد. بلکه بالعکس هبوب عواصف شدید سبب نزول برکات سماویه گردید و حدوث مصائب و فتن علت شمول تأییدات لاریبه شد و موجب تحقّق وعود و بشارت ربّانیه، ارکان و دعائم جامعه تشدید پذیرفت و حزب مظلوم از لوّث نفوس نالایقه تطهیر شد. نطافش توسعه یافت و آثار غلبه و سطوتش نمودار گردید و استحکام قواعد و مبادیش در انظار جهانیان واضح و لائح آمد و مفهوم و حقیقت آن محن و رزایا نزد اهل دانش و یش آشکار گردید و یار و اغیار به اهمیت و ضرورت آن پی بردند و کمتر موردی بود که این قضایای مبرمه الهیه حکمتش از انظار مستور و نتایج بیته خطردهاش از قبل و بعد از افتدّه منیره صافیه مخفی و مکتم باقی مانده باشد.^(۳)

هر بلائی علّی و معنایی و نتیجه‌ای دارد

در چنین حال پُروبالی که اهل عالم پریشان و دانایان امم در چاره آلام جهان حیرانند، اهل بهاء به برکت و هدایت آثار مندسه یقین دارند که این وقایع مُدهشه را هر یک علّی و معنایی و نتیجه‌ای است و کلّ از وسائل ضروریّه استقرار مشیت غالبه الهیه در جهان محسوب. یعنی از یک طرف تازیانه خشم و قهر الهی در کار است تا کاروان گریخته و از هم گسیخته عالم انسانی را خواه و ناخواه به سرمترل مقصود براند و بتازاند. از طرف دیگر مثنی ضعفا را در ظلّ هدایت و عنایت

۱- بیان منسوب به حضرت عبداله، نقل در ص ۲۵۸ *Summon Up Remembrance* اثر مرضیه گیل

۲- بیان حضرت ولی امرالله، عالم بهائی ج ۱۸، ص ۳۷

۳- قرن بدیع، طبع کانادا، ص ۱۵۰

خویش تربیت فرموده تا در این دوره تحوّل و عصیرتکوبین در میان طوفان‌های سهمگین به ساختن حصی حصین که بالمآل منزلگاه و پناه آن قافله گم‌گشته است، همچنان مشغول باشند. لکن، یاران الهی که چنان منظر وسیع و خطیر و دلگشایی در مقابل خویش دارند، البته از آنچه پیش آید، پریشان خاطر نشوند، از نهیب حادثه نهراسند، در هنگام بروز انقلاب در اضطراب و التیاب نیفتند و آنی از وظائف مقدّسه خویش باز نمانند.^(۱)

هر بلیّه‌ای حکمتی دارد

اما یقین تام و اطمینان تمام دارم و آنی ادنی ترزلی در عقیده راسخ من راه نیافته که هر آنچه در امر الهی پیش آید، هر قدر تأثیرات آنی آن نگران‌کننده و اضطراب‌آور باشد، مشحون از حکم بالغه لایحیه است و نهایتاً به ترویج مصالح امریه در عالم منتج خواهد شد. مسلماً تجربه‌هایی که از ایام سالنه بعیده و نیز وقایع اخیره داریم، آنقدر کثیر و متنوع است که هرگونه شک و تردید نسبت به حقیقت این اصل اساسی را زائل می‌سازد؛ اصلی که در جمیع فراز و نشیب‌های رسالت مقدّس ما در این عالم ابداً نباید از آن غفلت گردد یا به نسیان سپرده شود. (ترجمه)^(۲)

امتحانات قلوب را برای اقبال به امرالله آماده می‌سازد

این مخاطرات، آلام و فتن صورت ظاهر عنایات است که طریق راهموار می‌سازد و قلوب نفوسی را که با آن مواجه شده استقامت می‌نمایند، برای معرفتی عمیق‌تر و اقبالی سریع‌تر و کامل‌تر به پیام سماوی حضرت بیهاءالله آماده می‌سازد. (ترجمه)^(۳)

مشقّت قلوب انسانی را آماده می‌سازد، و راه را برای اقبال قلبی و عمومی به اصول و معتقدات امر محبوب ما هموار می‌نماید. (ترجمه)^(۴)

احباء نباید از آلام و اوجاعی که چنین رقت‌بار و اسفناک عالم انسانی را مبتلا ساخته مقهور و مایوس گردند. آنها باید بدانند که هرچه آتش پُر حرارت‌تر باشد، فلز انعطاف‌پذیرتر می‌شود. آنها باید امیدوار باشند که از تألمات و اضطرابات فعلی، آینده متولّد می‌شود، آینده پرشکوه و جلال صلح و وحدت در میان ابناء بشر. بدیهی است تنها مشقّت شدید است که با قوت تمام قلوب انسانها را تطهیر خواهد کرد. (ترجمه)^(۵)

- ۱- پیام ۱۰ فوریه ۱۹۸۰ بیت‌العدل اعظم به احبّای ایرانی سراسر عالم، منتخباتی از پیامهای عمومی بیت‌العدل اعظم الهی خطاب به یاران ایرانی، طبع آلمان، ۱۴۲ بدیع، ص ۸۳
- ۲- حضرت ولی امرالله، *Bahá'í Administration*، ص ۲۷
- ۳- حضرت ولی امرالله، *Dawn of a New Day*، ص ۹۱
- ۴- حضرت ولی امرالله، *Dawn of a New Day*، ص ۹۵
- ۵- مکتوب ۲۶ مارس ۱۹۴۲ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء

در تمام شرایط، فتح و ظفر از آن ما است

انچه در عالم واقع شود از برای اولیای حق نور است و از برای اهل شقاق و نفاق نار. اگر ضررهای عالم بر یکی از اولیاء وارد باز ریح با اوست و خسارت از برای مادونش یعنی از برای نفوسی که غافل و جاهل و جاچندند اگرچه گوینده بخیال دیگر گفته ولکن مطابق است با دستگاه حق. توگرو بردی اگر جفت و اگر طاق آید. در هر حال ریح و ثروت و منفعت با دوستان الهی بوده و اولیای حق از نار سردند و از آب خشک. یعنی امورات ایشان غیر از امورات اهل عالم است در هر تجارتی ریح با ایشانست. یشهد بذلک کلّ عاقل بصیر و کلّ منصف سمیع^(۱)

اعداء کاملاً قاصر و ناتوان مانندند

چه بسیار نیرومند بوده‌اند قوایی که در خاموشی تور و قراموشی نامش از داخل و خارج کوشش فراوان کرده‌اند بعضی از نفوس اصولش را زیر پا نهاده راه ارتداد جستند و به امرش خیانت ورزیدند و بعضی دیگر به لعن و تکفیرش چنان پرداختند که هیچ رهبر دینی به تکفیری بالاتر از آن قادر نبود. بالاخره برخی دیگر چنان توهین و تعدیش نمودند که بیش از آن در قوه هیچ سلطان مستبدی نبود. اما چیزی که از دشمنان پنهان و سرسختش ساخته بود متعایش این بود که از سرعت رشدش بکاهد و موقتاً از تعقیب مقاصدش مانع شوند. در عوض کاری که بدست دشمنانش صورت گرفت تطهیر حیاتش و افزودن عمقش و اشتعال روحش و پیرایش مؤسساتش و ببط آنجانش بود و هرگز اهل عدوان نتوانستند که در هیئت وسیع پیروانش شکافی اندازند و تشعبی در آن به وجود آورند.^(۲)

از فتح و ظفر نهایی مطمئن باشید

امر مبارک چون قوت گیرد و دقت و توجه جدی عالم خارج را به خود جذب کند، احباً باید افزایش مشابه، اگر نه شدیدتر از آن را، در قوای مخالف انتظار داشته باشند که، از هر جهت، اعم از مذهبی یا غیرمذهبی، مهاجم گردد و در تضعیف اساس و بنیاد موجودیت آن جد و جهد مبذول دارند. نتیجه غائی چنین مبارزه‌ای، که مطمئناً عظیم و بغایت جسیم خواهد بود، برای آحاد احبّاء واضح و روشن است. امر مبارکی که از ذات الهی نشأت گرفته و با روح مقدس جامع و غالب الهی اش هدایت شده، هر قدر قوایی که باید با آنها مبارزه نماید مستمر، بی‌وقفه و موزیانه باشد، بالمآل مظفر و منصور شده در نهایت انتان تأسیس و تثبیت خواهد شد. یاران باید اطمینان داشته باشند و در نهایت حکمت و اعتدال حرکت و فعالیت نمایند، و باید بالاخص از هر گونه عمل تحریک آمیز اکیداً اجتناب کنند. آینده مطمئناً متعلق به آنهاست. (ترجمه)^(۳)

۱- حضرت بهاء الله - مجموعه بحرانها و پیروزی‌ها تدوین دارالتحقیق بین المللی، فقرة ۷۷

۲- نظم جهانی بهائی، ص ۱۵۲

۳- مکتوب ۲۴ ژوئن ۱۹۳۶ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احبّاء، Compilation، ج ۱، فقرة

۲۸۷، ص ۱۴۸

هر آنچه برای امر مبارک اتفاق بیفتد، آینده درخشان است

هر چند امرالله در عقود و عهود آتیه دچار شدائد و مصائب عظیمه گردد و هر مقدار بر خطرات و انقلابات هائله در مرحله بعدی تکامل جهانی امرالهی یفزاید و حملات و مهاجمات اعدا از هر ناحیه و جهت علیه آئین نازنین تشدید پذیرد و امواج سهمگین مخالفت از هر سو سفینه نجات را احاطه نماید، نزد اهل بیاء، متمسکین بعروه وُنتی که بحقایق الهیه آشنا و بر اهمیت این امور که پیوسته ملازم با بسط و توسعه کلمه الله بوده واقف و مستحضرند و نتایج و آثار جسيمه اش را در اعتلاء شریعت رحمانی بدیده بصیرت احساس کرده اند، این مسأله محقق است که همان قدرت و سطوتی که امرالله را طی یکصد سال تحوّل و تطوّر خویش حفظ نموده و آن را در مسیر ترقی و تعالی سوق داده است، این دُرّ ثمین را پیوسته از تعرضات اهل عدوان محروس و در کنف صون و حمایت خویش مصون و محفوظ نگاه خواهد داشت و موجبات نشو و ارتقاء آن را فراهم و از هر آفت و بیتی حراست و صیانت خواهد نمود. آفاق جدید در مقابل انظار اهل عالم هویدا و فتوحات و انتصارات خیره نصیب پیروان اسم اعظم خواهد گردید تا آن که پیام آسمانی حضرت بهاءالله کاملاً تحقق یابد و صیت عظمت و بزرگواریش بسمع اهل عالم رسد و سیطره محیطه از لیه اش بر جهان و جهانیان واضح و آشکار گردد.^(۱)

هدف از امتحانات:

مواهب الهیه

مواهب الهیه

يَا أَبْنَ الْإِنْسَانِ بِلَانِي عِنَايَتِي ظَاهِرُهُ نَارٌ وَتَقَمُّهُ وَبَاطِنُهُ نُورٌ وَرَحْمَةٌ فَاسْتَبِقْ إِلَيْهِ لِتَكُونَ
وَرَأً أَزْلِيًّا وَرُوحاً قَدَمِيًّا وَهُوَ أَمْرِي فَاعْرِفْهُ (١)

تَنْظُرُ أَحِبَّائَكَ بِلَحْظَاتِ أَعْيُنِ الطَّافِكِ وَلا تُنَزِّلُ لَهُمْ إِلَّا مَا هُوَ خَيْرٌ لَهُمْ بِفَضْلِكَ وَ
وَاجِبِكَ (٢)

يَا مَنْ بِلَاؤِكَ دَوَاءُ الْمُقْرَبِينَ وَسَيْفُكَ رَجَاءُ الْعَاشِقِينَ وَسَهْمُكَ مَحْبُوبُ الْمُشْتَاقِينَ وَقَضَائِكَ
مَلُ الْعَارِفِينَ (٣)

يَا مَنْ ... دَائِكَ شِفَاءُ صُدُورِ الْمُقْبِلِينَ وَبِلَاؤِكَ غَايَةُ مُرَادِ الْمُنْقَطِعِينَ (٤)

يَا مَنْ بِلَاؤِكَ دَوَاءُ صُدُورِ الْمُخْلِصِينَ... (٥)

نعمتهای الهیه مخصوص اصفیاء تو است

إِنَّ الْبَلِيَّةَ فِي حُبِّكَ رَحْمَتَكَ عَلَى خَلْقِكَ وَالرِّزْيَةَ فِي سَيْلِكَ نِعْمَتَكَ لِاصْفِيَائِكَ (٦)

آنچه در سبیل الهی وارد شود محبوب جان است و مقصود روان * سهم مهلک در
سیلش شهیدست فائق و عذابش عذیبت لائق (٧)

قَدْ جَعَلَ اللَّهُ الْبَلَاءَ غَادِيَةً لِهَذِهِ الدَّسْكَرَةِ الْخَضْرَاءِ وَذِبَالَةَ لِمَصْبَاحِهِ الَّذِي بِهِ اشْرَقَتِ الْأَرْضُ
السَّمَاءُ (٨)

مَا أَحْلَى ذِكْرَكَ فِي الشَّدَّةِ وَالْبَلَاءِ وَتَنَائِكَ عِنْدَ هُبُوبِ أَرْيَاحِ الْقَضَاءِ (٩)

شقت را موهبت الهی در پی است

سرو سامان و آسودگی و آزدگی هرچند کام دل و راحت جانست ولی آزدگی و آوارگی در

- کلمات مکتونه عربی، فقرة ٥١، مجموعه الواح طبع مصر، ص ٢٧

- حضرت بهاء الله، مناجاة، ص ١٦١

- حضرت بهاء الله، مناجاة، ص ٩٢

- حضرت بهاء الله، مناجاة، ص ١٤٧

- همان مأخذ

- حضرت بهاء الله، مناجاة، ص ١٤٨

- حضرت بهاء الله، مناجاة، ص ٥٨

- حضرت بهاء الله، لوح شيخ نجفی، ص ١٣

- حضرت بهاء الله، مناجاة، ص ١٢٦

راه خدا به از صد هزار سر و سامان. چه که این غربت و هجرت موهبت از پی دارد و رحمت
پیاپی.^(۱)

گلزار

گفتند از وقایع و حوادث گزنی قدری ملول و محزون و کمی مغموم و مهموم و حال آن که
عاشقان جمال دلبرایی و سرمستان پیمانۀ پیمان از هیچ آفتی افسرده نگردند و از هیچ مشقتی
پژمرده نشوند آتش را گلزار یابند و قعر دریا را پهن دشت هموار.^(۲)

بلا عین عطاست

آنچه واقع شود خیر است زیرا بلا عین عطاست و زحمت، حقیقت رحمت و پریشانی،
جمعیت خاطر است و جانفشانی، موهبت باهر. آنچه واقع شود فضل حضرت یزدانست.^(۳)

۱- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالهاء، ج ۱، صص ۲۷۰-۲۶۹

۲- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالهاء، ج ۱، ص ۲۹۹

۳- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالهاء، ج ۱، ص ۲۳۷

منشأ امتحانات

منشأ امتحانات

نفس

نفس

ای قوم بقوت ملکوتی بر نصرت خود قیام نمائید که شاید ارض از اصنام ظنون و اوهام که فی الحقیقه سبب و علت خسارت و ذلت عباد بیچاره اند پاک و ظاهر گردد. این اصنام حائلند و خلق را از علو و صعود مانع. امید آن که ید اقتدار مدد فرماید و ناس را از ذلت کبری برهاند.^(۱)

ای ذبیح بصر حدید باید و قلب محکم و رِجُلِ نحاس شاید تا بوساوس جنود نفسیه نلغزد.^(۲)

ظلمت نفس

اهریتان در کمینگاهان ایستاده اند آگاه باشید و بروشنایی نام بینا از تیره گیها خود را آزاد نمائید. عالم بین باشید نه خودبین. اهریتان نفوسی هستند که حائل و مانعند ما بین عباد و ارتفاع و ارتقاء مقاماتشان.^(۳)

غرور ما را تنزل می دهد

ان الانسان مرّة یرفعه الخضوع الی سماء العزّة والاقْتدار و آخری ینزله الغرور الی اسفل مقام الذلّة والانکسار^(۴)

قوای ما در اثر امیال ما مستور و مهجور است

انسان را ... مظهر کل اسماء و صفات و مرات کینونت خود قرار فرمود و باین فضل عظیم و مرحمت قدیم خود اختصاص نمود. و لکن این تجلیات صیح هدایت و اشراقات انوار شمس عنایت در حقیقت انسان مستور و محجوبست چنانچه شعله و اشعه و انوار در حقیقت شع و سراج مستور است و تابش درخشش آفتاب جهانتاب در مرایا و بجالی که از زنگ و غبار شئون بشری تیره و مظلم گشته مخفی و مهجور است.^(۵)

خطرات حسد و خشم

ای پسران ارض برستی بدانید قلبی که در آن شائبه حسد باقی باشد البتّه بجزروت باقی

۱- لوح دنیا، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۸۸ ۲- مجموعه اقتدارات، ص ۳۲۸

۳- لوح دنیا، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۸۹

۴- ورق سوم از کلمات فردوسیه، مجموعه اشراقات، صص ۱۱۹-۱۲۰

۵- مجموعه الواح مبارکه طبع مصر، ص ۳۳۹

من در نیاید و از ملکوت تقدیس من روائج قدس نشود.^(۱)

قل الحسد يأكلُ الجسد و الغیظُ یحرقُ الكبِدَ أنِ اجْتَبُوا مِنْهَا كَمَا تَجْتَبُونَ مِنَ الْاَسَدِ^(۲)

کَم مِنْ نَفْسٍ اَقْبَلُوا اِلَى اللّٰهِ وَ دَخَلُوا فِي ظِلِّ كَلِمَةِ اللّٰهِ وَ اسْتَهْرُوا فِي الْاَفَاقِ كَيْبُودَا
الْاَسْخِرِيوْطِي ثُمَّ عِنْدَ مَا اسْتَدَّ الْاِمْتِحَانُ وَ عَظُمَ الْاِفْتِنَانُ زَلَّتْ اَقْدَامُهُمْ عَنِ الصَّرَاطِ وَ رَجَعُوا مِنْ
الْاِقْرَارِ اِلَى الْاِنْكَارِ وَ ارْتَدَوْا مِنْ الْحَبِّ وَ الْوَفَاقِ اِلَى اَشَدِّ النِّفَاقِ فَظَهَرَتْ قُوَّةُ الْاِمْتِحَانِ الَّذِي يَتَزَعَّرُ
مِنْهُ الْاِرْكَانُ

اِنَّ يَهُودَا الْاَسْخِرِيوْطِي كَانَ اَعْظَمَ الْحَوَارِيِّينَ وَ يَدْعُو اِلَى الْمَسِيحِ فَظَنَّ اَنَّ الْمَسِيحَ زَادَتْ
عَوَاطِفُهُ عَلٰى پَطْرُسِ الْحَوَارِي وَ لَمَّا قَالَ لَهُ اَنْتَ پَطْرُسُ وَعَلٰى هَذَا الصَّخْرَةِ ابْنِي كُنَيْسَتِي فَاتَّزَّ هَذَا
الْخَطَابُ وَ التَّخْصِيصُ لِبَطْرُسٍ تَأْتِيْرًا اَوْرَثَ حَسَدًا فِي قَلْبِ يَهُودَا وَ لَاجِلِ هَذَا اَعْرَضَ بَعْدَ مَا اَقْبَلَ وَ
اَنْكَرَ بَعْدَ مَا اَقْرَأَ وَ ابْغَضَ بَعْدَ مَا احَبَّ وَ هَذَا عَاقِبَةُ الْحَسَدِ الَّذِي هُوَ اَعْظَمُ سَبَبٍ لَارْتِدَادِ الْبَشَرِ عَنِ
الصَّرَاطِ الْعَظِيْمِ وَلَكِنْ لَا يَأْسُ فِي هَذَا لِاَنَّهُ هُوَ السَّبَبُ لظُهُورِ ثُبُوتِ الْاٰخِرِيْنَ وَ قِيَامِ النَّفُوسِ الثَّابِتَةِ
الرَّاسِخَةِ كَالْجِبَالِ الرَّاسِيَاتِ عَلٰى حَبِّ النَّوْرِ الْمَبِيْنِ^(۳)

... هوای نفس آتشی است که صد هزار خرمن وجود حکمای دانشمند را سوخته و دریای
علوم و فنونشان این نار مشتعله را مخمود نموده و چه بسیار واقع که نفسی بجمیع صفات حسنه
انسانیه آراسته و بزبور عرفان پیراسته، لکن اتباع هوی شیم مرضیه آن شخص را از هیئت اعتدال
خارج نموده در حیث افراط انداخت؛ نیت خالصه را بنیت فاسده تبدیل نمود؛ و همچنین اخلاق در
مواضع لائقه ظاهر نگشت بلکه بقوت هوی و هوس از مسلک مستقیم نافع منحرف بمتهج غیر
صحيح مضرّ متحوّل گشت. اخلاق حسنه عندالله و عند مقربین درگاهش و نزد اولی الالباب
مقبول و ممدوح ترین امور؛ لکن بشرط آن که مرکز سئو حش عقل و دانش و نقطه استادش اعتدال
حقیقی باشد.^(۴)

ضعف و قصور ما می تواند عامل ابتلائات باشد

تا چه حدی آنها بخشی از امتحانات ذهنی و ابتلائی را تشکیل می دهند که حتی قدر در اوقات
مختلف برای به هیجان آوردن امر مبارکش و اعطاء نیروی جدید به آن مقدر فرموده است، و تا چه
اندازه درک ناقص ما، ضعف و قصور ما می تواند آنها را دربابند و منشأ آنها را یابند؟ (ترجمه)^(۵)

۱- کلمات مکتوبه فارسی، فقرة ۶، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۷۴

۲- لوح طب، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۲۴

۳- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالهاء، ج ۱، صص ۱۶۰-۱۵۹

۴- حضرت عبدالهاء، رساله مدنی، صص ۷۰-۶۹

۵- حضرت ولی امر الله، Bahá'í Administration، ص ۶۰

مع کلّ ذلك. اگر سرنوشت اصفیاء حق. اهل بیاء، باشد که قبل از وصول به مظنّرت نیایی. با مشقّت مواجه شوند و به تضییقات و بلا یا مبتلا گردند، آیا باید معتقد باشیم هر آنچه که برای ما اتفاق می افتد به اراده و مشیت الهی است، و به هیچ وجه نتیجه قلب ضعیفه و غفلت ما نمی باشد؟ (ترجمه) (۱)

زندگی مبارزه‌ای مستمرّنه تنها علیه نیروهایی که ما را احاطه کرده‌اند بلکه علیه "نفس" خود ما نیز می باشد. ما هرگز نمی توانیم به وسایلی که در اختیار داریم متکی و قانع باشیم، زیرا طولی نخواهد کشید که مجدداً خود را در میان سیلاب خواهیم یافت. بسیاری از نفوسی که از امر دور شده‌اند و از آن فاصله گرفته‌اند به این علت بوده که از ترقّی و تقدّم باز مانده و از پیشروی دست کشیده‌اند. آنها مغرور شدند، یا بی تفاوت گشتند، و در نتیجه از کسب طراوت و قوّه روحانی از امر الهی خود را ممنوع نمودند و محروم داشتند. (ترجمه) (۲)

امحاء و ازاله تامّ و تمام نفس بر کمال دلالت می کند، که انسان ابداً قادر نیست به طور کامل به آن نائل گردد، اما نفس اماره را می توان و باید به نحوی دائم التزاید مقهور نفس نورانی انسانی ساخت. این تلویحاً به ترقّی روحانی دلالت دارد. (ترجمه) (۳)

نفس در آثار بیانی فی الحقیقه دارای دو معنی می باشد، یا به دو مفهوم به کار رفته است؛ یکی نفس (۴)، یعنی هویت فرد که توسط خداوند خلق شده است. این نفس در بیاناتی چون "مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ" (۵) و امثال آن ذکر شده است. نفس دیگر عبارت از نفس اماره (۶)، میراث مظلم و حیوانی است که هر یک از ما داریم، که طبیعت پست تری است که می تواند به اهریمن خودخواهی و خودپرستی، ظلم و ستم، شهوت و هوئی و امثال آن تبدیل شود. این نفس، یا این جنبه از ماهیات ما است که ما باید با آن مبارزه کنیم تا روحی را که در درون ما است تقویت ساخته آزاد سازیم و به حصول به مرتبه کمال کمک کنیم. (ترجمه) (۷)

۱- حضرت ولی امرالله، Bahá'í Administration، ص ۶۱

۲- مکتوب ۸ ژانویه ۱۹۴۹ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احبّاء، Lights of Guidance، فقره ۲۸۸

۳- ۱۴ دسامبر ۱۹۴۱ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احبّاء، Compilation، ج ۲، شماره ۱۲۹۵

self-۴

۵- برای ملاحظه شرح مربوط به آن به مجموعه الواح مبارکه، طبع مصر، صفحه ۳۴۶ به بعد مراجعه کنید - م

ego-۶

۷- ۱۰ دسامبر ۱۹۴۷ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احبّاء، Compilation، ج ۲، فقره ۱۳۱۸

از غرور روشنفکرانه بر حذر باشید

بیت‌العدل اعظم معتقدند که محققین بهائی باید از وسوسه‌های غرور روشنفکرانه بر حذر باشند. حضرت عبدالبنیاء احبّای غرب را هشدار داده‌اند که در معرض امتحانات فکری قرار خواهند گرفت، و حضرت ولی امرالله این هشدار را به آنها یادآوری فرمودند. وجوه بسیاری از تفکر غربی در اذهان عامه، به مقام اصل مسلم و قطعی ارتقاء یافته، که کاملاً امکان دارد زمان خطا بودن یا حد اقل صرفاً درست بودن نسبی آن را ثابت کند. هر فرد بهائی که در محافل علمی به جایگاه رفیعی ارتقاء می‌یابد در معرض تأثیر قوی چنین طرز تفکری قرار خواهد گرفت. (ترجمه)^(۱)

۱- مکتوب ۲۷ مارس ۱۹۸۳ از طرف بیت‌العدل اعظم به یکی از احبّاء

منشأ امتحانات

یکدیگر

یکدیگر

ای پسر من صحبت اشرار غم بیفزاید و مصاحبت ابرار زنگ دل بزدايد. مَنْ أَرَادَ أَنْ يَأْتِيَ مَعَ اللَّهِ فَلْيَأْتِ مَعَ أَحِبَّائِهِ وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ فَلْيَسْمَعْ كَلِمَاتِ أَصْفِيَاءِهِ^(۱)

مکرر وصیت نموده و می‌نمائیم دوستان را که از آنچه رائحه فساد استشمام می‌شود اجتناب نمایند بل فرار اختیار کنند. عالم منقلب است و افکار عید مختلف.^(۲)

زینهار ای پسر خاک با اشرار الفت مگیر و مؤانست بجو که مجالست اشرار نور جان را بنار حُسیان تبدیل نماید.^(۳)

فساد و نزاع ضَرَّ عَظِيمٍ برای امر مبارک است

حقّ شاهد و گواه است که ضَرِّی از برای این امر الیوم اعظم از فساد و نزاع و جدال و کدورت و بی‌روت مابین احباب نبوده و نیست. اجتنبوا بقدره الله و سلطانه ثمّ الفوا بین القلوب باسمه المؤلف العليم الحكيم.^(۴)

احدی حاکم بر ارواح ما نیست

فلا یجبّکم عمل الذین کفروا انهم وکلوا علی اجسادکم و ما جعل الله علیهم من سلطان علی انفسکم و ارواحکم و اقتدکم^(۵)

بیدار باشید، هوشیار باشید

هر روزی نفسی عَلم خلاف برافرازد و در میدان شبهات بتازد و هر ساعتی افعی می‌دهان بگشاید و سمّ قاتل منتشر نماید. احبای الهی در نهایت صدق و صفا و بی‌خبر از این حقد و جفا ماران بسیار نرم و پرمدارا و در نهایت وسوسه و دسیسه و حيله و خداع بیدار باشید، هشیار باشید. المؤمن فطین و زکیّ و الموقن قویّ و متین. دَقَّتْ نماید. اتقوا من فراسة المؤمن انه ينظر بنور الله. مبادا کسی سرّاً رخنه‌ئی کند و فتنه‌ئی اندازد. حصن حصین را سپاه رشید باشید و قصر مشید را لشکر شجاع. بسیار مواظب باشید و شب و روز مراقب گردید تا معتفی صدمه‌ئی نزنند. لوح ملاح القدس را بخوانید تا بحقیقت پی برید و ملاحظه نمائید که جمال مبارک و قایع آتیه را از پیش

۱- کلمات مکتونه فارسی، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۹۰

۲- لوح دنیا، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۹۷

۳- کلمات مکتونه فارسی، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۹۰

۴- مجموعه اقتدارات، ص ۲۲۲

۵- منتخبات آیات از آثار حضرت تنظّه اولی، ص ۱۱۳

بتمامه خبر دادند. ان فی ذلك لعبرة للمتبصرین و میوهة للمخلصین.^(۱)

دیگران می توانند باعث ارتقاء یا انحطاط روح ما شوند

نفسی هستند که با آنها معاشرت و مکالمه می‌کنیم و بیان آنها حیات بخش و سرور آفرین است. نفوس پژمرده و افسرده را طراوت بخشد، مغموم را مسرور کند، خاموش را روشنی عنایت کند و مرده را به نشانی روح القدس حیات جدید بخشد. نفسی که در بحر شک و تردید منہمک است با سفینه حیات بخش یقین و اطمینان نجات یابد. کسی که به عالم مادی متشبث است منقطع شود و کسی که مستغرق در اعمال و افعال غیر ممدوحه است، مزین به سجایای ممدوحه می‌گردد. از طرف دیگر، بعضی نفوس هستند که نفس آنها نور ایمان را خاموش می‌کند؛ تکلم با او ثبات و استقامت در امرالله را تضعیف می‌سازد؛ مؤانست با او توجه فرد را از ملکوت ابهی منحرف می‌نماید. (ترجمه)^(۲)

احدی نمی تواند نفسی را از مکان مقدّرش محروم سازد

هدف هر فردی باید فقط کسب رضای الهی باشد. وقتی خداوند نفسی را به مقامی رفیع فرا می‌خواند، به این علت است که آن شخص دارای قابلیت و استعداد وصول به این مقام به عنوان یک موهبت الهی است، و به این سبب که نفس مزبور خود را تسلیم نموده تا در خدمت حق قرار گیرد. حقد و حسد، تهمت و افتراء، دسیسه و توطئه، هیچیک ابدأ نخواهد توانست خداوند را وادار کند آن نفس را از مکانی که برای مقدر فرموده محروم سازد، چه که به فضل الهی، چنین اقداماتی از سوی آحاد بشر عبارت از امتحان برای آن بنده مقرب است، که قوه او را، تحمل و بردباری اش را، و خلوصش در شرایط مشقت و سختی را مورد آزمایش قرار می‌دهد. در عین حال، کسانی که حقد و حسد و امثال آن را نسبت به بنده‌ای نشان می‌دهند، خود را از مقام و موقف خویش محروم می‌کنند نه شخص دیگری را از مقام خود، چه که آنها نه تنها با اعمال و افعال خود ثابت می‌کنند که ارزش آن را ندارند که برای مقامی که برایشان مقدر شده فرا خوانده شوند، بلکه بر این نکته نیز صحه می‌گذارند که در اولین امتحان دچار لغزش می‌شوند، یعنی از موقفیت همسایه خود که مسرت خداوند را نیز در پی داشته، نمی‌توانند مسرور شوند. تنها با چنین مسرتی قلبی و حقیقی است که موهبت الهی می‌تواند بر قلبی پاک نازل شود. حسادت ابواب فضل و فیض الهی را مسدود می‌سازد، و حقد شخص را از وصول به ملکوت ابهی ممنوع می‌دارد.

معاذالله! احدی نمی‌تواند نفسی را از مقامی که بحق به او تعلق دارد محروم سازد، این مقام تنها در صورت عدم تمایل شخص یا قصور در اجرای اراده الهی، یا با استفاده از امر الهی در جهت تأمین رضایت یا جاه‌طلبی خود از دست می‌رود.

۱- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبداله، ج ۱، ص ۲۰۴

۲- کلام منسوب به حضرت عبداله، از دفتر خاطرات احمد سهراب، نجم باختر، مجلد ۸، شماره ۶، ص ۶

احدی به جز نفسی منتطع یا قلبی خیال‌ص و پاک، جوابی از خداوند نمی‌گیرد. با اعانت به بنده‌ای دیگر برای حصول موفقیت در امر الهی، شخص فی الحقیقه اساس موفقیت و اجابت آمالش را می‌گذارد.

جاه‌طلبی‌ها در ساحت الهی موجب نفرت و بیزاری است.

چقدر تأسف آور است! برخی حتی از امور امریه و فعالیت‌های آن استفاده می‌کنند تا در خصوص آنچه که کینه‌های شخصی، یا بی‌حرمتی‌های تصویری محسوب می‌شود با دخالت در کارهای شخص دیگر، یا طلب شکست و ناکامی او، از وی انتقام بگیرند. اگر آنها پی به حقیقت ببرند، چنین نحوه رفتاری فقط موجب از بین رفتن توفیق خودشان می‌گردد. (ترجمه)^(۱)

قوة تباہ کنندگی تعصب جنسی

اما تعصب جنسی که قریب یک قرن در عروق و شراین مردم امریک نفوذ نموده و ارکان و جوارح اجتماع را است و متزلزل ساخته فی الحقیقه مهم‌ترین مسأله حیاتی است که جامعه بهائی در مرحله کتونی ترقی و تکامل خویش با آن مواجه است. این امر خطیر که باران امریک نسبت به حل رضایت بخش آن هنوز توفیق کامل حاصل نموده‌اند بدرجه‌ای حائز اهمیت است که فوق آن قابل تصور نه و بهمین لحاظ مستلزم آن است که نسبت بدان اهتمام بلیغ مبذول و استقامت و پایداری و شهامت و فداکاری و حسن تدبیر و همدردی و توجه و هشاری و غیر معمول گردد.^(۲)

هر یک از ما می‌توانیم بزرگترین امتحان یکدیگر باشیم

شاید بزرگترین امتحانی که اهل بیاء همواره در معرض آن قرار دارند، در رابطه با یکدیگر باشد. اما به خاطر حضرت عبدالیاء، آنان باید همیشه آماده باشند از عیوب و خطاهای یکدیگر چشم‌پوشی کنند و از کلمات تند و درشتی که ادا کرده‌اند پوزش طلبند، بیخشند و فراموش کنند. این است نحوه عملی که هیکل مبارک قویاً توصیه می‌فرمایند که شما انجام دهید.^(۳) (ترجمه)

شما نباید اجازه دهید آنچه که بهائیان می‌گویند شما را آزار دهد یا افسرده کند، بلکه باید شخصیت‌ها را فراموش کنید و با تمام وجود قیام به تبلیغ امرالله نمایید. حضرت بیاءالله اشتغال به کار را برای همه ما واجب فرموده‌اند. احدی نباید از شغلی که دارد شرمند باشد. (ترجمه)^(۴)

۱- منسوب بحضرت عبدالیاء، در جواب سؤالات دکتر ادوارد گسینگر، نجم باختر، مجلد ۸، شماره ۲، ص ۲۵

۲- ظهور عدل الهی، ص ۶۹

۳- مکتوب ۱۸ فوریه ۱۹۴۵ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء، انوار هدایت، شماره ۲۰۲۷

۴- مکتوب ۱۵ اوت ۱۹۵۷ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء، *Unfolding Destiny*، ص ۶۶۲

ما به علت اعتقاد به حقیقتِ مربوط به این یومِ یفائی هستیم نه به علت امیدهایی که برای عبور راحت‌تر و آسوده‌تر از مشکلات این جهان در خود می‌پرورانیم! امتحانات ما غالباً از ناحیهٔ یکدیگر است؛ اما به خاطر حضرت بیهاء‌الله ما باید در کمال بردباری آنها را تحمل کنیم و فوق آنها حرکت نماییم. (ترجمه) (۱)

احباء باید در عرفان و درک میثاق حضرت بیهاء‌الله و عهد و پیمان حضرت عبدالبنیاء عمیق شوند. این حصن حصین شریعت‌الله برای هر فرد یفائی و آن چیزی است که او را به ثبات و استقامت در هر امتحانی و در مقابل حملات اعداء خارج از امر و به مراتب خطرناکتر از آن، نفوس مودی و ست عنصر داخل امر قادر می‌سازد. این نفوس مودیه تمسک واقعی به میثاق الهی ندارند و در نتیجه جنبهٔ عقلی تعالیم را تأیید نموده در عین حال اساس روحانی آن را که کل امر الهی بر آن مؤسس است تضعیف می‌کنند. (ترجمه) (۲)

به احباء به عنوان میزان و معیار نگاه نکنید

در هیچ شرایطی نباید احساس یأس و افسردگی نماید و اجازه دهید چنین مشکلاتی (مسائل جامعه)، حتی اگر منبعث از سوء رفتار و سلوک باشد، یا فقدان قابلیت و ینش بعضی از اعضاء جامعه، در ایمان شما و وفاداری اساسی به امر مبارک تزلزلی ایجاد کند. مطمئناً، احباء، هر قدر که واجد شرایط لازمه باشند، اعم از مبلغین یا خادمین در امور اداری، و هر قدر که شایستگی‌های فکری و روحانی آنها بالا باشد، ابتدا نباید به عنوان معیار و میزانی ملاحظه شوند که با استفاده از آن اقتدار الهیه و رسالت امر مبارک مورد سنجش قرار گیرد. بلکه نفس تعالیم مبارک و حیات شارعین امرالله است که احباء باید برای کسب هدایت و الهام به آن ناظر باشند، و تنها با تمسک تام به چنین نگرشی آنها می‌توانند امیدوار باشند و وفاداری خود به حضرت بیهاء‌الله را بر اساس و مبنایی پایدار و قطعی مبتنی سازند. (۳)

رنج کشیدن بیگناهان

بیت‌العدل اعظم مکتوب شما را که در طی آن نسبت به وضعیت اسف‌انگیز نوزادان و اطفالی که در ید افراد استثمارگر و بیماران روانی رنج می‌برند ابراز اضطراب و تشویش نموده بودید، دریافت کردند و هدایت فرمودند که جواب زیر برای شما ارسال گردد.

در این عالم وجود، بسیاری از موارد بی‌عدالتی وجود دارد که ذهن بشر قادر نیست به عمق آن پی ببرد. از آن جمله می‌توان به مصائب و بلاهای دلخراش و سوزناک نفوس بی‌گناه اشاره کرد. مسلماً، حتی نفس انبیاء الهی نیز در هر عصری سهمی از ابتلائات غم‌انگیز را تحمل کرده و از این بلاهای نصیبی برده‌اند. معیناً، علیرغم شواهدی دال بر جمیع این آلام و اوجاع، مظاهر ظهور الهی،

۱- مکتوب ۵ آوریل ۱۹۵۰ از طرف حضرت ولی امرالله

۲- مکتوب محرّره از طرف حضرت ولی امرالله، *Lights of Divine Guidance* ج ۲، ص ۸۴

۳- مکتوب محرّره از طرف حضرت ولی امرالله، انوار هدایت، فقره ۲۷۵

که حیات و حکمت آنها نشان می دهد در تک و درایت آنها به مراتب اعلی و اعظم از آحاد بشر است، جمیع متحداً متفقاً بر عدالت، محبت و رحمت الهی شهادت داده اند.

با توجه به اهمیت روحانی رنجهای اطفال "که در ید ظالمین مبتلایند"، حضرت عبدالبهاء نه تنها بیان می فرماید که برای این نفوس "مصائب و بلاهایی که در زندگی تحمل می کنند سبب نزول فیض و رحمت الهی و عنایات سبحانی جهت ایشان است"، بلکه توضیح می فرماید که مهبط رحمت الهی بودن "بر صد هزار آسودگی و راحت دنیوی ترجیح دارد" و وعده می دهند که "در عالم بعد، مکافات عظیم در انتظار چنین نفوسی است." لذا:

و اما در خصوص مسأله اطفال صغیر و ضعفا و نفوس بی پناهی که در ید ظالمین مبتلایند؛ در آن حکمتی عظیم مکنون و مستور. این مسأله از مهم امور است، اما به اختصار می توان مذکور داشت که در عالم بعد، مکافات عظیم در انتظار چنین نفوسی است. در این خصوص مسلماً مطالب بسیاری می توان بیان کرد، که چگونه مصائب و بلاهایی که در زندگی تحمل می کنند سبب نزول فیض و رحمت الهی و عنایات سبحانی برای آنها است که بر صد هزار آسودگی و راحت و دنیایی از رشد و توسعه در این عالم فانی ترجیح دارد...^(۱)

استفسار کرده اید که چرا برخی از نفوس، بالاخص کسانی که والدینی بامحبت دارند، به نظر می رسد مورد لطف و عنایت الهی هستند، در حالی که نفوسی که در خانواده ای ولادت یافته اند که والدینشان دارای سوء رفتار هستند و اطفال را طرد و دفع می کنند، مقدر است عمری سراسر رنج و عذاب را تحمل کنند، زیرا اطفالی که در جزوی چنین مخرب رشد می کنند بسیار محتمل است که چون به سن بزرگسالی رسند بر اثر اقدام والدین خود حرکت کرده با اطفال خویش سلوک مناسبی نداشته باشند و به این ترتیب دور خشونت را تکرار کنند و به این وسیله رابطه خود با خداوند را بیش از پیش در مخاطره اندازند. بدیهی است، تنها خداوند قادر است از حالت حقیقی هر نفسی آگاهی داشته باشد. لذا، وقوف بر این نکته حائز اهمیت است که خداوند به فضل و جود خویش به هر یک از مخلوقات خود، هر قدر که حقیر باشند، تجلی فرموده و "در هر شیئی اثر و ثمری علی قدر مقدور ظاهر." ^(۲) شبیه حکایتی که بر سبیل مثال در خصوص استعدادها (در انجیل متی، باب ۲۵، آیت ۳۰-۱۴) آمده، حضرت بهاءالله در یکی از الواح مبارکه خود ^(۳) توجه را به نیاز به بذل مساعی جهت توسعه استعدادهای مکتونه موهوبه الهی و ظاهر و باهر کردن آنها، معطوف می فرماید:

قُدِّرَ لِكُلِّ نَفْسٍ مَقَادِيرُ الْأَمْرِ عَلَى مَا رُؤِمَ فِي الْوَاحِ عَزَّ مَحْفُوظٌ. وَلَكِنْ يَظْهَرُ كَلَّ ذَلِكَ
يَارَادَاتِ أَنْفُسِكُمْ كَمَا أَنْتُمْ فِي أَعْمَالِكُمْ تَشْهَدُونَ.

آیا این دلیلی بر عدالت الهی نیست که هر یک از ما، صرف نظر از سابقه خانوادگی خود، بر حسب مساعی مبذوله برای استفاده از فرصتهایی که در زندگی داشته ایم، قادر بوده ایم

۱- تمام بیانات حضرت عبدالبهاء که در این دستخط مورد استناد واقع شده، ترجمه شده است - م

۲- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۲۵

۳- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، فقرة ۷۷، ص ۱۰۱

استعدادهای موهوبه را، اعم از بزرگ یا ناچیز، بی‌بند داده مورد استفاده قرار دهیم؟ حضرت بهاء‌الله به ما اطمینان می‌دهند که، نکل نصیب عند ربک. (۱)

آلام و بلاها که توسط خداوند برای امتحان و تکامل بندگان نازل می‌شود، جزء لاینفک حیات هستند. آنها دارای قوای مکنونه‌ای برای اعتلاء یا انحطاط انسان هستند که به عکس العمل فرد بستگی دارد. حضرت عبدالبهاء توضیح می‌فرماید:

نشوسی که در معرض امتحانات الهیه واقع می‌شوند مظیر فیوضات عظیمه و مواهب وفیره می‌گردند؛ چه که امتحانات سماویه سبب می‌شوند بعضی از نفوس بکلی از حیات عاری شوند، اما نفوس مقدسه را به اعلی مراتب محبت و استقامت اعتلاء می‌بخشند. (۲)

بعلاوه ما با مطالعه آثار بهائی بر این موضوع واقفیم که "روح در رتبه خود قائم و مستقر است و اینکه در مریض ضعف مشاهده می‌شود... در اصل ضعف بروح راجع نه،" (۳) و نه تنها "بعد از خروج از این عالم فانی" (۴) به حیات خود ادامه می‌دهد، بلکه "بصرف فضل و موهبت ربانی" (۵) اعتلاء و ارتقاء می‌یابد. لذا، در ارزیابی وجود و دستاوردهای مادی انسان، نمی‌توان از پیشرفت بالقوه روحانی منبث از میل فرد به ظهور و بروز سجایای الهیه و عکس العمل او به ضرورت‌های حیاتش غافل شد، و نمی‌توان امکان تأثیر رحمت الهی در خصوص جبران آلام و رنجهای دنیای خاکی در عالم بعد را از نظر دور داشت. (ترجمه) (۶)

۱- مائده آسمانی ج ۱، (نشر اول) صفحه ۶۹ (باب بیستم)

۲- ترجمه بیان حضرت عبدالبهاء مندرج در صفحه ۲۲۴ *Tablets of Abdu'l-Baha*

۳- اقتدارات، ص ۶۹

۴- ترجمه بیان حضرت عبدالبهاء مندرج در *Tablets of Abdu'l-Baha*، ص ۶۴۰

۵- مفاوضات عبدالبهاء، ص ۱۸۱

۶- مکتوب ۲ دسامبر ۱۹۸۵ محوره از طرف بیت‌العدل اعظم به یکی از احبّاء

منشأ امتحانات

عالم و خصوصیات آن

عالم و خصوصیات آن

يَا أَبْنَ الْوَجُودِ لَا تَشْتَبِلْ بِالْأَنْيَابِ لِأَنَّ الْبَالِغَ نَمَحْنُ الذَّهَبَ وَبِالذَّهَبِ نَمَحْنُ الْعِبَادَ^(۱)

يَا أَبْنَ الْبَشَرِ إِنْ أَصَابَتْكَ نِعْمَةٌ لَا تَفْرَحْ بِهَا وَإِنْ تَمَسَّكَ ذَلِكَ لَا تَحْزَنُ مِنْهَا لِأَنَّ كِلْتَيْهِمَا تَزُولَانِ فِي حِينٍ وَتَبِيدَانِ فِي وَقْتٍ^(۲)

امتحان طلا

يَا أَبْنَ الْإِنْسَانِ أَنْتَ تُرِيدُ الذَّهَبَ وَأَنَا أُرِيدُ تَنْزِيهِكَ عَنْهُ وَأَنْتَ عَرَفْتَ غِنَاءَ نَفْسِكَ فِيهِ وَأَنَا عَرَفْتُ الْغِنَاءَ فِي تَقْدِيرِكَ عَنْهُ وَعَمْرِي هَذَا عَلِمِي وَذَلِكَ ظَنُّكَ كَيْفَ يَجْتَمِعُ أَمْرِي مَعَ أَمْرِكَ^(۳)

ای مغروران با اموال فانیه بدانید که غنا سدیست محکم میان طالب و مطلوب و عاشق و معشوق هرگز غنی بر مقرر قرب وارد نشود و بدینته رضا و تسلیم در نیاید. مگر قلیلی * پس نیکوست حال آن غنی که غنا از ملکوت جاودانی منعمش نناید و از دولت ابدی محرومش نگرداند * قسم باسم اعظم که نور آن غنی اهل آسمان را روشنی بخشد چنانچه شمس اهل زمین را^(۴)

در فقر اضطراب نشاید و در غنا اطمینان نباید * هر فقری را غنا در پی و هر غنا را فنا از عقب^(۵)

از آرایش غنا پاک شو و با کمال آسایش در افلاک فقر قدم گذار تا خمر بقا از عین فنا بیاشامی^(۶)

ایم الله در ثروت خوف مستور و خطر مکنون ... ثروت عالم را وفائی نه * آنچه را فنا اخذ نماید و تغییر پذیرد لایق اعتنا نبوده و نیست مگر علی قدر معلوم^(۷)

نگذارید این حیات شما را فریب دهد

بگو ای قوم، مبادا این حیات و جلوه‌های آن شما را فریب دهد. چه که عالم و مافیها کل

۱- کلمات مکنونه عربی، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۸

۲- همان مأخذ

۳- کلمات مکنونه فارسی، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۳۸۹

۴- همان مأخذ، ص ۲۸۷

۵- همان مأخذ، ص ۳۹۰

۶- کتاب عهدی، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۳۹۹

در قبضه اراده الهی است. مواهبش را به هر که بخواهد عنایت می فرماید و از هر که اراده کند اخذ می کند. یفعل مایشاء و یحکم ما یرید است. اگر عالم را نزد او ارزشی بود، ابدأً اجازه نمی داد اعداء بقدر خردلی از آن را تملک نمایند. اما او شما را در ازاء آنچه که به ید شما در امر الهی صورت گرفته، به امور دنیوی مربوط و مشغول ساخته است. تردیدی نیست که این مجازاتی است که شما به اراده خود، خویشان را به آن مبتلا ساخته اید، اگر بتوانید درک کنید. آیا از آنچه که عندالله حقیر و فاقد ارزش است و راز قلوب مرئیین را به آن مکشوف می سازد، مسرت می یابید؟ (ترجمه)^(۱)

لو أردت بعد خیراً تمحو من حول فواده کل ذکر و شأن الا ذکرک وحده و این أردت بعد بما کسبت یدیه بین یدیک بغیر الحق شراً تفتنه بآلاء الدنیا و الآخرة لیشغل بها و ینسی ذکرک...^(۲)

این عالم فقط مورث یأس و خسران است

هر نفسی را فکری و مقصدی، شب و روز در تحصیل مقصود می کوشد. یکی نهایت آرزوش ثروت است و دیگری عزت است و دیگری شهرت است و دیگری صنعت است و دیگری تجارت است و امثال اینها. لکن عاقبت کل خائب و خاسر گردند. جمیع این امور را بگذارند و مع صفرا لید بجهان دیگر شتابند، همه زحمات بیاد رود، برهنه و افسرده و پژمرده و مایوس زیر خاک روند.^(۳)

... تبا و تعسا لنفس تطلب راحتها و نعمتها و ثروتها و غناها مع غفلته عن ذکرالله^(۴)

رنجها و آلام منبعث از مادیات است

ثروت عالم و سوسه انگیز و جذاب است. چشم قربانیان مسحور شده اش را با ظواهر فریبنده اش متحیر سازد و آنها را به لبه ورطه های وسیع کشاند. ثروت سبب شود انسان خود محور گردد به خود مشغول شود، از خدا و امور قدسیه مبارکه غفلت کند. (ترجمه)^(۵)

قوة مخزبه مادی گرایی

... مسألة دیگر ... تمسک نفوس به فلسفه مادی صرفه است که در جمیع شئون زندگانی

۱- قرة ۱۰۲ از *Gleanings from the Writings of Baha'u'llah* (اصل این بیان یافت نشده است).

۲- منتخبات آیات از آثار حضرت تقی اولی، ص ۱۳۶

۳- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبداله، ج ۱، ص ۱۹۹

۴- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبداله، ص ۲۳۲

۵- کلام منسوب به حضرت عبداله، دفتر خاطرات احمد سهراب، نجم باختر، مجلد ۸، شماره ۲، ص ۱۹

حکم فرما بوده و برای رفاه و آسایش ظاهری احمیت فوق العاده و دائم التزاید قائل و از حقائق روحانیه که یگانه اساس ثابت و رزین جامعه بشری است عاری و مهجور است. در این مفسده ملت امریک و در حقیقت کلیه ملل تابع سیستم سرمایه داری ولو به نسبت کمتر با دشمن سرسخت آن سیستم و ممالک تحت نفوذ آن سپیم و شریک می باشند. این مفسده همان مادّیتی است که بمثابة سرطان ابتدا در قاره اروپا به وجود آمد و در امریکای شمالی بحدّ اعلی بسط و انتشار یافت و ملل و اقوام آسیا را نیز آلوده و گرفتار ساخت و چنگال های شوم خود را به سواحل قاره افریک متوجه نمود و اکنون به قلب آن قاره حمله ور گردیده است. حضرت بیاء الله به کمال صراحت و تأکید در آثار خود آن را مذموم شمرده و به آتش جیانسوزی تشبیه می فرمایند که علت اصلی نزول بلا یای عظیمه و ظهور بحران های شدید ای است که سبب احتراق مدن و ایجاد وحشت و اضطراب در قلوب کلیه عباد خواهد بود. خرابی و دمار که این آتش خانمانسوز در عالم ایجاد خواهد کرد و ویرانی و انهدامی که دامنگیر مدن و بلاد شرکت کننده در این مخاصمات تأثر انگیز جهانی خواهد گردید نتیجه غفلت از حق و عدم توجه به اندازات صریحه حامل برگزیده پیام الهی در این یوم جلیل است که ناگزیر عالم بشریت باید به کمال تأسف تحمل نماید.^(۱)

موانع عظیمه ای که باید بر آن غلبه کنیم

مادّیت خشک و خشنی که در حال حاضر سرتاسر ملت را فرا گرفته، تعلق به اشیاء دنیوی که نفوس بشری را احاطه نموده، ترس و اضطرابی که افکار را پریشان کرده، لذات و تفریحاتی که اوقات را معطوف به خود ساخته، تعصبات و خصوماتی که آفاق را تیره و تار کرده، لایقیدی و رختی که مشاعر روحانی را فلج ساخته - اینها از جمله موانع عظیمه ای هستند که هر طالب مجاهدی که قصد خدمت در سبیل امر حضرت بیاء الله را دارد با آن مواجه می گردد و برای تجدید حیات و رستخیز هموطنانش باید با آن به مبارزه برخاسته، بر آن غلبه نماید.^(۲)

انحطاط مستمر و موحش شتون اخلاقی که اثرات آن در ازدیاد وحشت انگیز جنایات و فساد روز افزون سیاسی در بین مقامات عالیه و سایر طبقات و سستی علائق و روابط مقدسه ازدواج و میل و اشتیاق مفرط به تفریحات و لذائذ مادّی و خارج شدن تدریجی زمام اختیار اولاد از کف والدین ظاهر و مشهود می باشد، بلاشک و خیم ترین و مشخص ترین وجهه تنزل و انحطاطی است که در مقدرات قاطبه ملت حاصل گردیده است.^(۳)

بغایتیان باید توجه نمایند که متأسفانه مدنیت شدیداً مادّی امروز که کامل ترین مثال و نمونه آن در ایالات متحده به عرصه شهود رسیده، از حدود و ثغور اعتدال تجاوز عظیم نموده و همانطور که حضرت بیاء الله در آثار مبارکه خود خاطر نشان فرموده اند، نفس مدنیت، وقتی که از حد اعتدال خارج

۱- حسن حصین شریعت الله، صص ۴-۱۶۳

۲- همان مأخذ، صص ۱۹۵

۳- همان، صفحه ۱۶۳

شود، به ویرانی و نابودی کشیده می‌شود. (۱) یاران کانادا باید در مقابل این تأثیر و نفوذ مهلک که مستمراً در معرض آن هستند، و می‌توانیم بینیم که قوه اخلاقی نه تنها آمریکا، بلکه مسلماً اروپا و سایر نقاط عالم را که سریعاً در آنها در حال گسترش است، تضعیف می‌نماید، کاملاً مراقب باشند. (ترجمه) (۲)

پس، اهل بیاء باید در نیابت تقدیس و تنزیه سلوک و رفتار نمایند، و از تقلید مذمومه و مراسم و عادات غیرمستحسنة اهل غرب بکلی احتراز و اجتناب نمایند. زهد و تقوی شأن مدعین محبت و نفوس ابرار است، و الا رفته رفته روشنائی فضائل عالم انسانی در هویت قلب خاموش و محو و زائل گردد و ظلمات قبائح و رذائل استیلا یابد و احاطه کند. ادب و وقار سبب عزت و بزرگی انسان است و لپه و لعب و هتاک و بی‌باکی علت پستی و ذلت. در جمیع شئون امتیاز لازم و واجب و الا چه فرقی با دیگران. هر عملی که از شأن و مقام انسان بکاهد باید از او اجتناب و دوری جست. (۳)

دلیل اصلی برای شرور و مفسدی که اکنون جامعه را فرا گرفته، فقدان روحانیت است. تمدن مادی عصر ما، چنان توجه و توان نوع انسان را جذب نموده که دیگر لزومی نمی‌بینند خود را به مراتب و درجاتی اعلی و اشرف از شرایط و قوای زندگی مادی روزانه ارتقاء بخشند. آنچه که، در تفاوت با نیازها و شرایط وجود مادی ما، امور روحانی خوانده می‌شود به حد کافی طالب ندارد.

لذا، علل بحران عمومی که عالم انسانی را مبتلا ساخته، اساساً روحانی است. روح عصر و زمان، به طور کلی، الحاد و لامذهبی است. دیدگاه انسان نسبت به زندگی خام‌تر و مادی‌گرایانه‌تر از آن است که او را به ارتقاء خوش به اعلی مراتب روحانیه قادر و توانا سازد.

دیانت الهی طالب اصلاح و اعتلاء این وضعیت اسفناک است که جامعه بشری به نحوی اسف‌انگیز و فلاکت‌بار در آن سقوط و هیوط نموده است. (ترجمه) (۴)

امروزه شاید نتواند ملت یا امتی را یافت که در وضعی بحرانی به سر نبرد. ماده‌گرایی فقدان دین و ایمان و قوای دنیة متبجه از آنان که در طبیعت انسان به وجود می‌آید، کل عالم را در آستانه احتمالاً اعظم بحرانی که تاکنون با آن مواجه شده یا خواهد شد، قرار داده است. اهل بیاء بخشی از عالم هستند. آنها نیز فشارهای عظیمی را که الیوم بر جمیع نوع بشر، هر کسی و در هر جایی که باشد، وارد می‌شود احساس می‌کنند. (۵)

۱- اشاره به بیان حضرت بهاء الله است که می‌فرمایند، "انّ التمدن الذی یذکره علماء مصر الصّائغ و الفضل لو یتجاوز حد الاعتدال لیراه نتمة علی الناس کذلک یخبرکم الخیر." (منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، ص ۲۲۰)

۲- مکتوب محرّره از طرف حضرت ولی امر الله، Messages to Canada، ص ۶۵

۳- مکتوب ۲۱ ژانویه ۱۹۲۸ از طرف حضرت ولی امر الله به فرامرز فریدون گشتاسب الله آبادی، مجموعه توفیقات مبارکه، ج ۳، ص ۵۶

۴- مکتوب ۸ دسامبر ۱۹۳۵ از طرف حضرت ولی امر الله به یکی از احبّاء، انوار هدایت، شماره ۴۴۹

۵- مکتوب ۱۹ ژوئیه ۱۹۵۶ از طرف حضرت ولی امر الله به محفل ملی آمریکا، انوار هدایت شماره ۴۴۰

ملتی که این چنین مورد تحسین و تمجید حضرت عبدالیهاء واقع گشته و در حال حاضر چنان مقام شامخ فریدی را در میان اقران حائز است، مع الاسف باید با ابتلائات و موانع عدیده متنوعه روبرو گردد. راه وصول به سرمزل تقدیر طولانی. مملو از خار و خشاک و پُریچ و خم بوده و تصادم قوای مختلفه بر پیکر و طرز حکومت آن ملت عظیم است. بلا یای شدید بی سابقه ای که غرض از آن تصفیه مؤسسات و تطهیر قلوب افراد ملت و ذوب و امتزاج عناصر مرکبه آن بوده و باید آن ملت را با سایر ملل در دو نیمکره شرق و غرب پیوند داده و در هیکل واحد جمع نماید، اجتناب ناپذیر است.^(۱)

ملت آمریکا... آتیه نزدیکش از هر نقطه نظر با خطر شدید مواجه است. بلا یا و رزایابی که این ملت را تهدید می کند بعضی قابل اجتناب بوده ولی اکثر حتمی الوقوع و مین جانب الله است. بدیهی است دولت و ملتی که شدیداً پای بند اصول و عقاید کهنه و متروک استقلال و حاکمیت مطلقه بوده و روش سیاسیش مغایر مقتضیات عالم کنونی یعنی عالمی است که ممالک و دیارش به هم نزدیک شده و حکم همسایه و همجواری حاصل کرده و تشنه وحدت است، چنین ملت و دولتی در اثر این بلا یا و رزایا از لوث عقاید و افکار ناموافق پاک و مطهر خواهد گشت و به مفاد و عود حضرت عبدالیهاء حاضر و مهیا خواهد شد که در ارتفاع لوای صلح اصغر و اتحاد بشر و استقرار حکومت متحده جهانی در سراسر بیست و غبراء سهم مهمی را ادا نماید. آتش این مصائب و بلا یا نه فقط ملت امریک را با سایر ملل عالم در شرق و غرب متصل و مرتبط خواهد نمود بلکه در اثر قوه تطهیر به اش آن ملت را از اوساخ و آلودگی های متراکمه که در نسلهای متوالیه در نتیجه تعصبات نژادی و شیوع مادیات و توسعه لامذهبی و سستی مبانی اخلاق به وجود آمده منزّه و میرزا خواهد ساخت. این آلودگی ها تاکنون مانع از آن بوده که ملت امریک مقام اولویت روحانی جهانی را که حضرت عبدالیهاء صریحاً بدان وعده فرموده اند احراز نماید، مقامی که تحصیل آن جز با تحمل رنج و الم مقدور و میسر نخواهد بود.^(۲)

مبادا از عالم تأثیر پذیرید

در این ایام فقدان روحانیت در نفوس انسانی چنان ملحوظ و مشهود که احبای الهی باید با هشیاری کامل خود را از هجوم امواج الحاد و ماده پرستی که اهل عالم را احاطه نموده، حفظ و صیانت نمایند. سوء ظن و تردید، بدبینی، کفر، فساد و تدنی اخلاق و خست و فساد، چنان رایج و شایع که باران رحمانی در عین نفی و ضدیت با آن، باید مراقب باشند مبادا سهواً از این جو کنونی تأثیر یابند. (ترجمه)^(۳)

هیکل مبارک کاملاً درک می کنند که احبای گاهی اوقات، همانطور که شما مطرح کرده اید، ممکن است احساس "خلاء روحانی" نمایند، زیرا وضعیت عالم امروزه به نحوی است که مانند خروج

۲- حصن حصین شریعت الله، ص ۱۶۶

۱- حصن حصین شریعت الله، ص ۴۵

۳- مکتوب ۹ مارس ۱۹۴۵ از طرف حضرت ولی امر الله به یکی از احبای، انوار هدایت، شماره ۱۸۴۲

برگشتی منفی عظیمی است که سعی دارد هر چیزی را بجز آنچه که از همه قوی تر و ریشه اش مستحکم تر است، در هم بکوبد. یاران باید آن را درک کنند و به یکدیگر نزدیک شوند و آگاه باشند که یک عائله روحانی را تشکیل می دهند که عندالله، به مراتب از نفوسی که علتهای خونی دارند، به یکدیگر نزدیکترند.

هیكل مبارك برای شما دعا خواهند کرد تا بتوانید احبباء را به مساعی آگاهانه تر جهت حصول وحدت جلب نمایید، و آنها را الهام بخشید تا در یکدیگر همان را مشاهده کنند که حضرت مولی الوری میل داشتند، نه آن که آنچه که شخصیت های نابردبارشان مستعداً مشاهده است، یعنی نقائص و معایب را!! (ترجمه)^(۱)

ظلمت اجتماع

در سایر اقالیم، مانند ممالک اروپای غربی، احببای باوفا، یا وجود بی تفاوتی گسترده، رضایت خاطر مادی، بدبینی و انحطاط اخلاقی، باید جهت ابلاغ پیام جد و جهد شدید مبذول دارند. (ترجمه)^(۲)

... نباید فراموش کرد که هنوز کاملاً از گذرگاه های تاریک عصر تحوّل و انتقال نگذشته ایم و راهی طولانی و لغزنده و پر پیچ و خم در پیش داریم، چه که کفر و الحاد متداول و ماده پرستی (ماتریالیسم) شایع و رایج است. ملیت پرستی (ناسیونالیسم) و نژاد پرستی هنوز و سوسه در افکار و قلوب مردم می افکند و جامعه انسانی از راه حل های روحانی و معنوی برای حلّ مشکلات اقتصادی غافل است. این اوضاع و احوال، جامعه بهائی را به مجاهدت و مبارزاتی مخصوص فرا می خواند، چه که وقت تنگ است و اقدام عاجل، لازم و واجب.^(۳)

یکی از علائم جامعه ای منحط، علامتی که در جهان امروز بسیار واضح و بدیهی است، تعلقی پرهیجان و پرحرارت به لذات و تفریحات، اشتیاقی سیری ناپذیر به وسایل سرگرمی، شیفتگی تعصب آمیز نسبت به بازی ها و ورزش، اکراه از توجه و مبادرت جدی به امری از امور، و نگرشی ملامت بار و تمسخر آمیز نسبت به فضیلت و ارزش خالص و ناب می باشد. ترک رفتار سبک سرانه و توأم با الهو لعب^۴ بر آن دلالت ندارد که فردی بهائی باید ترشروی و عبوس یا همیشه سنگین و موقر باشد. بذله گویی، سرور و شادمانی از جمله خصوصیات یک حیات واقعی بهائی است. سبک سری حالتی خسته کننده می شود و نهایتاً به وضعیتی کسالت آور و بی محتوا منجر می شود، اما مسرت و شادمانی واقعی و بذله گویی که بخشی از حیاتی متعادل هستند که شامل تفکر جدی، محبت، و بندگی خاضعانه خداوند می شود، خصوصیتی هستند که زندگی را غنی می سازند و بر روشنی و درخشش آن می افزاید. انتخاب لغات توسط حضرت ولی امرالله همیشه

۱- مکتوب ۸ مه ۱۹۴۸ از طرف حضرت ولی امرالله

۲- پیام نوروز ۱۹۷۹ بیت العدل اعظم

۳- پیام رضوان ۱۹۹۰ بیت العدل اعظم

پُر معنی و قابل ملاحظه بود، و هر یک از آنها در دیرک هدایات هیکل مبارک اهمیتی بسزا دارد. هیکل مبارک در این بیان خاص از توقیع ظهور عدل النبی (صفحة ۳۰ انگلیسی)^(۱)، لذات "سطحی و جزئی" را منع نمی فرماید، بلکه علیه "تمسک مفرطه" به آنها انذار می کنند و خاطر نشان می سازند که آنها غالباً ممکن است "به انحراف کشیده شوند." در اینجا یادآوری می فرمایند که حضرت عبدالبنیاء انذار فرمودند ما نباید اجازه دهیم که سرگرمی و تفریح موجب اتلاف وقت گردد. (ترجمه)^(۲)

۱- توضیح مترجم: مقصود بیان مذکور در صفحه ۶۲ ترجمه فارسی توقیع مبارک است. "این تقدیس و تزیه با شئون و مقتضیات آن از عفت و عصمت و پاکی و طهارت و اصالت و تجابت مستلزم حفظ اعتدال در جمیع مراتب و احوال از وضع پوشش و لباس و ادای الفاظ و کلمات و استفاده از ملکات و قرائح هنری و ادبی است همچنین توجیه و مراقبت تام در احتراز از مشتهیات نفسانیه و ترک أهواء و تمایلات سخیفه و عادات و تفریحات رذیله مفرطه ایست که از مقام بلند انسان بکاهد و از اوج عزت به حقیض ذلت متازل سازد..."

۲- مکتوب ۸ مه ۱۹۷۹ از طرف بیت العدل اعظم به یکی از احباء. *Compilation*. ج ۱، شماره ۱۲۸

منشأ امتحانات

ایذاء و آزار احببای الهی

ایذا و آزار اجبای الهی

فاعلموا بأنَّ البلیا و المحن لم یزل کانت موکلة لاصفاء الله و اجبائه ثم لعباده المنقطعین الذین لا تلهمهم التجارة و لا یبع عن ذکر الله و لا یسبقونه بالتقول و هم بامرہ لمن العاملین کذلک جرت سنة الله من قبل و یجری من بعد^(۱)

فو عزتک لا یصبحون احبائک الا و یزون کأس البلاء فی مقابلة و جوههم بما آمنوا بک و بآیاتک و لو انی أعلم بانک أرحمُ بهم من انفسهم و ما ابتلیتہم الا لإظهار أمرک و ارتقایہم الی جبروت البقاء فی جوارک و لکن أنت تعلم بأنَّ ینہم ضعفاء یجزعون من البلیا أسئلک یا الهی بأن توفقہم علی الإصطبار فی حُبک ثم أشهدہم ما قدرت لهم خلف سُرادی عصمتک لِیسرعنَّ الی القضاء فی سبیلک و یستقنَّ البلاء فی حُبک^(۲)

در جمیع اعصار ابرار هدف تیر بلا بودند

در جمیع قرون و اعصار ابرار هدف تیر بلا بودند و مقتول سیف جفا؛ گاهی جام بلا نوشیدند و گهی سم جفا چشیدند و دمی آسایش و راحت ندیدند و نفسی در بستر عافیت نیار میدند بلکه عقوبت شدید دیدند و بار محنت هرزید کشیدند و در سجن و زندان دل از جهان و جهانیان بریدند ...

خلاصه نوک خاری نیست کز خون شهیدان سرخ نیست و ارضی نیست که بدم عاشقان رنگین نگردد. مقصود اینست تا بدانید که تحمل بلا یا و محن و شهادت در سبیل ذوالمنن از آئین دیرین عاشقانست و منتهی آرزوی مشتاقان. پس شکر کنید خدا را که از این ساغر جرعه‌ئی نوشیدید و از بلا یای سبیل آن دلبر سم قاتلی چشیدید. این زهر نه، شهید و شکر است و این تلخ نه، قند مکرر است.^(۳)

کثیری از نفوس علیه ما قیام خواهند کرد

... کثیری از نفوس علیه شما قیام خواهند کرد، بر شما ظلم و ستم روا خواهند داشت، هتک حرمت خواهند کرد، ناسزا خواهند گفت، تمسخر خواهند نمود، از جمع شما اجتناب خواهند کرد، و شما را استهزاء خواهند نمود. اما، پدر آسمانی شما را آنچنان نورانی خواهد کرد که بمثابة اشعه آفتاب، سحاب مظلّم او هام را پراکنده خواهید ساخت، و در وسط السماء در کمال تألّف خواهید درخشید و وجه ارض را روشنی خواهید بخشید. زمانی که این بلاها و افتنانات اتفاق افتد باید پای استقامت محکم کنید، صبر و تحمل به عرصه شهود رسانید. باید در نهایت محبت و

۱- سورة الملوک، مجموعه البواح نازلہ خطاب بملوک و رؤسای ارض، ص ۲۸

۲- مناجاة، ص ۱۰۸

۳- نار و نور، طبع آلمان، ۱۳۹ بدیع، بخش دوم، صص ۲۹-۲۸

مهربانی با آنها مقابله کنید؛ مظالم و آزارهای آنان را بوالهوسی اطفال ملاحظه کنید و برای هر آنچه که آنها انجام می دهند ادنی اهمیتی قائل نشوید. (ترجمه)^(۱)

امر عظیم است عظیم و مقاومت و مهاجمه جمیع ملل و امم شدید است شدید. عنقریب نعره قبائل افریک و امریک و فریاد فرنگ و تاجیک و ناله هند و امت چین از دور و نزدیک بلند شود و کلّ بجمیع قوا بمقاومت برخیزند و فارسان میدان الهی بتأیدی از ملکوت ابهی بقوت ایقان و جند عرفان و سپاه پیمان جند هنالک مهزوم من الاحزاب را ثابت و آشکار نمایند.^(۲)

اجتای غرب از بلایا سهم و نصیبی خواهند داشت

... یاران غرب را نصیب و بهره از بلایای دوستان شرق خواهد بود. لابد در سبیل حضرت بهاء الله مورد اذیت اهل جفا خواهند گشت ... حال شما نیز البتّه باید قدری سهم و شریک من گردید و از محن و آلام بهره و نصیب برید. ولی این وقایع می گذرد و آن عزت ابدیه و حیات سرمدیه باقی و برقرار می ماند و این بلایا سبب ترقیات کلّیه می شود.^(۳)

موانع بسیاری وجود دارد

به اطراف و اکناف عالم وجود نگاه کنید. معاملات جزئی دنیوی جز با غلبه بر موانع بسیار حاصل نشود؛ اهداف عالم بالا بمراتب از آن مهم تر است. لابد بر این است که مشکلات، بلایا، ابتلائات، تضییقات، ملامت ها، توهین ها و تحقیرها وجود دارد. در ایام ماضیه چون وقت خود را صرف انذار و توصیه های دینی نمودی، متحمل مشکلات و تضییقات شدی. اما نمی دانی که در این لحظه چه امتحانات عظیمه مقدر شده و چه مصائب، بلایا و مشقات تحمل ناپذیر وجود دارد که جان فدا کردن راحت ترین و سهل ترین جمیع این بلایا است. اما خاتمه اینها جز سعادت، نعمت، مسرت فوق العاده، شادمانی و رضایت فوق الحدّ نیست. حیات ابدی است، عزت سرمدی است، موهبت الهی و سلطنت سماوی است. (ترجمه)^(۴)

مرادی میبایننت لک فی کتابی السابق هو أنّ فی إعلاء کلمة الله لإمتحان و افتتان و فی محبة الله بلاء و محن و مصائب فی کلّ آن فینبغی للإنسان أن یقدر هذه البلیا و یقبلها لنفسه بطوعه و رغبتة اولاً ثم یتبدأ بنشر نجات الله و اعلاء کلمة الله.^(۵)

۱- بیان حضرت عبدالهء مندرج در *Compilation*، ج ۱، شماره ۲۶۹

۲- بیان حضرت عبدالهء نقل در نظم جهانی بهائی، ص ۲۲

۳- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالهء، ج ۱، ص ۲۳۰

۴- بیان حضرت عبدالهء، *Tablets*، صص ۸-۵۴۷

۵- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالهء، ج ۱، ص ۲۳۲

ای یاران روحانی و دوستان رحمانی در هر عید مؤمن بسیار ولی ممتحن کمیاب. حمد کنید خدا را که مؤمن ممتحنید و در سبیل رب مهیمین اسیر هر نوع آلام و محن گشتید، در آتش امتحان مانند ذهب خالص رخ برافروختید و در نائزۀ ظلم و جنای ستمکاران سوختید و ساختید و هر مؤمنی را رسم و آداب ثبوت و استقامت آموختید. صبر چنین است، فرار چنان؛ جانفشانی اینست و پریشانی آن. این از موهبت پروردگار بود و عنایت بی پایان جمال ایبی که یاران آن سامان را در سبیل محبتش بحمل اعظم بلایا مخصّص داشت. ظاهره ناز و باطنه نور و برهان فیمثل هذا فلیعمل العاملون و لمثل هذا فلیتنافس المتنافسون.^(۱)

بحران عالم بر امر مبارک تأثیر خواهد گذاشت

آیا می توان تصوّر نمود ظهور چنین انقلاب عظیم که ارکان اجتماع و مذهب و دعائم اقتصاد و سیاست را در سراسر جهان متزلزل نموده و انظمه سیاسی و اصول جنسی و شئون اجتماعی و موازین ادبی و علائق دینی و مناسبات تجاری را مضطرب و متقلب ساخته با وجود حدّت و عظمت و صولت و دهشتی که نظیر آن در قرون و اعصار سالقه مشاهده نشده عکس العملی نسبت به مؤسسات و مشروعات امر نوزاد الهی که تعالیمش تأثیر مستقیم و حیاتی راجع به هر یک از حدود و ضوابط مذکور داشته و دارد ظاهر نخواهد ساخت و مؤسسات و مشروعات مذکوره از آفات و گزند آن محفوظ و از اثرات و عواقبش مصون و محروس باقی خواهد ماند؟

بنابراین جای شگفتی نیست اگر نفوسی که لوای چنین امر عظیم و سریع التقدّم رحمانی را برافراشته و اهل عالم را باستظلال در ظلّ ظلیل آن دعوت نمایند معرض فشار و تأثیر قوای مُدهشه مرعبه که جهان بشریت را متزعزع نموده قرار گیرند و خود را در گرداب اغراض و اهواء سیئه غصبه غرور مستغرق و محصور مشاهده کنند چندان که حرّیت و آزادیشان محدود و اصول و مبایدهشان مردود و تأسیسات و معاهدشان مطرود و اهداب و مآریشان مذموم و حقوق و اختیاراتشان مسلوب و اذکار و دعاویشان غیرمعتبر و مظنون قلمداد گردد.^(۲)

امر مبارک با اعداء بسیاری مواجه خواهد شد

پیروان امر حضرت بیاءالله باید یقین بدانند که هرچه مراحل تجرّی و تلاشی جامعه بشری امروزی پیش تر رُود، به همان نسبت نیز شدّت طوفان‌هایی که به این امر تباض الهی هجوم می‌کند بیشتر خواهد شد. همچنین باید بدانند که قلعه‌نشینان مقتدر ادیان گذشته هرگز نمی‌خواهند از تسلط خویش بر آراء و افکار مردم دست بردارند. از این روی به مجردی که از دعوی عظیم حضرت بیاءالله کما هو حقّه باخبر گردند قیام بر ضدّش خواهند کرد و در آن وقت است که این آئین نوزاد مظلوم با دشمنانی روبرو خواهد شد که به مراتب از روحانیون متعصّب و خونخوار دوران گذشته قوی‌تر و مکارترند.^(۳)

۲- ظهور عدل الهی، صص ۶-۵

۱- نار و نور، بخش دوم صفحه ۶۰

۳- نظم جهانی بهائی، صص ۲۲-۲۱

در اقامه این جهاد مضاعف، مبارزین سلحشوری که در سیل نام و امر مقدس حضرت پیاالله قدم در میدان خدمت نهادند، قهراً با موانع شدید مواجه و با مشکلات و محظورات کثیره که سد راه و حاجر طریق است متقابل خواهند گشت. در این مقام است که نحوه استقبال و استعداد افراد جامعه و چگونگی قیام و اقدامشان باید مورد توجه و امان نظر قرار گیرد. و منع و تعرض عوامل محافظه کار همچنین مخالفت اصحاب ذی نفع با تصمیم قاطع مقاومت شود و اعتراضات نسل حاضر که به مشتیات نسیانیه مألوف و در گرداب رذائل غوطه ور و مستغرقند کاملاً منهزم و مغلوب گردد. بلی چون اقدامات یاران برای دفاع و مبارزه‌ای که در پیش است مشکل گردد و دامنه آن بسط و اتساع حاصل نماید، طوفانهای شدید و طعن و لعن در حرکت آید و اعلام تکفیر و تدمیر علیه آنان مرتفع شود و روزی در خواهند یافت که حرم مقدس دین الله مورد هجوم و رجوم اعداء واقع، مقاصدشان تعبیر و اهداف و مآریشان تکذیب و افکار و آرائشان تحقیر و مشروعات و مؤسساتشان تحریم و قدرت و نفوذشان تضعیف و حقوق و اختیاراتشان تریف خواهد گردید و در پایان پاره‌ای عناصر که با از درک حقیقت گرانمایی که در دست دارند ذاهل و یا از تحمل ضربات و لطمات متکثره‌ای که چنین مبارزه شدید قطعاً در بر خواهد داشت، عاجز و قاصر مشاهده می‌شوند حصن حصین امرالله را ترک خواهند نمود و این دژ ثمین را به تمنّی بخش از کف خواهند داد. در این مقام مولای عظیم و کریم با اخبار از وقایع مدهش آیه می‌فرماید قوله العزیز، "بسبب عبدالبیاء بسیار امتحان خواهید یافت و زحمت و رنج خواهید دید." (۱)

احبای الهی در مهد امر رحمانی فقط متحمل اذیت و آزارهای جسمانی نبودند بلکه با حرکتیهای ایدایی اخلاقی و روانی نیز مواجه شدند زیرا جمیع ناس، بخصوص وقتی که دست از دفاع از خویش برداشتند، جرنوع لعن و نفرین را در حق آنها روا می‌دانستند و به سعایت از آنها می‌پرداختند ... حضرت عبدالبیاء می‌فرمودند که احبای غربی شدیداً در معرض حرکتیهای ایدایی قرار خواهند گرفت اما اینها عمده روانی و اخلاقی خواهد بود... (ترجمه) (۲)

حفظ وحدت در مواجهه با مخالفتها

تردیدی نیست که با ازدیاد نفوذ و تأثیر امر الهی، تعداد نفوسی که مایل به ممانعت از ترقی و تقدّم امرالله هستند نیز تراید خواهد یافت؛ اعداء جدید، سرسخت و قهار، ظهور خواهند نمود؛ نفوس خبیثه، که در جامعه‌های مختلف و خارق‌العاده پدیدار می‌گردند، در کمال خرافه پرستی به تحریک جمیع نفوسی خواهند پرداخت که نسبت به امر الهی احساس نفرت می‌کنند یا سوء نیت در دل می‌پروراندند و اعلام فتنه و آشوب را بلند خواهند کرد. تحت این شرایط، لازم است احبای از طرفی هوشیار و مراقب باشند و از طرف دیگر موجب بیداری و تقویت وفاداری سایر احبای الهی گردند؛ انسجام کلمه الله را حفظ کنند، و

۱- ظهور عدل الهی، صص ۸۸-۸۷

۲- مکتوب ۲۲ اکتبر ۱۹۳۰ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احبای، *Unfolding Destiny*، صص ۴۲۵

حافظ اتحاد و اتفاق در میان یاران الهی شوند. این است اشرف و اعلیٰ وظیفهٔ احبّاء الله، و اعظم وسیلهٔ خدمت آنها به امرالله. (ترجمه)^(۱)

وقایع عظیمه و مخالفت‌های شدید در پیش است

ما قویاً احساس می‌کنیم که ... زمان مقتضی برای ایشان (احبّاء) فرارسید که، اجتناب‌ناپذیری وقایع عظیمه و مخالفت‌های شديده‌ای را که در پیش است به وضوح درک نمایند، در دفع "سپاهی" که توسط دشمنان فعلی و نیز نفوسی به سوی آنها پرتاب می‌شود که به ارادهٔ الهی، در اثر مشیت اسرارآمیز آن حضرت از داخل یا خارج از جامعه قیام خواهند کرد، در کمال اطمینان و عزم راسخ از شما حمایت کامل نمایند و امر مبارک را نصرت بخشند تا به اعلیٰ قله ارتقاء یابد، از انتصارات بیشتر برخوردار گردد، و مراحل حیاتی‌تر را در مسیر مقدر شده‌اش پیماید تا مظفریش را اکمال بخشد و به سلطه و نفوذ جهانی دست یابد.^(۲)

با تداوم خروج اجتناب‌ناپذیر جامعهٔ بی‌ثباتی از مجهولیت، مواجهه با اعداء، اعم از داخل یا خارج، صورت خواهد گرفت که هدف آنها وارد کردن اتهام و وارونه جلوه دادن اصول و منویات می‌باشد، به طوری که نفوسی که محب و تحسین‌کنندهٔ امرالله هستند دچار سوء تفاهم گردند و ایمان پیروانش متزلزل گردد.^(۳)

۱- مکتوب ۲۴ مه ۱۹۲۷ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احبّاء، *Compilation*، ج ۱، ص ۱۸۱ (اصل مکتوب فارسی است).

۲- پیام ۲۶ نوامبر ۱۹۷۴ بیت‌العدل اعظم خطاب به جمیع محافل روحانی ملی مندرج در صفحه ۱۵۰ *Compilation of Compilations*، جلد اول، شماره ۲۹۲

۳- ترجمه پیام بیت‌العدل اعظم مندرج یادداشت دارالتحقیق بین‌المللی مندرج در مجموعه تحقیق و تتبع، فوریه

منشأ امتحانات

مصائب و بلايا در عالم

مصائب و بلایا در عالم

غفلت ناس بمقامی رسیده که از خسف مدینه و نسف جبل و شقّ ارض آگاه نشده و میشوند اشارات و علامات کتب ظاهر و در هر حین صیحه مرتفع، معذک جمع از خمر غفلت مدهوشند الاّ من شاء الله هر روز ارض در بلای جدیدی مشاهده میشود و آنّا فآناً در تزیاد است. از حین نزول سوره رئیس تا این یوم نه ارض بسکون فائز است و نه عباد باطمینان مزین؛ گاهی مجادله گاهی محاربه گاهی امراض مزمنه. مرض عالم بمقامی رسیده که نزدیک یأس است. چه که طیب ممنوع و متطبّب مقبول و مشغول^(۱)

فرا گرفتن ظلمت تمام ممالک را

الهی الهی تری قد اشتدّ الظلام الحالك علی کلّ الممالک و احترقت الآفاق و اشتعلت نیران الجدال و القتال فی مشارق الارض و مغاریها فالدماء مسفوكة و الأجساد مطروحة و الرؤس مذبوحة علی التراب فی میدان الجدال^(۲)

ربّ قد طالت الحروب و اشتدّت الكرب و تبدّل کلّ معمر بمطمور ربّ قد ضاقت الصدور و تغرغرت النفوس فارحم هؤلاء الفقراء و لاتتركهم یقرط فیهم من یشاء بما یشاء... ربّ قد تموج بحر العصیان و لانسكن هذه الزوابع الاّ برحمتک الواسعة فی کلّ الأرجاء ربّ انّ النفوس فی هاویة الهوی فلا یقنذها الاّ الطافک العظمی ربّ ازل ظلمات هذه الشّهوات و نور القلوب بسراج محبتک الذی سیضیء منه کلّ الأرجاء.^(۳)

تا آن که ناس ملزم به توجّه به خدا گردند

بدان که بلایا و محرومیت ها یوماً فیوماً در تزیاد، و نفوس بدان مبتلا. ابواب سرور و حبور از جمیع جهات مسدود گردد و جنگهای شدید واقع شود. یأس و حرمان ناس را احاطه نماید تا مجبور به توجّه به حقّ گردند. پس نور بشارات مسرت بخش بتابد و آفاق را منور سازد که فریاد یابیهاء الابیّی از هر جهت بلند شود. این امور واقع خواهد شد.^(۴)

طوفانی که بر وجه ارض به وزیدن آمده

اکنون طوفانی که در شدت بی سابقه و در جریان فوق تصوّر و در اثرات فعلی دهشت آور و از حیث نتایج پر مجد و عظمت می باشد بر سطح کره خاک به وزیدن آمده است. قوه محرکه آن بدون

۱- منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، ص ۲۲ (فقره ۱۶)

۲- مکاتیب عبدالبهاء ج ۳، ص ۲۴ / مجموعه مناجاتهای طبع آلمان، نشر ثانی، ص ۵۶

۳- همان / مناجات، ص ۵۷

۴- لوح حضرت عبدالبهاء خطاب به ایزابل بریتینگهام، مندرج در انوار هدایت، شماره ۴۲۸

حس شفت و ترحم بر وسعت و حدت خود می افزاید - قوه تطهیریه آن هر چند ظاهر و محسوس نیست ولی روز به روز شدیدتر می شود - عالم انسانی در قبضه قوه مخزبه آن گرفتار و به ضربات قهرش دچار گردیده است - در حالی که نمی تواند مبدء آن را دریافته و اهمیت آن را درک نموده و با عواقب آن را در نظر بگیرد؛ لذا وحشت زده و در حال عذاب و بیچارگی به این صرصر قیر الهی می نگرد که چگونه به دورترین و معمورترین نقاط زمین هجوم آورده بنیادها را متزلزل ساخته و تعادل اشیاء را از میان برده و ملل را از همدیگر جدا ساخته زندگی مردم را به هم زده و شهرها را ویران و پادشاهان را به جلای وطن مجبور کرده قلاع محکمه را فرو ریخته و مؤسسات عالم انسانی را ریشه کن نموده نور آن را ظلمانی و روحیه ساکنین کره ارض را جریحه دار ساخته است. (۱)

هدف از این طوفان

این قضاء الهی بنظر کسانی که حضرت بپاء الله را صور الهی و اعظم مظهر رحمانی در عالم می دانند هم مصائب جزائیه است و هم یک تأدیب مقدس عالی و در عین حال که به منزله نزول بلائی من جانب الله است نوع بشر را از آلودگی های دنیوی پاک و مطهر می سازد. نارش مجازات تبه کاران است و علت التیام عناصر مرکبه نوع بشر در یک هیئت لایتنجری جامعۀ عمومی نوع انسان در این سالیهای پر شر و شور که از جهتی انتضای قرن اول دور بهائی و از جهت دیگر شروع قرن جدیدی را اعلام می دارد باراده آن که قضاء و نجات عالم در ید اقتدار اوست باید در آن واحد بحساب اعمال گذشته خود رسیده و ضمناً خود را برای انجام وظایف آینده پاک و آماده سازد. نه از مسئولیت های اعمال گذشته، وی را گریزی و نه نسبت به وظائف آینده، مفری. زیرا خداوند عادل مهربان و قادر متعال در این دور اعظم اجازه نمی دهد معاصی نوع بشر چه در قبال وظائفی که به عهده داشته و انجام نداده و چه از حیث مظالمی که مرتکب شده بی مجازات بماند و همچنین نمی خواهد بندگان را به سرنوشت خود واگذاشته آنان را از آن مقام عالی و پرسعدت که در مراحل تکامل بطئی و پرزحمت در طی قرون عدیده مفدّر شده و حقّ مسلم و سرمزل حقیقی آنان بشمار می رود باز دارد.

... از طرف دیگر در توضیح مستقبل درخشان عالم که اکنون تیره و تار است می فرماید، "حال ارض حامله مشهود. زود است که اثمار منیعۀ و اشجار باسقه و اوراد محبوبه و نعماء جنیه مشاهده شود." "سوف تضع کلّ ذی حمل حملها تبارک الله مرسل هذا الفضل الذی أحاط الاشیاء کلّها عمّا ظهوراً عمّا هو المکنون" بعلاوه قرن ذهبی نوع انسانی را پیش بینی نموده می فرماید، "این بلای عظمی عالم را برای درک صلح اعظم آماده می سازد." این عدل اعظم همان عدلی است که تنها بر آن بنیاد صلح اعظم باید بالاخره مستتر گردد و بنوبه خود صلح اعظم آن مدنیت جهانی را ظاهر خواهد کرد که همواره با اسم اعظم همراه و ملازم خواهد بود. (۲)

۱- ترویج قد ظهر یوم المیعاد، طبع ۱۰۴ بدیع، لجنة ملی نشر آثار امری، طهران، ص ۲

۲- همان، ص ۵ و ۸

مشکلات باید مقدم بر طلوع فجر موعود باشد

... هر قدر افق عالم تاریکتر گردد و تزلزل عالم کون بیشتر شود و هرج و مرج آتساع یابد طلوع فجر موعود فریب تر گردد و اسباب تجلی و سطوع انوارش بهتر فراهم آید. همچو بشارت سامیه جانپوری لابد اینگونه مقدمات و تمهیدات مدهشته مُرعبه‌ئی خواهد داشت چه که تحقق و عود حتمی الیه بنبه و تذکر تمام هیئت اجتماعیه بشر موقوف و این تذکر و تبّه عمومی جز بوفور بلیات و تعدّد اضطرابات و تراید مشکلات حاصل نگردد.^(۱)

مرحله تطهیر اجتناب‌ناپذیر است

به نظر می‌رسد شما در خصوص مصائبی که عالم بشری بدان مبتلا شده معترضید. در رشد روحانی انسان وجود یک مرحله تطهیر اجتناب‌ناپذیر است، زیرا در حین عبور از چنین مرحله‌ای حاجات مادی که بیش از حد مورد مبالغه واقع شده‌اند به صورت صحیح و متناسب خود جلوه‌گر خواهند شد. اگر جامعه یاد نگیرد که برای مواضع روحانی اهمیت بیشتری قائل شود، ابداً آماده ورود به عصر ذهبی که حضرت بهاءالله پیش‌بینی فرموده‌اند نخواهد بود. مصائب فعلی بخشی از جریان تطهیر است، که فقط در اثر آنها انسان درش را فرا خواهد گرفت. مقصود از آنها تعلیم این نکته به ملل عالم است که آنها باید جمیع مواضع را به نظری بین‌المللی بنگرند؛ مقصود از آنها ملزم کردن است که برای اخلاق خویش بیش از رفاه مادی اهمیت قائل شود.^(۲)

بهائیان نباید امیدوار باشند که از مصائب و بلاهای مصون مانند

در چنین جریانی از تطهیر، وقتی که تمام عالم بشری در سکرات مصیبتی دردناک مبتلا یابد، بهائیان نباید امیدوار باشند که از آن مصون مانند. اگر چوبی را که در چشم خود داریم ببینیم؛ بلافاصله در خواهیم یافت که ما نیز که مدعی هستیم به کمال واصل شده‌ایم در این بلاهای مطمح نظر هستیم. چنین بحرانی جهانی برای بیدار کردن ما نسبت به اهمیت وظایفمان و اجرای تکالیف خود ضروری است. رنج و الم نیروی ما را برای هدایت نوع بشر به سبیل نجات تزیاید می‌بخشد و ما را از سستی و رخوت خارج خواهد ساخت، زیرا ما در تبلیغ امرالله و ابلاغ پیامی که به ما سپرده شده است، کما ینبغی و یلیق بذل همت نکرده‌ایم.^(۳)

وقتی که چنین بحرانی عالم را فراگیرد احدی نباید امیدوار باشد که مصون و محفوظ ماند. ما به واحدی حیاتی تعلق داریم و زمانی که بخشی از یک موجود ذیحیات متألم گردد بقیه بدن نیز عواقب آن را احساس خواهد کرد. به دلیل همین واقعیت است که حضرت بهاءالله توجه ما را به وحدت نوع

۱- توفیق ۳۰ اکتبر ۱۹۲۴ خطاب به اعضاء محترمه محفل مقدس روحانی طهران، نار و نور، بخش حضرت ولی امرالله، ص ۱

۲- ترجمه مکتوب ۱۴ اکتبر ۱۹۳۱ که از طرف حضرت ولی امرالله برای یکی از احباء نوشته شده / Lights

۳- ترجمه - همان مأخذ

of Guidance، فقرة ۴۴۷

بشر معطوف می‌فرمایند. اما ما یهائیان نباید اجازه دهیم که شدائد و مصائب امید ما به آینده را تضعیف سازند... (۱)

فقط پیام حضرت بهاء‌الله شافی امراض عالم است

در مورد ماهیت دقیق تحولات مصیبت‌بار، ما هیچ اشاره‌ای در اختیار نداریم؛ ممکن است جنگی دیگر واقع شود... لکن آنچه‌ای که از آثار مبارکه استنباط می‌شود، هر قدر مدتی طولانی‌تر "پزشک الهی" (یعنی حضرت بهاء‌الله) را از مداوای امراض عالم ممتوع دارند، بحران شدیدتر و آلام بیمار وحشتناکتر خواهد شد. (۲)

تردید نیست به آن درجه که ما یهائیان عالم برای انتشار امر مبارک و برخورداری از حیاتی منطبق با تعالیم الهی سعی و تلاش کنیم، در آلام و اوجاع اهل عالم تسکین و تخفیف حاصل خواهد شد. اما بدیهی به نظر می‌رسد که قصور عظیم در تئیک گفتن به هدایات، توصیه‌ها و اندازات حضرت بهاء‌الله که در قرن نوزدهم شرف صدور و نزول یافته، عالم بشری را اکنون در طریقی انداخته، یا قوایی را آزاد ساخته، که باید در تحولاتی به مراتب شدیدتر و رنج و غذایی به مراتب وخیم‌تر به اوج خود برسد. (۳)

ما می‌دانیم که آینده درخشان و آرام خواهد بود

کاملاً طبیعی است که هر نفسی که ناظر بر وضعیت فعلی عالم است، نسبت به آینده احساس یأس و نگرانی نماید. هر شخص هوشمندی باید آنچه را که شما از خویش می‌پرسید از خود بی‌پرسد. مسلماً مشاهده آنچه که در آینده در انتظار ما می‌باشد مشکل است، اما ما یهائیان، بر خلاف اکثر نفوس، اطمینان کامل داریم که آینده دور آرام و درخشان است. ما نمی‌دانیم که آیا در آینده جنگی بزرگ واقع خواهد شد یا خیر؛ آنچه که مسلماً می‌دانیم این است که اگر ناس به موقع از لحاظ روحانی بیدار نشوند، بلایی عظیم، شاید به صورت جنگ، بر آنها نازل خواهد شد، زیرا عالم انسانی باید متحد شود، باید نجات داده شود. اگر انسانها راه آسانتر را که ایمان است، که جستجو برای یافتن مظهر ظهور الهی برای این عصر و زمان و اقبال به او است، انتخاب نکنند، در این صورت بحرانی جدید در امور بشری و بلایی عظیم را باعث خواهند شد. آنچه که ما یهائیان باید انجام دهیم وظیفه و تکلیف ما است؛ اسفاً، ما نمی‌توانیم وظیفه سایر نفوس را برای آنها انجام دهیم؛ اما می‌توانیم با خدمت به بنی نوع انسان،

۱- ترجمه مکتوب ۱۴ آوریل ۱۹۳۲ از طرف حضرت ولی امرالله به یک عائله بهائی، مندرج در انوار هدایت، شماره ۴۴۶

۲- ترجمه مکتوب محرره از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء، *Directives from the Guardian*، ص ۱۲

۳- ترجمه - مکتوب ۸ ژانویه ۱۹۴۹ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء، *Unfolding Destiny*، ص ۴۵۴

برخورداری از حیات بیثباتی، تبلیغ امرالله، و تقویت نظم نوزاد جهانی به موجب مشورلینتای مقدس خود عمل نمایم.^(۱)

حضرت ولی امرالله مستحضر شده‌اند که بعضی از احباء از گزارش‌های زائرین در خصوص خطراتی که در آینده، هر زمان که جنگ جهانی عظیم دیگری روی دهد، آمریکا را تهدید می‌کند، مضطرب شده‌اند.

هیکل مبارک معتقدند که بیثباتان نباید اوقات خود را با تمرکز بر وجوه تیره و تاریک امور هدر دهند. هر شخص بصیری با استناد از تجربه حاصله از جنگ جهانی گذشته و اطلاع از آنچه علوم جدید در زمینه تسلیحات پیشرفته برای هر جنگی که در آینده واقع شود، تدارک دیده‌اند، می‌تواند دریابد که شهرهای بزرگ در تمام جهان در خطر عظیم خواهند بود. این بیان مبارک خطاب به زائرین بوده است.

کاملاً جدا از این موضوع، حضرت ولی امرالله احباء را تشویق کرده‌اند که به خاطر امر مبارک از مراکز مبتلا به مادی‌گرایی حاد که امروزه زندگی را چنین شتاب‌آلود و خردکننده نموده، خارج شوند، در شهرهای کوچک و روستاها پراکنده گردند و پیام الهی را در شهرهای دور و نزدیک اتحادیه آمریکا انتشار دهند. ایشان قویاً معتقدند که زمینه در خارج از شهرهای بزرگ مستعدتر است، بیثباتان نهایتاً از چنین نقل مکانی مسرورتر خواهند شد، و در صورت وقوع هر جنگی، به حکم منطقی، مانند هر نفس دیگری که ساکن مناطق روستایی یا دور از مراکز بزرگ صنعتی سکونت دارد، در امنیت بیشتری خواهند بود.

اشاراتی از این قبیل را زائرین در یادداشت‌های خود ثبت نموده‌اند. ایشان هیچ دلیلی برای احساس خوف مشاهده نمی‌کنند، اما ایشان مسلماً معتقدند که احباء باید برای این افکار اهمیت قائل شوند، و برای انتشار امر حضرت بیاءالله، و نیز برای سعادت غائی خود قیام نمایند. تردیدی نیست که این دو امر با هم توأم هستند.^(۲)

خطرات فعلی و فرصتهایی که در مقابل جهان است

همراه با موج تازه آزادی‌های سیاسی که در اثر سقوط سنگرهای کمونیسم به وجود آمده، ملت‌پرستی ناگهان اوج گرفته و طغیان نژادپرستی ملازم با نفیض ملت‌پرستی در مناطق مختلف سبب نگرانی شدید عالم گردیده است. این تحولات در اثر توسعه تعصبات دینی بغرنج‌تر گشته و سرچشمه سعه صدر و تحمل را مسموم ساخته است. تروریسم شیوع یافته و توسعه عدم ثبات وضع اقتصادی حاکی از اغتشاش عمیق در مدیریت امور مالی در دنیای امروز است. این وضعیت احساس یأس و

۱- ترجمه - مکتوب ۲۰ سپتامبر ۱۹۴۸ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احباء مندرج در *Unfolding Destiny*, ص ۴۵۲

۲- ترجمه - مکتوب ۲۰ ژوئن ۱۹۵۴ از طرف حضرت ولی امرالله به محفل روحانی ملی ایالات متحده، مندرج در *Lights of Guidance* صفحه ۱۳۴ (فقره ۴۴۸)

ناامیدی را که بر فضای سیاسی جهان حاکم آیت عمیق‌تر می‌سازد. وخیم‌تر شدن وضع محیط زیست و بهداشت جماعات کثیری از مردم، موجب وحشت و اضطراب شده است. با تمام این احوال یکی از عوامل این تغییر و تحول پیشرفت‌های حیرت‌انگیز در فنون مخابراتی است که انتقال سریع اطلاعات و افکار را از یک نقطه به نقطه دیگر جهان میسر ساخته است و در مقابل این "ترقی و تدنی و تألیف و تحلیل و نظم و هرج و مرج که به موازات یکدیگر در عالم وجود مشهود و تأثیرات متقابل هر یک بر دیگری مستمر و محسوس" (ترجمه) است که هزاران فرصت جدید برای مرحله بعدی تحقق اهداف نقشه ملکوتی حضرت عبدالیهاء جلوه گر می‌گردد.^(۱)

... احباً باید درک کنند که اضمحلال مصیبت بار جامعه بشری در نتیجه غفلت نوع بشر از پیام حضرت بهاء‌الله توسط ایشان به وضوح پیش‌بینی شده و ما هم اکنون مسلماً در بجهوحه چنین اختلال و اضمحلالی هستیم. آنچه که در وهله اولی باید مطمح نظر بهائیان باشد، این نیست که چگونه خود را از لحاظ عنصری حفظ و صیانت نمایند، بلکه این است که چگونه از فرصتهایی که این شرایط برای انتقال تعالیم شفا بخش امر مبارک به ابناء نوع عرضه می‌کند استفاده نمایند. میزان فزاینده نگرانی در حال حاضر کاملاً ممکن است یکی از کلیدهایی باشد که به یاران برای گشودن چشم اهالی اروپا به ماهیت حقیقی گرفتاری آنها و جلب حمایت آنها از امر الهی مساعدت نماید.^(۲)

بیت العدل اعظم نسبت به وضع اسفناک بومیان و سکنه اصلی مناطق مختلف جهان که حقوق آنها در اثر مظالم اکثریت پایمال شده، عمیقاً نگران هستند. چنین بی‌عدالتی‌ها و بی‌انصافی‌هایی در بسیاری از ممالک عالم مشاهده می‌شود. هدف از ظهور حضرت بهاء‌الله برداشتن یوغ ظلم و ستم از گردن عزیزانش، آزادی جمیع اهل عالم، و تأمین وسائل سعادت پایدار آنها است.

رهیافت بهائی برای حل مسائل کثیره‌ای که جامعه بشری بدان مبتلا است، بر بیان حضرت بهاء‌الله مبتنی است که این امراض مستولیه جز علائم و عوارض جانبی بیماری بنیادی نیست و آن بنا به تشخیص طیب الهی عبارت از عدم اتحاد است. حضرت بهاء‌الله این موضوع را کاملاً واضح فرموده‌اند که اولین قدم اساسی برای صحت و اتفاق تمام نوع بشر عبارت از اتحاد آنها است. ایشان می‌فرمایند: "اصلاح عالم و راحت امم ظاهر نشود مگر به اتحاد و اتفاق."^(۳) در مقام مقایسه، رهیافت اکثر نفوس دقیقاً در جهت مخالف است، یعنی تمرکز آنها بر مداوای امراض کثیره‌ای است که عالم انسانی به آن مبتلا شده و انتظار دارند که حل این مسائل و مشکلات نهایتاً به اتحاد منجر شود.^(۴)

جنگ جهانی اول را در نظر بگیریم که حضرت ولی امرالله در آثار خویش آن را به عنوان

۱- پیام رضوان ۱۹۹۲ میلادی

۲- ترجمه - پیام ۲۰ فوریه ۱۹۸۴ بیت العدل اعظم خطاب به دارالتبلیغ بین‌المللی

۳- نظم جهانی بهائی، ص ۱۶۴

۴- ترجمه - مکتوب ۱۵ ژوئن ۱۹۸۷ از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احباء

"نخستین مرحله از طوفان و اضطراب عظیمی که حضرت بنیاء الله در الواح منیره اخبار و انذار فرموده بود" (۱) توصیف می فرمایند. حضرت عبدالبنیاء می فرمایند: "از زبان خاص و عام کلام صلح و سلام جاری است ولی در قلوبشان آتش ضغینه و بغضاء مشتعل". (۲) و نیز می فرمایند: "در مستقبل حربی شدیداً بریتیناً واقع گردد". (۳) بعد از آن که در سال ۱۹۳۹ جنگ جهانی دوم شروع شد، حضرت ولی امرالله آن را "طوفانی که در شدت بی سابقه" (۴) و "تندباد عظیم و نیرومند الهی که بر اقصی نقاط و بهترین مناطق ارض در مرور" (۵) خواندند. بعد از پایان این جنگ و تأسیس سازمان ملل متحد، حضرت ولی امرالله در سال ۱۹۴۸ "انقلاباتی باز هم شدیدتر" را پیش بینی فرمودند و به "طوفانهای" "منازعتی" دیگر اشاره کردند که مقدر است "افق بین المللی را تیره و تار سازد". (۶)

از قلم میثاق بکرات نازل که بشر غافل قبل از توجه و اعتناق به تعالیم جان پرور تر آفاق به چه مشقانی لایطاق مبتلا گردد. می فرماید:

"روز بروز هرج و مرج در دنیا در از زیاد است. عاقبت بدرجه رسد که بنیه انسانی را تحمل نماند؛ آنوقت انتباه رخ دهد و نفوس آگاه گردد که دین، حصن حصین است و آئین، نور مبین و احکام و نصایح و تعالیم الهی محیی روی زمین".

بر ارباب بصیرت پوشیده نیست که آثار اولیه این هرج و مرج در ارکان هیئت اجتماعی هر روز ظهور و بروزی داشته و رخنه و نفوذی نموده است و قوای مخزبه اش بنیان مؤسسات و مشروعات معهوده قدیمه را که در قرون و اعصار، دایره مدار جمیع شئون اهل عالم و ملجأ و ملاذ بنی آدم بوده و ازگون ساخته و موازین سیاسی و اقتصادی و علمی و ادبی اخلاقی بشر را دگرگون نموده و عظم مناخر و تمدن عصر حاضر را سرنگون داشته است. مبادی اساسیه نظم جهان را مکائد سیاسیه زمامداران، داغ بطلان نیاده و حرص و آز و ربا و تزویر و ظلم و خودپرستی بر روابط جامعه بین افراد و ملل حاکم گشته است. اکتشافات و اختراعات که ثمره تقدم علوم و صنایع است آلات و وسائل دمار و انهدام عمومی را فراهم آورده و به دست نااهل افتاده است، حتی موسیقی و هنر و ادبیات که باید نماینده و هادی عواطف رقیقه عالیه و وسیله تلطیف و تسکین روح افسرده انسانی گردد، حال آئینه قلوب تیره این نسل سرگردان و لاابالی و بی سرو سامان شده و از صراط مستقیم انحراف جسته است. و امثال این انحرافات سبب گردد که بفرموده جمال مبارک "هر یوم بلای جدیدی ارض را اخذ نماید و فتنه تازه برپا شود" و "سوف تحترق المدن من ناره" تحقق یابد.

در چنین حال پُروالی که اهل عالم پریشان و دانایان امم در چاره آلام جهان حیرانند، اهل بنیاء برکت و هدایت آثار مقدسه یقین دارند که این وقایع مدهشه را هر یک علتی و معنائی و نتیجه ایست و

۱- قرن بدیع، طبع کانادا، ص ۲۲۲

۲- نقل ترجمه بیان مبارک از صفحه ۴۰ نظم بدیع جهانی

۳- نظم جهانی جهانی، ص ۶۶

۴- قد ظنیر یوم المیعاد، ص ۲

۵- ترجمه

۶- ترجمه - مکتوب ۷ ژوئیه ۱۹۸۷ از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احباء

کلی از وسائل ضروریة استقرار مشیت غالبه الیه در جهان محسوب. یعنی از یک طرف تازمانه خشم و قهر الهی در کار است تا کاروان گریخته و از هم گسیخته عالم انسانی را خواه و ناخواه به سر منزل مقصود براند و بتازاند. از طرف دیگر مثنی ضعفا را در ظل هدایت و عنایت خویش تربیت فرموده تا در این دوره تجول و عصر نکوین در میان طوفانهای سهمگین به ساختن حصنی حصین که بالمآل منزلگاه و پناه آن قافله گمگشته است همچنان مشغول باشند. لهذا یاران الهی که چنان منظر وسیع و خطیر و دلگشائی در مقابل خویش دارند البته از آنچه پیش آید پریشان خاطر نشوند، از نیب حادثه نهراسند، در هنگام بروز انقلاب در اضطراب التهاب نیفتند و آنی از اجرای وظائف مقدسه خویش باز نمانند. از جمله وظائف مقدسه تخلی باخلاق و اعمالی است که مرضی درگاه کبریاست. (۱)

۱- پیام ۱۰ فوریه ۱۹۸۰ (۴ شهرالملك ۱۳۶ بدیع) خطاب به احبای ایرانی مقیم ممالک و دیار سائره، مندرج در منتخباتی از پیامهای عممی بیت العدل اعظم الهی خطاب به یاران ایرانی، لجنة ملی نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان، ۱۴۲ بدیع، ص ۸۱

راه حلّی برای امتحانات

راه حلّی برای امتحانات

ایمان و اطمینان

ایمان و اطمینان

لا تظمنن بجزائیک فاطمئن بفضل اللہ ربک ثم توکل علیہ فی امورک وکن من المتوکلین^(۱)

فاطمئنا باللہ بارئکم ثم استصروا به فی امورکم و ما التصرا الا من عنده ینصر من یشاء
بجنود السموات و الارضین^(۲)

ان جندی توکلی و حزبی اعتمادی^(۳)

و من یتوکل علیہ انه هو یمرحسه عن کل ما یضره و عن شر کل مکارئیم^(۴)

لا تخف من احد فتوکل علی اللہ العزیز الحکیم^(۵)

آنچه بر شما وارد لله بوده هذا حق لا ریب فیہ و حال ہم جمیع امور را باو راجع نمائید و
بر او توکل کنید و تفویض نمائید البتہ او ہم شما را وانمی گذارد اینهم لا ریب فیہ. هیچ پدر اولاد
را بسبغ نمی دهد و هیچ صاحب غنمی اغنام خود را بگرگ نمی سپارد؛ البتہ در حفظش سعی بلیغ
مبدول می دارد. اگر چند یومی بمقتضای حکمت بالغه امور ظاهره بر خلاف مراد جاری شود
بأسی نبوده و نیست. مقصود آن که کل بافق اعلی ناظر باشند و آنچه در الواح نازل شده
متمسک^(۶)

توکلت علی اللہ رب کلشیء لا اله الا هو الفرد الرّفع و الی اللہ التی نفسی و الیه افوض
امری^(۷)

مطمئن باش که تأیید نازل شود و توفیق حاصل گردد.^(۸)

۱- سورة الملوک، الواح نازله خطاب به ملوک و رؤسای ارض، ص ۳۹

۲- سورة الملوک، الواح نازله خطاب به ملوک و رؤسای ارض، ص ۸

۳- منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، ص ۳۲

۴- سورة الملوک، الواح نازله خطاب به ملوک و رؤسای ارض، ص ۳۷

۵- لوح وفا، آثار قلم اعلی، ج ۴، ص ۲۵۷ ۶- نار و نور، بخش اول، صفحه ۹

۷- منتخبات آیات از آثار حضرت نقطه اولی، ص ۹

۸- ترجمه - بیان حضرت عبدالبهاء مندرج در Bahá'í World Faith صفحه ۳۶۲

طوبی از برای نفسی که بنور توکل و انقطاع منور گشت. (۱)

الله یکنی کل شیء

منقطع شو از ماسوی الله و مستغنی شو بخدا از مادون او و این آیه را تلاوت کن: قل الله یکنی کل شیء عن کل شیء و لایکنی عن الله ربک من شیء لا فی السموات و لا فی الارض و لا ما بینهما انه کان علاماً کافیاً قدیراً. و کفایت الله را موهوم تصور نموده که آن ایمان تو است در هر ظهوری بظهور آن ظهور و آن ایمان تو را کفایت میکند از کل ما علی الارض و کل ما علی الارض تو را کفایت نمیکند از ایمان اگر مؤمن نباشی شجره حقیقت امر یافنا تو میکند. و اگر مؤمن باشی کفایت میکند تو را از کل ما علی الارض اگر چه مالک شیء نباشی... (۲)

به نظری صد هزار حاجات روا نماید

ای متوجه الی الله چشم از جمیع ماسوای بر بند و به ملکوت ایهی برگشا آنچه خواهی از او خواه و آنچه طلبی از او طلب به نظری صد هزار حاجات روا نماید و به التفاتی صد هزار درد بی درمان دوا کند و به انعطافی زخمها را مرهم نهد و به نگاهی دلها را از قید غم برهاند. آنچه کند او کند ما چه توانیم کرد یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید است. پس سر تسلیم نه و توکل بر رب رحیم به (۳)

یاران الهی از ملکوت رحمان مؤید و بجیوش هدایت کبری موفق لهذا هر صعبی آسان شود و هر مشکلی بنهایت سهولت انجام جوید. (۴)

به حفظ و صیانت الهیه اطمینان داشته باشید. در جمیع اوضاع و احوال فرزندانش را حفظ خواهد کرد. هراسان مباشید، مضطرب نگردید. جوگان قدرت در دست اوست و چون مرغی جوجه های خود را در زیر بال و پر گیرد. از برای هرامری علتی موجود، و در ظل شمس برای هر مقصدی زمانی معین. زمانی برای تولد، و زمانی برای مردن، زمانی برای گریستن و زمانی برای خندیدن. زمانی برای حفظ سکوت و زمانی برای سخن گفتن. حال، ای یاران، این ایام زمان اطمینان و ایمان است نه خوف و هراس. (۵)

- ۱- لوح شیخ نجفی، ص ۱۰۹
- ۲- منتخبات آیات از آثار حضرت تقی اولی، ص ۸۷
- ۳- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۴۹ / مجموعه مناجاتهای حضرت عبدالبهاء، طبع آلمان، نشر ثانی، ص ۳۸ (شماره ۳۷)
- ۴- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۲۶۸
- ۵- کلام منسوب به حضرت عبدالبهاء، نقل از دفتر خاطرات میرزا احمد سهراب، منقول در نجم باختر، سال ۸، شماره ۱۹، ص ۲۴۱

الطاف حقّ منقطع نگرده

ابدأ امید را از خدا قطع منما. در هر حال امیدوار باش زیرا الطاف حق در هر حالت از انسان منقطع نگرده؛ اگر از جپتی قلت یابد از جپات سائره کاملست. در هر صورت انسان در دریای الطاف مستغرق است. لهذا در هیچ حالتی نومید نشو، امیدوار باش.^(۱)

شکر خدا نعمتهایش را افزون کند

مسرور و کاملاً راضی باش و قیام به حمد و شکر خداوند نما تا این شکرانه به ازدیاد نعمتهای الهی منجر شود.^(۲)

سرور حقیقی

سرور بر دو قسم است، سرور جسمانی و سرور روحانی. مسرت روحانی محدود است؛ حداکثر یک روز، یک ماه یا یک سال طول می کشد. هیچ ثمری ندارد. مسرت روحانی ابدی است، لایتناهی است. این نوع مسرت با عشق الهی در نفس انسان به وجود می آید و آن را به حصول فضائل و کمالات عالم انسانی هدایت می کند. لهذا، در حدّ مقدور سعی کن و جهد نما تا سراج قلب را به نور محبت روشن و مضمیء سازی.^(۳)

کمال اطمینان به فضل حضرت یزدان داشته باشید

ای حزب الله در موارد بلا صبر و سکون و قرار یابید؛ هر قدر مصائب شدید شود، مضطرب نشوید؛ در کمال اطمینان بفضل حضرت یزدان مقاومت طوفان محن و آلام نمائید.^(۴)

توکلّی علی الله و اترکی ارادتک و تمسکی بارادة الله و دعی رضائک و خذی رضاء الله حتی تکونی قدوة مقدسة روحانية ملکوتية بین اماء الله^(۵)

احبابی الهی باید ... توسل بذیل کبریا جویند و توکل بجمال اعلی نمایند تکیه بر عون و عنایت ملکوت قدیم کنند و اعتماد بر صون و حمایت ربّ کریم.^(۶)

مغناطیس ایمان

۱- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالهء، ص ۲۰۰ (فقره: ۱۷۸)

۲- ترجمه - Tablets of 'Abdu'l-Bahá, ص ۴۸۳

۳- ترجمه - بیان حضرت عبدالهء در Tablets صفحه ۷۷۲

۴- منتخباتی از مکاتیب، ج ۱، ص ۷۱ (فقره: ۳۵) - همان، ص ۷۶ (فقره: ۳۸)

۶- همان، ص ۹ (فقره: ۲)

ایمان مغناطیسی است که جاذب تأییدات رحمانیه است. (۱)

وقتی که ایمان داشته باشیم

وقتی انسان ایمان داشته باشد، جبال عالم او را ممانعت نتوانند. در مقابل هر امتحانی و هر مصیبتی مقاومت کند و هیچ چیز او را ضعیف نتواند نمود. اما کسی که مؤمن حقیقی نیست، کسی که از ایمانی حقیقی محروم است، در مقابل ادنی یأس و حرمانی به تضرع و زاری پردازد، و در برابر کوچکترین امری که آرامش و آسایش او را مختل کند به آه و ناله در آید. (ترجمه) (۲)

فرد مؤمن هر امتحانی را تحمل کند، هر سختی و شدتی را به کف نفس و صبر متحمل شود. کسی که ایمان ندارد همیشه نالان و گریان است و هیا هو به راه اندازد. (۳)

به شما می گویم هر نفسی که در این زمان بر امر الهی قیام نماید از روح الهی مملو خواهد شد و خداوند جنودش را از آسمان به نصرت او خواهد فرستاد و اگر ایمان داشته باشید هیچ امری برای شما مستحیل و محال نیست. حال امری را به شما می دهم که میثاقی بین شما و من باشد و آن این که ایمان داشته باشید؛ ایمانتان قویم چون صخره باشد که هیچ طوفانی آن را حرکت ندهد، هیچ چیز مضطربش نازد، و تا انتهی در جمیع وقایع متحمل باشد ... هر قدر ایمان داشته باشید قوا و برکات شما نیز همانقدر خواهد بود. این میزان است، این میزان است، این میزان است. (۴)

وقتی انسان از زندان نفس آزاد می شود به آزادی حقیقی می رسد زیرا نفس بزرگترین حبس برای آدمی است. اگر انسان خود را از این حبس آزاد کند هرگز مسجون نمی شود. ولی تا وقتی که شخص این تقلیب خطیر روحی را نپذیرد به آزادی واقعی فائز نمی شود و این پذیرش نباید با تسلیم اجباری باشد بلکه باید با رضایت همراه با شادمانی انجام گیرد. (۵)

تقارن مجهودات باهره با نهایت درجه انحطاط عالم انسانی

هر قدر عالم انسانی در غمرات یأس و انحطاط و نفاق و استیصال بیشتر فرو رود بانیان دلیر نظم جهان آرای حضرت بیاء الله باید بیشتر در مدارج عالیة شجاعت و علو همت صعود نمایند و خود را از تأثیر پذیری، تردید، سبات و ترس محفوظ داشته، بر مشکلات آینده فاتح آیند و در سیل خدمت قدم فراتر نهند و یقین مبین بدانند که زمان اعظم مساعی و مجهودات آنان و اعلی فرصت انجام فتوحات

۱- ترجمه - *Tablets of 'Abdu'l-Baha*، صفحه ۶۲

۲- بیان منسوب به حضرت عبدالبهاء منقول در *Summon Up Remembrance* اثر مرضیه گیل، ص ۲۵۴

۳- ترجمه - بیان منسوب به حضرت عبدالبهاء، همان، ص ۲۵۵

۴- ترجمه - بیان منسوب به حضرت عبدالبهاء، *Early Pilgrimage* اثر می مکسول، ص ۴۰

۵- نقل ترجمه از صفحه ۱۱۳ فتوحات ظهور ترجمه باهر فرقانی، طبع مؤسسه معارف بهائی کانادا، ۱۵۵ بدیع

باهرة ایشان باید با اضطراب شدیدی که در مکاشفات یوحنا به آن اخبار گشته و نشانه ادنی مرحله انحطاط عالم انسانی است مقارن باشد.^(۱)

اطمینان به حضرت بهاء الله

اعظم فضل الهی عبارت از قلب مطمئن است. وقتی قلب مستریح و مطمئن باشد، جمیع امتحانات و بلیه عالم ملعبه صیان خواهد بود. اگر به حبس افتد، اگر به سیاه چال افکنده شود، اگر به انواع و اقسام بلاها و مصائب مبتلا گردد، باز هم قلب او راضی، ساکن و مطمئن است.^(۲)

بیائیان عالم گاهی اوقات همراه با سایر بنی نوع انسان در معرض ابتلائات هستند. کشور آنها مبتلا به هر بلیه ای گردد، آنها مصون هستند و حضرت بهاء الله مراقب ایشان خواهند بود و ابداً نباید از آینده هراس به دل راه دهند بلکه باید از قصور در اجرای امور امرالله خائف باشند.^(۳)

به تأیید و نصرت حضرت بهاء الله اطمینان داشته باشید. روح آن حضرت شما را هدایت خواهد کرد، و روح شما را مائده روحانی خواهد بخشید تا به مدد آن بتوانید بر موانعی که به نظر می رسد به نحوی مستأصل کننده سد راه شما شده است، غلبه نمایید.^(۴)

حضرت بهاء الله به ما وعده داده اند که اگر در موجودات خوش استقامت نماییم و به آن حضرت اعتماد و اطمینان تام و تمام داشته باشیم، ابواب توفیق بر وجه ما مفتوح خواهد شد.^(۵)

اعتماد علی الله محققاً قوی ترین و مطمئن ترین سلاحی است که مبلغ بیانی می تواند با خود همراه داشته باشد. زیرا به وسیله آن هیچ قوه فانی دنیوی نمی تواند شکست ناپذیر بماند و هیچ مانعی غیر قابل غلبه نخواهد بود.^(۶)

مبلغ بیانی باید کاملاً اعتماد و اطمینان داشته باشد. زیرا قوت و توان او و راز موفقیت او در این

۱- بیان حضرت ولی امرالله در صفحه ۷۵ حصن حصین شریعت الله

۲- ترجمه - نجم باختر، سال هشتم، شماره ۱۹ صفحه ۲۴۱

۳- مکتوب ۲۷ آوریل ۱۹۴۶ از طرف حضرت ولی امرالله، Dawn of a New Day، ص ۲۰۱

۴- مکتوب ۴ ژوئن ۱۹۳۴ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء، Unfolding Destiny، ص ۴۳۳

۵- مکتوب ۲۲ سپتامبر ۱۹۳۶ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احباء، Compilation، ج ۲، ص ۲۲۰ (فقرة ۱۷۰۵)

۶- ترجمه - مکتوب ۲۷ مارس ۱۹۳۸ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احباء، Compilation، ج ۲، ص ۲۲۱ (فقرة ۱۷۰۸)

نیفته است. (ترجمه) (۱)

وقتی به حضرت بیاء الله اعتماد و توکل نماییم؛ آن حضرت مسائل و مشکلات ما را حل و راد را باز خواهند کرد. (ترجمه) (۲)

توجه به مظهر الهی با اعتقاد تام

طبیعی است که در زندگی، احیاناً سختی و اندوه و حتی امتحانات شدید نیز وجود دارد؛ اما اگر شخص با اعتقاد محکم به مظهر الهی توجه نماید و تعالیم روحانی او را با دقت مطالعه کند از برکات روح القدس فیض ببرد، در می یابد که این امتحانات و مشکلات در واقع عطایای الهی بوده است که به قصد مساعدت او جهت حرکت در مسیر رشد و ترقی مقدر گشته. (۳)

خداوند برای مواجهه با امتحانات قدرت عنایت می کند

اگر حیات باطنی سلیم، محکم و قوی باشد، جای هیچ خوف و هراسی از مخالفتها نیست. اگر با تمام قلب و روح به آب سماوی توجه نمایم همیشه برای مقابله و غلبه بر امتحانات توان و قوه لازم را عطا می فرماید و مشکلات اگر با روحیه صحیح با آنها مواجه شویم، اعتماد و اتکال ما به خداوند را محکم تر و کاملتر می سازند. (ترجمه) (۴)

جمع بنی نوع انسان آشفته، رنجور و مبہوت است؛ ما نمی توانیم انتظار داشته باشیم که پریشان و متألّم نباشیم، اما نباید مبہوت و سرگردان باشیم. برعکس، اعتماد و اطمینان، امید و خوش بینی امتیاز انحصاری ما است. (ترجمه) (۵)

نور ایمان تیرگی افکار و احساسات را زائل می سازد

تاریکی محیط بر افکار و احساسات ما در اثر نور ایمان جای خود را به درخشندگی و درخششی خواهد داد که هر تیرگی در مقابل آن زائل خواهد شد. (ترجمه) (۶)

در دنیای امروز قوای تیره یأس، نفرت و سوء ظن وجود دارد؛ احباء باید، به بیان حضرت

- ۱- مکتوب ۳۰ ژوئن ۱۹۲۷ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احباء، مأخذ قبل، فقره ۱۷۰۷
- ۲- مکتوب ۱۲ اکتبر ۱۹۴۹ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احباء، همان مأخذ، فقره ۱۷۱۶
- ۳- ترجمه - انوار هدایت، شماره ۲۴۷ (مکتوب ۱۶ اکتبر ۱۹۵۴ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء)

- ۴- انوار هدایت، شماره ۱۳۷۸ (مکتوب ۱۴ فوریه ۱۹۲۵ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء)
- ۵- مکتوب ۹ آوریل ۱۹۴۹ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء، *Unfolding Destiny*، ص ۲۲۵
- ۶- مکتوب ۷ ژانویه ۱۹۲۴ از طرف حضرت ولی امرالله، *Dawn of a New Day*، ص ۱۹۶

مولی الوری، از آنها روی برگردانند و به ایشان توجه یکتند و به مساعدت و صیانت ایشان مطمئن باشند.^(۱)

ایشان وضعیت نسبتاً دشواری را که شما در اثر توسعه شرایط بدان مبتلا شده‌اید کاملاً درک می‌کنند. اما در عین حال فکر می‌کنند دلیلی وجود ندارد که شما اینقدر مأیوس و دل‌سرد باشید و لذا میل دارند که اعتماد و اطمینان داشته باشید که در اثر چنین مشکلاتی قادر خواهید بود محبت و تعلق خود به امر مبارک را عمق بیشتر ببخشید و فرصتهای جدیدی برای خدمت و ترویج حقیقت به دست آورید.^(۲)

احساس قصور و شکست فی نفسه موجب شکست است

به نظر این هیئت ابراز اشتیاق مفراط به اغتنام فرصت برای رفع موانع تبلیغی به نحوی شدید و آنی و نیز نگرانی بیش از حد درباره وضع کنونی جامعه ممکن است نتیجه معکوس بخشد. با آن که امکان رشد و توسعه جامعه بیش از آن است که در حال حاضر دیده می‌شود، آن محفل و یاران الهی نباید به محض روبرو شدن با وضعی که امیدبخش نیست احساس قصور و شکست کنند، زیرا پرداختن به اینگونه افکار خود موجب رکود در پیشرفت امر می‌گردد. در برابر تمایل به یأس، که گاه معلول شوق به کسب خشنودی آنی است، باید با سعی در درک عمیق‌تر سنت الهی ایستادگی کرد.^(۳)

در اثر ایفای مسئولیت‌های روحانی و فراگرفتن نحوه اتکاء بیشتر به تأییدات حضرت پیهاء‌الله، احباء در می‌یابند که ایمانشان نیروی تازه و قلوبشان اطمینانی جدید حاصل می‌کند. اینها زمینه‌هایی است که اقدامات فردی احباء نیازی به تشویق و تأکید دیگران ندارد. هر یک از افراد احباء با این وظیفه و مسئولیت مواجه است که به تنهایی و بنشسه و با اتکاء صرف به قدرت رب قدیر به اکتساب این فضائل روحانی که در تکامل جامعه بی‌اندازه مؤثر است پردازد.^(۴)

۱- ترجمه - مکتوب ۹ اوت ۱۹۴۴ از طرف حضرت ولی امرالله

۲- ترجمه - مکتوب ۱۱ ژوئیه ۱۹۳۹ از طرف حضرت ولی امرالله

۳- دستخط ۱۹ می معهد اعلی به محفل روحانی ملی آمریکا، پیام بهائی، شماره ۱۸۲ (ژانویه ۱۹۹۵)، ص ۶

۴- پیام رضوان ۱۵۱ بدیع

راه حلّی برای امتحانات

قدرت، قاطعیت و عزم راسخ

قدرت، قاطعیت و عزم راسخ

ای قوم، بقوت ملکوتی بر نصرت خود قیام نمائید که شاید ارض از اصنام ظنون و اوهام که فی الحقیقه سبب و علت خسارت و ذلت عباد بیچاره اند پاک و طاهر گردد. این اصنام حائل اند و خلق از علو و صعود مانع. امید آن که ید اقتدار مدد فرماید و ناس را از ذلت کبری برهاند. (۱)

اسئلك ... بأن تنزل على أحببتك ما يجعلهم غنياً عما سواك ثم أستقمهم على شأن يقومون على أمرک و ینادیک بین سائک و أرضک بحيث لا ینعم ظلم القراعة من عبادک. (۲)

انه لا یظلم نفساً و لا یأمر العباد فوق طاقتهم و انه هو الرحمن الرحیم (۳)

ای ذبیح، بصر حدید باید و قلب محکم و رِجُل نحاس شاید تا بوساوس جنود نفسیه نلغزد (۴)

طوبی لمقبل اقبل الیوم و لمستقیم ماخوفته جنود الظالمین (۵)

أسئلك بأن توقفتی و أحببتی لإعلاء کلمتک ثم أثبتنا علی شأن لا ینعنا شیء من مکاره الدنیا و شدائدھا عن ذکرک و ثنائک (۶)

با وقوف نام بر تأثیرات دائمی قوه حضرت بیاء الله، و مجهز به اسلحه اساسی استقامت حکیمانه و عزم راسخ، باید با نمایلات ذاتی، غرایز نفسانی، عادات و آداب متغیر و بی ثبات، مظاهر کاذبه جامعه‌ای که در آن زندگی و حرکت می‌کند، مبارزه‌ای مداوم را آغاز نماید. (۷)

در این سنین معدوده زودگذر جهان بشریت آستن حوادث عظیمه و بلا یای عقیمة سقیمه‌ایست که چشم عالم شبه آن را ندیده و در انتظار انقلابات و وقائع هائله‌ایست که صفحات تاریخ نظیر آن را درج نموده است. خطرات و آفات هر چند صائل و مهیب و هبوب عواصف امتحان هر قدر پروحشت و شدید و سیل جارف بلیات هر مقدار مُدهش و وریل، هرگز نباید اشعه فروزان ایمان را در قلوب دوستان

۱- لوح دنیا، دریای دانش، ص ۸۷

۲- مناجاة، ص ۱۰۱ (فقره ۸۶)

۳- لوح اشرف، مجموعه الواح مبارکه طبع مصر، ص ۲۱۲

۴- لوح ذبیح، مجموعه اقتدارات، ص ۲۲۸

۵- مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ایمی، ص ۱۵۵

۶- مناجاة، ص ۷۳ (فقره ۶۳)

۷- ترجمه - بیان حضرت ولی امرالله در صفحه ۱۳۰ Baha'i Administration

افسرده نماید و اعین و ابصار را متنوع و تصمیماشان را متزلزل و مقطوع سازد. تهدیدات و تزیینات به هر میزان پردغدغه و آشوب و مخاطر و مهالک به هر درجه مقاوم و مهاجم، هرگز نباید از مراتب خلوص و اشتیاق احبای الهی نسبت بآئین رحمانی بکاهد و آنان را از طریق که به جان و دل اختیار نموده و به اهتمام تمام در پی آن پویانند منحرف سازد. (۱)

ثابت و راسخ باشید

و انتم یا احبباء الله ثبتوا اقدامکم علی امرالله ثبوتاً لا یزلزله اعظم حوادث فی الدنیا لا تضطربوا من شیء فی حال من الأحوال. (۲)

قوی و محکم باش. مصمم و مستقیم باش. وقتی ریشه شجر قوی و محکم باشد، ثمر خواهد داد. لهذا، متأثر شدن از هر امتحانی جایز نیست. مایوس نگردد، دل سرد منشین، نومید مشو. امتحانات الهی بسیار است، اما اگر انسان محکم و مستقیم باشد، نفس امتحان مراحلی برای ترقی عالم انسانی است. (ترجمه) (۳)

انک انت بلغی اماء الرحمن بانهن یشتن علی حب البهاء اذا اشدد الامتحان و الافتتان لأن الزواج و الأریاح تمر فی موسم الشتاء ثم یأتی الربیع بالمنظر البدیع و یزین التلول و السهول بالزراحی و الورد الأنیق و ترنم الطیور بالأحان السورور علی غصون الأشجار و تخطب بأحسن الأنعام علی منابر الأفنان بأبدع الألحان فسوف تنظرین أن الأنوار قد سطعت و رایات الملکوت قد خفقت و نفحات الله قد انتشرت و جنود الملکوت قد نزلت و ملائكة السماء قد ایدت و روح القدس قد نفثت علی تلك الآفاق فترین المتزلزلین و المتزلزلات خائبین و خائبات و خاسرین و خاسرات و هذا أمر محتوم من رب الآیات. (۴)

ای یاران الهی قدم و قلب مستقیم و ثابت دارید و بقوه تأیید جمال مبارک عزمی کامل نمائید و بخدمت امرالله پردازید و در مقابل امم و مثل ثبوت و رسوخ و استقامت اهل بهاء بنمائید تا دیگران حیران گردند که این قلوب چگونه منابع اطمینان و معادن محبت حضرت رحمان تا از حوادث مؤلمه ارض مقدس فتوری نیارید و از وقایع فاجعه ملال حاصل نکنید. اگر جمیع یاران معرض شمشیر گردند و یکی باقی، آن منادی الهی شود و مبشر رحمانی گردد و در مقابل من علی الارض قیام کند. (۵)

۱- ظهور عدل الهی، ص ۱۵۰

۲- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۲۳۳ (فقره ۱۹۹)

۳- لوح حضرت عبدالبهاء خطاب به چارلز هنی Charles Haney، نجم باختر، سال ۱۰، شماره ۱۹، ص ۳۴۸

۴- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۱۶۰ (فقره ۱۴۱)

۵- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۲۱۳ (فقره ۱۸۸)

اهمیت همت بلند و عزم شدید

... عزت و سعادت و بزرگواری و منقبت و تلذذ و راحت انسان در ثروت ذاتیه خود نبوده بلکه در علو فطرت و سمو همت و وسعت معلومات و حل مشکلات است.^(۱)

... حسن آداب تلامذه را باید بغایت دقت نمود و اطفال را تشویق و تحریص بر فضائل عالم انسانی نمود تا از صغر سن بلند همت و پاک دامن و خوش سلوک و طیب و طاهر تربیت شوند و در امور عزم شدید و نیت قوی حاصل نمایند؛ از هزل در کنار باشند و در هر مقصد عزم صمیمی داشته باشند تا در هر موردی ثبات و استقامت کنند.^(۲)

تردید نیست که شما باید مشکلات بسیاری را در این امر تحمل نمایید و موانع بسیاری را در مقابل مشاهده خواهید کرد. بسیاری امور مانع و رادع شما خواهند شد. اما شما باید با جمیع مقابله کنید و جمیع معضلات را تحمل کنید.^(۳)

کار منشأ سرور و سعادت است

کمال کار انسان اعظم اجر و پاداش او است. وقتی که انسان کار خویش را کامل بیند و این کمال نتیجه زحمت و پشتکار بلاوقفه او باشد، او مسرورترین و سعادتمندترین انسان در جهان است. کار منشأ سرور و سعادت انسان است.^(۴)

وقف کردن خود و عشق ورزیدن به کار خویش موجب حصول معجزات است.^(۵)

بعضی از کارها مافوق تحمل انسان است و بعضی دیگر در حد توانایی او؛ این مشاغل با توجه به محیط و آموزش اولیه هر فردی متفاوت است... انسان ساعی و موفق کسی است که خود را به کسب توفیق در مواردی که مافوق تحمل انسان است عادت دهد. فقط نفسی که چنین عظمتی داشته باشد می تواند در مقابل امتحانات و مصائب زندگی استقامت نماید و از کوره حوادث و بوته آزمایش، خالص و بی غش بیرون آید. اما اگر فردی نتواند تا بدین حد خود را اعتلاء بخشد حد اقل می تواند خود را چنان تعلیم دهد که به اموری که در حد توانایی او است مشغول شود. اگر فردی نتواند در یکی از این دو گروه جای گیرد و حائز شرایط لازم شود سربار اجتماع

۱- رساله مدنیه، ص ۳۰ / تحقیق و تتبع، ص ۱۰

۲- منتخباتی از مکاتیب، ج ۱، ص ۱۳۲ / آثار مبارکه درباره تربیت بهائی، صص ۶۵-۶۴

۳- ترجمه - بیان منسوب به حضرت عبدالهء، *Diary of Juliet Thompson*، ص ۲۵ (ژوئیه ۱۹۰۹)

۴- ترجمه - بیان منسوب به حضرت عبدالهء، *Diary of Ahmad Sohrab*، نجم باختر، سال سیزدهم، شماره

۵- ترجمه - بیان منسوب به حضرت عبدالهء

انسان باید در مساعی خویش خستگی ناپذیر باشد. وقتی مساعی او در جهت صحیح هدایت شود، اگر امروز موفق نشود، فردا موفق خواهد شد. سعی و تلاش فی نفسه یکی از شریفترین خصیصه‌های شخصیت انسانی است. خود را وقف شغل خویش کردن، در اجرای سریع آن سعی و تلاش کردن، سادگی روح و استقامت در جمیع نوسانات زندگی، علائم بارز موفقیت است. شخصی که حائز این خصیصه‌ها باشد، ثمره کار خویش را خواهد یافت و از سعادت ملکوت نیز برخوردار خواهد گشت. (۲)

اگر کوشش انجام گیرد نیروی آسمانی موجود است

هر قدر مبارزه شدید و وظائف متعدد و وقت تنگ و وجهه عالم تاریک و منابع مادی جامعه جوانی که تحت فشار است محدود باشد، ولی منابع دست نخورده نیروی آسمانی که بتوان از آن استفاده نمود دارای قدرت بی حساب است و اگر کوشش لازم روزمره انجام گیرد و از فداکاری ضروری با سرور و بیعت استقبال شود، نفوذ نیروبخش آن فیضان نماید. (۳)

... در موارد ادبار و شکست که موقتاً ممکن است رخ دهد، در مخالفتها و اعتراضاتی که ممکن است با آن روبرو شوند، در امتحانات و مصائبی که بدان مبتلا خواهند شد، دقیقاً به همان میزانی که هم خود را متوجه ایفای وظایف خویش نمایند، استقامت ورزند، شهامت و وفاداری که در انجام دادن تکالیف خویش به منصفه ظهور رسانند، هدایت محتمم الهی به آنها عنایت خواهد شد. (۴)

با مظلّم شدن جهان، مساعی را افزونتر باید ساخت

هر قدر عالم انسانی در غمرات یأس و انحطاط و نفاق و استیصال بیشتر فرو رود بنیان دلیر نظم جهان آرای حضرت بهاء الله باید بیشتر در مدارج عالیة شجاعت و علو همت صعود نمایند و خود را از تأثیر پذیری، تردید، سیات و ترس محفوظ داشته، بر مشکلات آینده فاتح آیند و در سیل خدمت قدم فراتر نهند و یقین مبین بدانند که زمان اعظم مساعی و مجهودات آنان و اعلى فرصت انجام فتوحات باهره ایشان باید با اضطراب شدیدی که در مکاشفات یوحنا به آن اخبار گشته و نشانه ادنی مرحله انحطاط عالم انسانی است مقارن باشد. (۵)

۱- ترجمه - بیان منسوب به حضرت عبدالهء، *Diary of Ahmad Sohrab* مندرج در نجم باختر، سال ۱۲، شماره ۱۰، صص ۱-۲۷۰

۲- ترجمه - منسوب به حضرت عبدالهء، *Diary of Ahmad Sohrab* نجم باختر، سال ۸، شماره ۱، صص ۲۱

۳- حصن حصین شریعت الله، صص ۱۱۲

۴- ترجمه - مکتوب ۱۲ ژوئن حضرت ولی امر الله، صفحه ۲۸۷ *Unfolding Destiny*

۵- بیان حضرت ولی امر الله در صفحه ۷۵ حصن حصین شریعت الله

بر چنین موانعی (یعنی بیماریها و مشکلات ظاهری)، هر قدر هم که در نگاه اول، سخت و غلبه‌ناپذیر به نظر آیند، می‌توان و باید به قوت دعا و نیز مساعی فاطح و مستمر غلبه نمود. زیرا آیا حضرت بنی‌الله و نیز حضرت عبدالبنیاء مکرراً به ما اطمینان نداده‌اند که جنود لایراى نصرت الهیة نفوسی را که در نهایت ثنات و اطمینان به نام آنها فعالیت می‌کنند، تقویت و تأیید خواهند نمود؟ ... هر میدان خدمتی که شما انتخاب کنید، اعم از تبلیغ یا خدمات اداری، آنچه که نهایت اهمیت را دارد استقامت شما است و این که اجازه ندهید وقوف بر محدودیت‌هایتان موجب اخماد نار شوق و اشتعال شما گردد، چه رسد به این که شما را از خدمت فعال و مسرت‌آمیز منصرف کند.^(۱)

وقتی که عزم باران راسخ و قوی، و ایمان آنها محکم باشد، می‌توانند به امور عجیبه موفق شوند و حتی خود آنها متحیر و مبهور گردند.^(۲)

هر مانعی را به مرحله‌ای از پیشرفت تبدیل کنید

هیكل مبارك از مشاهده عملی ساختن یکی از امیدبخش‌ترین اصول و هدایات حضرت عبدالبنیاء، یعنی جدّ و جهد برای تبدیل هر مانعی به مرحله‌ای از پیشرفت، توسط شما بسیار مسرورند. در جریان زندگی گذشته شما، جدّاً مرتکب خطا شده‌اید؛ اما، نه تنها از این تجربه مرعوب و مأیوس نیستید، بلکه عزم راسخ دارید که آن را وسیله‌ای برای تطهیر ماهیت خویش سازید، خصیصه‌های خود را اعتلاء دهید، و خود را مقتدر بر آن سازید که در آتیه شهروندی به مراتب بهتر از گذشته گردید. این امر عندالحق فی الحقیقه مستحسن و ممدوح است.^(۳)

مانند جنود تحت حمله و هجوم

احباء همیشه باید مدّ نظر داشته باشند که آنها مانند جنودی هستند که مورد حمله و هجوم واقع شده‌اند. عالم در حال حاضر از لحاظ روحانی در شرایطی بسیار مظلّم واقع شده است؛ نفرت و تعصب، از هر نوع، به معنای واقعی کلمه، آن را قطعه قطعه می‌سازد. از طرف دیگر، ما حارسان قوای مقابل هستیم، قوای محبت، وحدت و صلح و یکپارچگی، و لذا همه، اعم از افراد، محافل یا جامعه، باید به طور مداوم مترصد و آماده باشیم مبادا قوای مخرب و منفی از طریق ما در میان جمع راه یابند. به عبارت دیگر ما باید هشیار و بیدار باشیم که مبادا ظلمت اجتماعی در اعمال و نگرش‌های ما، شاید به طور ناخودآگاه، منعکس گردد. عشق به یکدیگر، احساس عمیق نسبت به این که ما یک موجود زنده جدید، مطالع الانوار نظم بدیع جهانی هستیم، باید مستمراً حیات بینائی ما را زنده و قوی نگاه دارد، و ما باید دعا کنیم که از آلودگی‌های اجتماعی که اینچنین آلوده به مرض تعصب می‌باشد، محفوظ و مصون

۱- ترجمه - بیان حضرت ولی امرالله در جلد دوم *Compilations*، فقرة ۱۲۸۴

۲- ترجمه - مکتوب ۹ مارس ۱۹۴۳ از طرف حضرت ولی امرالله، *Unfolding Destiny*، ص ۱۵۶

۳- ترجمه - بیان حضرت ولی امرالله، مندرج در جلد دوم *Compilations* شماره ۱۳۳۸

هیكل مبارك بسیار متأسفند كه وقایعی چنین نامطلوب هر از گاهی ظهور و بروز می‌یابد ... و شما را در كار خویش مأیوس می‌سازد و از اشتغال به امر تبلیغ امرالله و انتشار اصول امریه در اوقات فراغت باز می‌دارد. اما ایشان مایل نیستند كه شما در چنین وقایعی دلسرد و نومید گردید. بارشد امرالله، معضلات نیز از دیاد خواهند یافت و مسائل آن نیز بیشتر خواهد شد. لذا، احباء، بخصوص بزرگسالان، باید سعی کنند و در مقابل آنها ثابت و راسخ بمانند. در واقع هرچه مشکلات بیشتر شوند آنها باید شهامت بیشتر کسب نمایند و در حل آنها سعی کنند. حضرت مولی‌الوری غالباً می‌فرمودند كه احزان مانند شخم هستند، هر قدر عمیق‌تر باشند زمین بارورتر می‌گردد. اگر این مسأله ... حل شود مسائل دیگر رخ خواهند گشود. آیا یاران باید مأیوس گردند یا بر اثر اقدام حضرت مولی‌الوری حرکت نمایند و آنها را عمده فرصتهایی برای نشان دادن قوت اعتقاد و روح ایثار محسوب کنند؟^(۲)

هیكل مبارك توصیه می‌فرمایند عزم را بر اجرای امور عظیمه برای امرالله جزم نمایند؛ وضعیت عالم مستمراً رو به وخامت است، و نسل شما باید نفوس مقدسه، قهرمانان، شهدا و مدیران سالهای آینده را تأمین نماید. با قوت ایثار و اراده می‌توانید به اعلی قلل صعود نمایید!^(۳)

ثبوت قابلیت برای حیاتی كه حكم شهادت دارد

یاران ارجمند آمریکا كه به اعطای عنوان "اخلاف روحانی مطالع الانوار" مباحی و مفتخر گشته‌اند، به خوبی واقفند كه حال باید از فرصت‌هایی كه در این برهه حساس و بحرانی در اختیار دارند، استفاده نمایند تا قابلیت خود را برای زندگانی به نحوی كه به فرموده حضرت ولی امرالله در مقایسه با موت، حكم شهادت داشته باشد به ثبوت رسانند. زیرا تحقق سرنوشت شكوه‌مندی كه در آثار مقدسه امریهائی پیش‌بینی شده مستلزم تحمل چنان نحوه‌ای از زندگانی است. امید چنانست كه به آن یاران روحانی قوتی آسمانی عنایت شود تا از امتحانات ذهنی و روانی كه به فرموده حضرت عبدالبهاء كراماً جهت تطهیر روحانی آنان بر ایشان نازل خواهد شد به سلامت بگذرند و موفق شوند استعدادی را كه حق به عنوان نیروئی جهت تقلیب جهان بدانان عطاء فرموده احراز نمایند.^(۴)

مصمم شوید كه تحت تأثیر عالم قرار نگیرید

در بطن مدینتی كه از نزاع و جدال متلاشی و از ماده پرستی ضعیف و ناتوان گشته، اهل بهاء

۱- ترجمه - بیان حضرت ولی امرالله، انوار هدایت، شماره ۱۳۴۷

۲- ترجمه - مکتوب ۲۸ دسامبر ۱۹۲۵ از طرف حضرت ولی امرالله؛ *Unfolding Destiny*، صص ۲-۲۱

۳- ترجمه - بیان حضرت ولی امرالله، انوار هدایت، شماره ۲۱۲۸

۴- دستخط بیت العدل اعظم خطاب به محفل روحانی ملی آمریکا، ۱۹ می ۱۹۹۴ (نقل ترجمه از صفحه ۸ پیام

بهائی، شماره ۱۸۲ (دی - بهمن ۱۳۷۳)

مشغول بنای دنیای جدیدی هستند. در این زمان، ما بلافرصتیا و مسئولیتبایی مواجه هستیم که از وسعتی عظیم و ضرورتی شدید برخوردارند. هر یک از یاران باید در اعماق دل و جان خویش مصمم گردد که تحت تأثیر جذاییت‌های فانی و ناپایدار اجتماع اطراف خویش قرار نگیرد و مجذوب عداوتبیا و اشتبایاتی موقت و بی‌دوام آن نشود، بلکه حتی المقدور از عالم قدیم منتطع شود و به عالم جدید که منظر اشتیاق و آمال او و ثمره فعالیت‌ها و زحماتش خواهد بود، ملحق گردد.^(۱)

۱- ترجمه - پیام بیت‌العدل اعظم خطاب به بهائیان شرق و غرب، ۱۸ دسامبر ۱۹۶۳، انوار هدایت، شماره

راه حلّی برای امتحانات

دعا و تزئید معارف

دعا و تزئید معارف

مَنْ أَلَذَى نَادَاكَ وَمَا أَجَبْتَهُ؟ وَمَنْ أَلَذَى أَقْبَلَ إِلَيْكَ وَمَا تَقَرَّبْتَ إِلَيْهِ؟^(۱)

نیکوست حال کسی که در لیلی و ایام بآیاتش انس گیرد و قرائت نماید. اوست محیی جود و مربی غیب و شهود.^{(۲)(۳)}

فی الحقیقه از برای هر عضوی از اعضاء رزقی مقدر است. یا حَبِذَا النِّعْمَةُ الَّتِي قُدِّرَتْ رُوحَ الْمُخْلِصِينَ وَهِيَ آيَاتُ اللَّهِ وَكَلِمَاتُهُ وَبَيَانُ اللَّهِ وَبِرَهَانِهِ.^{(۴)(۵)}

مَنْ يَقْرَأُ آيَاتِ اللَّهِ فِي بَيْتِهِ وَحَدَّةً لِيَتَشَرُّ نَفْحَاتِهَا مَلَائِكَةُ التَّائِبَاتِ إِلَى كُلِّ الْجِهَاتِ وَنَقَلَبَ كُلَّ نَفْسٍ سَلِيمٍ وَلَوْ لَمْ يَسْتَشْعِرْ فِي نَفْسِهِ وَلَكِنْ يَظْهَرُ عَلَيْهِ هَذَا الْفَضْلُ فِي يَوْمٍ مِنَ الْإَيَّامِ ذَلِكَ قُدْرَ حَفِيَّاتِ الْأَمْرِ مِنْ لَدُنْ مُقَدَّرِ حَكِيمٍ.^(۶)

یا قوم فاقروا واکلمات الله علی أحسن التَّغَمَاتِ لِيَسْتَجِدِبَ مِنْهَا أَهْلُ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَوَاتِ. اللَّهُ الْحَقُّ لَوْ أَحَدٌ يَتْلُو مَا نَزَلَ مِنْ جِبْرُوتِ الْبَقَاتِ مِنْ جَمَالِ اللَّهِ الْعَلِيِّ الْإِبْهِيِّ فَقَدْ يَبْعَثُهُ اللَّهُ فِي سَنَةِ الْخَلْدِ عَلَى جَمَالِ الَّذِي يَسْتَضِيءُ مِنْ أَنْوَارِ وَجْهِهِ أَهْلُ الْمَاءِ الْإِعْلِيِّ.^{(۷)(۸)}

- مناجاة، ص ۱۷۰ (فقره ۱۶۱)

- گلزار تعالیم بهائی، ص ۱۲۱ به نقل از آثار قلم اعلی، ج ۵، ص ۱۰۰

۱- توضیح مترجم: بیانی عربی که ترجمه انگلیسی آن (مندرج در *Compilations*، فقره ۳۶۳) در اصل کتاب رج می باشد یافت نشد. مضمون آن این است: آیات منزله الهیه را در هر یوم قرائت نماید. طوبی از برای نی که آنها را تلاوت نماید و در آنها تفکر و تأمل کند. هر آینه او از نفوسی است که امور بر او مطلوب خواهد بود.
۴- همان به نقل از آثار قلم اعلی ج ۶، ص ۲۰۸

۲- توضیح مترجم: بیان عربی که ترجمه انگلیسی آن (مندرج در *Compilations*، فقره ۳۶۵) در اصل کتاب رج است، یافت نشد. مضمون آن این است: آیات مرا به کمال روح و ریحان تلاوت کنید. براستی آنها شما را به سوی خداوند مجذوب خواهند ساخت و شما را به انتطاع از ماسویه قادر خواهند نمود. در آثار مقدسه الهیه و در یں لوح جلیل اینگونه به شما هشدار داده شده است.

- گلزار تعالیم بهائی، ص ۱۳۰ به نقل از جلد چهارم مانده آسمانی ص ۴۵

۱- همان، ص ۱۳۰ به نقل از جلد چهارم آثار قلم اعلی، ص ۵۶

۳- توضیح مترجم: بیان عربی که ترجمه انگلیسی آن (مندرج در *Compilation*، فقره ۳۶۴) در اصل کتاب مده یافت نشد. مضمون آن به فارسی چنین است: در کمال روح و ریحان به جمع آوری آیات نازله رب رحمان و لاوت آن بپردازید. با این عمل ابواب علم حقیقی بر وجود باطن شما مفتوح خواهد گشت، و شما در این صورت حساس خواهید کرد که نفوس شما موهوب به استقامت گشته و قلوب شما مشحون از مسرت لانهایه شده است.

باین عباد بگو این ذکر را بخوانند "قل من مقرج غیر الله قل سبحان الله هو الله کلّ عباد له و کلّ بامرہ قانوں" بگو این اذکار منیعہ را پانصد بار بل هزار بار شب و روز در حال نوم و یقظہ تلاوت نمایند شاید جمال الہی کشف نقاب کند و انوار سبحانی از مشرق ارادہ رحمانی بر عالم و عالیان اشراق نماید. (۱)

وقتی کہ از مادّیات نہایت تنگدلی حاصل گردد انسان توجّہ بہ روحانیت می کند زائل می شود؛ انسان وقتی در نہایت مشقّت نہایت یأس می افتد چون بخاطر آید خدای مہربان دارد مسرور میشود اگر بشدّت فقر مادّی افتد باحساسات روحانی آید خود را از کتّز ملکوت غنی بیند؛ وقتی کہ مریض میگردد فکر شفای می کند تشفی صدر حاصل میشود وقتی کہ بمصائب عالم ناسوت گرفتار شود بفکر لاهوت تسلّی یابد. (۲)

دعا کنید قوّت و قدرت یابید. هر قدر اوضاع و شرایط دشوار باشد، قوّت و قدرت بہ شما اعطاء خواهد شد. (۳)

از خدا خواهم کہ مصائب شما را مرتفع سازد و در جمیع احوال بہ نظر رحمت بہ شما بنگرد. با قلوب حقیقی و در کمال خلوص، صداقت و روحانیت بہ ملکوت ربّ عزیز توجّہ کنید و تقاضا نمایند کہ از آلام و آمال شفا یابید و بہ فضل عظیم الہی موقن و مطمئن باشید. (۴)

کافی نیست کہ فرد بیہائی فقط تعالیم را پذیرد و بہ موجب آن عمل کند. او، علاوہ بر آن، باید احساس روحانیت را در خود پرورش دهد کہ فقط بہ قوّۃ دعا میسر است. امر بیہائی، مانند جمیع ادیان الہی دیگر، اساساً ماہیت عرفانی دارد. هدف اصلی آن ترقّی فرد و اجتماع از طریق کسب فضائل و قوای روحانی است. ابتدا باید روح انسان را تغذیہ نمود کہ دعا این تغذیہ روحانی را بہ نحو احسن تأمین می نماید. احکام و تشکیلات، همانطور کہ حضرت بہاء الله بیان فرمودہ اند، تنها در صورتی می توانند واقعاً مؤثر باشند کہ حیات روحانی باطنی ما تکامل و تحوّل یافته باشد. والاّ دین بہ تشکیلات صرف تنزل می یابد و بہ موجودی مردہ تبدیل خواهد شد.

لہذا، احبّاء، بالاخصّ جوانان، باید لزوم دعا را کاملاً درک کنند. زیرا دعا برای ارتقاء روحانی باطنی آنها مطلقاً لازم و حیاتی است و این، همانطور کہ ذکر شد، اساس و هدف شریعت الہی است. (۵)

۱- نقل در قرن بدیع، حصص ۲۵۰-۲۴۹

۲- خطابات مبارکہ، ج ۱، ص ۱۹۹

۳- ترجمہ - Compilation، ص ۱۵۶، شماره ۲۰۸ (بیان حضرت عبدالبہاء)

۴- ترجمہ - Tablet's of 'Abdu'l-Baha، ص ۶۳۶

۵- ترجمہ - مکتوب ۸ دسامبر ۱۹۳۵ از طرف حضرت ولی امر اللہ، Compilation ج ۲، ص ۲۲۸ (فقرہ

جميع نفوس به سهولت و سرعت بر نفس خویش استیلا نمی یابند. آنچه که جمیع آحاد اجباء، اعم از شیخ و شاب، باید درک کنند این است که امر الهی دارای قوه روحانی برای خلق جدید ما است مشروط بر آن که سعی کنیم قوه مزبور بر ما اثر بگذارد و اعظم مساعدت در این زمینه، دعا است. باید از ساحت قدس حضرت بینا، الله تقاضا کنیم در غلبه بر نقائص منش و شخصیت ما امداد فرمایند و نیز از قدرت اراده خویش برای تسلط بر خویشتن استفاده کنیم.^(۱)

بر چنین موانعی (یعنی بیماریها و مشکلات ظاهری)، هر قدر هم که در نگاه اول، سخت و غلبه ناپذیر به نظر آیند، می توان و باید به قوت دعا و نیز مساعی قاطع و مستمر غلبه نمود.^(۲)

خداوند همه ادعیه را اجابت می کند

خداوند دعای هر بنده ای را، در صورتی که فوری و از روی اضطراب باشد، اجابت خواهد کرد...

اما ما طالب چیزهایی هستیم که حکمت الهی برای ما نمی خواهد، و جوابی برای دعای ما وجود ندارد. حکمت او با آنچه که ما آرزو داریم موافقت ندارد. ما دعا می کنیم، "خدا یا، مرا غنی کن!" اگر این دعا عموماً اجابت گردد، امور بشری دچار توقف خواهد شد. دیگر احدی در شوارع نمی ماند که کار کند، خاک را زیر و رو کند، ساختمان بسازد، قطارها را براند. لذا، واضح است که اجابت جمیع ادعیه ما برای ما نتیجه مطلوبی نخواهد داشت. در امور دنیا مداخله خواهد شد، قوا فلج می شود، و ترقی ممنوع خواهد شد. اما آنچه که طلب می کنیم و با حکمت الهی انطباق داشته باشد، خداوند اجابت می کند. اطمینان داشته باشید.

فی المثل، مریضی خیلی ضعیف ممکن است از طبیب غذایی را بخواهد که برای حیات و شرایط او خطر عظیم داشته باشد. ممکن است تقاضای کباب کند. طبیب مهربان و دانا است. او می داند که کباب برای مریضش خطرناک است و اجازه تناول نمی دهد. طبیب رحیم است؛ مریض غافل است. با مهربانی طبیب، مریض شفا می یابد؛ زندگی اش نجات پیدا می کند. با این حال، مریض ممکن است فریاد برآورد که طبیب نامهربان است، خوب نیست، چه که از اجابت تقاضای او امتناع می کند.

خداوند رحیم است. با رحمت خود ادعیه جمیع عباد را وقتی که طبق حکمت عالیه اش ضروری باشد، اجابت می کند.^(۳)

اگرچه به نظر می رسد فکر می کنید دعاها را شما تاکنون اجابت نشده است، و دیگر امید نمی دارید که شرایط مادی شما بهبود یابد، اما حضرت ولی امرالله مشتاقند که اجازه ندهید چنین موارد یأس و

۱- ترجمه - مکتوب ۲۷ ژانویه ۱۹۴۵ از طرف حضرت ولی امرالله، Compilation، ج ۱، فقرة ۸۱۱ / انوار

هدایت، شماره ۳۹۴ ۲- ترجمه - انوار هدایت، فقرة ۹۵۵

۳- ترجمه - خطابه ۵ آگست ۱۹۱۲، Promulgation، ص ۷-۲۴۶

نویدی ایمان شما به قوه دعا را تضعیف کند، بلکه همچنان از ساحت حق قدیر ملتس شوید که شما را به کشف حکمت عظیمی که ممکن است در ورای جمیع آلام و رنجهای شما مکنون باشد، قادر سازد. زیرا، مگر نه آن که آلام ما غالباً عنایات الهی در قالبی دیگر است، که خداوند با آنها مایل است صداقت و عمق ایمان ما را بیازماید، و به این وسیله ما را در ایمان به امر خویش محکم تر سازد؟^(۱)

از خدا بخواهید اراده ما را با اراده خود منطبق سازد

عابد حقیقی، در حین دعا، باید سعی کند زیاده از حد تحقق آمل و امیال خویش را از خداوند نخواست، بلکه سعی کند آن را تعدیل نماید و با اراده الهیه منطبق سازد. تنها با چنین نگرشی به احساس باطنی آرامش و رضایت که فقط قوه دعا می تواند اعطاء کند، می توان دست یافت.^(۲)

صلوة و صیام ما را از امتحانات محفوظ نگاه می دارد

صلوة و صیام سبب تذکر و تنبه انسانست و حفظ و صیانت از امتحان^(۳)

حل مشکلات: مراحل خمسة دعا

و اما در خصوص مراحل خمسة دعا که حضرت ولی امرالله مطرح فرموده اند و در دفترچه خانم موفت^(۴)، "دعوت به دعا" ذکر شده، حضرت ولی امرالله مقرر فرمودند توضیح دهم که این مراحل صرفاً پیشنهاد ایشان است و لذا لزومی ندارد که به طور مؤکد و دقیق توسط عموم اجباء تبعیت شود.^(۵)

ایشان (حضرت ولی امرالله) بعد از تشویق من به تأکید بر لزوم دعا و تبث بیشتر توسط اجباء، فرمودند اگر مشکلی از هر نوع داریم که مایلیم به نحوی حل شود یا مشتاق مساعدت هستیم، پنج مرحله زیر را طی کنیم:

مرحله اول: درباره آن دعا و تضرع کنید. از ادعیه مظاهر ظهور استفاده کنید چه که دارای اعظم قوه هستند. بعد، چند دقیقه در سکوت به تفکر و تعمق پردازید.

مرحله دوم: به نتیجه برسید و تصمیم بگیرید و به آن متمسک بمانید. این تصمیم معمولاً در حین تفکر و تأمل حاصل می شود. توفیق در اجرای آن ممکن است تقریباً محال به نظر برسد، اما اگر به نظر می رسد که پاسخی به دعا است یا راهی برای حل مشکل می باشد، در این صورت بلافاصله قدم سوم را بردارید.

مرحله سوم: عزم راسخ برای اجرای تصمیم داشته باشید. بسیاری از نفوس در اینجا از حرکت

۱- ترجمه - مکتوب ۲۶ اکتبر ۱۹۳۸ از طرف حضرت ولی امرالله، *Compilation II*، قفرة ۱۷۶۸

۲- ترجمه - همان

۳- منتخباتی از مکاتیب، ج ۲، ص ۹۹ / گلزار تعالیم بهانی، ص ۳۰۴

۴- Mrs. Moffett

۵- ترجمه - انوار هدایت، قفرة ۱۵۱۰ / *Directives from the Guardian*، قفرة ۱۵۴

باز می ماند. تصمیم، وقتی به مرحله عزم جزم وارد شود، لطمه می بیند و به یک آرزو یا اشتیاق مبهم تبدیل می گردد. وقتی عزم جزم حاصل شد، بلافاصله باید قدم بعدی برداشته شود.

مرحله چهارم: ایمان و اطمینان داشته باشید که قوه اراده در شما جریان خواهد یافت، طریق صحیح پدیدار خواهد شد، درها باز خواهند گشت، برنامه صحیح و مناسب در پیش پای شما گذاشته خواهد شد. اطمینان داشته باشید، وسیله مناسب به کمک شما خواهد آمد. بعد، موقعی که از حالت دعا خارج می شوید، بلافاصله قدم پنجم را بردارید.

مرحله پنجم: به نحوی عمل کنید که گویی به همه چیز جواب داده شده است. با نیروی خستگی ناپذیر و بلاوقفه عمل کنید و موقعی که عمل می کنید، خود شما مغناطیسی خواهید شد که قوای بیشتری را به وجودتان جذب می کند تا زمانی که بجایی بلانسداد برای قوه الهی شوید که در شما جریان یابد. بسیاری از نفوس دعا می کنند اما حتی تا اواخر مرحله اول دوام نمی آورند. برخی که به تأمل می پردازند، به اخذ تصمیم می رسند، اما به آن متمسک نمی مانند. نفوس نه چندان زیادی به عزم راسخ برای اجرای آن می رسند، و کسانی که دارای اطمینان هستند که وسائل مناسب به یاری آنها خواهد آمد، از آن نیز کمترند. اما چند نفر هستند کسانی که به خاطر می سپارند به نحوی عمل کنند که گویی تمام دعای آنها اجابت شده است؟ چقدر این کلام صحیح است که "اعظم از خود دعا، روحی است که حاکم بر دعاکننده است، بلکه اعظم از طریقه زیارت دعا، روحی است که در حین دعا سطره دارد." (بیانات منسوب به حضرت ولی امرالله مندرج در دعا اثر روت موفت Ruth Moffett، ص ۸-۲۷)

ما در حین تأمل و تفکر آگاه و تقویت می شویم

انسان به قوه تفکر و تأمل به حیات ابدی نائل می گردد؛ با آن، نفثات روح القدس به او می رسد، فیوضات روح در تفکر و تأمل اعطاء می گردد.

خود روح انسانی در حین تأمل و تفکر آگاه و تقویت می شود و اموری که از آن آگاهی ندارد برای او مکشوف می گردد؛ ملهم به الهامات الهی می گردد و مائده آسمانی به او واصل می شود. ... این قوه تفکر و تعمق انسان را از طبیعت حیوانی آزاد می کند، حقیقت امور را درک می کند، انسان را در تماس با خداوند قرار می دهد. (۱)

اخذ جواب در عالم رؤیا

تأمل و تفکر کن، قبل از خواب، بعد از گرفتن وضو به ساحت حق دعا کن و هر آنچه رب رحیم در رؤیا به تو الهام فرمود، همان منطبق با خواسته های تو خواهد بود. (۲)

اسم اعظم

یقین است که اسم اعظم تأثیر در امور مادی و معنوی دارد. (۳)

۲- ترجمه - Tablets of Abdul-Baha، ص ۶۲۹

۱- ترجمه - Paris Talks، ص ۱۷۵

۳- ترجمه - انوار هدایت، شماره ۹۲۵

هنگام طلوع هر صبح، اسم اعظم باید در اولین لحظه بیداری بر لبان شما نقش بندد. می‌بایست با تکرار آن در دعای روزانه به هنگام بروز هر مخالفت و مشکلی از ذکر آن قوت بگیرید و تغذیه نمایید. اسم اعظم باید آخرین کلامی باشد که هنگام شب زمانی که سر بر بالین گذاشته می‌شود زمزمه گردد. این اسم، اسم راحت، امنیت، سعادت، نورانیت، محبت و وحدت است. ... استفاده از اسم اعظم و تمسک به آن موجب میشود که روح، خود را از پوسته مرگ رهایی بخشد، قدم به عرصه آزادی نهد، تولد مجدد یابد، و خلق جدید شود...^(۱)

خواندن تاریخ نیل افسردگی را کاهش می‌دهد

از جمیع احبای آمریکا می‌خواهم که از این به بعد تاریخ شورانگیز نیل را جزء اصلی برنامه تجدید نظر شده تبلیغی، کتاب درسی بلامنزاع در مدارس تابستانه، منبع الهام در جمیع فعالیتهای هنری ادبی، مصاحب ارزشمند و گرانقدر در اوقات فراغت، مقدمه حیاتی و اجتناب‌ناپذیر زیارت آتی وطن اصلی حضرت بهاءالله و وسیله مطمئن برای تسکین آلام و مقاومت در مقابل حمله بشریت مستعد مأیوس تلقی نمایند.^(۲)

حضرت ولی امرالله در حین ترجمه تاریخ نیل احساس اهتزاز عظیم و شور و شوق روحانی نمودند. حیات نفوسی که در این اثر ذکر شده آنقدر مهیج است که هر نفسی که این گزارشها را بخواند لاجرم متأثر می‌گردد و خود را ملزم به حرکت بر اثر اقدام آنها و ایثار و فداکاری در سبیل امرالله می‌یابد. لذا، حضرت ولی امرالله معتقدند که احبء بخصوص جوانانی که نیاز به الهام دارند تا آنها را در این ایام دشوار متحمل سازد، باید این اثر را مطالعه کنند.^(۳)

استغراق در بحر آثار موجد امنیت و سلامت است

اگر مؤمن صادق و موقن جدی به حضرت بهاءالله خود را در بحر این تعالیم آسمانی مستغرق سازد و در اعماق آنها به تفحص پردازد، و در نهایت توجه و دقت از هر یک از آنها ظرائف اسرار و حکم عالیه را که مندمج در آن است استنباط و استخراج کند، حیات چنین شخصی، اعم از مادی، فکری و روحانی، از آلام و اوجاع مصون، از خطرات و موانع محفوظ، و از هر حزن و اندوهی میرا خواهد بود.^(۴)

گذاشتن اساسی که هیچ افتتانی نابودش نسازد

هیکل مبارک از اغتنام این فرصت برای استقبال از شما به میدان خدمت امر جلیل الهی بسیار

۱- ترجمه - بیان حضرت عبدالهء، انوار هدایت، شماره ۸۹۲

۲- ترجمه - تلگرام ۲۱ ژوئن ۱۹۳۲ حضرت ولی امرالله مندرج در صفحه ۱ Messages to America

۳- ترجمه - مکتوب ۱۱ مارس ۱۹۳۳ از طرف حضرت ولی امرالله؛ Compilation، ج ۱، شماره ۴۷۱

۴- ترجمه مکتوب ۱۳ ژانویه ۱۹۲۳ حضرت ولی امرالله به احبای آذربایجان، ج ۱، Compilation شماره ۴۲۷

سرورند؛ و توصیه می‌فرمایند که به آرامی و به طور مداوم تعالیم الهی را بخوانید، چه که به این طریق خود را برای تبلیغ دیگران آماده خواهید ساخت و نیز درک خویش را عمیق می‌سازید و اساسی را در روح و شخصیت خویش می‌گذارید که هیچ امتحان و افتتانی قادر به تغییر یا نابودی آن نخواهد بود.^(۱)

تحقیق یثائی واقعاً بیش از تحقیق عمومی لازم است، چون اولی روحانی است و باقی و دومی کم و بیش مادی و فانی. تعداد معدودی از احباء از تعالیم الهی بخصوص از معانی عمیق‌تر آن بخوبی آگاهند تا بتوانند بر ارواح، تأثیر لازم گذاشته بنیانی مرصوص بنهند که از امتحانات و افتانات نلرزد.^(۲)

برای مقاومت در هر امتحانی، به مطالعه عهد و میثاق پردازید

ایشان معتقدند که شما در تماس با آحاد مؤمنین و در تبلیغ نفوس جدید، باید به آنها مساعدت کنید درک و معرفت کامل نسبت عهد و میثاق والواح و صایا کسب کنند. این امر آنها را برای مواجهه با هر امتحانی، و درک ماهیت مرض روحانی که نفوس معرض از تشکیلات امریه را مبتلا می‌سازد، تقویت خواهد کرد. اینها مسلماً اوقات امتحان و افتتان برای کل عالم و نیز برای آحاد احباء هستند.^(۳)

۱- ترجمه - مکتوب ۲۸ آوریل ۱۹۵۵ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء، *Compilation*، ج ۱،

شماره ۵۱۸.

۲- نقل ترجمه بیان حضرت ولی امرالله از صفحه ۵۷ جزوه تحقیق و تتبع، بخش تحقیق بیت‌العدل اعظم

۳- مکتوب ۱۵ اوت ۱۹۴۵ از طرف حضرت ولی امرالله، *Compilation*، ج ۱، شماره ۴۹۸

راه حلّی برای امتحانات

تسلیم در مقابل اراده‌ی الهی

تسلیم در مقابل اراده الهی

طوبی لمن اقرّ بالله و آیاته و اعترف بأنه لا یسئل عما ینفعل هذه کلمة قد جعلها الله طراز العقائد ر اصلها و بها یقبل عمل العاملين اجعلوا هذه الکلمة نصب عیونکم لئلا تزلکم اشارات المعرضین ... و الذی ما فاز بهذا الاصل الاسنی و المقام الاعلی تحرّک اریاح الشبهات و تقلبه مقالات المشرکین من فاز بهذا الاصل قد فاز بالاستقامة الکبریٰ^(۱)

تجلی دوم استقامت بر امرالله و حبه جلّ جلاله بوده و آن حاصل نشود مگر بمعرفت کامل و معرفت کامل حاصل نشود مگر باقرار بکلمه مبارکه ینفعل مایشاء. هر نفسی باین کلمه علیا تمسک نمود و از کوثر بیان مودع در آن آشامید او خود را مستقیم مشاهده نماید بشأنی که کتب عالم او را از امّ الکتاب منع نکند.^(۲)

اراده الهی در الواح نازل شده است

باید ان جناب بما ارادالله قیام نمایند و ما ارادالله ما نُزّل فی الالواح است به قسمی که بهیچ وجه از خود اراده و مشیّتی نداشته باشید. اینست مقام توحید حقیق.^(۳)

فنای اراده خود در جنب اراده الهی

ای پسر ارض اگر مرا خواهی جز مرا نخواه و اگر اراده جمال داری چشم از عالمیان بردار. زیرا که اراده من و غیر من چون آب و آتش در یک دل و قلب ننگند.^(۴)

معنی فنا از نفس و بقای بالله آن است که هر نفسی خود را در جنب اراده حق فانی و لاشیء محض مشاهده نماید. مثلاً اگر حق بفرماید اِفعل کذا؛ بتمام همّت و شوق و جذب قیام نماید نه آن که از خود توهمی کند و آن را حق بداند ... اینست معنی فنا.^(۵)

لو ترید فاجعلنی نباتَ ریاض فضلك لِتُحرّکَنی اریاحُ مشیّک کیف تشاء بحیث لا یبقی فی قبضتی اختیار الحركة و السکون^(۶)

اصل کلّ الخیر هو الاعتماد علی الله و الاتقیاد لامره و الرضاء لمرضاته ... اصل العزّة هی

۱- کتاب اقدس، بند ۱۶۱

۲- تجلی دوم از لوح تجلیات، مجموعه اشراقات، ص ۲۰۲

۳- لوح شیخ فانی، گنج شایگان، ص ۱۷۸

۴- کلمات مکتونده فارسی، فقرة ۳۱

۵- لوح شیخ فانی، گنج شایگان، ص ۱۷۸

۶- مناجاة، صص ۲-۱۶۱ (فقرة ۱۵۰)

قناعة العبد بما رزق به والاكتفاء بما قدر له^(۱)

قد سمعنا ضجيجك وحينك في بعد عن مطلع الانوار أن اصبر ولا تجزع فارض بما قضى الله لك و أنه لموقى اجور الصابرين. أما رأيت سجنى و بلايى و ضرى و ابتلايى أن أتبع سنن ربك و إن من سننه ابتلاء عباده الأختيار لا تخزن من شىء و توكل على الله ربك و أنه يؤيدك و يقربك و ينصرک و ان يمك الضر فى سبلى و الذلة لاسمى إفرح و كن من الشاكرين. كذلك القيناك قول الحق لئلا تزل حين نزول البلاء عليك و تكون كالجبل الثابت الراسخ فى امر مولاك...^(۲)

يا ثمرتى دو امر از امر حقيقى ظاهر و اين در مقامات قضا و قدر است؛ اطاعتش لازم و تسليم واجب. اجليست محتوم و همچنين اجليست بقول خلق معلق؛ اما اول بايد يان تسليم نمود چه كه حتم است و لكن حق قادر بر تغيير و تبديل آن بوده و هست و لكن ضرش اعظم است از قبل. لذا تفويض و توكل محبوب و اما اجل معلق بمسئلت و دعا رفع شده و ميشود. انشاء الله آن ثمره و من معها از آن محفوظند.^(۳)

هل من مفرج غير الله قل سبحان الله هو الله كل عباد له و كل بأمره قاثون^(۴)

سزاوار چنان است كه شخصى چون تو هر امتحانى را تحمل كند، آنچه تقدير مجرا دارد خشنود شود. و جميع امور را به خداوند تفويض نمايد، تا عند الله نفس مطمئنه راضيه مرضيه گردد.^(۵)

هر آينه خداوند بر جميع بندگان كرم و رحيم است. عنقريب جميع امور را آسان سازد. اما تو بايد در جميع شرايط به او توكل نمايى و تفويض كنى و او آنچه را كه موجب آسائش تو است مجرا خواهد داشت. انه لهو الرحمن الرحيم. چه بسيار از امور مبتلا به مشكلات و معضلات گشته و بعد گره از مشكل باز شده است و چه بسيار مسائل كه به اذن و اراده الهى حل شده است.^(۶)

۱- ادعية حضرت محبوب، صص ۲۱-۲۰

۲- بهجت الصدور، تاليف حاجى ميرزا حيدر على اصفهانى، چاپ سوم، ۱۵۹ بديع، مؤسسه مطبوعات امرى آلمان، لجنة نشر آثار امرى به زبان فارسى و عربى، هوفهايم، آلمان، ص ۸۹

۳- مجموعه اشراقات، ص ۲۸۴

۴- منتخبات آيات از آثار حضرت تقطه اولى، ص ۱۵۶

۵- ترجمه - Tablets of Abdu'l-Baha، صفحه ۸۶

۶- ترجمه - همان مأخذ، صفحه ۴۵۵

حصول رضای الهی از اهمّ مواضع است. الحمد لله تو راضی به رضای الهی هستی و قلباً متمسک به اراده او. چون چنین هستی جمیع آمال تو تحقق خواهد یافت. (۱)

سؤال شما موضوعی بسیار غامض و فلسفی را مطرح می سازد که درک کامل و فهم جامع آن برای اذهان و افکار محدود ما مستحیل و محال است. عدالت و رحمت، هر دو از صفات الهی اند و در حدّ مانیت که سعی کنیم تحلیل نماییم که چرا و چگونه حتی قدیر با حکمت لایتناهی خویش این صفات را در مورد ابرار و اشرار در عالم بعد اِعمال می کند و ظاهر می سازد. ما باید سهم خویش را در این جهان ادا کنیم و به او اعتماد داشته باشیم. (۲)

در کمال سرور راضی به رضای الهی باشید

در عین حال که هیکل مبارک به شما توصیه می فرمایند که با شهامت با موانع بسیاری که سدّ راه شما است، مواجه شده بر آنها غلبه نمایید، اما هدایت مبارک این است که در صورت شکست یا هر واقعه ای که برای شما رخ دهد، باید در کمال سرور راضی به اراده الهی و کاملاً تسلیم آن باشید. بلا یا مصائب ما، امتحانات و افتانات گاهی اوقات برکات و عنایاتی به صورت دیگر هستند، زیرا به ما می آموزند که به خداوند ایمان و اطمینان داشته باشیم، و ما را به خداوند نزدیکتر می سازند. (۳)

فناى از نفس به این معنی است که این طبیعت دنی و امیال آن را تحت الشعاع جنبه متقی تر و شریف تر نفس خود قرار دهیم. نهایتاً، فناى از نفس در عالیترین و متعالی ترین مفهوم خود، به معنای فانی ساختن اراده خود و جمیع وجود خویش در اراده الهی است تا به هر نحو که مصلحت می داند و موجب رضا و خوشنودی اوست عمل کند. در این صورت حضرتش نفس حقیقی ما را تطهیر و تجلیل می فرماید تا به حقیقی تابان و متعالی تبدیل گردد. (۴)

۱- ترجمه - همان مأخذ، ص ۴۵۶

۲- ترجمه - مکتوب ۷ ژوئن ۱۹۲۸ حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احباء

۳- ترجمه - مکتوب ۲۸ آوریل ۱۹۳۶ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء؛ *Compilation* ج ۲، شماره ۱۲۸۱ (صفحه ۷)

۴- ترجمه - مکتوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۷ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احباء، *Compilation* ج ۲، صفحه ۱۹، شماره ۱۳۱۸

راه حلّی برای امتحانات

استقامت

استقامت

بعد از عرفان مطلع توحید و مشرق تفرید دو امر لازم اول استقامت بر حبش بشانی که نفاق ناعقین و ادعای مدعین او را از حق منع نناید و کان لم یکن شیئاً انگارد و ثانی اتباع او امر او است که لم یزل مابین ناس بوده و خواهد بود و باو حق از باطل ممتاز و معلوم است...^(۱)

ای عباد از سراج قدس منیر صمدانی که در مشکاة عزّ ربّانی مشتعل و مضیء است خود را ممنوع نناید و سراج حبّ الهی را بدهن هدایت در مشکاة استقامت در صدر منیر خود برافروزید و بزجاج توکل و انقطاع از ماسوی الله از هیوب انقاس مشرکین حفظش نمائید.^(۲)

يا احياء الله اياكم و التزلزل و الاضطراب و الفزع و الاضطراب و الخمول و الخمود من هذا اليوم المشهود اليوم يوم الاستقامة الكبرى اليوم يوم الثبوت و الرسوخ بين ملاء الانشاء هنيئاً للنفوس الثابتة الراسخة كالبنیان المرصوص من هذا العاصف القاصف القاسم للاصلاب و الظهور فانهم المؤيدون و ائم الموقنون و انهم المنصرون.^(۳)

حال ثبوت و رسوخ و استقامت نشان دهید نه تزلزل و اضطراب. اگر مورد امتحان واقع شوید، موجب قوت ایمان شما خواهد شد.^(۴)

احبای الهی باید چون جبل متین باشند و چون بنیان رزین رصین. از شدائد بلایا مضطرب نگردند و از عظام رزایا محزون نشوند؛ توسل بذیل کبریاء جویند و توکل بجمال اعلی نمایند؛ تکیه بر عون و عنایت ملکوت قدیم کنند و اعتماد برصون و حمایت ربّ کریم؛ در هر دم از شبنم عنایت بر طراوت گردند و در هر نفسی از نفثات روح القدس زنده و تازه و خرم شوند و بر خدمت حضرت ربوبیت قیام کنند و در نشر نفعات الله منتهای همت را مبذول دارند؛ امر مبارک را حصن حصین شوند و جنود جمال قدم را قلعه رزین و رصین؛ بنیان امرالله را از هر جهت حافظ امین گردند و افق مبین را نجم منیر شوند زیرا ظلمات دهماء امم از هر جهت در هجوم است و طوائف عالم در فکر محویت نور معلوم. با وجود هجوم جمیع قبائل چگونه می توان دمی غافل بود؟ البتّه هوشیار باشید و بیدار و در حفظ و حمایت امر پروردگار.^(۵)

۱- منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، ص ۱۸۵ (فقره: ۱۳۳).

۲- لوح احمد فارسی، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۲۴.

۳- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۱۶.

۴- ترجمه - Tablets of Abdu'l-Baha، صفحه ۵۵۲.

۵- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۹.

نفوسی که امتحانات الهی را تحمل نمایند مظاهر فیض عظیم شوند؛ چه که افتتانات الهیه موجب شود که بعضی از نفوس از حیات عاری شوند، اما سبب شود که نفوس مقدسه به مدارج عالی تر محبت و صلابت عروج نمایند. آنها موجب ترقی و در عین حال مورث سیر قهقراپی گردند. (۱)

مختارون باید ارزش خود را ثابت کنند

در این یوم کل باید امتحان شوند چه که زمان "مختارون" برای اثبات ارزش آنها بسیار محدود است. یوم حصول توفیق برای آنها به اتمام می رسد. "انمار اولیه" باید در ارواح به کمال برسد، در محبت به بلوغ واصل شود، و با ایثار و انقطاع آنها به مصرف برسد. هیچ امر دیگری به عنوان ثمره اولیه مقبول نه و جمیع نفوسی که در اثر امتحانات از وصول به مقصود ممنوع مانند در زمره "مدعوون" باقی ماندند. (۲)

بر اثر اقدام شهدا حرکت کنید

شما باید تفکر در این نمایند که چه قدر یاران عزیز بقرابانگاه الهی شتافتند و چه نفوس مبارکه جان فدا نمودند و چه خونهای مقدسی ریخته شد و چه دلهای پاکی بخون آمیخته گشت چه قدر سینه ها هدف تبر جفا گردید و چه بسیار اجسام مطهره که شرحه شرحه شد. آیا ما را سزاوار چگونه است که در فکر جان خویش باشیم و به بیگانه و خویش مداهنه و مدارا کنیم و یا آن که ما نیز بی ابرار گیریم و بر قدم آن بزرگواران رفتار کنیم. (۳)

اقبال به ملکوت الله آسان ولی ثبات و استقامت مشکل و امتحانات صعب و گران. حزب انگریز در جمیع موارد ثابت و مستقیمند و بحدوث مشاکل جزئیة نلغزند؛ نوهوس نیستند که ایامی چند بکاری مباشرت نمایند و باندک سببی کلال و ملال آرند و از شوق و شور بیفتند بلکه ثبات و استقامت در امور نمایند. (۴)

یاران الهی باید بچنان ثبوتی مبعوث گردند که در هر آنی صد امثال عبدالبهاء هدف تیر بلا شود ابداً تغیر و تبدلی در عزم و نیت و اشتعال و انجذاب و اشتغال بخدمت امرالله حاصل نگردد. (۵)

۱- ترجمه - Tablets of Abdu'l-Baha، صفحه ۳۲۵

۲- بیان منسوب به حضرت عبدالبهاء در جواب دکتر ادوارد گسینگر، نجم باختر، سال ۶، شماره ۶، ص ۴۵

۳- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۲۱۴

۴- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۲۶۴

۵- مکاتیب عبدالبهاء، ج ۱، ص ۳۲۴

تردیدی نیست که امتحانات شدید است. هر قدر نفسی بیشتر استقامت نماید و ثبوت و رسوخ نشان دهد، ترقیات او بیشتر شود و به اعلی درجات ملکوت عروج کند.^(۱)

الیوم هیچ نفسی دارای هیچ مقامی نیست و دارای هیچ عنوانی نه مگر کسی که ثابت بر پیمان و راسخ بر میثاق باشد، نفسی که بکلی از خویش غافل گردد و از عالم خلاصی جوید.^(۲)

ثبوت بر میثاق به معنای عبودیت است تا احدی نگوید که این نظر من است، بلکه باید هر آنچه از قلم و لسان میثاق صادر گردد اطاعت نماید.^(۳)

چون پی به نقائص خود برده‌ای، اطمینان داشته باش که در عهد و میثاق الهی ثابت و راسخی و در محبت حق مستقیم و در رشد و تکامل.^(۴)

مراحل ترقی

قوی و مستقیم باش. مصمم و راسخ باش. وقتی ریشه شجر محکم باشد، میوه به بار آورد. لهذا، نباید با هر امتحانی مضطرب شد. مایوس مباش، افسرده مگرد. امتحانات الهی بسیار است، اما اگر انسان ثابت و مستقیم بماند، نفس امتحان مرحله‌ای است برای ترقی انسانی.^(۵)

به این ترتیب او هر مانعی را که در پیش پایش گذاشته شود تا او را از پیشرفت بیشتر مایوس سازد به مرحله‌ای برای پیشرفت تبدیل می‌کند، با قدمهای مطمئن پیش می‌رود و هر دم بیشتر اوج می‌گیرد؛ ابداً به پشت سر نگاه نمی‌کند بلکه همیشه نظر به پیش روی دارد، بدون ادنی اضطرابی مشکلات ظاهری را کنار می‌زند و بالاخره پای بر قلّه کوه موفقیت، سعادت و جلال جاودان می‌گذارد. میرزا ابوالفضل چنین نفسی بود. هر نفسی باید بر چنین صخره محکمی قصر حیات را تأسیس کند تا عواصف و قواصف و هجوم عناصر شدید ادنی تزلزلی در آن ایجاد ننماید.^(۶)

در احیان امتحان ثابت و راسخ بمانید

- ۱- ترجمه - لوح حضرت عبدالبهاء خطاب به ژولیت تامپسون، نجم باختر، سال دوم، شماره‌های ۸-۷، ص ۱۳
- ۲- ترجمه - منسوب به حضرت عبدالبهاء، دفتر خاطرات احمد سهراب، نجم باختر، سال ۸، شماره ۱۶، ص ۲۱۸
- ۳- ترجمه - از لوح حضرت عبدالبهاء نقل در نجم باختر، سال ۸، شماره ۱۷، صفحه ۲۲۷
- ۴- همان، ص ۲۲۸
- ۵- ترجمه - نقل از لوح حضرت عبدالبهاء خطاب به چارلز هنی Charles Haney به تاریخ می ۱۹۱۱، نجم باختر سال ۱۰، شماره ۱۹، ص ۲۴۸
- ۶- ترجمه - منسوب به حضرت عبدالبهاء، خاطرات احمد سهراب، نجم باختر، سال ۸، ج ۶، ص ۶۶

بدون استقامت هیچ امری ثمر ندارد. اشجار باید در زمین محکم باشند تا ثمر دهند. اساس و بنیاد بنا باید بسیار محکم باشد تا بنا را تحمل تواند. اگر ادنی شک و تردیدی در فردی از مؤمنین باشد، از او ثمری ظاهر نگردد. چه بسیار که حضرت مسیح پطرس را به استقامت امر و انذار می فرمود. لهذا، ملاحظه نمایید که ثابت و راسخ ماندن چقدر مشکل است، بخصوص در احوال امتحان. اگر انسان امتحانات را تحمل نماید و بر آن غلبه کند، ثبوت و رسوخش تزیاید یابد. وقتی ریشه شجر محکم باشد، هرچه هیوب اریاح شدیدتر باشد درخت بیشتر بهره ببرد؛ هرچه وزش طوفان سخت تر باشد، برای شجر مفیدتر گردد. اما اگر ضعیف باشد، بلافاصله ساقط گردد. (۱)

باید در مقصود خویش ثابت و راسخ باشی و ابدأ، ابداً اجازه ندهی اوضاع و احوال ظاهره ترا مضطرب سازد. (۲)

در این سنین معدوده زودگذر جهان بشریت آستن حوادث عظیمه و بلائی عقیمة سقیمه ایست که چشم عالم شبه آن را ندیده و در انتظار انقلابات و وقایع هائله ایست که صفحات تاریخ نظیر آن را درج نموده است. خطرات و آفات هر چند صائل و مهیب و هیوب عواصف امتحان هر قدر پروحشت و شدید و سیل جارف بیئات هر مقدار مُدهش و ویل، هرگز نباید اشعه فروزان ایمان را در قلوب دوستان افسرده نماید و اعین و ابصار را مقنوع و تصمیماتشان را متزلزل و مقطوع سازد. تهدیدات و تضییقات بیهر میزان پردغدغه و آشوب و مخاطر و مهالک بیهر درجه مقاوم و مهاجم هرگز نباید از مراتب خلوص و اشتیاق احبای الهی نسبت بآئین رحمانی بکاهد و آنان را از طریقی که بیجان و دل اختیار نموده و باهتمام تمام در پی آنند منحرف سازد. (۳)

۱- ترجمه - منسوب به حضرت عبدالبهاء، دفتر خاطرات ژولیت تامپسون، ص ۲۱

۲- ترجمه - منسوب به حضرت عبدالبهاء خطاب به لواء گتسینگر مندرج در دفتر خاطرات احمد سهراب؛ نجم

۳- ظهور عدل الهی، ص ۱۵۰

باختر سال چهارم، شماره ۱۲، ص ۲۰۸

راه حلّی برای امتحانات

انقطاع

انقطاع

دنیا نمایشی است بی حقیقت و نیستی است بصورت هستی آراسته. دل باو مبنذید و از پروردگار خود مگسلید و مباشد از غفلت کنندگان. برستی می گویم که مثل دنیا مثل سرایست که بصورت آب نماید و صاحبان عطش در طلبش جهد بلیغ نمایند و چون باو رسند بی بهره و نبی نصیب مانند.^(۱)

اعلموا بأنّ الدّنيا هي غفلتكم عن موجدكم و اشتغالكم بما سويها و الآخرة ما يقربكم الى الله العزيز الجميل و كلما يمنعكم اليوم عن حبّ الله لهي الدنيا أن اجتنبوا منها لتكونن من المفلحين انّ الذي لن يمنعه شيء عن الله لا بأس عليه لو يزين نفسه بحلل الارض و زينتها و ما خلق فيها لأنّ الله خلق كلّ ما في السموات و الارض لعباده الموحدين. كلوا يا قوم ما احلّ الله عليكم و لا تحرموا انفسكم من بدائع نعمائه ثمّ أشكروه و كونوا من الشاكرين^(۲)

قل يا قوم هل ينبغي لاحد أن ينسب نفسه الى ربه و يرتكب في نفسه ما يرتكبه الشيطان لا و طلعة السبحان لو أنتم من العارفين. قدسوا قلوبكم عن حبّ الدنيا ثمّ ألسنكم عن ذكر ماسويها ثمّ أركانكم عن كلّ ما يمنعكم عن اللّقاء و يقربكم الى ما يأمركم به الهوى اتقوا الله يا قوم و كونوا من المتقين ... خلصوا انفسكم عن الدنيا و زخرفها ايّاكم أن لا تقربوا بها لانها يأمركم بالبغى و الفحشاء و يمنعكم عن صراط عزّ مستقيم.^(۳)

هیچ نفسی در این عالم راحت نیست

این خاکدان فانی چنین است مخزن آلام و محن است، غفلت است که انسان را نگه می دارد و الا هیچ نفسی در این عالم راحت نیست؛ از ملوک گرفته تا بمملوک برسد؛ اگر یک جام شیرین دهد در عقب صد جام تلخ دارد؛ اینست شأن این دنیا. لهذا انسان عاقل بحیات دنیویّه تعلقی ندارد و اعتمادی ننماید بلکه در بعضی اوقات بی نهایت آرزوی وفات کند تا از این اُکدار و احزان نجات یابد^(۴)

این حیات سراب است

يا أمة الله المشتعلة بنار محبته لاتحزني من العسرة والعناء و لاتفرحي من الرّاحة و الرّخاء في هذه الدّنيا لأنّ كليهما يزولان و أنّما حيات الدّنيا كسراب او عباب او ظلال و هل يتصور أنّ

۱- لوح احمد فارسی، دریای دانش، ص ۱۲۵

۲- سورة البیان، آثار قلم اعلی، ج ۴، صص ۱۱۲-۱۱۳

۳- سورة البیان، آثار قلم اعلی، ج ۴، ص ۱۱۲

۴- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالهاء، ج ۱، ص ۱۹۵ (فقره ۱۷۰)

السَّراب يُوثر تأثير السَّراب لا وربَّ الارباب لا تَسْتوى الحقيقتة و المَجاز و شَتان ما بين التَّحَقُّق و التَّمثَل و الخيال اعلمى إِنَّ المَلَكوت حقيقتة الوجود و إِنَّ النَّاسوت ظَلَم الممدود فالظَلَم معدوم متوهم الوجود و الصَّور المرئيَّة في المَاء اعدام تَتَرَأُّ لِلانظار بمظاهر التَّعَرُّش و الرِّسوم^(١)

محزون مباش، طوفان احزان بگذرد؛ آه و حسرت باقى نماند؛ باس و نوميدى زائل شود؛ نار محبة الله مشتعل گردد و خار و خس حزن و اندوه را معدوم سازد. سرور باش؛ به الطاف بپاء مطمئن باش تا شك و ترديد زائل گردد و فيوضات لايرى بر عالم وجود نازل شود.

اگر طالب سکون روحانى هستى، هميشه توجه به ملكوت ابهى کن. اگر سرور الهى خواهى، از قيود وابستگى خود را رهاى بخش. اگر مشتاق تائيدات روح القدسى، به تبليغ امرالله مشغول شو.

اگر دوستان و منسوبين از تو دورى کنند، محزون نباش، چه که خدا به تو نزديک است. تا توانى با منسوبين و اغيار مؤانس شو؛ محبت و عنایت کن؛ نهايت صبر و بردبارى نشان ده. هر چه بيشتر مخالفت کنند، عدالت و انصاف بيشتر بر آنها تار کن؛ هر چه نفرت و معاندت نسبت به تو نشان دهند، با صداقت، رفاقت و الفت عظيم مقابله کن.

الحمد لله، مقرب ملكوت ابهائى. مطمئن باش. با تمام جان و روان در جميع احيان با تو مأنوسم. يقين بدان.^(٢)

اَيام معدود معدوم گردد و هستى موجود مفقود شود؛ گلشن زندگاني را طراوت و لطافت نماند و گلزار کامراني را صفا و شادمانى بگذرد. بپار حيات مبدل بخزان ممانت گردد و سرور و حبور قصور تبديل بظلام ديچور در قبور گردد در اين صورت دل بستگى را نشايد و شخص دانا تعلق قلب ننمايد.^(٣)

فکر خویش را کنار بگذاریم

... نه تتبع در شبهات و ترویج و تأویل و تشریح متشابهات؛ فکر خویش را کنار بگذاریم و از کم و بیش چشم پوشیم؛ نه اظهار تألم نمائیم نه بهتان تظلم. بکلی خود را فراموش نمائیم و از خمر عنایت و فناء در جمال ابهى پر جوش و خروش شویم^(٤)

معلوم است انسان باید در فکر معیشت باشد اما نه این که فکرش محصور در معیشت تنها باشد؛ باید فکرش بلند باشد و بفکر آن باشد که مظهر موهبت الهی باشد.^(٥)

١- همان، صص ١٧٤-١٧٣

٢- ترجمه - Tablets of Abdu'l-Bahaj، صفحه ٥٥٧

٣- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ١، ص ٢١٤

٤- همان، ص ٢٢٩

٥- خطابات مبارکه، ج ٣، ص ١٢٠

ناسوت را فراموش کن

پس تو بکلی ملکوتی شو تا ناسوت را فراموش نمائی و در احساسات رحمانیه چنان مستغرق گردی که از عالم بشریت بی خبر شوی. (۱)

از شئون این عالم ظلمانی بکلی بیزار گردید و بشئون و آثار حقایق ملکوتیه واضح و آشکار شوید تا ملاحظه فرمائید که پرتو خورشید یزدان در چه درجه روشن و درخشنده است و آثار عنایت از غیب احدیت چگونه باهر و ظاهر و لائحست (۲)

روح و روان انسان زمانی ترقی کنند که با رنج و الم مورد امتحان قرار گیرد. زمین هر چه بیشتر شخم خورده، بذر بهتر رشد کند، محصول بهتر شود. درست همان طور که تیغه شخم در زمین شیار عمیق ایجاد کند، و آن را از خار و خاشاک و گیاهان هرز منزه سازد، همچنین آلام و اوجاع انسان را از امور لایسمته لایغنیه این حیات دنیوی آزاد کند تا به مقام انقطاع صرف واصل شود. نگاه و رفتار او در این عالم، عبارت از سرور الهی شود. یعنی، انسان نابالغ است، حرارت آتش رنجها او را به بلوغ رساند. به ایام ماضیه نگاه کنید، متوجه میشوید که بزرگترین انسانها بیشترین رنجها را تحمل کردند.

... انسان با تحمل آلام به مسرت ابدی رسد، یعنی مقامی که هیچ امر دیگری او را به آن نرساند. حواریون مسیح متحمل درد و رنج شدند و به مسرت ابدی نائل گشتند.
... برای حصول مسرت ابدی باید رنج کشید. نفسی که به مقام ایثار و فنا رسد به مسرت حقیقی نائل شده است. لذت دنیوی زائل گردد. (۳)

ناپایداری این عالم

هر زمان مشکلات شخصی عظیم در زندگی خصوصی خویش مشاهده کنید ... باید به خاطر داشته باشید که این ابتلائات قسمتی از حیات بشر است؛ و طبق تعالیم مبارکه یکی از حکمتهای آن تعلیم ناپایداری این عالم و ابدیت پیوندهای روحانی است که ما با خداوند، انبیاء او، و نفوس که به ایمان الهی زنده اند، ایجاد می کنیم. شما همیشه باید مد نظر داشته باشید که مظاهر ظهور الهی، بنفسه، از بسیاری از آلام بشری مصون نبودند و از منسویین خویش، تلخ ترین معجزهها را نوشیدند، حضرت پیاء الله از نابرداری خود، میرزا یحیی، زهر نوشیدند. در کنار ابتلائات آنها، بلا یای ما هر قدر که برای ما وحشتناک باشند، باید در مقام مقایسه ناچیز جلوه کنند. (۴)

متقطع شدن از آشوبهایی که این عالم بدان مبتلا است

۱- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۱۸۷ (فقره ۱۶۱)

۲- مکاتیب عبدالبهاء، ج ۴، ص ۱۹۳
۳- ترجمه - Paris Talks، ص ۱۷۸

۴- ترجمه - مکتوب ۱۰ فوریه ۱۹۵۱ از طرف حضرت ولی امر الله: Unfolding Destiny، صص ۶۰-۵۹

گرچه متناقض به نظر میرسد ولی دورنمایی از پیشرفت بی سابقه‌ای که انتظار دارید در امر تبلیغ حاصل شود در وضع پر آشوب اجتماع کنونی آشکار است. باید دریابید که هر چه اوضاع وخیم‌تر شود. فرصت‌های تبلیغ امرالله افزایش می‌یابد و میزان استقبال مردم نسبت به پیام الهی فزونی می‌گیرد. حضرت بنیاءالله به اندازه کافی و به نحوی مؤکد انداز فرموده بودند که ظهور آن حضرت پریشانی بنیادی و عالم‌گیری را به وجود می‌آورد که مرحله‌ای از سیر به سوی وحدت و صلح یعنی هدف غائی امر محسوب می‌گردد. آگاهی از این تحوّل حتمی الوقوع باید اعضای آن محفل را توانائی بخشد تا خود را از عواطف و احساسات توان‌فرسانی که اضطرابات ملازم با جریانات مذکور بر می‌انگیزد منتفع سازند.^(۱)

۱- پیام ۱۹ مه ۱۹۹۴ بیت العدل اعظم به محفل روحانی ملی ایالات متحده. پیام جهانی، شماره ۱۸۲، ص ۶

راه حلّی برای امتحانات

اطاعت از تعالیم مبارکه

اطاعت از تعالیم مبارکه

أول الامر عرفان الله و آخره هو التمسك بما نزل من سماء مشيئة المهيمنة على من في السموات والأرضين^(۱)

عکس العمل حضرت بهاء الله نسبت به عاصیان از تعالیم

اگر اسم رحمانم مغایر رضا حرفی از احبایم استماع نمود مهموماً منعموماً بحلّ خود راجع شد و اسم ستّارم هر زمان مشاهده نمود نفسی بهتکی مشغول است بکمال احزان بمقرّ اقدس بازگشت و بصیحه و ندبه مشغول و اسم غفّارم اگر ذنبی از دوستانم مشاهده نمود صیحه زد و مدهوش بر ارض افتاد ملئکة امریّه بمنظر اکبر حملش نمودند ... هر زمان که اظهار عصیان از نفسی در ساحت اقدس شده هیکل قدّم از حیا ارادة ستر جمال خود نموده چه که لازال ناظر بویفا بوده و عامل بشرایط آن.^(۲)

توفیق غائی ما منوط به اطاعت است

او امر الهیه از سماء عزّ احدیّه نازل باید کلّ بآن عامل شوید امتیاز و ترقّی و فوز خلق بآن بوده و خواهد بود. هر نفسی که بآن عمل نمود رستگار شد.^(۳)

ما تنها در صورتی می توانیم ثابت کنیم شایسته امر مبارک هستیم که در رفتار فردی و حیات جمعی خود مجدّانه از مثل و نمونه مولای محبوبمان تبعیت کنیم، که وحشت ناشی از مظالم، طوفانهای خشونت های بلاوقته، ظلم و بیداد تحقیر و اهانت، ابداً موجب نشد به قدر رأس شعری از شریعت الهی و احکام منزله سماوی حضرت بهاء الله انحراف جویند.

چنین است سیل عبودیت، این است طریق تقدّسی که آن حضرت تا خاتمة الحیات طیّ فرمودند. هیچ امری جز تمسک تامّ به مثال عظیم و جلیل آن حضرت نمی تواند در مسیری که از میان خطرات و مشکلات این عصر پرمخاطره می گذرد، ما را به سلامت عبور دهد و به تحقّق سرنوشت عالی و غائی خوش هدایت کند.^(۴)

راه ناهموار است و امتحانات بسیار؛ اما همانطور که شما اظهار می دارید، اگر یاران پیامورند که حیاتی منطبق با تعالیم حضرت بهاء الله داشته باشند، در خواهند یافت که این تعالیم به طریقی اسرار آمیز و نیرومند فعالیت دارند؛ و همواره تأیید موجود، غلبه بر موانع میسر، و توفیق غائی حتمی است.^(۵)

۱- آثار قلم اعلی، ج ۲، ص ۶۰

۲- مانده آسمانی، ج ۴، ص ۱۱۱

۳- منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، ص ۱۸۵ (فقره ۱۳۳)

۴- ترجمه - بیان حضرت ولی امر الله مندرج در *Baha'i Administration* ص ۱۳۲

۵- ترجمه - مکتوب ۲۳ آوریل ۱۹۵۶ از طرف حضرت ولی امر الله به یکی از احباء، *Compilation*، ج ۲،

مبارزهٔ حیات درون فرد است

نهایتاً تمامی مبارزهٔ حیات در درون فرد است. هیچ‌گونه سازماندهی، به هر اندازه که باشد، قادر به حلّ مسائل داخلی نیست و نمی‌تواند موجب مظفریت یا مانع شکست در لحظه‌ای خطرناک باشد. در مواقعی چنین خطرناک، افراد به وسیلهٔ قوای عظیمه‌ای که به طور کلی در جهان وجود دارد، در هم شکسته می‌شوند و ما بعضی نفوس ضعیفه را مشاهده می‌کنیم که ناگهان به نحوی معجزه‌آسا قوی می‌گردند، و اقویاً ضعیف می‌شوند؛ ما فقط می‌توانیم در کمال محبت سعی کنیم ... از فرد مؤمن عملی به ظهور برسد که در جهت مصالح عالی امر مبارک باشد. زیرا، بدیهی است آنچه که مضر به مصالح امریه است نمی‌تواند در جهت خیر محض فرد بیثباتی باشد.^(۱)

تنها قوه برای غلبه بر امتحانات

باید اطمینان داشته باشید که تمسک تام به احکام و اوامر تعیین شده توسط حضرت بهاء‌الله تنها قوه‌ای است که می‌تواند به طور مؤثر شما را هدایت کند و بر غلبه بر امتحانات و افتانات زندگی قادر سازد و به شما کمک کند که از لحاظ روحانی به طور مستمر رشد و تکامل یابید.^(۲)

اطاعت از تشکیلات

محفل روحانی ممکن است خطا کند اما همانطور که حضرت مولی‌الوری تصریح فرموده‌اند اگر جامعه یا یکی از افراد آن، از تصمیمات متخذة محفل روحانی اطاعت نکنند، نتایجی به مراتب وخیم‌تر به بار خواهد آمد؛ زیرا چنین اقدامی نفس مؤسسهٔ فخریه‌ای را که لازم است جهت استقرار و تحکیم اصول و قوانین امر اعظم الهی تأیید و تقویت گردد، تضعیف خواهد کرد. حضرتشان می‌فرمایند که خداوند متان خطاهای مرتکبه را تصحیح و ترمیم خواهد کرد. ما باید به این حقیقت اعتقاد و اعتماد داشته باشیم و از محافل روحانی خود اطاعت کنیم.^(۳)

نظم اداری و امر تبلیغ عمومی امر مبارک ... هیچ‌یک توفیق حاصل نخواهند کرد، و قادر به حصول هیچ نتیجه‌ای نخواهند بود مگر آن که احبّاء بیثباتی ثابت و راسخ، عمیق، از لحاظ روحانی معتقد و متیقن باشند. درک عقلانی از تعالیم الهی، درکی صرفاً صوری و سطحی خواهد بود و با اولین امتحان واقعی، چنین نفوسی متزلزل می‌گردند. اما وقتی فردی بیثباتی اعتقادی عمیق نسبت به اقتدار الهی داشته باشد که در نفس پیامبرش به ودیعه نهاده شده و از او به حضرت مولی‌الوری تسری یافته و توسط حضرت مولی‌الوری در ولّاء امرالله سریان می‌یابد، و در محافل جریان پیدا می‌کند و نظمی را ایجاد می‌کند که مبتنی بر اطاعت است، وقتی فرد بیثباتی به این موضوع اعتقاد تام داشته باشد، هیچ امری قادر

ص ۲۵ (فقره: ۱۳۳۵)

۱- ترجمه - Directives from the Guardian. شماره: ۲۰۷ / Compilation. شماره: ۱۲۹۷

۲- ترجمه - مکتوب ۲۳ فوریه ۱۹۳۹ از طرف حضرت ولی امرالله، Compilation. ج ۲، فقره ۱۷۶۹

۳- ترجمه - مکتوب نوشته شده از طرف حضرت ولی امرالله در سال ۱۹۴۹، انوار هدایت، شماره ۲۸۳

شما نباید این اشتباه عظیم را مرتکب شوید که امر مبارک را با توجه به یک جامعه، که به وضوح نیاز به مطالعه و اطاعت از تعالیم دارد، مورد قضاوت قرار دهید. ضعف‌ها، تزلزلیها و خصیصه‌های بشری می‌توانند امتحانی بزرگ باشند. اما تنها طریقه، یا شاید باید بگویم اولین و بهترین طریقه، برای ببینود بخشیدن این وضعیت، این است که خود شخص آنچه را که صحیح است انجام دهد. یک نفس می‌تواند موجب تنویر روحانی یک قاره شود. حال که شما نقیصی را در زندگی خود مشاهده و رفع کرده‌اید، حال که شما آنچه را که جامعه خود شما فاقد آن است تشخیص داده‌اید، هیچ امری نمی‌تواند مانع شود که شما قیام کنید و چنین مثال و نمونه‌ای، چنین عشقی و روح خدمتی را نشان دهید که قلوب سایر یغائیان را مشتعل می‌سازد. (۲)

اما هیکل مبارک قویاً بر این عقیده‌اند که اگر ... در وضعیتی است که مکتوب شما به نظر می‌رسد به آن اشاره دارد، محققاً امور را به طریق صحیح هدایت نمی‌نماید. مقصود از این فقط محفل نیست، بلکه شامل همه می‌شود. زیرا محبت یغائی کجا رفته و تقدم اتحاد و اتفاق چه شده؛ برای اشتیاق به فدا کردن احساسات و عقاید شخصی برای حصول محبت و اتفاق چه حادثه‌ای روی داده و چه امری باعث می‌شود یغائیان فکر کنند وقتی احکام روحانی و مقررات اداری را زیر پا گذارند موفقیت از آن آنها خواهد بود؟ (۳)

مردم مجذوب فضیلت‌های ما خواهند شد

به همان نسبت که بشریت عمیق‌تر و عمیق‌تر در ورطه‌ای فرو می‌رود که حضرت بهاء‌الله درباره آن فرموده‌اند "ذکر آن حال مقتضی نه"؛ احباء نیز باید به نحوی دائم‌التراید به عنوان نفوسی مطمئن، آشنا به جهت صحیح، و اساساً مسرور متمایز گردند و با معیاری منطبق باشند که با نگرش‌های ننگین و شنیع جامعه نوین کاملاً متباین و مایه فخر، مباهات، قوت و بلوغ آنها است. همین تضاد بین اقتدار، اتحاد، و انضباط جامعه یغائی از یک طرف، و سرگردانی، یأس و شتاب تب‌آلوده دائم‌التراید جامعه‌ای محکوم به فنا از طرف دیگر در خلال سالیهای پر آشوب آینده انظار عالمیان را به حصن امان امر منجی عالم، جمال قدم، متوجه خواهد ساخت. (۴)

- ۱- ترجمه - مکتوب ۱۱ آوریل ۱۹۴۹ از طرف حضرت ولی‌امرالله، *Compilation*، ج ۱، شماره ۵۰۸
- ۲- مکتوب نوشته شده از طرف حضرت ولی‌امرالله مندرج در *Compilation* ج ۱، شماره ۵۱۲
- ۳- ترجمه - نقل از مکتوب ۲۴ فوریه ۱۹۵۰ که از طرف حضرت ولی‌امرالله خطاب به یکی از احباء نوشته شده و در جلد دوم *Compilation of Compilations* صفحات ۲-۲۱، تحت شماره ۱۳۲۵ درج شده است.
- ۴- ترجمه - پیام رضوان ۱۹۶۶ بیت‌العدل اعظم / انوار هدایت شماره ۴۴۱

از نفی و طرد هراس نداشته باشید

اهل ارض باید مشاهده کنند که علی‌رغم تقلبات و تطورات سریع التّغییر عامّة خلق، اهل بیاء منطبق بر اصول و مبادی سامیه دیانت خود مشی و حرکت می‌نمایند. نباید اجازه دهیم شائبه ترس از نفی و طرد از جانب دوستان و آشنایان، ما را از مقصد متعالی حرکت و سلوک بر طبق موازین امریه منع نماید.^(۱)

زندگی عبارت از رشته‌ای از امتحانات و موقّیّت‌ها است

اطاعت از احکام حضرت بیاءالله ضروره سختی‌ها و شدائدی را در موارد فردی در پی خواهد داشت. احدی نباید انتظار داشته باشد که چون بیائی است، ایمانش مورد امتحان واقع نشود؛ با توجه به ادراک محدود ما از این مواضع، این امتحانات ممکن است گاهی طاقت فرسا به نظر برسند. اما ما واقفیم که حضرت بیاءالله بنفسه المقدّس به اجباء اطمینان داده‌اند که ابدآ از اجباء انتظار نمی‌رود با امتحانی مواجه شوند که فوق طاقت و تحمل آنها است.^(۲)

انسان غالباً نسبت به عمق حکمت برخی از حدود و احکامی که مورد علاقه او نیست فاقد قوه ادراک لازم است. لهذا، وقتی که با تقدیر الهی مواجه می‌شود و در همان موقع نمی‌تواند به حکمت آن پی ببرد، عمق ایمان خویش را به نمایش می‌گذارد.^(۳)

موقعی که تأثیر اطاعت از احکام بر زندگی فردی را در نظر می‌گیریم، باید به خاطر داشته باشیم که هدف از زندگی آماده ساختن روح برای جهان بعد است. در این جهان، شخص باید بیاموزد که غریز حیوانی خود را تحت تسلط گرفته در جهت صحیح هدایت نماید، نه این که برده و اسیر آنها شود. زندگی در این جهان عبارت از رشته‌ای از امتحانات و موقّیّت‌ها، شکست‌ها و ترقّیات روحانی جدید است. گاهی سیر زندگی ممکن است بسیار سخت و دشوار به نظر برسد، اما می‌توان بارها و بارها مشاهده کرد که نفسی که در کمال استقامت احکام حضرت بیاءالله راه هر قدر که سخت به نظر برسد، به مورد اجرا می‌گذارد، از لحاظ روحانی رشد می‌کند، در حالی که شخصی که صرفاً برای تأمین لذایذ و شادی ظاهری خویش آنها را زیر پای می‌گذارد، مشاهده شده که از او هام و خیالات خویش تبعیت کرده است؛ چه که او به سعادت که در جست‌جویش بوده واصل نمی‌شود، ترقّی روحانی خود را به تأخیر می‌اندازد و غالباً مسائل و مشکلات جدیدی را برای خود ایجاد می‌کند.^(۴)

۱- مکتوب ۱۳ ژوئیه ۱۹۷۲ بیت‌العدل اعظم خطاب به محافل روحانی ملی، مندرج در انوار هدایت، شماره ۱۷۹۵

۲- ترجمه - مکتوب ۷ سپتامبر ۱۹۶۵ بیت‌العدل اعظم خطاب به محفل روحانی ملی ایالات متّحده، انوار هدایت شماره ۱۱۴۴

۳- ترجمه - مکتوب ۲ مارس ۱۹۸۷ بیت‌العدل اعظم خطاب به یکی از اجباء

۴- ترجمه - از مکتوب بیت‌العدل اعظم خطاب به یکی از اجباء، گزیده‌هایی از مکتوب ۶ فوریه ۱۹۷۳ خطاب به کلیه محافل ملی / انوار هدایت، شماره ۱۲۰۹

راه حلّی برای امتحانات

صبر در پیش گیرید و
به عاقبت کار ناظر باشید

صبر در پیش گیرید و به عاقبت کار ناظر باشید

يا ابن البشر إن أصابتك نعمة لا تفرح بها وإن تمسك ذلّة لا تحزن منها لأن كليهما تزولان في حين و تيدان في وقت. (۱)

قناعت در جميع احوال و شرایط

ان الزم القناعة في كل الاحوال بها تسلم النفس من الكسالة و سوء الحال (۲)

در امورات خود آن جناب هم هر چه پیش آید موافق داندتد محبوب است. انسان بشغلی مشغول باشد احب است چه که حین اشتغال ناملايمات روزگار کمتر احصاء می شود. (۳)

بگو ای حبيب الهی، نترس و محزون مباش، بر امر مستقیم باش. قسم به خداوند تقوسی که از یزاده محبت ربّ بهی ایبی نوشیده اند از احدی خوف به دل راه ندهند، بر بلايا صبر کنند، مانند عاشقی که برای رضایت محبوبش صبر نماید. اگر صبر پیشه کند مقام این بلايا از آنچه که حسیان لوجه المحبوب تحمل نمایند اعظم و اشرف بوده و خواهد بود. (۴)

فتوبی للصابرين الذين يصبرون في البأساء والضراء و لن يجزعوا من شيء و كانوا على مناهج الصبر لمن السالكين... (۵)

انه يزيد اجر الصابرين (۶)

الصبر في البلايا بل الشكر فيها

اعمال و افعال حق مشهود و ظاهر چنانچه در جميع كتب سماويه نازل و مسطور است مثل امانت و راستی و پاکی قلب در ذکر حق و بردباری و رضای بما قضی الله له و القناعة بما قدر له و الصبر في البلايا بل الشكر فيها و التوكل عليه في كل الاحوال این امور از اعظم اعمال و اسبق

۱- کلمات مکتونه عربی، شماره ۵۲

۲- لوح طب، مجموعه الواح مبارکه طبع مصر، ص ۲۲۳

۳- لوح مقصود، ص ۲۴

۴- ترجمه - لوح منتشر نشده حضرت بهاء الله که ترجمه انگلیسی آن در صفحه ۲۲۲ کتاب Eminent Baha'is in the Time of Baha'u'llah اثر حسن موقر بالیوزی مندرج است. این لوح روز دوازدهم رضوان، حین خروج از باغ نجیبیه، خطاب به آقا میرزا آقا افغان شیرازی از قلم عظمت نازل شده است - م

۵- سورة الملوك، الواح نازله خطاب به ملوک، ص ۲۸

۶- همان

آن عند حق مذکور...^(۱)

أنتقوا إذا وجدتم و اصبروا إذا فقدتم ان بعد كل شدة رخاء و مع كل كدر صفاء^(۲)

اراده خود را در رضای او فانی ساز، چه که ابداً هیچ چیز به جز اراده او نخواسته ایم و آنچه را که تقدیر قطعی او بوده استقبال کرده ایم. قلباً صبور باش و مایوس مگرد و مباش از جمله نفوسی که مضطربند.^(۳)

اراده الهی را در کمال بردباری بپذیرید

جریان زندگی گپگاهی ما را به امتحانات و افتانات بسیار شدید مبتلا می سازد، اما باید همیشه به خاطر داشته باشیم که وقتی با صبر و بردباری اراده الهی را می پذیریم، به طرق دیگر جبران می فرماید. با ایمان و عشق باید صبر پیشه کنیم و او مطمئناً اجر ما را خواهد داد.^(۴)

به عاقبت کار بیندیشید

لا تجزعوا فی المصائب و لا تفرحوا. ابتغوا أمراً بین الامرین هو التذکر فی تلك الحالة و التنبه علی ما یرد علیکم فی العاقبة.^(۵)

نظر به عاقبت کار و نتیجه امتحانات

اصل العافیة هی الصّمت و النّظر الی العاقبة و الإنزواء من البریة^(۶)

ای عباد اگر در این ایام مشهود و عالم موجود فی الجمله امور بر خلاف رضاء از جبروت قضا واقع شود دلتنگ مشوید که ایام خوش رحمانی آید و عالمهای قدس روحانی جلوه نماید و شما را در جمیع این ایام قسمتی مقدر و عیشی معین و رزقی مقرر است البته بجمع آنها رسیده فائز گردید.^(۷)

... تلك حیوة تفتی و کلّ نفس تصرم الی الله ربّی و انه لیوفّی اجور الذین صبروا احسن الذی كانوا یصنعون^(۸)

- ۱- مجموعه اقتدارات، ص ۱۶۲
- ۲- لوح حکمت، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۸
- ۳- ترجمه - بیان حضرت بهاء الله، فقرة ۶۲ از Gleanings from the Writings of Baha'u'llah
- ۴- مکتوب ۳۰ اکتبر ۱۹۵۱ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء / انوار هدایت شماره ۲۰۴۶
- ۵- کتاب اقدس، بند ۴۳
- ۶- ادعیه محبوب، طبع طهران، ص ۴۳
- ۷- لوح احمد فارسی، دریای دانش، ص ۱۲۵ / مجموعه الواح طبع مصر، ص ۳۲۹
- ۸- منتخبات آیات از آثار حضرت نقطه اولی، ص ۱۱۳

به بدایت امور ناظر نباشید، قلب را به نهایت امر و نتایج آن متوجه سازید. این زمان بمثابة زمان زرع است. تردیدی نیست که آستن خطرات و مشکلات است، اما آتیه ایام محصول فراوان برداشت شود و منافع و اثمار وفیر ظاهر و باهر گردد. وقتی نفس امر و انتهای آن ملاحظه گردد، سرور و بهجت بی منتهی ظهور نماید. (۱)

از آنچه وارد شده محزون مباش، مغموم مگرد. آنچه ظاهر گردد خیر محض است و حکمت الهیه در آن مکنون و عنقریب ظاهر شود. (۲)

حضرت عبدالبهاء غالباً می فرمودند که تفاوت بین یک پیغمبر و شخص عادی در این است که شخص عادی تنها ناظر به زمان حال است. او سعی نمی کند فتوحات آینده را در نظر مجسم کند و به این وسیله موانع جزئی فعلی را فراموش کند. اما پیغمبر نسبت به اوضاع و شرایط آتیه بینشی عمیق دارد و فتح و ظفر آینده اش را مشاهده می کند و حتی اگر قتل عام پیروانش را مشاهده نماید ما یوس نمی گردد. ما بهائیان باید از شیوه پیامبران تبعیت کنیم. ما می دانیم که امر مبارک نهایتاً مظفر خواهد شد و جنودش کاملاً متحد خواهند گشت. ما می دانیم که وعود حضرت مولی الوری بالاخره تحقق خواهد یافت. پس، چرا مخالفتهای جزئی که بر سر راه خویش مشاهده می کنیم ما را نومید می سازد. ما باید بر شور و اشتیاق خویش یفتزاییم و در زیارت ادعیه و بذل مساعی مداومت نماییم... (۳)

بعد از طوفان

هوالبهی ای ناطق بشنای حضرت یزدان در موسم زمستان آنچه طغیان طوفان شدیدتر و باران و بوران عظیم تر، در فصل نوپهار گلشن و گلزار طراوت و لطافتش بیشتر گردد و حلاوت و زینت چمن و لاله زار زیادتر شود؛ گریه ابر سبب خنده گل گردد و دمدمه رعد نتیجه اش زمزمه بلبل شود و شدت برد جمال ورد بیار آورد و طوفان سرد باغ را بشکوفه های سرخ و زرد بیاراید؛ اریاح شدید منتج نسائم لطیف گردد و باد صبا شمیم گل حمرا گیرد؛ سفیدی برف سبزی چمن شود و افسردگی خاک شکفتگی نسرین و نسترن گردد و پژمردگی شتاتری و تازگی بهاری شود و شدت سرما اعتدال هوا گردد؛ سرو بیالد، فاخته بنالد، بلبل بخواند، گل چهره برافروزد، لاله ساغر گیرد، نرگس مخمور گردد، بنفشه مدهوش شود، اشجار سبز و خرم شود و اوراق طراوت جوید، ازهار بدمد، اثمار نمودار شود، گلشن مجلس انس شود و چمن محفل قدس گردد. جمیع این فیوضات و تجلیات بهار اثر مصیبات زمستان است و کل سرور و حبور گلشن و گلزار از اثر برودت فصل شتا. لهذا، ای اسیر سلاسل و اغلال و رهین وثیق و سجن در راه پروردگار؛ اگرچه در بلا یای شدید

۱- ترجمه - بیان حضرت عبدالبهاء مندرج در Tablets، ص ۲۶۵

۲- ترجمه - بیان حضرت عبدالبهاء مندرج در Tablets صفحه ۴۵۷

۳- ترجمه - از مکتوبی که از طرف حضرت ولی امرالله نوشته شده مندرج در صفحه ۱۲ Dawn of a new

افتادی و در رزایای عظیمه گرفتار شدی، کأس بلا نوشیدی و زهر ابتلا چشیدی، بسا شبها که از ثقل اغلال نیارمیدی و بسا روزها که از اذیت اهل ضلال نیاسودی، آنیست صدمات قویه بود و جلیست بلیات شدید، امیدواریم که این مشقات جسمانیه راحت و مسرت روحانیه آرد، این عسرت علت مسرت گردد و این زحمت باعث رحمت شود و این نعمت سبب نعمت جاودانی گردد و این تنگی سجن گشایش جهان الهی شود. قسم بسلطان وجود و عالم غیب و شهود که این بلیات سیل محبوب از جان عزیزتر است و از شهود و شکر لذیذتر. ع (۱)

به آینده باشکوه ناظر باشید

آیه بلا واسطه، همانطور که حضرت مولی الوری پیش بینی فرموده اند، باید ضرورتاً برای امر مبارک و نیز برای کل عالم بسیار تیره و تاریک باشد، اما وعودی که هیکل مبارک مکرراً از آینده ای باشکوه برای امرالله و نوع بشر به طور کلی، به ما داده اند از چنان ماهیتی برخوردار است که مطمئناً ما را در بنحوحه امتحانات و بلیات ایام آینده حفظ و تقویت خواهد نمود. (۲)

محققاً ما بیائیان بسیار سعادتمند هستیم که می دانیم اگرچه ایامی که بلافاصله در پیش روی نوع بشر قرار دارد بسیار تیره و تاریک است، اما آیه بسیار مطلوب و جلیل می باشد. برای این آینده است که احباء باید لیلأ و نهاراً، بی اعتناء به وضعیت عالم و خطرات تهدیدکننده، جد و جهد نمایند. (۳)

هر قدر آینده فوری و بلافاصل تیره به نظر برسد، چشم اندازی که در آینده دور برای جامعه احبای آلمانی مقدر شده است از چنان درخشش و جمال بی حد و حصری برخوردار است که می تواند در لحظات نهایت حزن و الم شما، نهایت حد دلگرمی و تشویق را برای شما تأمین نماید. (۴)

پروردگار غم را به سرور تبدیل نماید

اگر شرایط فعلی شاق و جاد گشته و مشکلات از جمیع جهات احاطه نموده، محزون میباش. پروردگار حزن را به سرور بدل کند، سختی به راحتی مبدل سازد، و رنج و محنت را به آسودگی و آسایش تبدیل نماید. (۵)

۱- لوح ملا علی اکبر ایادی، مانده آسمانی، ج ۵، ردیف ت، باب ۷ (ص ۶۲۰ طبع اول) - توضیح مترجم: لوحی که نویسنده نقل نموده با همین مضامین اما لوحی جز این است. لوح مزبور در ص ۱۲ Tablets، فقره Compilation ۱۵۲۳ و صفحه ۲۹۵ Baha'i World Faith مندرج است. اصل لوح مزبور یافت نشد.

۲- ترجمه - از مکتوب ۱۸ آوریل ۱۹۴۰ که از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احباء نوشته شده مندرج در صفحه ۴۳۷ Unfolding Destiny

۳- از مکتوبی که از طرف حضرت ولی امرالله نوشته شده، Dawn of a New Day ص ۷-۹۶

۴- از مکتوبی که از طرف حضرت ولی امرالله نوشته شده، Light of Divine Guidance ج ۱، ص ۹۶

۵- ترجمه - Divine Art of Living ص ۹۰

صبور، مشتاق و آرام باش

اگرچه این بلیه بسیار شدید و عظیم بود، اما تو باید در زمان مشقت و رنج صبور، مشتاق و آرام، ثابت، راسخ و متحمل باشی. اینها صفاتی است که چون تویی را سزاوار است. (۱)

از امتحانات الهیه محزون مشو. از شدائد و بلیات مغموم مگرد؛ در نهایت تبتل و خضوع به خداوند توجه کن، شدائد را تحمل نما، در تمام شرایط راضی و در جمیع مشاکل شاکر باش. پروردگارت حبیب اماء الرحمن صابره مؤمنه راسخه است؛ آنها را با این بلیات و امتحانات مقرب درگاهش سازد. (۲)

کثیری از نفوس به مخالفت شما قیام کنند، ظلم و ستم روا دارند، مورد شماتت و ملامت قرار دهند، از مشقات شما ابراز بهجت و مسرت نمایند، شما را سزاوار طرد و رد شمارند، و مجروح سازند؛ اما آب سماوی چنان انوار روحانیه مبذول فرماید که چون اشعه شمس شوید که وقتی غمام تیره را محو و زائل سازد، سیلاب نور را بر وجه ارض بتاباند. هر زمان که مبتلا به این بلا یا شوید، باید ثابت و راسخ باشید، و صبور و متحمل. به جای آن که به تلافی پردازید و عملی را با عکس العملی جواب گوید، باید مخالفت را با نهایت احسان و عنایت مقابلی نمایید، و ابداً به مظالم و لطمات اهمیت ندهید، بلکه آنها را ملعبه صبیان دانید. چه که بالمآل نورانیت ملکوت بر ظلمت عالم وجود احاطه نماید و تقدس و تعالی منویات شما به وضوح تام ظاهر و آشکار شود. (۳)

باران باید در وظیفه خود مداومت نمایند نمایند و اجازه ندهند هیچ مانعی، هر قدر عظیم، آنها را از ترقی و تقدم منع نماید. در این ایام شداید و بلا یا، صبر و امید برای حصول توفیق در هر اندیشه یا نقشه‌ای ضروری و واجب است. (۴)

هر لیلی را نهاری از پی

مانند حضرت مسیح که جان خویش را فدا و قربان نمود، شما نیز خود را برای بهبود عالم فدا نمایید؛ و همانطور که حضرت یه‌اء الله قریب پنجاه سال رنجهای عدیده و بلیات شدیده تحمل فرمود، شما نیز مشتاق تحمل مشکلات و استقامت در بلا یا برای کل نوع بشر شوید. این امتحانات

۱- ترجمه - بیان حضرت عبداله‌اء در لوحی خطاب به خاتم کورین ترو Corinne True منقول در کتابی به همین نام اثر Futstein

۲- ترجمه - Tablets of Abdul-Baha، ص ۵۱

۳- ترجمه - از لوحی که از فارسی به انگلیسی ترجمه و در صفحه ۱۵۴ جلد اول Compilation تحت شماره ۲۰۶ درج شده است.

۴- ترجمه - مکتوب ۲۰ ژوئیه ۱۹۲۲ که از طرف حضرت ولی امر الله خطاب به محفل روحانی منچستر نوشته شده و در صفحه ۴۰۵ Unfolding Destiny درج شده است.

واقفانان را مشتاقانه و در کمال سرور تحمل کنند؛ چه که هر لیلی را نهاری از پی و هر خزانگی را بیماری از عقب. (۱)

این ایام بگذرد

محزون باش، مأیوس باش، محصور باش، این ایام بگذرد، انشاء الله در ظل جمال مبارک در ملکوت ایبی جمیع این غصه ها را فراموش می کنیم و جمیع این طعن ها بتحسین جمال مبارکش تلافی می گردد. تا دنیا بوده حزن و اندوه و حسرت و حرقت نصیب بندگان الهی بوده... (۲)

اگر نفسی زمانی با شدت و سختی مواجه گردد و با اوقات دشوار روبرو شود، باید با خود بگوید، "این بزودی سپری شود." بعد، آرام و آسوده خواهد شد. من در جمیع بلیات و مشکلات با خود می گفتم، "این بزودی بگذرد." بعد، صبور می شدم. اگر کسی نتواند صبور باشد و نتواند متحمل باشد، و اگر بخواهد شهید باشد، باید قیام به خدمت امر الهی کند. (۳)

حضرت ولی امر الله از امتحانات و بلیاتی که شما از آن گذشته اید کاملاً آگاهند، اما اطمینان دارند که این آلام و اوجاع، اگرچه اثراتی محزن اثر و حتی غیر قابل تحمل دارند، نهایتاً شما را زندگی نازدای بخشند و حیات روحانی شما را پربار کنند. (۴)

۱- ترجمه - خطابه ۲۴ آوریل ۱۹۱۲ در منزل خانم پارسونز

۲- لوح مبارک حضرت عبدالهء خطاب به حضرت ورقه علیا، مندرج در صفحه ۹ "بهانیه خانم، حضرت ورقه علیا" تدوین دایرة مطالعه نصوص والواح مرکز جهانی بهائی، طبع ۱۴۲ بدیع در لانگنهاین آلمان

۳- ترجمه - بیان منسوب به حضرت عبدالهء، *Star of the West* سال ۱۲ شماره ۱۸، ص ۲۸۰

۴- از مکتوب ۳۱ مه ۱۹۲۳ از طرف حضرت ولی امر الله به یکی از احباء

راه حلّی برای امتحانات

تحوّل روحانی

تحوّل روحانی

يا ابن الانسان لا تحزن الآ في بُعْدِكَ عَنَّا و لا تفرح الآ في قَرْبِكَ بنا و الرجوع اليّنا^(۱)

باید بخوایم که متحوّل شویم

بلندی و پستی و بیشی و کمی بسته بکوشش اوست. هر که بیشتر کوشد بیشتر رَوَد. (۲)

و قُدِّرَ لِكُلِّ نَفْسٍ مَقَادِيرُ الْأَمْرِ... وَلَكِنْ يَظْهَرُ كُلُّ ذَلِكَ بِأَرَادَاتِ أَنْفُسِكُمْ كَمَا أَنْتُمْ فِي أَعْمَالِكُمْ تَشْهَدُونَ^(۳)

اگر خدا خواهد آن سنگ را هم مرآت کند مقتدر است ولی خود بنفسه راضی شده که اگر می خواست بلور شود هر آینه خداوند او را خلق می فرمود بر صورت بلوریت^(۴)

خداوند اقدام ما را به الهام خود هدایت فرماید

فيا الهی بعزّتک لا تبتلیني فی مواضع الامتحان و سدّدنی بالهامک فی مواقع الاغفال انّک انت الله الذی قد کنت قدیراً علی ما تشاء لا رادّ لمشيّک و لا مردّ لارادّک...^(۵)

ما دارای قابلیت هستیم

مکتوبت واصل شد. نوشته ای، "من قابلیت ندارم." چه کسی قابل تراز تو؟ اگر قابل نبودی به خداوند توجّه نمی کردی و آرزوی دخول در ملکوت نمی نمودی. قابلیت تو تو را هدایت نموده تا این موهبت و عنایت تو را احاطه نماید. (۶)

می توانیم افکار و احساساتمان را انتخاب کنیم

دیگر محزون نخواهم بود و مغموم نخواهم گشت؛ مسرور و مجبور خواهم شد. خدایا، دیگر مضطرب نخواهم شد و اجازه نخواهم داد آلام بر من محیط شود و بر امور غیر مرضیه زندگی اندیشه نخواهم کرد. (۷)

از جمیع شما می خواهم که جمیع افکار و قلوب خود را بر محبت و وحدت متمرکز سازید.

- ۱- کلمات مکتوبه عربی، شماره ۲۵
- ۲- منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، ص ۵۹
- ۳- منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، ص ۱۰۱
- ۴- منتخبات آیات از آثار حضرت نقطه اولی، ص ۷۲
- ۵- منتخبات آیات از آثار حضرت نقطه اولی، ص ۱۴۹
- ۶- ترجمه - لوح حضرت عبدالهء به روت کلوس Ruth Klos: نجم باختر، سال ۱۰، شماره ۱۷، ص ۲۱۹
- ۷- ترجمه - مناجات حضرت عبدالهء مندرج در صفحه ۱۵۲ Baha'i Prayers

وقتی که فکر جنگ خطور می‌کند، آن را با اندیشه قوی ترقی دربارۀ صلح متقابل کنید. فکر نفرت را باید با فکر قوی تری دربارۀ محبت نابود کرد.^(۱)

سعادت مبتنی بر اخلاق رحمانی است

در آینده اخلاق عمومی بسیار فاسد گردد. باید اطفال را تربیت بهائی نمود تا سعادت دو جهان یابند و الا در زحمت و مشقت افتند. زیرا سعادت عالم انسانی با اخلاق رحمانیست.^(۲)

سرور قلب انسان به محبت الله است؛ بشارت روح انسان به معرفه الله است. اگر قلب انسان بخدا تعلق نیابد به چه چیز خوش گردد؟ اگر امید به خدا نداشته باشد، به چه چیز این حیات دو روزه دنیا دل بندد؟ و حال آن که می‌داند چند روز است، محدود است و منتهی می‌شود. پس باید امید انسان به خدا باشد، زیرا فضل او بی منتهاست، الطاف او قدیم است، مواهب او عظیم است، خورشید او همیشه می‌درخشد، ابر رحمت او همیشه می‌بارد، نسیم عنایت او همیشه می‌وزد.^(۳)

وقت سرور روح انسان در پرواز است

وقت سرور روح انسان در پرواز است. جمیع قوای انسان قوت می‌گیرد و قوه فکریه زیاد می‌شود؛ قوه ادراک شدید می‌گردد؛ قوه عقل در جمیع مراتب ترقی می‌نماید و احاطه بحقائق اشیاء می‌کند اما وقتی که حزن بر انسان مستولی شود مخمود می‌شود، جمیع قوای ضعیف می‌گردد، ادراک کم می‌شود، تفکر نمی‌ماند، تدقیق در حقایق اشیاء نمی‌تواند، خواص اشیاء را کشف نمی‌کند، مثل مرده می‌شود. این دو احساس شامل جمیع عموم بشر است؛ از روح برای انسان حزنی حاصل نمی‌شود و از عقل انسان زحمت و ملالی رخ نمی‌دهد، یعنی قوای روحانیه سبب مشقت و کدورت انسان نمی‌گردد؛ اگر حزنی از برای انسان حاصل شود از مادیاتست ... اما از احساسات روحانیه هیچ ضرر و زبانی و غصه و غمی از برای انسانی حاصل نمی‌شود.^(۴)

یوماً فیوماً باید برای ترقی تلاش کرد

نمی‌فهمم چرا مردم بر این نکته اصرار می‌ورزند که احدی نمی‌تواند آنچه را که به آن عادت کرده است کنار بگذارد. اگر کسی کاملاً مصمم شود و عزم جزم نماید که آن را برای همیشه کنار بگذارد، براحته موقت به این کار خواهد شد. این امر صرفاً به شخصیت و عزم راسخ مبتنی است.^(۵)

۱- ترجمه - خطابه ۲۱ اکتبر حضرت عبدالهء، مندرج در صفحه ۲۹ Paris Talks

۲- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالهء، ج ۱، ص ۱۲۴

۳- خطابات مبارکه، ج ۱، ص ۱۹۵

۴- خطابات مبارکه، ج ۱، ص ۱۹۷

۵- منسوب به حضرت عبدالهء، دفتر خاطرات احمد سهراب، مندرج در نجم باختر، سال هشتم، شماره ۲.

لهذا می‌گوییم که انسان باید در سبیل الهی سلوک نماید. هر یوم باید تلاش کند که ترقی نماید، ایمان او باید تزايد یابد و راسخ تر شود، صفات حسنه او و توجیش به خداوند باید بیش از پیش گردد، شعله محبت او باید درخشش بیشتر داشته باشد؛ در این صورت یوماً فیوماً ترقی کند، چه که توقف در ترقی بمنزله شروع تدنی است. پرنده وقتی پرواز می‌کند بالاتر و بالاتر می‌رود، چه که به محض آن که از پرواز باز ماند سقوطش آغاز می‌شود. هر روز، بامدادان موقعی که برمی‌خیزید باید امروز را با دیروز مقایسه کنید و ببینید که در چه شرایطی قرار دارید. اگر مشاهده می‌کنید که ایمان شما قوی‌تر و قلبتان بیش از پیش به یاد خدا است و محبت شما تزايد یافته و آزادی شما از این عالم به مراتب بیشتر شده، در این صورت به حمد ثنای الهی بپردازید و تزايد این سجایا را بطلبید. شما باید برای تمام خطایابی که مرتکب شده‌اید به دعا و انابه بپردازید و با تبیل و تضرع طلب اعانت و مساعدت نمایید تا بهتر از دیروز شوید و بتوانید سیر ترقی را ادامه دهید.^(۱)

اگر قوه معنوی بیشتر باشد، انسان ترقی کند

امیدوارم هر یک از شما آنقدر عظمت یابید که هر یک به هدایت ملتی بپردازید. احباء باید کوشش کنند که به چنین مقامی نائل گردند تا به تبلیغ اهالی آمریکا بپردازند. سجایای معنویه نامحدود است. لهذا، شما نباید به صفت واحد قانع باشید، باید جد و جهد نمایید تا به جمیع سجایا متصف گردید. هر یک از ما باید خود را ارتقاء بخشد تا به آنچه که اکمل است فائز شود. چون انسان متوقف شود تدنی کند. طیر وقتی که در پرواز است اوج گیرد؛ اما به محض توقف سقوط نماید. مادام که انسان به طرف بالا در حرکت است، ترقی نماید، به محض توقف تدنی نماید. لهذا، امیدوارم احبای الهی همیشه در حال صعود و ارتقاء باشند.

در انسان دو قوه وجود دارد. یک قوه او را رفعت بخشد، این انجذاب الهی است که سبب رفعت انسان شود. در جمیع مراتب وجود به این قوه ترقی نماید. این قوه روح است. قوه دیگر سبب هبوط انسانی شود؛ این طبیعت حیوانی است. قوه اول انسان را منجذب ملکوت سازد. قوه ثانی او را به عالم امکان هبوط دهد. حال، باید ملاحظه نماییم کدام یک از این قوا نیرومندتر است. اگر قوه معنویه تسلط یابد، انسان آسمانی شود، نورانی گردد، رحمانی شود؛ اما اگر قوه دنیویه سلطه یابد، انسان ظلمانی شود، شیطانی گردد، مانند حیوان شود. لهذا باید به طور مستمر ترقی کند. مادام که قوه معنویه اعظم قوی است، انسان صعود و ترقی کند.^(۲)

تأثیرات تحوّل فردی

با توجه به این اوضاع و احوال معلوم می‌شود مسئولیتی که نسل حاضر از احبای امریک در این مرحله بدوی از تکامل روحانی و اداری خویش بر دوش دارند بسیار مهم و خطیر است. در این برهه از

زمان است که یاران رحمانی باید بجمع وسائل ممکنه افکار و اذکار و شیم و اطوار غیر مرضیه ای را که میراث نیاکان محسوب از ریشه براندازند و بجای آن بانهایت صبر و متانت و توسل بذیل دعا و استقامت ملکات فاضله و شتون و احوال ممتازة روحانیه را که برای شرکت مؤثر آنان در خدمت آستان الهی و استخلاص عالم انسانی لازم و ضروری است در حدیقه وجود غرس نمایند و خود را برای تحقق این منظور عظیم و خدمت قویم آماده و مهیا سازند. حال چون جامعه یاران نظر بملت اعضاء و محدودیت نفوذ و امکانات ضروریه از ایجاد اثر محسوس نسبت بتوده عظیم هموطنان خویش ممنوع و معذورند، انسب و اولی آن که در حال حاضر توجه را بخود معطوف دارند و در اصلاح احوال و ترمیم نواقص و رفع حوائج خویش کوشند و در تدرج در مراتب کمال و ارتقاء بشتون و فضائل رحمانیه سعی بلیغ و جهد جهید مبذول دارند و همواره متذکر باشند که هر چه در این امر دقیق بیشتر همت نمایند و قدم فراتر نهند برای یومی که بنوبه خود حجه دفع شرور و مناسد جاربه همچین تهذیب قلوب و تنقیف افکار و تقویت حیات عمومی اجتماع فرا خوانده شوند در انجام وظیفه مستعدتر و مقتدرتر خواهند بود. (۱)

باید سعی کنیم خلق جدید شویم

جدّ و جهد جزء لاینفک حیات انسان است ... زندگی به هر حال سعی و تلاش است. ترقی با بذل مجهودات حاصل می شود و بدون چنین جدّ و جهدی زندگی معنی و مفهوم خود را از دست می دهد و حتی نابود می شود. (۲)

گذشته ما در این دنیا برای آنچه که قصد داریم برای آینده خود انجام دهیم اهمیت زیادی ندارد. ارزش وصف ناشدنی و غیر قابل ارزیابی دیانت این است که وقتی نفسی ارتباطی حیاتی با آن داشته باشد، در اثر اعتقادی واقعی و زنده به آن و به پیامبری که آن را عنایت فرموده است، قوایی به مراتب اعظم از قوه خود کسب می کند که او را در انصاف به صفات حسنه و غلبه بر صفات سیئه اعانت می نماید. کل هدف دین عبارت از ایجاد تحوّل نه تنها در افکار بلکه در اعمال ما نیز می باشد. وقتی که ما به خداوند، پیامبرش و تعالیمش اعتقاد داشته باشیم، رشد و تکامل می یابیم حتی اگر احتمالاً احساس کنیم قابلیت رشد و تحوّل را نداریم. (۳)

ما باید سعی کنیم که متحوّل شویم، به قوه الهی اجازه دهیم ما را مدد رساند تا خلق جدید شویم و به عمل و عقیده، یهائی حقیقی گردیم. اما گاهی اوقات این جریان بطئی است، گاهی اوقات ابداً اتفاق نمی افتد زیرا فرد به اندازه کافی تلاش نمی کند. (۴)

۱- ظهور عدل الهی، صص ۴۶-۴۴

۲- ترجمه - مکتوب ۲۶ دسامبر ۱۹۳۵ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء، انوار هدایت، فقره ۱۸۷۰

۳- ترجمه - مکتوب ۱۳ اکتبر ۱۹۴۳ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء / انوار هدایت، ققره ۷۰۱

۴- ترجمه - مکتوب ۱۷ اکتبر ۱۹۴۴ از طرف حضرت ولی امرالله / *Unfolding Destiny* صص ۴۴۰

یاران برگزیده ... باید نظر به پستی محیط خود و دتو اخلاق و سوء رفتار نفوس در حول خود نمایند و راضی بامتیاز و تفوق نسبی نگردند بلکه باید نظر را باوج مرتفع نمایند و نقطه نظرگاه را تعالیم و نصائح قلم اعلی قرار دهند. آنوقت معلوم شود که هنوز از برای کل در وادی سلوک مراحل عدیده باقی مانده و طی مسافت نکرده بسر منزل مقصود که تخلق باخلاق و شیم الهیه است هنوز وارد نگشته ایم. (۱)

باید مستمرّاً در حال ترقی باشیم

زندگی مبارزهای است مستمرّنه تنها علیه نیروهایی که ما را احاطه کرده اند بلکه بالاتر از همه علیه "نفس امّاره" خود. ما هرگز نمی توانیم به آنچه که داریم متکی باشیم، زیرا طولی نمی کشد که به میان سیلاب تند کشیده خواهیم شد. بسیاری از نفوسی که از امر الهی کناره می گیرند به این دلیل است که از ترقی و تقدّم باز مانده اند. این نفوس خودپسند یا بی تفاوت شده و در نتیجه از جذب قوه و نشاط روحانی مورد نیاز خود از امر مبارک ممنوع شده اند ... به طور کلی نه دهم مشکلات اجباء به این علت است که آنها در ارتباط با یکدیگر، ارتباط به هیأت های اداری یا در زندگی خصوصی خود بر وفق تعالیم الهی رفتار نمی کنند. (۲)

قوة الهی می تواند سرشت و خصیصه ما را بالمره تغییر دهد و از ما موجوداتی کاملاً متفاوت با آنچه که قبلاً بوده ایم بسازد. با دعا و التجاء به ساحت حق، اطاعت از احکامی که حضرت بهاءالله نازل فرموده اند، و خدمت دائم التزاید به امر مبارکش، می توانیم خود را متحوّل سازیم. (۳)

ایشان امیدوارند که شما از لحاظ سرشت و خصیصه و نیز اعتقاد و ایمان، بهائی حقیقی شوید. هدف کلی حضرت بهاءالله این است که ما باید نفوسی جدید شویم، نفوسی سلیم گردیم، مهربان، باهوش، صدیق و امین شویم، و منطبق با احکام عظیمه ای که برای این عصر جدید ترقی بشر وضع گردیده زندگی کنیم. کافی نیست که خود را بهائی بنامیم، باطن و ضمیر ما باید اعتلاء یابد و به حیات بهائی منور شود. (۴)

مظاهر قدسی تنها نفوسی هستند که حقیقه از "مشتبهات نفسانی" میرا هستند؛ زیرا راهی از اسارت نفس نشانه کمال است و ما انسانها هرگز به کمال نخواهیم رسید زیرا کمال متعلق به عالمی است که مقدر نیست ما به آن وارد شویم. اما باید به طور مستمرّ و مداوم تعالی یابیم و طالب عروج به مراحل کاملتر

۱- مکتوب ۳۰ اکتبر ۱۹۲۴ خطاب به محفل روحانی طهران، توقیعات مبارکه ج ۱، ص ۲۰۷.

۲- ترجمه - مکتوب ۸ ژانویه ۱۹۴۹ از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت شماره ۲۸۸

۳- ترجمه - مکتوب ۲۲ نوامبر ۱۹۴۱ از طرف حضرت ولی امرالله / *Compilation II, no. 1770*

۴- ترجمه - مکتوب ۲۵ اوت ۱۹۴۴ از طرف حضرت ولی امرالله به جلسه جوانان در مدرسه لوهلن /

شوم.

نفس انارده حیوانِ درون ما و میراث جسم می باشد که مشحون از امیال نفسانی است. با اطاعت از احکام الهی، برخورداری از حیات بهائی منطبق با تعالیم مبارکه، و دعا و بذل مساعی، می توانیم بر نفس خود تسلط یابیم. ما نفوسی را "قدیس" می نامیم که به اعلی مدارج تسلط بر نفس عروج نموده اند. (۱)

رشد روحانی سفری لایتناهی است

از آنجا که ما تقریباً هرگز بدون مشاهده هدف بعدی که باید به آن نائل گردیم و هنوز ورای دسترسی ما است، به هیچ مقصد روحانی نمی رسیم، هیکل مبارک توصیه می فرماید که شما، که در سیل روحانیت تا بدین حد پیش آمده اید، در مورد مسافتی که هنوز باید پیمایید مضطرب و نگران نباشید. این سفری لایتناهی است و بلا تردید در عالم بعد، روح انسانی از افتخار تقرب به خداوند به مراتب بیشتر از آنچه که در عالم مادی میسر است، برخوردار خواهد شد. (۲)

مقصد اصلی جمیع ادیان الهی، از جمله امر بهائی، نزدیکتر ساختن انسان به خداوند، و متحول ساختن سرشت و خصیصه او است؛ این هدف بغایت حائز اهمیت است. غالباً بر وجوه اجتماعی و اقتصادی تعالیم مبارکه بیش از حد تأکید می شود؛ اما اهمیت وجه اخلاقی را نمی توان قلیل شمرد. (۳)

اگر زحمات شما همیشه منتج به ثمرات کثیره نمی شود مأیوس نشوید. زیرا موفقیت آسان و سریع الحصول همیشه بهترین و پایدارترین دستاورد نیست. هر قدر بیشتر برای حصول مقصود تلاش کنید، تأییدات حضرت بهاء الله بیشتر خواهد بود و اطمینان شما برای حصول مقصود افزونتر. لیسذا، سرور و مستبشر باشید و با ایمان و اطمینان جدّ و جهد نمایند. (۴)

غالباً حس عدم کفایت مساعی ما افراد بشر را عقیم می گذارد، اما فضل جمال مبارک این مجبوبات را تقویت می کند و ما را به حصول اهداف به ظاهر غیر ممکن قادر می سازد. (۵)

جمع اهل بهاء حائز این مزیت عظیمند که نسبت به جقائیت جمال اقدس ایهی ایمان خالص و راسخ دارند و می کوشند بر اساس طرح و برنامه ای مشخص که در اختیار دارند، عمل نمایند. اما ادعای گراف و نامعقولی خواهد بود که وانمود شود آنها کاملند و بهائیان آیه ایام صد برابر کاملتر، متعادل تر و

- ۱- ترجمه - مکتوب ۸ ژانویه ۱۹۴۹ از طرف حضرت ولی امر الله / *Unfolding Destiny* صفحه ۴۵۳
- ۲- ترجمه - مکتوب ۲ مارس ۱۹۵۵ از طرف حضرت ولی امر الله / *Unfolding Destiny* صفحه ۴۶۱
- ۳- ترجمه - مکتوب ۶ سپتامبر ۱۹۴۶ از طرف حضرت ولی امر الله / *Compilation I, no. 159*
- ۴- ترجمه - مکتوب ۲ فوریه ۱۹۲۷ از طرف حضرت ولی امر الله / *Unfolding Destiny, p. 436*
- ۵- ترجمه - مکتوب ۲۲ سپتامبر ۱۹۴۸ از طرف حضرت ولی امر الله / *Unfolding Destiny, p. 392*

به حساب کشیدن خود

حضرت باب در کتاب خود می فرماید که هر فردی در پایان هر روز باید ملاحظه نماید که به چه اموری مبادرت کرده است. اگر اقدام به کاری کرده که موجب رضایت الهی بوده، باید از خداوند شاکر باشد و به ساحت حقّ دعا کند که در سراسر زندگی خود بتواند این کار مطلوب را انجام دهد؛ اما اگر اقدامات و حرکات او قابل تأیید یا صادقانه نبوده، باید در نهایت خضوع و تبذل از خداوند بخواهد تا اعمال و رفتار خود را ببود بخشد. (۲)

باید صادقانه نقاط ضعف و قوت خود را بسنجیم

هیچ امری برای فرد و نیز جامعه مضرتر از خضوع غیر حقیقی که جنبه ریا و تزویر دارد، نیست و لذا چنین کاری شایسته یثائی حقیقی نمی باشد. مؤمن حقیقی نفسی است که از نقاط ضعف و نیز نقاط قوت خویش آگاه است، از فرصت‌ها و برکات فراوانی که خداوند به او عنایت می کند به طور کامل استفاده میکند، و سعی دارد به وسیله تمسک تام و دقیق به جمیع احکام و اوامر نازل از طرف خداوند که توسط مظهر ظهورش اعلام شده، بر نقائص و نقاط ضعف خود غلبه کند. (۳)

ما نباید خود را به نقائص و نقاط ضعف خود مشغول سازیم، بلکه باید خود را به اراده الهی مربوط نماییم تا در ما جریان یابد و به این وسیله به درمان ضعفها و ناتوانی های نوع بشر بپردازیم. (۴)

با توجه به شرایط شما، هیکل مبارک قوتاً توصیه می فرمایند به خود مشغول نباشید. هر یک از ما، اگر به نقائص خویش بنگریم، مطمئناً احساس یأس و عدم لیاقت می کنیم، و چنین احساسی فقط مساعی خلاق و سازنده ما را عقیم می سازد و موجب اتلاف اوقات ما می گردد. آنچه که باید به آن توجه تام داشته باشیم، جلال و عظمت امر مبارک و قوه حضرت بهاء الله است که می تواند قطره را به بحری موج تبدیل نماید. مسلماً شما حق ندارید احساسات منفی را به خود راه دهید؛ شما به چنین امر عظیمی اقبال نموده و با خلوص تمام به خدمت آن قیام کرده اید و حضرت ولی امر الله و نیز سایر بنفایان مساعی و زحمات شما را مورد تقدیر قرار می دهند. شما که مستظهر به حقیقت مثبتة امر الله و تعالیم آن هستید، باید به معنای حقیقی، شیر یثیة اعتماد و اطمینان باشید. هیکل مبارک برای شما دعا می فرمایند

۱- ترجمه - مکتوب ۵ ژوئیه ۱۹۴۷ از طرف حضرت ولی امر الله / انوار هدایت فقرة ۲۴۶

۲- ترجمه - بیان منسوب به حضرت عبدالبهاء، نجم باختر، ج ۹، شماره ۸، ص ۹۶

۳- ترجمه - از مکتوبی که از طرف حضرت ولی امر الله نوشته شده مندرج در صفحات ۷۰-۶۹ جلد اول

Light of Divine Guidance

۴- ترجمه - بیان حضرت عبدالبهاء مندرج در صفحه ۱۶۵ جلد ۱۴ نجم باختر

تا به آنچه که باید و شاید نایل گردید. (۱)

شایسته نیست که زیاده روی در انتقاد از خود یا هر نوع احساس عدم لیاقت و توانائی و تجربه مانع قیام و اقدام شود، یا آن عزیزان را دچار ترس و واهمه نمایند. نگرانی خود را با توجه به اطمینانی که حضرت بیاء الله عنایت فرموده اند بر طرف سازید. مگر نه آن که حضرت بیاء الله تأکید فرموده اند، "يَنْزِلَنَّ عَلَيْهِ أَهْلٌ مَلَأَ الْأَعْلَى بِصَحَائِفٍ مِنَ التَّوْرِ" (۲)

هیكل مبارک به شما توصیه می فرمایند که استقامت نمایید و بر توفیقات خویش بیفزایید نه این که بر جنبه تیره و مظلم امور تنگتر کنید. حیات هر نفسی از هر دو وجه تیره و روشن برخوردار است. حضرت عبدالبهاء می فرمایند از ظلمات زندگی خود اعراض نمایید و به من توجه کنید. (۳)

أَنْ أَجْتَنِبَ الْهَمَّ وَالْغَمَّ بِهَا يَحْدُثُ بِلَاءٌ أَدْهَمُ. (۴)

هیكل مبارک از وضعیت خواهر عزیز شما بسیار متأسف شدند. آن حضرت به مشارالیها توصیه می فرمایند که افکار خویش را با عزمی جزم و در نهایت درایت، یعنی بدون آن که تحت تأثیر احساسات قرار گیرند، به خداوند توجه نمایند و بدانند که خداوند عفو و غفار است و اگر ما در نهایت صداقت و خلوص مشتاق باشیم، در حالت تبطل و تضرع طالب تردیکتر شدن به او گردیم و اراده او را بپذیریم و امیال و عقاید خود را در مشیت و خواست و نقشه او در مورد خود فانی سازیم، او می تواند در یک آن، به صرف رحمت و اسعه خود احساس ضعف و قصور را از ما دور سازد و برای ایجاد آینده ای بهتر به ما کمک نماید.

الیوم، ظلمتی عظیم عالم را احاطه کرده، ظلمتی که منبعث از مخالفت نوع بشر به احکام الهی و تسلیم شدن در مقابل وجه حیوانی ماهیت بشری است. نفوس انسانی باید به این حقیقت پی ببرند و آگاهانه علیه یأس و بدینی به مبارزه برخیزند. (۵)

... نگرشی بدینانه و انتقاد آمیز (اگرچه با توجه به اوضاع و شرایط ممکن است کاملاً موجه باشد) هیچ ثمر و نتیجه ای ندارد. ما با برخورداری از قوه قابل استفاده از امر مبارک، باید همیشه در

۱- ترجمه - مکتوب نوشته شده از طرف حضرت ولی امر الله، انوار هدایت، شماره ۲۹۶

۲- پیام ۱۵۲ بدیع (۱۹۹۵ میلادی) بیت العدل اعظم

۳- ترجمه - مکتوب ۱۲۲ اکتبر ۱۹۴۹ از طرف حضرت ولی امر الله به یکی از احباء، *Unfolding Destiny* ص ۲۵۷

۴- لوح طب، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۲۳

۵- ترجمه - از مکتوب ۱۴ ژوئیه ۱۹۴۵ از طرف حضرت ولی امر الله به یکی از احباء / انوار هدایت شماره

مساعی خود سازنده باشیم، زیرا چنین حالتی نتایج عظیمه به بار آورد و برکات الهی را جذب کند.^(۱)
غلبه بر ترس

هیكل مبارك یقیناً برای توفیق شما در غلبه کامل بر عقده اضطراب و ترسان دعا خواهند کرد. وقتی که شما افکار خود را بر درک این نکته متمرکز سازید که اکنون به حضرت بیاء الله تعلق دارید، عبد و خادم او هستید و حضرتش به شما محبت دارد و اگر از ایشان بخواهید شما را اعانت و مساعدت می فرماید، و قوای عظیم روحانی امرالله ظمیر شما است تا از آن استفاده نمایید، طولی نخواهد کشید که هراس شما زائل خواهد شد.^(۲)

هراس نداشته باشید؛ خداوند رنج بی گناهان را جبران می کند

هیكل مبارك معتقد نیستند که ترس، برای خودمان یا دیگران، مسأله ای را حل نماید، یا ما را قادر سازد اگر مسأله ای ایجاد شود بهتر بتوانیم با آن مواجه شویم. ما نمی دانیم که آینده دقیقاً چه در بر خواهد داشت، یا چه وقت ممکن است به بلیه ای وخیم تر از بلای پیشین مبتلا گردیم. اما آنچه که می دانیم این است تنها کاری که ما بیائیان می توانیم انجام دهیم عبارت از تبلیغ و اتصاف به تعالیم امر مبارك است. ما نمی توانیم بار مصائب دیگران را بر دوش بکشیم، و لزومی ندارد در این طریق تلاش کنیم. جمیع نفوس انسانی درید مشیت الهیه هستند و حتی اگر گشته شوند می دانیم که زندگی دیگری ورای این زندگی وجود دارد که می تواند مسرت و امید عظیم برای نفس انسان در بر داشته باشد.

هر اتفاقی که بیفتد، هیچ امری مهم تر از آن نیست که نسبت به خداوند احساس اعتماد نماییم، در درون خود آرامش و ایمان داشته باشیم که در پایان، علیرغم شدت مصائب و بلاها، می توانیم، همانطور که حضرت بیاء الله وعده فرموده اند، به سلامت از عهده آنها برآئیم. ایشان به شما توصیه می فرمایند که این افکار تاریک را از ذهن خود دور کنید و به خاطر داشته باشید که اگر خداوند، خالق جمیع نفوس، بتواند مشاهده رنجهای آنها را تحمل کند، وظیفه ما نیست که حکمت او را زیر سؤال ببریم. او می تواند بلاها و رنجهای بی گناهان و ستمدیدگان را به طریقی که خود می داند، جبران نماید.^(۳)

آرامش خاطر

آرامش خاطر با وقوف و آگاهی روحانی نسبت به مظهر ظهور الهی حاصل می شود؛ لذا، باید به مطالعه تعالیم روحانی بپردازید، و ماء حیات را از بیانات مبارکه کسب نمایید. بعد این منویات متعالیه را در اعمال و افعال خود ظاهر سازید، کل شخصیت شما متحول خواهد شد و نه تنها آرامش خاطر

۱- ترجمه - مکتوب ۸ مه ۱۹۴۷ از طرف حضرت ولی امرالله / *Unfolding Destiny* ص ۱۹۹

۲- ترجمه - مکتوب نوشته شده از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت شماره ۷۹۲

۳- ترجمه - مکتوب ۲۰ سپتامبر ۱۹۵۰ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء، انوار هدایت، شماره

خواهید یافت، بلکه تمام وجود شما سرشار از شور و نشاط، و شور و اشتیاق خواهد گشت.^(۱)

از قوای منفی عالم تأثیر نپذیرید

لحجای الہی باید قدرت روح القدس را که در این زمان به واسطه ظهور حضرت یساء اللہ بارز گشته و در حال تجدید حیات روحانی آنان است، درک کنند. اگر آنها خود را تماماً تحت نفوذ و هدایت روح القدس قرار دهند، هیچ قدرتی، اعم از آسمانی یا زمینی، نمی‌تواند بر آنها تأثیر بگذارد. نفوسی که از عوامل منفی در این عالم فانی متأثرند، کسانی هستند که وجود خود را به نحوی صحیح به امر مبارک اختصاص نداده‌اند.^(۲)

صبر و بردباری در قبال دیگران و خودمان

ما نه تنها باید نسبت به سایرین، صبور و بی‌نیابت بردبار باشیم، بلکه نسبت به نفس بیچاره خود نیز باید شکیبایی در پیش گیریم و به خاطر داشته باشیم که حتی پیامبران الهی گاهی اوقات خسته می‌شدند و فریاد یأس بر می‌آوردند.^(۳)

لزوم آرامش و استراحت

... شما نباید از صحت و سلامت خود غفلت نمایید، بلکه آن را وسیله‌ای بدانید که شما را قادر به خدمت می‌نماید. جسم انسان مانند مرکوبی است که حامل شخصیت و روح او است و لذا باید کاملاً از آن مراقبت نمود تا بتواند کارش را انجام دهد. شما مسلماً باید از اعصاب خود محافظ نمایید، و خود را وادارید که نه تنها برای دعا و تفکر، بلکه برای استراحت و آرامش واقعی وقت اختصاص دهید.^(۴)

بزرگترین نبرد، نبرد روحانی است

اگر ما واقعیت حقیقی امور را می‌توانستیم درک کنیم، متوجه می‌شدیم که بزرگترین نبرد که امروزه در عالم جریان دارد، نبرد روحانی است. اگر احبّاء ما بودند خود شما، جوان و مشتاق و مشحون از روح حیات، مشتاقند که به عنوان قهرمانان واقعی و ابدی صاحب نام و نشان گردند، باید که، بدون توجه به مشاغل عنصری خود، در نبرد روحانی که در نفس هر انسانی جریان دارد، وارد شوند. امروزه مشکل‌ترین و شریف‌ترین وظیفه در عالم این است که یهائی حقیقی شویم و این امر مستلزم آن است که نه

۱- ترجمه - مکتوب ۱۵ اکتبر ۱۹۵۲ از طرف حضرت ولی امر اللہ، انوار هدایت شماره ۲۸۱

۲- ترجمه - مکتوب ۱۱ اوت ۱۹۵۷ از طرف حضرت ولی امر اللہ / انوار هدایت شماره ۱۷۶۶

۳- ترجمه - مکتوب ۲۲ اکتبر ۱۹۴۹ از طرف حضرت ولی امر اللہ به یکی از یاران، *Unfolding Destiny*، ص ۴۵۶

۴- ترجمه - مکتوب ۲۳ نوامبر ۱۹۴۷ از طرف حضرت ولی امر اللہ به یکی از احبّاء، *Compilation*، ج ۱، ص ۴۸۲، شماره ۱۹۷۶

تنها شرور و مکاره جاری را که در تمام عالم رواج دارد مغلوب سازیم؛ بلکه باید بر ضعفتها، تمسک به گذشته، تعصبات و خودخواهی‌هایی که ممکن است به نحوی موروثی و اکتسابی در درون ما موجود باشد، غلبه نماییم و مثال و نمونه تابان و فسادناپذیری را به هموعان خود ارائه نماییم.^(۱)

مسئولیت احبای جوان بسیار عظیم است

مسئولیت جوانان یهائی بسیار عظیم است، زیرا آنها نه تنها باید شایسته و برازنده آن باشند که فعالیتهای احبای سالمندتر را به عهده بگیرند و امور امریه را به طور کلی اجرا نمایند، بلکه جهانی که در پیش روی دارند، همانطور که حضرت پهاءالله وعده داده‌اند، با آلام و مشقت‌ها مجازات شده نهایتاً آمادگی استماع پیام الهی آن حضرت را خواهد یافت و در نتیجه خصیصه‌ای بسیار متعالی برای مبلّغین و مظاهر چنین دیانتی انتظار می‌رود. تزاید معارف و معلومات، به کمال رساندن خویش طبق معیارهای فضیلت و سلوک صحیح یهائی، باید وظیفه اصلی هر جوان یهائی و در صدر اولویت‌های آنان باشد.^(۲)

اهمیت ایجاد تحوّل در عالم بهائی

وظایفی که احبای الهی در همه جا با آن روبرو هستند بسیار عظیم است، زیرا آنها به وضوح نام مشاهده می‌کنند که تنها درمان جاودانی برای بسیاری از ابتلائاتی که جهان از آن در رنج و عذاب می‌باشد، تحوّل قلوب و الگویی جدید نه تنها برای افکار بلکه برای سلوک شخصی است.^(۳)

اختلاف و تباین بین دو طریقه جهان و امر الهی به نحوی فزاینده بیشتر و بیشتر می‌شود. معیناً، این دو طریقه باید به یکدیگر ملحق شوند. جامعه یهائی باید به میراثی دائم‌التزاید توانائی خود برای رفع آشفتگی‌ها و اختلالات، عدم انسجام، بی‌بند و باری و لجام‌گیختگی، بی‌دینی و شرارت را به منصفه ظهور رساند؛ احکام، عمل به موجب وظایف دینی، برخورداری از حیات یهائی، اصول اخلاقی یهائی و معیارهای متانت و رزانت، حجب و احترام، باید عمیقاً در خود آگاهی و شعور یهائی نقش بندد و به نحوی فزاینده معرف جامعه و بیان خصوصیات آن گردد.^(۴)

توانایی تأثیرگذاری بر تحوّل شخصی

نمونه‌های متعددی از نفوسی وجود دارد که توانسته‌اند، بکسب قوای روحانی قابل حصول به فضل حق، در رفتار و سلوک خویش تأثیرات عظیمه بگذارند و تحولات پایدار ایجاد نمایند.^(۵)

۱- ترجمه - مکتوب ۵ آوریل ۱۹۴۲ از طرف حضرت ولی امرالله، *Compilation* ج ۱، شماره ۸۰۸

۲- ترجمه - مکتوب ۶ ژوئن ۱۹۴۱ از طرف حضرت ولی امرالله به جوانان بهائی بمبئی، *Compilation*، ج ۱، شماره ۴۹۲

۳- ترجمه - مکتوب ۲۷ مارس ۱۹۴۵ از طرف حضرت ولی امرالله، *Unfolding Destiny*، ص ۱۷۲

۴- ترجمه - پیام رضوان ۱۲۹ بدیع (۱۹۷۲ میلادی) بیت العدل اعظم

۵- ترجمه - پیام ۱۶ اوت ۱۹۸۹ بیت العدل اعظم، *Compilation II*, no. 2347

گرچه اعلان امرالله ضرورست اما به تنهایی کافی نیست. ازدیاد تعداد مسجّلین گرچه بسیار لازم است، ولیکن نباید به آن اکتفا کنیم. نفوس باید به زبور عرفان واقعی آراسته گردند و بدین ترتیب جوامع یبائی باید تحکیم یابد و نمونه‌های جدیدی از نحوهٔ حیات یبائی به منصفهٔ ظهور و بروز رسد. اصول روحانیت و تخلّق به اخلاق و شیم یبائی از مقاصد اصلی حضرت یبئه‌الله است و این امر به میزان سعی و کوشش افراد در تحصیل کمالات مزبور و به اطاعت آنان از عهد و میثاق بستگی دارد. لازمهٔ حصول این روحانیت که مقصد اصلی حیات یبائیت، عرفان به مشیت و مقصد الهی از طریق تلاوت مرتّب و منظم و تعمق در آیات و آثار مبارکه است. (۱)

۱- پیام رضوان ۱۴۶ بدیع (۱۹۸۹ میلادی) بیت العدل اعظم (جزوهٔ دخول افواج مقبلین، ص ۳۲)

راه حلّی برای امتحانات

اعتذار برای خویش و
بخشش برای دیگران

اعتذار برای خویش و بخشش برای دیگران

یا ابن الانسان لا تنفس بخطاء احدٍ مادمتَ خاطئاً و إن تفعل بنیر ذلک ملعونٌ أنت و أنا
شاهدٌ بذلک^(۱)

ای مهاجران لسان مخصوص ذکر من است بغیبت میالائید و اگر نفس ناری غلبه نماید
بذکر عیوب خود مشغول شوید نه بغیبت خلق من. زیرا که هر کدام از شما بنفس خود اَبصر و
أعرفید از نفوس عباد من.^(۲)

چه، زبان ناری است افسرده و کثرت بیان سَمی است هلاک کننده؛ نار ظاهری اجساد را
مَحترق نماید و نار لسان ارواح و افنده را بگدازد؛ اثر آن نار بساعتی فانی شود و اثر این نار
بقرنی باقی ماند^(۳)

شخص مجاهد ... باید ... غیبت را ضلالت شمرد و بآن عرصه هرگز قدم نگذارد؛ زیرا
غیبت سراج منیر قلب را خاموش نماید و حیات دل را بمیراند^(۴)

بدترین خُلق انسانی و گناه عظیم غیبت نفوس است علی الخصوص صدورش از احبّای
الهی. اگر نوعی می شد که ابواب غیبت مسدود می شد و هر یکی از احبّای الهی تستایش دیگران را
می نمود آنوقت تعالیم حضرت بهاء الله نشر می یافت، قلوب نورانی می گشت، روحها ربّانی
می شد، عالم انسانی سعادت ابدی می یافت.^(۵)

ای یاران الهی اگر نفسی غیبت نفسی نماید این واضح و مشهود است که ثمری جز خودت
و جمودت نیارد؛ اسباب تفریق است و اعظم وسیله تشتت. اگر چنانچه نفسی غیبت دیگری کند
مستمعین باید در کمال روحانیت و بشاشت او را منع کنند که از این غیبت چه ثمری و چه فائده می.
آیا سبب رضایت جمال مبارک است یا علّت عزّت ابدیّه احبّای الهی؛ آیا سبب ترویج دین الله
است و یا علّت تثبیت میثاق الله؛ نفسی مستفید گردد و یا شخصی مستفیض؟ لا والله. بلکه چنان
غبار بر قلوب نشیند که دیگر نه گوش شنود و نه چشم حقیقت را بیند.^(۶)

هرگز به تحقیر از دیگران صحبت نکنید و بدون تفاوت، کُل را به نیکی یاد نمایید. زبان را

۱- کلمات مکتونه عربی، فقره ۲۷
۲- کلمات مکتونه فارسی، فقره ۶۵

۳- کتاب ایقان، ص ۱۴۹
۴- همان.

۵- بیان حضرت عبدالهء مندرج در گنجینه حدود و احکام، ص ۳۰۴

۶- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالهء، ج ۱، ص ۲۲۳ (فقره ۱۹۳)

در این دور مقدس نزاع و جدال ممنوع و هر متعدی محروم. باید با جمیع طوائف و قبائل چه آشنا و چه بیگانه نهایت محبت و راستی و درستی کرد.^(۲)

تعالیم بیانی در هیچ موضوعی به اندازه ضرورت اجتناب از عیبجویی و احتراز از غیبت و نیز اشتیاق تام به کشف و رفع نقائص خود و غلبه بر ناتوانی‌های خویش، تأکید ندارد. اگر ما بر عهد و میثاق خود نسبت به جمال اقدس ابی و مولای محبوبمان حضرت عبدالیهاء و حضرت ولی محبوب امرالله ثابت و راسخ هستیم، باید محبت خود نسبت به ایشان را با اطاعت از تعالیم واضحه صریحه نشان دهیم. آنها طالب عمل هستند نه حرف و هیچ میزانی از شور و شوق در بیان وفاداری و مداحی نمی‌تواند قصور و کوتاهی در زندگی مطابق با روح این تعالیم را جبران نماید.^(۳)

باید از استماع غیبت نیز خودداری کرد

یاران باید این نکته را نیز در باند که نه تنها باید از غیبت و افترا اجتناب نمایند، بلکه از استماع اقوال دیگران که این گناه را مرتکب می‌شوند نیز باید اکیداً امتناع کنند. نشنیده گرفتن افتراها و تهمت‌ها فی نفسه عملی مثبت، سازنده و شفاعت‌بخش می‌باشد که برای جامعه، شخص مقتری و نفوسی که متهم می‌شوند مفید است.^(۴)

بحث کردن در مورد مسأله‌ای بدون غیبت کردن

در مکتوب خود در خصوص نهی از غیبت و آنچه که متضمن آن است تقاضای هدایت کرده‌اید و بخصوص استفسار نموده‌اید که آیا در لحظات غلبه خشم یا افسردگی، فرد بیانی می‌تواند برای حصول آسایش روانی به دوستانش روی آورد و مشکل خود در روابط انسانی را مورد بحث قرار دهد. به طور معمول، توصیف شرایط حاکم بر مسأله‌ای را می‌توان توصیف کرد و برای حل آن تقاضای کمک و راهنمایی نمود، بدون آن که لزوماً نیازی به ذکر اسامی باشد. فرد بیانی باید طالب انجام دادن چنین کاری باشد، اعم از این که او با دوستی، اعم از بیانی یا غیر بیانی، به مشورت بپردازد، یا کسی با او مشاوره نماید.

حضرت عبدالیهاء انتقاد نامطلوب از افراد را در مباحثات میان یاران با ذکر اسامی فرد مورد بحث، مجاز نمی‌دانند، حتی اگر فرد متقدم معتقد باشد که این کار را برای حمایت و صیانت امرالله انجام

۱- نقل ترجمه خطابه ۲ دسامبر ۱۹۱۲ از فصل یازدهم کتاب "درگه دوست" ترجمه ابوالقاسم فیضی

۲- الواح وصایا، ایام تسعه، ص ۶۹

۳- ترجمه - مکتوب ۱۲ مه ۱۹۲۵ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احواء / انوار هدایت، شماره ۲۰۶

۴- مکتوب ۲۱ سپتامبر ۱۹۶۵ بیت العدل اعظم خطاب به محفل روحانی ملی آمریکا / Compilation I, no.

می دهد. (۱)

اگر وضعیت آنچنان وخیم باشد که مصالح امرالله را به خطر اندازد، همانطور که محفل روحانی ملی شما اشاره کرده‌اند، شکایت باید جهت ملاحظه و اقدام به محفل روحانی محلی، یا همانطور که شما اظهار داشته‌اید به نماینده‌ای از هیأت مشاورین تسلیم گردد. البته در چنین مواردی نام شخص یا اشخاص مورد بحث باید ذکر شود. (۲)

ضرری از برای این امر الیوم اعظم از فساد و نزاع ... نیست

حقّ شاهد و گواه است که ضرری از برای این امر الیوم اعظم از فساد و نزاع و جدال و کدورت و برودت مابین احباب نبوده و نیست. اجتنبوا بقدره الله و سلطانه ثم القوا بین القلوب باسمه المؤلف العظیم الحکیم. (۳)

باری ای احبای الهی صریح کتاب الهی اینست که اگر دو نفس در مسئله از مسائل الهیه جدال و بحث نمایند و اختلاف و منازعه نمایند هر دو باطل اند. حکمت این امر قطعی الهی اینست که در میان دو نفس از احبای الهی جدال و نزاع نشود بنهایت الفت و محبت با یکدیگر گفتگو کنند. اگر اندک معارضه‌ئی بمیان آید سکوت کنند، دیگر ابداً طرفین تکلم نمایند و حقیقت حال را از مبین سؤال کنند. این است حکم فاصل. (۴)

لهذا همّت نماید تا سپاه شیعات را بقوه آیات پریشان و متلاشی نمائید؛ این است وصیت من و اینست نصیحت من. یا نفسی جدال منمائید و از نزاع بیزار باشید؛ کلمه حق بر زبان رانید، اگر قبول نمود نعم المطلوب و اگر عناد کرد او را بحال خود بگذارید و توکل بر خدا کنید. اینست صفت ثابتین بر میثاق. (۵)

مادام که در میان یاران اغبرار و منازعه وجود داشته باشد، مساعی آنان موهوب به برکات الهی نخواهد بود زیرا آنها عصیان از امر سبحان نمایند. (۶)

۱- توضیح مترجم: اشاره به این بیان مبارک است. بعضی از احباء در سرّ سرّ مذمت یاران دیگر نمایند و اساس غیبت را در نهایت متانت وضع نمایند و اسمش را دلسوزی امرالله گذارند؛ البته کمال مواظبت را داشته باشید و جمیع را منع صریح ننمائید. (گنجینه حدود و احکام، ص ۳۰۶)

۲- مکتوب ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۵ از طرف بیت العدل اعظم به یکی از احباء / انوار هدایت شماره ۳۱۱

۳- لوح خطاب به جمال، مجموعه اقتدارات، ص ۲۲۲

۴- مکاتیب عبداله، جلد ثالث، ص ۳۳

۵- مکاتیب عبداله، جلد ثالث، ص ۸۱

۶- ترجمه - مکتوب ۲۴ فوریه ۱۹۵۰ از طرف حضرت ولی امرالله / Compilation II, no. 1325

نباید خود را به دیگری ترجیح داد

تعالیم الهی امر می‌فرماید ابدأً نباید تعصب داشت. زیرا تعالیم الهی صریحست که باید نوع بشر با یکدیگر بمحبت معامله کنند و انسان هر قصور است در خود ببیند نه در دیگری و هرگز خود را بد دیگری ترجیح ندهد، زیرا حسن خاتمه مجهول است و نمی‌داند چه بسیار انسان در بدایت حال نفس زکی بوده بعد منصرف از آن شده، نظیر یهودای اسخریوطی؛ در بدایت خوب و در نهایت بسیار بد شد و چه بسیار که در بدایت بسیار بد است و در نهایت بسیار خوب مثل پولس حواری که در بدایت دشمن مسیح و در نهایت اعظم بنده مسیح. پس عاقبت حال انسان مجهول است، در این صورت چگونه می‌تواند خود را ترجیح بر دیگری دهد. لهذا باید که در بین بشر ابدأً تعصبی نباشد، نگویید من مؤمنم و فلان کافر؛ نگویید من مقرب درگاه کبریا هستم و آن مردود؛ زیرا حسن خاتمه مجهول است.

و ثانیاً این که باید بکوشد تا نادان را نادان کند، اطفال نادان را ببلوغ رساند، نفوس بدخلق را خوش‌خو کند نه این که باو عداوتی داشته باشد بلکه باید بکمال محبت او را هدایت کند: (۱)

هیكل مبارک از شنیدن امتحانات و بلاهای بسیاری که در زندگی امری خود با آن مواجه شده‌اید محزون شدند. تردیدی نیست بسیاری از آنها منبعث از طبیعت خود ما است. به عبارت دیگر، اگر خیلی حساس باشیم، یا اگر در محیطی پرورش یافته باشیم که با جمیع بیثباتی که در میان آنها زندگی می‌کنیم به نحوی متفاوت باشد، ممکن است امور را به نحوی متفاوت مشاهده کنیم و در آنها به نحوی دقیق‌تر نظر کنیم. جنبه دیگر آن این است که نقائص سایر بیثباتان می‌تواند امتحانی بزرگ برای هر یک از ما باشد.

همیشه باید به خاطر داشته باشیم که در منجلا ب ماده پرستی، که مدنیت نوین تا اندازه‌ای بدان مبتلا شده، بیثباتان، یعنی برخی از آنها، تا حدی متأثر از جامعه‌ای هستند که از آن نشأت گرفته‌اند. به عبارت دیگر، آنها به عرفان مظهر ظهور الهی نائل شده‌اند، اما مدت زمان کافی از دوران ایمان آنها نگذشته، یا شاید به اندازه کافی تلاش نکرده‌اند تا "خلق بدیع" شوند.

تنها کاری که در این موارد می‌توانیم انجام دهیم ایفای وظایف خویش است؛ و حضرت ولی امرالله قوتاً احساس می‌کنند که شما در مقابل حضرت بهاءالله و امر مبارکی که اینقدر به آن محبت دارید مکلف و موظف هستید؛ مسلماً نباید مسیر ضعیف‌تر را در پیش گیرید و خود را از جامعه بیثباتی متزع و منزوی سازید.

ایشان فکر می‌کنند که اگر چشم از خطاها و نقائص دیگران بپوشید، و محبت و ادعیه خود را متوجه حضرت بهاءالله سازید، از قوای لازم برخوردار خواهید گشت که از این طوفان سلامت بگذرید، و نهایتاً از لحاظ روحانی از وضعیتی بهتر برخوردار شوید. اگرچه رنج می‌برید، اما به بلوغی خواهید رسید که شما را قادر خواهد ساخت به سایر بیثباتان و نیز فرزندان خود بیش از پیش مساعدت

از هر فکر انتقاد آمیز و کلام درستی جلوگیری کنید

همین که عیب جویی و کلمات درشت و ناروایی یک جامعه بهائی بروز کند، علاجی جز آن نیست که گذشته را فراموش کرده طرفین اختلاف را ترغیب و تشویق نمایند که فصل جدیدی در روابط خویش آغاز کنند و از ذکر مسائلی که منجر به سوء تفاهم و اختلاف گشته برای رضای خدا و امر مبارک اجتناب نمایند. هرچه بیشتر یاران از گذشته بحث نمایند و در آن باره مناقشه کنند و هر طرف بخواهد اثبات نماید که حق به جانب او بوده، وضع به طور کلی وخیم تر خواهد گردید.

با توجه به اوضاع کنونی عالم، باید اینگونه اختلافات جزئی داخلی را بالمزه فراموش کرده متحداً متفقاً برای نجات عالم انسانی قیام نماییم. (۲) شما باید به احبای الهی توصیه نمایید که به این نقطه نظر متشیث گردند و برای حمایت از شما به بذل مساعی جمیله برای جلوگیری از هر فکر انتقاد آمیز و کلام درشت بپردازند تا روح حضرت بهاء الله بتواند در تمام جامعه سر بیان یابد، و آن را در «حجت و خدمت به خود متحد سازد». (۳)

إن اطلعتم علی خطیة أستروها لیستر الله عنکم (۴)

حضرت ولی امر الله احساس می کنند که عدم هم آنگی که در میان شما و شخص مذکور موجود است به پیشرفت امر الهی لطمه بزرگی می زند و جز نشست و برودت آتش شوق مؤمنین جدید هیچ حاصلی نخواهد داشت. شما و ایشان باید دعاری شخصی را به سوئی نهید و به منظور حراست امر الهی که حضرت ولی امر الله بخوبی می دانند شما همه صمیمانه دوستدار آن هستید و حاضر به هر فداکاری در راه آن می باشید، متفق شوید.

شاید بزرگترین امتحانی که افراد بهائی بایستی بگذرانند در نحوه رفتار با پهلایان دیگر است. ولی به خاطر حضرت مولی الوری آنها بایستی همیشه آماده باشند که خطاهای یکدیگر را ببخشند و برای سخنان درستی که ادا کرده اند معذرت بخواهند. ببخشند و فراموش کنند. حضرت ولی امر الله در این مورد تأکید فراوان دارند. (۵)

۱- مکتوب ۵ آوریل ۱۹۵۶ از طرف حضرت ولی امر الله به یکی از احباء منقول در *Messages from the*

Universal House of Justice صفحات ۵۰۰-۴۹۹

۲- از ابتدا تا این قسمت ترجمه از صفحه ۸۶ کتاب اخلاق بهائی تألیف محمد علی فیضی نقل گردید - م

۳- ترجمه - مکتوب ۱۶ فوریه ۱۹۵۱ از طرف حضرت ولی امر الله / *Compilation II, no. 1308*

۴- لوح ابن ذنب، ص ۴۱ به نقل از لوح ملک پاریس، کتاب مبین، ص ۵۵

۵- نقل ترجمه از صفحه ۱۳۰ جزوه نمونه حیات بهائی، نشر دوم، ۱۳۱ بدیع، مؤسسه ملی مطبوعات امری

زبان به شکایت احدی مگشاید

زبان را به گفتار زشت مبالانید. دشمنان را دوست و بدخواهان را خیرخواه بدانید. هرگز بد نبینید و بد ندانید. زیرا اگر کسی را شریر پندارید ولی به ظاهر به او محبت ورزید، این تظاهر است و تظاهر ابداً ممدوح و پسندیده نیست، بلکه حرام است. بایستی دشمنان را دوست و بدخواهان را خیرخواه بدانید و به همین نحو با آنان معامله کنید. بطوری رفتار نمائید که قلبتان بالکل از شائبه بغض و کینه، مقدس و منزّه باشد. هرگز از احدی آزرده خاطر مباشید و اگر نفسی به شما خطائی ورزید و یا جفائی روا داشت، فی الحین از او درگذرید و زبان به شکایت احدی مگشائید. از توییح و سرزنش بالکل بیزارى جوید و اگر خواستید شخصی را اندرز دهید و یا نصیحتی القا نمائید به نحوی باشد که ابداً مستمع رنجور و دل آزرده نگردد. افکار را حصر در تسریع خاطر نفوس کنید. مبادا مبادا خاطر احدی را بیازارید. ^(۱) حتی المقدور به عالم انسانی مساعدت کنید. موجب تسلی و آرامش هر محزونی گردید، هر ضعیفی را دستگیر شوید، هر فقیری را یاور گردید، و هر مریضی را پرستار شوید، هر افتاده‌ای را بلند کنید و هر مرعوب هراسان را ملجأ و پناه گردید. ^(۲)

جزّ و بحث‌های بیهوده و حسادتها موجب سلب روحانیات گردد، شخص را از جمع سماوی نفوس ارزشمند مطرود سازد، فرد را در بحر اوهام و خیالات مستغرق کند، سبب شود شخص بدبین و بی‌احساس شود و او را بسرعت در اعماق یأس و نومیدی فروبرد. شما نباید به کسی که درباره دیگری صحبت می‌کند گوش دهید؛ چه که به محض این که کلام او را استماع کنید باید به کلام دیگری نیز گوش دهید و به این ترتیب این دایره بی‌نهایت بزرگ شود و آتساع یابد. ^(۳)

ندیده گرفتن نقائص دیگران

استفسار نمودید که با خشم و غضب چگونه باید عمل کرد. بیت العدل اعظم توصیه می‌فرمایند نصایح و هدایاتی که در آثار مبارکه در خصوص لزوم ندیده گرفتن نقائص دیگران، عفو و ستر سوء رفتار دیگران، احتراز از افشای صفات ناپسند، لزوم تحرّی و تحسین مذایح سایرین و سعی و تلاش برای متحمل، بردبار و رحیم بودن موجود و مشهود مدّ نظر قرار دهید. ^(۴)

بہائیان کامل نیستند، بلکه با اقبال به امر الهی قدم بزرگی به پیش برداشته‌اند. ما باید نسبت به یکدیگر بردبار باشیم و درک کنیم که هر یک از ما نقائصی دارد که باید بر آنها فائق آید. ^(۵)

۱- نقل ترجمه تا این قسمت از فصل یازدهم درگه دوست

۲- ترجمه خطابه ۲ دسامبر ۱۹۱۲ حضرت عبداله

۳- ترجمه - کلام منسوب به حضرت عبداله. مأخذ نامعلوم است.

۴- ترجمه - مکتوب ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۹ بیت العدل اعظم *Compilation II, no. 2339*

۵- ترجمه - مکتوب مورخ ۱۹۴۹ از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت شماره ۱۸۰۱

باید بر میل به طرفداری از کسی فائق آمد

یهائیان باید یاموزند که خصوصیات شخصی را فراموش کنند و بر تمایل به طرفداری از شخصی، که در نفوس انسانی طبیعی است، و نزاع کردن به خاطر آن پرهیزند. آنها باید استفاده از اصل مهم مشورت را نیز واقعاً یاموزند.^(۱)

قوای شرارت و ظلمت عالم را احاطه کرده؛ احبای الهی نباید اجازه دهند این قوا آنها را تحت تأثیر قرار دهد به نحوی که در افکار و احساسات منفی آنها نسبت به یکدیگر ظهور و بروز یابد.^(۲)

ما باید نسبت به نقائص یکدیگر صبور و بردبار باشیم، و همیشه سعی کنیم در میان احبای الهی، که به هر حال، نه تنها کامل نیستند بلکه هنوز در بسیاری از امور از حد بلوغ دور هستند، ایجاد محبت و وحدت نماییم. امر مبارک بنفسه بسیار عظیم است، و یهائیان باید به بذل مساعی پردازند تا سائلی کاملتر گردند تا حضرت یهءالله مورد استفاده قرار داده هدف غائی خویش را تحقق بخشند.^(۳)

یاران باید نسبت به یکدیگر صبور و بردبار باشند و درک کنند که امر مبارک هنوز در دوران نوزادی خود به سر می برد و فعالیت تشکیلاتش هنوز در حد کمال نیست. هر قدر یاران نسبت به همدیگر و نقائص یکدیگر شکیبایی، تقاضم محبت آمیز و تحمل نشان دهند، پیشرفت کل جامعه یهائی بیشتر و بهتر خواهد بود.^(۴)

صبر و تحمل ما به ایجاد فضائل منجر می شود

و اما در مورد ناملایماتی که در ده سال اخیر تحمل کرده اید، بهترین تسلی خاطری که می توانم برای شما تصور کنم، همان فقره از کلمات مبارکه مکتونه است که خود نقل کرده اید، یعنی "بلائی عنایتی". ما باید نسبت به یکدیگر متحمل باشیم. تنها ذرات تحمل بلا یا و رنجها است که شرافت ذات و جوهر انسان قابل ظهور و بروز است. نیرویی که ما صرف شکیبایی و تحمل افرادی از جامعه خود می کنیم، هدر نمی رود. بلکه به استقامت، ثبوت، رسوخ و بلندهمتی تبدیل می گردد. حیات مبارک حضرت یهءالله و حضرت عبدالیهء بهترین نمونه آن است. فداکاری در سبیل دین و ایمان همیشه موجد نتایج و ثمرات فناناپذیر و جاودانی است. "عنا از میان خاکستر بال و پر می گشاید."^(۵)

۱- ترجمه - مکتوب ۳۰ ژوئن ۱۹۴۹ از طرف حضرت ولی امرالله به محفل ملی آلمان و اتریش / انوار هدایت، شماره ۸۲۶

۲- ترجمه - مکتوب ۲۸ ژانویه ۱۹۴۵ از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت شماره ۳۹۴

۳- مکتوب ۲۶ مه ۱۹۴۶ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احباء / *Compilation II, no.*

۴- ترجمه - مکتوب ۲۷ فوریه ۱۹۴۳ از طرف حضرت ولی امرالله / *Compilation II, p. 1289*

۵- ترجمه - مکتوب ۳۰ ژوئن ۱۹۲۳ از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت شماره ۲۰۴۸

از تمسک شدید باران به امر مبارک و نیز عدم بلوغ آنها سوء تفاهات بسیاری منبث می‌گردد. لکن ما باید نسبت به یکدیگر بسیار صبور و مهربان باشیم و سعی کنیم در عائلهٔ یثاتی وحدت را تثبیت نماییم. اختلافات ... که شما در نامهٔ خود توصیف می‌کنید به نظر هیکل مبارک منبث از مواضع فوق است نه خصومت نسبت به امر مبارک یا عدم صداقت.^(۱)

در فکر ترقیات روحانی خویش باشید و چشم از قصور یکدیگر بپوشید. باعمال طیبه و حسن سلوک و خضوع و خشوع نوعی حرکت نمائید که سبب تنبه سائرین گردد.^(۲)

با تمام قوا سعی کنید از نقائص بری شوید. نفوس غافله همیشه به عیبجویی از دیگران می‌پردازند. نفس مزوری که نسبت به عیوب خود نایبناست، از نقائص دیگران چه درکی دارد؟ این است معنای بیان مبارک در هفت وادی؛ راهنمای رفتار انسانی است. مادام که انسان پی به عیوب خود نبرد، هرگز نمی‌تواند کمال یابد. هیچ امری برای انسان بیش از وقوف به نقائص خود ثمر ندارد. جمال مبارک می‌فرماید: «از آن نفسی متحیرم که نقائص خود را نمی‌یابد»^(۳)

نفوسی که خود را ناقص و عاری از کمال ملاحظه می‌کنند، اهل ملکوتند. نفوسی که خود را بر دیگران ترجیح می‌دهند، خودپرست و بندهٔ نفسند؛ آنها از فیوضات پروردگار عالمیان محرومند.^(۴)

حضرت یه‌اءالله بر این نکته نیز وقوف دارند که نوع بشر جائز الخطا است. ایشان آگاهند که ما وقتی که سعی می‌کنیم در سیلی که ایشان به ما نشان داده‌اند حرکت کنیم، نظر به ضعفی که داریم، مکرراً مرتکب خطا می‌شویم.

اگر جمیع افراد بشر در زمانی که به ندای حضرت یه‌اءالله لیک می‌گفتند به کمال می‌رسیدند، این عالم عالم دیگری می‌شد. با توجه به ضعف و فتور ما است که حضرت عبدالیه‌اء از اتحاد احباء در همه جا خواستند که به یکدیگر عشق بورزند و بر تعلیم مؤکد حضرت یه‌اءالله تأکید فرمودند که هر یک از ما باید حیات خویش را تکامل بخشیم و از قصور دیگران چشم بپوشیم.

حضرت مولی‌الوری کراراً بر نیاز به وحدت تأکید فرمودند زیرا بدون وحدت، امر والد بزرگوارشان نمی‌توانست پیشرفت نماید.^(۵)

۱- ترجمه - مکتوب ۱۷ اکتبر ۱۹۴۴ از طرف حضرت ولی امرالله / *Compilation II, no. 1301*

۲- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالیه‌اء، ج ۱، ص ۱۹۸ (فقره ۱۷۴)

۳- ترجمه - خطابه ۲۵ ژوئیه ۱۹۱۲ در هتل ویکتوریا

۴- ترجمه - بیان منسوب به حضرت عبدالیه‌اء / نجم باختر، سال هشتم، شماره ۱۹، ص ۴

۵- مکتوب ۲۴ ژوئیه ۱۹۷۳ بیت‌العدل اعظم به یکی از احباء

برای حصول این وحدت صمیمانه یکی از لوازم اولیه که از طرف حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء تأکید شده آن است که از تمایل فطری بشری که همانا توجه به معایب و نقائص دیگران است بپرهیزیم و به عیوب نفس خود مشغول شویم. هر یک از ما تنها مسئول حیات نفس خویش است. مسلماً هر یک از ما از رتبه کمال یعنی آن کمالی که مخصوص پدر آسمانی است، بسیار بدور است و لذا وظیفه داریم که با تمام توجه و قوت اراده و منتهای قدرت حیات و سجایای خود را بطرف کمال رهنمون شویم. اگر ما اجازه دهیم که تمام وقت و نیروی ما صرفاً برای نگهداری دیگران در راه راست و رفع عیوب آنان صرف شود، باید بدانیم وقت گرانبهای خود را بیهوده تلف کرده ایم. ما مانند کسانی هستیم که زمین را شخم می زنند و هر یک از آنها با گروه خود باید سهم خود را در شخم زدن ادا کند و برای این که شیار او مستقیم پیش برود باید چشم خود را به مقصد درخته تمام حواس خویش را متوجه کار خود سازد. هرگاه متوجه اطراف شود و بخواهد ببیند عمرو و زید چکار می کنند و از شخم زدن آنها ایراد بگیرد بدون شک شیار خود او کج و معوج خواهد شد.^(۱)

ما هرگز قادر نیستیم تأثیری را که می توانیم بر خود داشته باشیم، بر دیگران بگذاریم. اگر ما بهتر باشیم، اگر نسبت به دیگران و ضعف آنها محبت، شکیبایی و تفاهم نشان دهیم، اگر ابداً به انتقاد از دیگران نپردازیم بلکه به تشویق آنها مشغول شویم، آنها نیز به همین منوال حرکت خواهند کرد، و ما می توانیم برآستی با نمونه قرار دادن خود و با قوتی روحانی به امر مبارک کمک کنیم.^(۲)

ندیده گرفتن خرده گیری های دیگران

ما نباید اهمیت چندانی به روش و احساسات دیگران نسبت به خود بدهیم. مهم ترین امر ترویج عشق و علاقه و ناچیز انگاشتن خرده گیری هاست. به این ترتیب به ضعف طبیعت انسانی و نظارت خاص و روش هیچ فرد بخصوص اهمیت فوق العاده داده نخواهد شد. بلکه برعکس این نقائص در پرتو خدماتی که متحدانه در طریق امر محبوب خود صرف می کنیم محو و زائل خواهد شد.^(۳)

شما نباید اجازه دهید نظراتی که توسط سایر پهیائیان ابراز می شود شما را آزرده خاطر یا افسرده سازد، بلکه باید خصوصیات شخصی را فراموش کنید و برای انجام دادن آنچه که خود در توان دارید جهت تبلیغ امرالله قیام کنید.^(۴)

۱- نقل ترجمه مکتوب ۱۲ مه ۱۹۲۵ که از طرف حضرت ولی امرالله نوشته شده از صفحه ۸ نمونه حیات بهائی

۲- ترجمه - مکتوب ۲۶ اکتبر ۱۹۴۳ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء / انوار هدایت، شماره ۲۹۱

۳- نقل ترجمه مکتوب ۱۹ سپتامبر ۱۹۴۸ نوشته شده از طرف حضرت ولی امرالله از نمونه حیات بهائی، ص ۲۷

۴- مکتوب ۱۵ اوت ۱۹۵۷ از طرف حضرت ولی امرالله / *Unfolding Destiny*, p. 462

بدخواهی را با محبت مقابله کنید

یاران باید در نیابت مهربانی و محبت با دوست و بیگانه هر دو الفت و محبت نمایند... اگر آنان تیرزنند اینان شهید و شیر بخشند اگر زهر دهند قند بخشند اگر درد دهند درمان پیامورزند اگر زخم زنند مرهم بنهند اگر نیش زنند نوش روا دارند.^(۱)

ای احبای الهی سعی جمیل مبذول فرمایید تا جمیع ملل و امم عالم، حتی اعداء، به شما اعتماد نمایند، اطمینان کنند و امیدوار شوند؛ اگر نفسی صد هزار بار خطا کند بتواند به شما توجه کند و به بخشش گناهانش امیدوار باشد؛ چه که نباید مأیوس شود، یا محزون گردد یا افسرده شود. این است شمیم و سلوک اهل بهاء.^(۲)

حقیقت این است که هیچ چیز شیرین تر از آن نیست که نفسی در حق کسی که به او بدی نموده، خوبی کند. هر زمان که به خاطرش می‌گذرد که نسبت به اعداء خود احسان نموده و محبت روا داشته، قلب او مسرور می‌شود.^(۳)

اگر خدا را دوست بداریم می‌توانیم جمیع مردم را دوست بداریم

ما باید خدا را دوست بداریم و در این مقام است که محبت نسبت به عموم بشر امکانپذیر می‌گردد. ما نمی‌توانیم هر یک از ابناء بشر را فقط به خاطر خود او دوست بداریم، بلکه احساس ما نسبت به عالم انسانی باید بر اساس عشقی باشد که به آب آسمانی که خالق و آفریننده بشر است، داریم.^(۴)

غلبه بر تعصبات نژادی

اگر بخواهید در این عصر تاریک اعمال و رفتار و گفتار و احساسات شما از روح امر و تعالیم جمال اقدس ایبی حکایت نماید، باید هر دو دسته، یعنی سیاه و سفید متحداً و متفقاً سعی و همت فراوان مبذول دارید و این فکر خطا و اندیشه ناصواب یعنی تفوق و برتری جنسی را با شرور و مفاسد حتمیه آن یکباره برکنار نیند و آمیزش و امتزاج و تحیب و تألیف اجناس را تشویق کنید و ترغیب نمایند، هر پرده و حجابی که این دو فرقه را از یکدیگر دور و متباعد نماید مرتفع سازید و هر حد و سدی را که مانع ابتلافاً و اتحاد واقعی آنان گردد از پیش پا براندازید؛ شب و روز آرام نگیرید و روز و شب نیاساید تا مسئولیت عظیم و تکلیف شدید خویش را در قبال این وظیفه مشترک و خطیر که به اشد صولت و هیبت متوجه یاران الهی است انجام دهید و این سیل جهد مشکور و همت موفور مجری

۱- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالهء، ج ۱، ص ۲۲ (فقرة ۸)

۲- ترجمه - بیان حضرت عبدالهء / Tablets II, p. 436

۳- ترجمه - بیان منسوب به حضرت عبدالهء، نقل در *Summon Up Rememberance*، مرضیه گیل،

ص ۲۵۸

۴- ترجمه - مکتوب ۱۴ اکتبر ۱۹۵۰ از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت، شماره: ۱۳۴۱

دارند. افراد دوستان که در حل این مسأله معضل و حیاتی شریک و سهیم‌اند باید اندازات حضرت عبدالجبار روح الوجود لمظلومینہ الفداء را نصب العین خویش قرار دهند تا فرصت باقی است اقدام سریع معمول دارند و اثرات مولمة و خیمه‌ای را که در صورت عدم تعدیل اوضاع و اصلاح احوال دانگنیر کافه ملت امریک خواهد گردید در نظر مجسم سازند.

افراد سفید باید با عزم جزم و تصمیم خلل‌ناپذیر در رفع این مشکل عظیم بکمال جهد و اهتمام اقدام و حسن افضلیت و رُجحان را که در وجود آنان مختم گردیده و یا در مواردی خالی از توجه و التفات ابراز می‌شود بالمره ترک نمایند و این تصور و احساس را که نسبت با افراد سیاه سمت سرپرستی و قیادت داشته و به این لحاظ باید آنان را تحت جناح و قیمومت خویش قرار دهند اصلاح کنند و در اثر مصاحبت صمیمانه و فارغ از هر گونه شائبه تکلف و تصنع آنان را به خلوص نیت و محبت و صمیمیت حقیقیه خویش معتقد و متقاعد سازند؛ و چنانچه از طرف مردمی که در مدتی بس طولانی و بعید قلبشان جریحه‌دار گشته و مرهم مؤثری بر زخم آنان نهاده نشده، جلب و جذب کمتری مشهود گردد، بی‌صبری نمایند و دامن حلم و اضطبار را از دست ندهند. سیاهان نیز بنوبه خویش قدم فراتر نهند و به جمیع طرق و وسائلی که در اختیار آنان موجود، عشق و علاقه خویش را در قبال روابط جدید به متضه ظهور رسانند و عملاً اثبات کنند که حاضرند گذشته را فراموش و هر سوء ظن و اغیار خاطری را که هنوز احیاناً در زوایای قلوب مستور و مکنون، محو و زائل نمایند. ضمناً هیچیک از طرفین نباید تصور کنند که حل چنین معضل خطیر منحصرأ مربوط به اقدام و از حدود تکالیف دسته‌مقابل بوده و یا آن که وصول به این منظور امری سهل و سریع‌الحصول است. همچنین نباید این فکر بر خاطرشان خطور نماید که برای اصلاح این منقصد باید منتظر زمان و مترصد فرصت باشند تا بدو در عالم خارج و به وسیله عواملی ماوراء دایره امرالله و تعالیم دین‌الله قدم مساعدی برداشته شود و اوضاع و احوال موافقی رخ گشاید، آنگاه به انجام این مهم مبادرت نمایند و به همان قرار نباید تحیل کنند که هیچ امری جز محبت خالص و صبر و شکیبائی تام و خضوع و خشوع حقیقی و اتخاذ تمهیدات بالغه و توسل بذیل حکمت و منات و بذل همت و استقامت توأم با ادعیه و مناجات به ساحت قدس حضرت قاضی الحاجات می‌تواند این نقیصه مهم و عیب آشکار که نام نیک وطن و کشور مألوفشان را لکه‌دار نموده متفی سازد. بلکه باید به جان و دل به این حقیقت مؤمن و مدعن گردند که صرفاً حسن تفاهم متقابل و ابراز محبت و معاضدت مستمر و مداوم آنان است که بیش از هر قوه و اجتماعی خارج از نطاق امرالله می‌تواند جریان مخاطره‌آمیزی را که حضرت عبدالجبار پیوسته نهایت اضطراب و نگرانی خاطر نسبت به آن اظهار می‌فرمودند منحرف سازد و آمالی را که وجود اقدسش برای همکاری و اشتراک مساعی آنان در راه تحقق مقدرات درخشان آن سرزمین در دل و جان می‌پرورانید به حیرت‌ظهور و ثبوت رساند.^(۱)

وحدت بر تمام موانع غلبه می‌کند.

تزیاید تعداد اعضاء جامعه یهائی کانادا در سنه ماضیه نیز موجب دلگرمی زیاد بود. این امر نشان می‌دهد که در وحله اولی در میان احیاء وحدت و اتحاد وجود دارد، زیرا در هر نقطه‌ای که این سبجه اساسی در جامعه یهائی وجود نداشته باشد هر گونه رشد و توسعه‌ای مستحیل و محال است. به این علت

است که مولای محبوبان حضرت مولی الوری مکرراً به آحاد احباء توصیه می فرمودند که مانند روحی واحد در ابدان متعدّد باشند، چه که این محبت و اتحاد مورث صحت روحانی آنها است و به آنها قوه ای می بخشد تا بر جمیع موانع موجود بر سر راهشان غلبه نمایند.^(۱)

یاران باید با هم متحد شوند و درک نمایند که همه به منزله یک خانواده روحانی هستند و با علائقی به هم مربوطند که به مراتب از علائق ظاهری خانوادگی مقدّس تر و پایدارتر است. اگر یاران با تمام قوا اختلافات شخصی خود را فراموش کنند و قلب خود را به خاطر حضرت پناه الله به سوی محبت عمیقی که به یکدیگر دارند، مفتوح سازند، ملاحظه خواهند کرد که بر قدرت آنها به نحو وسیعی افزوده خواهد شد و آنها قادر خواهند بود که قلوب عامّة مردم را تسخیر نمایند و ناظر پیشرفت سریع امر الهی در آن مدینه نیز خواهند بود.^(۲)

ما اهل پناه همیشه قادریم با استمداد از تأییدات جمال اقدس ایهی، که پیوسته آماده تقویت و مساعدت ما هستند، موانع بازدارنده راه را به جای پایی مطمئن و مستحکم تبدیل کنیم و قوای شدید بی امان نشأت گرفته از ناحیه دوستان مخلص ولی شاید ره گم کرده را به جای مجاری مخرب به طریق سازنده هدایت نمایم و از آنها به صورت جریانی از قوای مثبت استفاده کنیم.^(۳)

قوه تقلیب کننده محبت

مسلماناً محبت قوی ترین اکسیری است که می تواند شرورترین و دنی ترین اشخاص را به نفوسی آسمانی تبدیل نماید. امید آن که سرمشق و نمونه شما بیش از پیش حقیقت این تعلیم زیبای امر الهی را مورد تأیید قرار دهد.^(۴)

سر مشارکت عمومی

سر حقیقی مشارکت عمومی در این تمایل حضرت مولی الوری که غالباً بیان می شد نهفته است که یاران باید به یکدیگر محبت داشته باشند، مستمراً همدیگر را تشویق کنند، با هم همکاری داشته باشند، مانند روحی واحد در جسمی واحد باشند، و با چنین سلوک و رفتاری، هیکی حقیقی، تباض و سالم باشند که به اعانت روح زندگی یافته و نورانی شده است. در چنین هیکی، همه از نفس آن وجود زنده و تباض، صحت و حیات روحانی را دریافت خواهند داشت، و کامل ترین گلپا و میوه ها حاصل خواهد شد. (ترجمه)^(۵)

۱- ترجمه - مکتوب نوشته شده از طرف حضرت ولی امرالله مندرج در صفحه ۱۲ Messages to Canada

۲- نقل ترجمه مکتوب ۲۶ اکتبر ۱۹۴۳ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به محفل روحانی ملی بهائیان هند و برمه از صفحه ۲۳ جزوه "نمونه حیات بهائی"

۳- ترجمه - مکتوب ۳۰ ژوئن ۱۹۴۹ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به محفل روحانی ملی آلمان و اتریش / انوار هدایت شماره ۲۰۴۵

۴- ترجمه - مکتوب ۶ دسامبر ۱۹۳۵ از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت شماره ۷۴۱ و ۱۳۸۱

۵- پیام سپتامبر ۱۹۶۴ بیت العدل اعظم Messages from the Universal House of Justice ص ۴۳

راه حلّی برای امتحانات

تبلیغ امرالله

تبلیغ امرالله

قوموا على خدمة الامر على شأن لا تأخذكم الاحزان من الذين كفروا بمطلع الآيات^(۱)

قد أحاطت الظلمة كل البلاد وبها اضطربت أكثر العباد أسألك باسمك الأعظم بأن تخلق في كل بلد خلقاً ليتوجهن إليك و يذكرنك بين عبادك و يرفعن رايات نصرتك بالحكمة و البيان و ينقطعن عن الاكوان^(۲)

ای بندگان جمال مبارک ... این معلوم و واضحست که الیوم تأییدات غیبیه الهیه شامل حال مبلغین است و اگر تبلیغ تأخیر افتد بکلی تأیید منقطع گردد، زیرا مستحیل و محال است که بدون تبلیغ احتیای الهی تأیید یابند.^(۳)

نفوس تا در ترویج نکوشند بذکرالله مشغول و مألوف نیزگما نبغی نگردند و آثار مدد و نصرت ملکوت ایبی مشاهده نمایند و باسرار الهی پی نبرند و چون لسان بتبلیغ مشغول گردد بالطبع نفس مبلغ بشور آید و مغناطیس عون و عنایت ملکوت گزدد و چون مرغ سحر از ساز و نواز و نغمه و ترانه خویش بوجد و طرب آید.^(۴)

بساط تبلیغ باید در جمیع احیان ممدود گردد زیرا تأیید الهی موکول بر آن. اگر نفسی به جان و دل در نهایت همت کمر بر تبلیغ امرالله نبندد البته از تأیید ملکوت ایبی محروم ماند.^(۵)

تصرف و تأیید حضرت بهاءالله، شارع دیانت الهیه نیز از افرادی که بالاخره در این سبیل قیام نموده و سهم خود را ادا نمایند سلب خواهد گردید.

... جنود ملاً اعلی که صف در صف ایستاده و بانهایت اشتیاق میبای نصرت و تأیید قائمین و مجاهدین این جهاد کبیر و جلیل اند هنگامی قادر بر نصرت و تأیید خواهند بود که هر یک از مجاهدین باعزمی راسخ و تصمیمی خلل ناپذیر قدم در میدان خدمت نهاده و هستی خویش را در سبیل امرالله ایثار نماید.^(۶)

این مواهب و الطاف هرچند یقین مبین شامل حال خواهد گشت و همم و مساعی یاران باکلیل قبول مکمل و بطراز توفیق مطرز خواهد شد و ان هذا لوعده غیر مکذوب، معذک پاداش و ثمره.

۱- کتاب اقدس، بند ۲۵
۲- مناجاة، طبع برزیل، ص ۱۱۷

۳- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبداله، ج ۱، ص ۲۵۵

۴- همان، ص ۲۵۷
۵- همان، ص ۲۵۸

۶- بیان حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت الله، ترجمه فواد اشرف، ص ۱۷۲

مجهودات هر یک از دوستان منوط به میزان همت و مجاهدتی است که هر فرد بنفسه در حیات خصوصیت خوش ابراز و در نشر و گسترش رسالت الهی و تسریع در فتح و ظفر موعودۀ رحمانی مبذول خواهد داشت.^(۱)

هر قدر اوضاع تاریک باشد

در این فرصت جلیل که با قرب صدمین سال فجع‌ترین قتل عام در تاریخ امرالله عزت و شرافت آن مضاعف گشته، در جینی که عالم در اضطراب و گرفتار رنج و عنا است، از قاطبۀ یاران امریک ... رجا دارم قطع نظر از شدت مخاطرات که جوامع اقران در قارزات اروپا و آسیا و آفریقا و استرالیا با آن مواجهند، هر قدر اوضاع در مهد امرالله و مرکز جهانی تاریک و انقلابات و تحولاتی که ممکن است خود بدان مبتلا گردند مولم و محزن باشد، بار دیگر به کمال انقطاع قیام کرده، با عزم راسخ و ثبات قدم مشعل امرالله را که به خون شهدای لاتعدّ و لاتحصی آغشته گشته، بلند نگاه داشته و صحیح و سالم آن را انتقال دهند تا هر چه بیشتر روشنی بخش نسلهائی باشد که مقدر است در آینده پس از آنان در این سیل به خدمت پردازند.^(۲)

غلبه بر مشکلات جامعه

حضرت ولی امرالله از اطلاع بر عدم هم‌آهنگی بین یاران آن سامان بسیار متأثر شدند و عقیده دارند که تنها راه عاقلانه که عموم یاران باید بدان عمل نمایند آن است که خود را وقف تبلیغ امر الهی نموده با محفل ملی خوش همکاری کنند.

غالباً این امتحانات و افتتانات که در حال حاضر مبتلا به عموم جوامع یهائی بوده و یاران در معرض آن قرار می‌گیرند، به نظر شدید است ولی در مراجعه به گذشته ما متوجه می‌شویم که این امتحانات به علت قصور ناشی از ضعف طبیعت بشری بر اثر سوء تفاهم‌ها و آلام مترایده بوده که هر یک از جوامع یهائی باید با این تجربه‌ها مواجه شوند.^(۳)

الیوم نیاز امرالله به مبلغ است نه به شهید

هر روزی را احتیاجاتی است. در ایام اولیه امرالله به شهدا و نفوسی که تحمل همه گونه شکنجه و عذاب برای اعلان ایمان خود و اشاعه و ترویج پیام الهی کنند احتیاج داشت. حال آن زمان گذشته است و اکنون امرالله به شهیدایی که در راه عقیده خود کشته شوند احتیاج ندارد بلکه به خادمینی نیازمند است که به تبلیغ پردازند و اساس امرالله را در سراسر عالم مستقر سازند. در حال حاضر زندگی کردن برای تبلیغ مانند شهادت در ایام اولیه امر است. روحی که ما را به هیجان می‌آورد اهمیت دارد نه

۲- حصن حصین شریعت‌الله، ص ۱۰۹

۱- ظهور عدل الهی، صفحه ۳۴

۳- نقل ترجمه مکتوب ۲۵ نوامبر ۱۹۵۶ نوشته شده از طرف حضرت ولی امرالله از نمونه حیات یهائی،

عملی که از آن روح ناشی می‌شود و با آن روح ما باید با جان و دل به امر الهی خدمت کنیم.^(۱)

دعا، تفکر و اقدام

تبلیغ جاذب تأییدات الهیه است. دعا کردن با جدیت تمام برای کسب هدایت کافی نیست، بلکه این دعا باید با تفکر و تعمق در مورد بهترین روشهای عملی و بعد مبادرت به نفس اقدام ادامه یابد. حتی اگر اقدام نتایج فوری در پی نداشته باشد، یا شاید کاملاً صحیح و مناسب نباشد، تفاوت چندانی ندارد، زیرا اجابت دعای ما فقط از طریق اقدام و عمل است که به ظهور می‌رسد و اگر اقدام کسی غلط باشد، خداوند می‌تواند از روش مزبور برای نشان دادن طریقه صحیح استفاده کند.^(۲)

در جستجوی نفوس جواهر آسا باشید

ایشان امیدوارند و دعا می‌کنند که در طی این دوران پرمخاطره و مملو از فشار و مشقت، یفائیان در میان هموطنان خود در جستجوی نفوس جواهر آسایی باشند که به حضرت بیاءالله تعلق دارند و آنها را از برکات و آسودگی امر مبارکش بهره‌مند سازند.^(۳)

خدمت جاذب تأییدات ملأ اعلی است

یک فرد یفائی بر طبق موازینی که حضرت بیاءالله تعیین فرموده‌اند باید قلباً و روحاً متوجه خدمت به امر باشد. هرگاه این عمل انجام شود جنود ملأ اعلی آن فرد را تأیید خواهد کرد و کلیه مصائب و امتحانات متدرجاً رفع خواهد گشت.^(۴)

هیچ امری به اندازه خدمت به امرالله موقیت در بر ندارد. خدمت مغناطیس تأییدات الهیه است. در این صورت وقتی شخص فعال باشد روح القدس او را تأیید می‌کند و در صورت عدم فعالیت روح القدس از شمول تأیید باز مانده و شخص از اشعه شفا دهنده و روح بخش آن محروم می‌ماند.^(۵)

البته احدی نمی‌تواند مسیر وقایع آینده را پیش‌بینی نماید. اما به طور حتم می‌دانیم که هر آنچه از امتحانات و رنجها که بر ما نازل شود، در مقایسه با موهبت لایهای که ما متسین به نام مبارکش از آن برخورداریم و در این ایام هولناک و تاریخ‌ساز به خدمت امرش قیام کرده‌ایم، کاملاً ناچیز و غیر قابل ذکر است.^(۶)

۱- نقل ترجمه مکتوب ۲ اوت ۱۹۳۲ نوشته شده از طرف حضرت ولی امرالله از نمونه حیات یفائی، ص ۱۰

۲- ترجمه - مکتوب ۲۲ اوت ۱۹۵۷ از طرف حضرت ولی امرالله / *Compilation II, no. 2011*

۳- ترجمه - مکتوب ۱۹ اکتبر ۱۹۴۱ از طرف حضرت ولی امرالله / *Unfolding Destiny, p. 438*

۴- نقل ترجمه مکتوب ۱۶ اکتبر ۱۹۵۴ از طرف حضرت ولی امرالله از صفحه ۴۸ نمونه حیات یفائی

۵- نقل ترجمه مکتوب ۱۲ جولای ۱۹۵۲ از طرف حضرت ولی امرالله، از صفحه ۴۵ نمونه حیات یفائی

۶- ترجمه - مکتوب ۱۴ اکتبر ۱۹۴۲ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء

تبلیغ موجب مسرت است

برای تقدیر و سپاس از این موهبتی که خداوند به ما عنایت فرموده، باید قیام کنیم و پیام امیدبخش حضرتش را به عالم انسانی رنج کشیده و درمانده اطراف خود برسانیم. ماهیت این موهبت چنان است که هرچه آن را بیشتر به دیگران عرضه نمایم، سهم باقیمانده برای ما بیشتر خواهد بود. زیرا چه لذتی می‌تواند بالذات مسرور کردن دیگران و امید بخشیدن به قلوب آنها قابل مقایسه باشد. هرچه دیگران را بیشتر مسرور سازیم، مسرت خاطر خود ما افزون‌تر خواهد شد و احساس خدمت به عالم انسانی در ما عمیق‌تر و شدیدتر خواهد گشت.^(۱)

عمل ما نشان دهنده راه به عالم انسانی است

حضرت مولی‌الوری مشتاق بودند مشاهده کنند که احباء ایمان به زندگی خود را تکامل بخشند. حال، آن ساعت متعالی فرا رسیده که امتحان الهی نه تنها در مورد کل عالم، بلکه در مورد بیانیان نیز عملی شده است؛ نحوه عمل آنها، میزان تمسک ایشان به روح و کلام امر مبارک، راه را به عالم انسانی که ناظر بر آنها است نشان خواهد داد و ارزش انتساب به حضرت بهاء‌الله را به منصفه ظهور خواهد رساند.^(۲)

افق تیره و تاریک جهانی که موعود و منجی حقیقی را شناخته بینش نسل جوان را به شدت متأثر می‌کند؛ جوانان بیثباتی که منجی عالم بشریت را شناخته‌اند و به دلیل همین شناخت دیدگاه روشنی از عالم دارند در قبال ناامیدی و تفریحات بیهوده، خطرناک و ناسف‌بار همقطاران خوش باید بلادرنگ به این جوانان مأیوس سرور معنوی که همچون داروی شفابخش است و نیز حس امید به سوی سازندگی عطاکنند و پرتوهای اطمینان‌بخش ظهور شگفت‌انگیز جمال قدم را بر دلشان بتابانند.^(۳)

با دعا و مناجات می‌توان بر دغدغه خاطر فائق آمد

... از طریق دعا و مناجات و توجه خاص به تعالیم امر مبارک و تمسک به شرایط حیات بیثباتی با دیدی جهانی، می‌توان و می‌باید بر دغدغه خاطری که وضع حاضر ایجاد نموده فائق آمد.^(۴)

اهل بهاء اغلب به بی‌تفاوتی نسبت به "مشکلات واقعی" هموعانشان متهم می‌شوند. اما هنگامی که در معرض چنین اتهامی قرار می‌گیریم، بهتر است به یاد داشته باشیم کسانی که آن را عنوان می‌کنند، معمولاً ماده گریبان آرمان‌پرستی هستند که در نظرشان خیر مادی یگانه خیر "حقیقی" است؛ در حالی که ما می‌دانیم عملکرد عرصه مادی صرفاً انعکاسی است از شرایط روحانی و تا وقتی که این شرایط

۱- ترجمه - مکتوب نوشته شده از طرف حضرت ولی امرالله / *Light of Divine Guidance I, p. 45*

۲- ترجمه - مکتوب ۱۹ اکتبر ۱۹۶۱ از طرف حضرت ولی امرالله / *Unfolding Destiny, p. 438*

۳- ترجمه - پیام ۸ مه ۱۹۸۵ / انوار هدایت شماره ۲۱۵۳

۴- نقل ترجمه پیام ۲۹ مه ۱۹۹۴ بیت العدل اعظم به محفل روحانی ملی آمریکا از پیام بهائی شماره ۱۸۲، ص ۸

روحانی تغییر نکند، تحوّل پایداری برای بیهود اموریادی در کار نخواهد بود. همچنین باید به خاطر داشته باشیم که اغلب مردم درک روشنی نه از جهانی که می‌خواهند بسازند دارند و نه از نحوه ساختن آن. لیزا، حتی آنان که نگران بیهود اوضاع هستند، کارشان به مبارزه با منسده نمایانی که توجیشان را جلب کند، تقلیل می‌یابد. به این ترتیب، تمایل به مبارزه علیه مفاسد و مصائب، چه در شکل شرایط اجتماعی و یا متجسم در نفوس شریده، برای اغلب خلق معیاری شده است که بر اساس آن ارزش اخلاقی افراد را می‌سنجند. از طرف دیگر، اهل یناء هدفی را که در نیل به آن مجاهده می‌نمایند می‌شناسند و آنچه را که باید برای تحقّقش گام به گام انجام دهند، می‌دانند. تمامی توان آنان متمرکز است بر بنای خیر؛ خیری که از چنان قدرت مثبتی برخوردار است که در مقابلش جمیع شرور و مفاسد، که اساساً نیروهای منفی تلقی می‌شوند، مفتود و معدوم خواهد شد. در نظر یک فرد بهائی، ورود به نبرد سلحشورانه نمایشی و تک به تک با مفاسد و مصائب جهانی، نوعی اتلاف وقت و انرژی است. به جای این، همه وجود او متوجه و متمرکز است بر ابلاغ پیام حیات بخش حضرت یناءالله و تجدید حیات روحانی هموعانش و متحد کردن آنها در ظلّ نظمی الهی و جهانی و آنگاه، با رشد و توسعه قدرت و نفوذ این نظم، او شاهد قدرت این پیام بدیع در تغییر و تبدیل کلیت جامعه بشری و حلّ و فصل تدریجی مسائل و رفع و دفع مظالمی خواهد بود که در مدتی چنین طولانی عالم را به سوره آورده است.^(۱)

راه حلّی برای امتحانات

تفکر و تأمل در مورد
آلام و رنجهای حضرت بهاءالله

تفکر و تأمل بر آلام و رنجهای حضرت بهاء الله

إذا مسّك البلايا في سبيلي أن أذكر بلاني و هجرتي و سجنی كذلك، نلتیک من لدن عزیز حکیم. (۱)

أن يا أحمد لاتس فضلي في غيبتی ثم ذکر ایامی فی آیامک ثم کربتی و غربتی فی هذا السّجن البعيد و کن مستقیماً فی حیّ بیث لن یحوّل قلبک ولو تُضرب بسیوف الاعداء و یمنعک کلّ من فی السموات و الارضین (۲)

یاد آر احزان مرا، مصائب و اضطرابات مرا، بلیّه و افتانات مرا، اسارت مرا، اشکهای مرا که فرو می ریخت، مرارت عذاب مرا، و حال مسجون شدنم در این ارض بعید را. ای مصطفی، خدای من شاهد است. اگر میسر بود تو را گفته شود که بر جمال قدم چه وارد شده، به بیابان فرار می کردی و اشک از چشم فرو می ریختی؛ از شدت تأثر و تحسّر بر سر می کوفتی و چون مارگزیدگان فریاد بر می آوردی. شکر کن خدا را که اسرار مقدّرات مکشوف نشدنی را که از سماء مشیت پروردگار قدیر و مقتدرت بر ما نازل شده بر تو مکشوف نساختم و بیان نمودیم. (۳)

بلاهای لاتحصى در آن سوی باب ایستاده اند

قسم به حقّ هر صبح که از فراش برخاستم، صفوف بلاهای لاتحصى را یافتم که در آن سوی باب ایستاده اند؛ و هر شام که سر بر زمین نهادم، قلبم از ظلم ظالمین و جور اعداء قرین رنج و الم بود. هر قطعه نانی که جمال قدم قصد خوردن کند با هجوم ابتلائات جدیده همراه است، و هر قطره آبی که بنوشد با تلخی شدیدترین بلاها توأم است. هر قدمی که بر می دارد جنود بلاهای لایری از او سبقت گیرند، و جیوش احزان و آلام در تعقیبش شتابان. این است مصیبت من اگر در قلب و روحت به تفکر و تأمل پردازى. اما نگذار جان و روانت از آنچه که خداوند بر ما نازل فرموده متأثر گردد. ارادهات را در رضای او فانی ساز، چه که ابداً هیچ امری به جز مشیت او را طالب نبودیم و از هر آنچه که قضای مبرم او مقدّر فرماید استقبال می کنیم. در دل و جان آسوده باش و هرگز مضطرب مگرد و در سیل نفوسی که به تلخی مضطرب می گردند سالک مشو. (۴)

۱- لوح حاجی فرج، کتاب مبین، ص ۴۰۲

۲- لوح احمد، ادعیه حضرت محبوب، طبع قاهره، ص ۱۹۶

۳- ترجمه - بیان حضرت بهاء الله مندرج در Gleanings from the Writings of Baha'u'llah, no. 62

۴- ترجمه - مأخذ قبل

حضرت بهاء الله خود را از بلايا حفظ نكردند

لك الحمد يا محبوب قلوب العارفين و مقصود افئدة المخلصين بما جعلتني هدف البلايا في حبك و مرجع القضايا في سبيلك. فو عزتک انى لأجزع عما ورد على في حبك و في اول اليوم الذى عرفتني نفسك قبلت كل البلايا لنفسي و في كل حين يناديك رأسى و يقول أى رب أحب أن أرتفع على القنأة في سبيلك و دمی يقول يا الهى فاجعل الارض محمرة بي في حبك و رضائك و انت تعلم بانى ما حفظت نفسي من البلايا و في كل حين كنت منتظراً لما قضيت في لوح قضائك. (١)

حضرت بهاء الله خدای را برای بلاها شکر کردند

سبحانك اللهم يا الهى لك الحمد بما جعلتني مرجع القضايا و مطلع البلايا للحياة عبادك و خلقك فو عزتک يا محبوب العالمين و مقصود العارفين لا أريد الحياة إلا لأظهار أمرک و ما أردت البقاء إلا لیس البلايا في سبيلك. (٢)

و ما ألد سم الردي في سبيلك و أعز سهم الأعداء لإعلاء كلمتك. يا الهى أشربني في أمرک ما أردته و أنزل على في حبك ما قدزته. و عزتک ما أريد إلا ما تريد و لأحب إلا ما أنت تحب. توکلت عليك في كل الأحوال. (٣)

لو لا البلايا في سبيل الله ما لذ لي بقائى و ما نفعنى حياتى. (٤)

حضرت بهاء الله در حين بلايا قائم به خدمت الهى بودند

و کم من ایام یا الهى كنت فريدا بين المدينين من عبادك و کم من ليال يا محبوبى كنت أسيراً بين العاقلين من خلقك و في موارد البأساء و الضراء كنت ناطقاً بثناء نفسك بين سمائك و أرضك و ذاكراً ببدائع ذكرك في ملكوت أمرک و خلقك ولو أن كل ما ظهر منى لا ينبغي لسلطان عز و وحدانيتك و لا يليق لشأنك و اقتدارك. (٥)

سبحانك يا إله العالمين و محبوب العارفين ترانى جالساً تحت سيف علق بخرط و تعلم بانى في هذا الحال ما قصرت في أمرک و بلغت ذكرك و ثنائك و كل ما أمرتني به في الواجك و إذا تحت السيف أذعو أحبائك بكلمات التي تجذب منها القلوب إلى أفق مجدك و كبرياتك. (٦)

١- مناجاة، ص ٧٧ (فقرة ٦٦) ٢- مناجاة، ص ١٠١ (فقرة ٨٦)

٣- مناجاة، ص ١٠٦ (فقرة ٩٢) / لوح شيخ نجفی، ص ٧٠

٤- لوح شيخ نجفی، ص ٦٩ ٥- مناجاة، ص ٢٠١، فقرة ١٧٩

٦- مناجاة، ص ١١٦ (فقرة ١٠٢)

كذلك القيناك ذكرا من مصائبنا لتطلع بما ورد على نفسي و تكون فيما ورد عليك لمن الصابرين. (۱)

چنین می‌نماید که بشریت مظاهر مقدسه بظاهر با امتحان افتادند و چون ثبوت و استقامت در نهایت قوت و قدرت ظاهر شود سائرین تعلیم گیرند و متنبه شوند که در مورد امتحان چگونه ثبوت و استقامت بنمایند. زیرا معلم آسمانی باید بقول و عمل هر دو تعلیم دهد و منتهج قویم و صراط مستقیم بنماید. (۲)

کلام حضرت عبدالبهاء دربارهٔ بلا یای حضرت بهاء الله

نفس مبارک جمال ایبی روح ملکوت الوجود لا حباه الفداء حمل جميع بلايا فرمودند و اشد رزایا قبول کردند، اذیتی نماند که بر آن جسد مطهر وارد نیامد و مصیبتی نماند که بر آن نازل نگشت. بسا شیپا که در تحت سلاسل از ثقل اغلال نیار میدند و چه بسیار روزها که از صدمات کُند و زنجیر دقیقه آرام نیافتند؛ از نیاوران تا طهران آن روح مصور را که در بالین پرند و پرنیان پرورش یافته بود سر و پای برهنه با سلاسل و زنجیر دواندند و در زندان تنگ و تاریک در زیر زمین با قاتلین و سارقین و عاصین و یاغین محشور نمودند و در هر دقیقه اذیت جدیدی روا داشتند و در هر آنی وقوع شهادت یقین کل بود. بعد از مدتی از وطن بدیار غربت فرستادند؛ سنین معدودات در عراق هر آنی سهمی بر صدر مبارک وارد و در هر نفسی سیفی بر جسد مطهر نازل. ابدأ دقیقه امنیت و سلامت مأمول نبود و اعدا با کمال بغضا از جمیع جهات مهاجم؛ بنفس مبارک فرداً و حیداً مقاومت کل می‌فرمودند. بعد از جمیع بلایا و صدمات از عراق که قازة آسیا است بقارهٔ اروپا انداختند و در آن غربت شديده و مصیبت عظیمه اذیات شديده و مهاجمات عظیمه و دسائس و مفتریات و عداوت و ضغینه و بغضای اهل بیان ضمیمهٔ صدمات وارده از اهل فرقان شد. دیگر قلم عاجز از تفصیل است البته شنیده و مطلع شده‌اید و حال مدّت بیست و چهار سال بود که بأعظم محن و بلایا اوقات مبارک گذشت.

مختصر این است که مدّت اقامت جمال قدم روح الوجود لمظلومیته الفداء در این جهان فانی یا اسیر زنجیر بودند و یا در زیر شمشیر و یا در شدت آلام و محن بودند و یا در سجن اعظم؛ هیکل مطهر از شدت ضعف از بلا چون آه شده بود و جسد مکرم از کثرت مصائب بمثابهٔ تاری گشته بود. مقصود مبارک از حمل این ثقل اعظم و جمیع این بلایا که چون دریا موجش باوج آسمان می‌رسد و حمل سلاسل و اغلال و تجسم مظلومیت کبری، اتفاق و اتحاد و یگانگی من فی العالم بود و ظهور آیه توحید الهی بالفعل بین امم تا وحدت مبده در حقائق موجوده نتیجهٔ خاتمه گردد و نورانیت "لن تری فی خلق الرحمن من تفاوت" (۳) اشراق کند. (۴)

۱- لوح اسم الله الاصدق، منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، ص ۱۸۹ (فقره ۱۳۶)

۲- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۵۳ (فقره ۲۶)

۳- قرآن کریم، سورهٔ ملک، آیه ۳

وقتی که حضرت بپناه الله اینتمه بلایا و مصائب را تحمل فرمودند، خدا نکند که ما طالب امری جز بلا و مصیبت باشیم و جز درد و رنج و شدت را اراده کنیم.^(۵)

مبادا موانع و ناکامی‌ها، که اجتناب ناپذیرند، شما را دلسرد نمایند و هر زمان که با امتحانات و بلا یا مواجه شدید، آلام لاتحصای مولای محبوبمان، حضرت بپناه الله را به خاطر آورید.^(۶)

آلام و رنجهای حضرت بهاء الله

حضرت بپناه الله برای احیاء عالم چه مصائب و تألمات شدیده‌ای را که تحمل فرمود. وجود مبارک به باطل در مظان اتهام قرار گرفتند، مسجون و مضروب گشتند، مغلول شدند، از دیاری به دیاری دیگر نفی و سرگون شدند، به آن وجود مکرم خیانت نمودند و ایشان را مسموم ساختند، مایملک‌شان را به تالان و تاراج بردند و به فرموده آن حضرت "در هر دمی بعدایی جدید مبتلا". این بود استقبال ظالمانه اهل جفا از آب سماری و مالک الاسماء و الصفات. تا نفس بازسین در این کره خاکی به مدت چهل سته تا خاتمه حیات مبارکش مسجون و سرگون باقی ماند. وجود مبارکی که بلاوقته تحت تضییقات و اذیت و آزار امرا و حکام و سلاطین ایران و امپراطوری عثمانی و مورد ضدیت و اعراض و اغراض علمای مکار و ظلم دین بود و مورد بی‌اعتنایی سایر ملوک که آنها را با الواحی بسیار میمن انداز فرمود و با مواعظی حکیمانه و صادقانه آنها را به آنچه "سبب آسایش و اتحاد و اتفاق و عمار عالم و آرامش امم می‌باشد" مخاطب ساخت و در لیلی و ایام بتألیف قلوب و تهذیب نفوس مشغول. یک مرتبه حین آن حضرت بلند شد و فرمود:

و حُزنی ما یعقوب بثّ اقله
و کلّ بلاء ایوب بعض بلیتی

لسان حیا دارد از ادامه چنین ذکر رقت باری و صدر منصق می‌شود بانندک تأملی درباره آماج تیر بلا بودن آن ذات مقدس و مصائبی که هیچ نفسی تاب تحمل آن را ندارد. اما ما به جای این که تسلیم احساسات افسردگی و ناامیدی و یأس شویم ملتجی به سکون و آرامش اطمینان بخش مذکور در این بیانات مبارکه پرمعنائی می‌شویم که می‌فرماید: "وارد شد بر این مظلوم آنچه که شبهه و مثل نداشته و کلّ را به کمال تسلیم و رضا لاجل تهذیب نفوس و ارتفاع کلمه الله حمل نمودیم". این چنین مظلوم عالم "فی حین البلیای متمسکاً بجبل الصبر و الاضطبار" بی‌اندازه با صبری بی حد و با متانتی عظیم و جلیل مصونیت و حقیقت وجودی خوش را همچون دوستی یکتا و مهربان ظاهر فرمود و مساعی حضرتش را به هدف اصلی ظهور مبارکش معطوف ساخت و آلام خود را مبدل به اسبابی نجات بخش نمود و ناس را در ظلّ لواء وحدت دعوت فرمود.^(۷)

۴- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۲۵۴-۲۵۲ (قره: ۲۰۷)

۵- ترجمه - بیان منسوب به حضرت عبدالبهاء، *Summon Up Remembrance* مرضیه گیل، ص ۲۴۲

۶- ترجمه - توفیق ۲۵ اوت ۱۹۲۶ حضرت ولی امر الله / *Arohanui* صفحه ۲۱

۷- پیام بیت العدل اعظم به مناسبت صدمین سال صعود حضرت بهاء الله مورخ ۲۹ مه ۱۹۹۲

راه حلّی برای امتحانات

مشورت

مشورت

حضرت موجود می‌فرماید آسمان حکمت الهی بدو نیز روشن و منیر، مشورت و شفقت. در جمیع امور بمشورت متمسک شوید چه که اوست سراج هدایت راه نماید و آگاهی عطا کند.^(۱)

صعود به آسمان امن و امان به مرقات مشورت معلق^(۲)

مشورت بر آگاهی یفزاید و ظنّ و گمان را یقین تبدیل نماید. اوست سراج نورانی در عالم ظلمانی. راه نماید و هدایت کند. از برای هر امری مقام کمال و بلوغ بوده و خواهد بود و بلوغ و ظهور خرد بمشورت ظاهر و هویدا.^(۳)

هیچ کاری را بدون مشورت انجام ندهید

جمیع امور را، اعم از بزرگ یا کوچک، با مشورت انجام دهید. بدون آن که قبلاً مشورت کرده باشید، در امور شخصی خود به هیچ اقدامی مبادرت ننمایید.^(۴)

و اما راجع به سؤال شما درباره مشورت پدر با پسر و یا بالعکس در امور تجارت و معاملات؛ مشورت یکی از عوامل اساسی بنیاد شریعت الله است. چنین مشورتی یقیناً مقبول،

۱- لوح مقصود، طبع مصر، ص ۱۳

۲- امر و خلق ج ۳، ص ۴۰۹ / توضیح مترجم: بیانی که نویسنده اتیان نموده در واقع بیانی دیگر است که در اصل از عربی به انگلیسی ترجمه شده و نویسنده بخشی از آن را استفاده نموده اما اصل آن در دسترس مترجم نبود. مضمون آن این که، "بگو احدی به مقام حقیق خویش واصل نگردد مگر به عدل و انصاف، هیچ قدرتی بدون اتّحاد نمی‌تواند وجود داشته باشد. به هیچ رفاه و آسایشی نمی‌توان رسید مگر با مشورت." (Compilation) U, p. 93

۳- گلزار تعالیم بهانی، ص ۲۷۲ به نقل از صفحه ۶۰ جلد هشتم مائده آسمانی طبع ۱۲۱ بدیع

۴- ترجمه / بیان حضرت عبداله، انوار هدایت، شماره ۵۸۸ / توضیح مترجم: مشابه این بیان را می‌توان در امر و خلق جلد سوم زیارت نمود، از آن جمله است: "در امور جزئی و کلی، انسان باید مشورت نماید تا به آنچه موافق است اطلاع یابد. شور سبب تبصّر در امور است و تعمق در مسائل مجهول..." (ص ۴۱۲)؛ "در جمیع امور جزئی و کلی خویش شور ننماید حتی به جهت زراعت و صنعت و تجارت و کسب، هر یک کسرات مرات مشاورت و معاونت ننماید؛ چه، شور از اوامر الهیه و سبب فتوح کلی در امور است و جاذب عون و عنایت حق." (ص ۴۱۲)؛ "شور مقبول درگاه کبریاء مأمور به و آن از امور عادیّه شخصیه گرفته تا امور کلیّه عمومیّه. مثلاً شخصی را کاری در پیش. البته اگر با بعضی اخوان مشورت کند البته تحرّی و کشف آنچه موافق است گردد و حقیقت حال واضح و آشکار شود..." (ص ۴۱۲)

چه میان پدر و پسر باشد، یا با دیگران. هیچ امری احب از آن نیست. انسان باید در جمیع امور مشورت کند زیرا او را به عمق هر مسأله‌ای هدایت می‌کند و به یافتن راه حل قادر می‌سازد. (۱)

برای یافتن راه حل مشورت کنید

قضیه مشورت در امور بسیار مهم و از اعظم وسائط راحت و سعادت نفوس. مثلاً چون نفسی در امور خویش حیران ماند یا این که کاری و کسبی خواهد باید احبای الهی محفلی بیارند و تدبیر در امر او بنمایند، او نیز باید مجری دارد و همچنین در امور عمومی چون مشکلی حاصل گردد و عسرتی روی دهد، باید عقلاً مجتمع گشته مشورت نمایند و تدبیری کنند، بعد توسل به حق کنند و تسلیم تقدیر شوند تا هر نوع جلوه حق دستگیری کند. مشورت از اوامر قطعیه رب البریه است. (۲)

آراء نفوس متعدده بهتر از رأی واحد است

از مشورت مقصود آن است که آراء نفوس متعدده البته بهتر از رأی واحد است نظیر قوت نفوس کثیره البته اعظم از قوت شخص واحد است. (۳)

با یاران و محافل روحانی مشورت کنید

حضرت مولی الزری غالباً به ما می‌فرمودند که تحت چنین شرایطی ما باید با یاران، بخصوص محافل، مشورت کنیم و طالب هدایات و توصیه‌های آنها شویم. اجرای این توصیه و اطمینان کردن محرم راز قرار دادن برخی از دوستان و یاران مطلوب خواهد بود. باشد که اراده الهی از طریق مشورت به بهترین وجه اجرا گردد. (۴)

با مشورت صحیح مطمئناً روشی یافت خواهد شد. نیازی نیست منتظر شویم تا محفلی تشکیل شود تا مشاوره شروع شود. نظر دو نفس صادق و صمیمی همیشه بهتر از نظر واحد است. (۵)

با متخصصین مشورت کنید

حضرت ولی امرالله توصیه می‌فرمایند که باید به سایر اطباء مراجعه کنید و طبق نظریه اکثریت عمل نمایید. (۶)

۱- ترجمه - بیان حضرت عبدالهاء، انوار هدایت، شماره ۷۶۵

۲- امر و خلق، ج ۳، ص ۴۱۱

۳- امر و خلق، ج ۳، ص ۴۱۲

۴- ترجمه - مکتوب ۱۲ نوامبر ۱۹۳۰ از طرف حضرت ولی امرالله / *Compilation I, no. 194*

۵- ترجمه - مکتوب ۱۶ ژوئن ۱۹۳۲ از طرف حضرت ولی امرالله / *Compilation I, no. 195*

۶- ترجمه - مکتوب ۱۴ فوریه ۱۹۴۵ حضرت ولی امرالله / *Compilation I, no. 202*

همانطور که واقفید حضرت بیهاء الله مقرر فرموده^(۱) که در زمان بروز بیماری ما همیشه باید با حاذق‌ترین اطباء مشورت کنیم. و این همان کاری است که حضرت ولی امرالله قویاً شما را به انجام دادن آن توصیه می‌فرماید. زیرا دعا به تنهایی کافی نیست. برای آن که به دعا تأثیر بیشتری داده شود ما باید از تمام مزایای عنصری و مادی که خداوند به ما عنایت کرده است استفاده نماییم. معالجه با قوای صرفاً روحانی بلا تردید به اندازه همان چیزی که متفکرین و اطباء مادی بیهوده سعی دارند با توسل نام به ابزار و روشهای مکانیکی حاصل کنند، ناکافی است. بهترین نتیجه را می‌توان با ترکیب این دو جریان، یعنی روحانی و عنصری، کسب کرد.^(۱)

با روانپزشکان مشورت کنید

معالجات روانپزشکی بدون شک و به طور کلی در علوم پزشکی سهم بسزایی دارد. اما باید بدانیم که این علم هنوز دانشی در مراحل رشد است و به مرحله کمال نرسیده است. از آنجا که حضرت بیهاء الله ما را ملزم فرموده‌اند که از مساعدت اطباء حاذق بهره‌مند شویم، اهل بیهاء قطعاً نه تنها مختارند که جهت استمداد به پزشکان مراجعه کنند، بلکه در صورت لزوم باید چنین کنند. این بدان معنی نیست که روانپزشکان همیشه دانا هستند و حق همیشه با آنها است، بلکه به این مفهوم است که ما مختاریم از بهترین ثمرات و امکاناتی که دانش پزشکی می‌تواند در اختیار ما قرار دهد، استفاده کنیم.^(۲)

روانشناسی هنوز علمی جوان و نارساست و به مرور ایام که روانشناسان بیهائی بر اساس تعالیم حضرت بیهاء الله به مثل و نمونه حقیقی حیات انسانی دست یابند موفق به جهش‌های بزرگ در سبیل پیشرفت این علم شده و به تخفیف و تسکین مصائب و آلام بشر کمک شایان و مؤثری خواهند نمود.^(۳)

با مشاورین حرفه‌ای و متخصص مشورت کنید

بیت‌العدل اعظم از اطلاع بر این که شما و همسران هنوز متحمل مشکلات زناشویی هستید متأثر شدند. غالباً در چنین وضعیتی‌هایی به یاران توصیه شده است که برای مشورت و کسب هدایت به محافل روحانی مراجعه نمایند و در بذل مساعی خود برای حفظ وحدت روابط خانوادگی و زناشویی از این توصیه‌ها پیروی کنند. در بسیاری از موارد طلب مساعدت از مشاورین حاذق حرفه‌ای در زمینه ازدواج که بتوانند هدایت و بینش‌های مفیدی در استفاده از موازین و معیارهای سازنده برای ایجاد وحدت بیشتر ارائه نمایند، سودمند بوده است.^(۴)

۱- ترجمه - از مکتوب ۱۲ مارس ۱۹۳۴ از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت شماره ۹۲۷

۲- مکتوب ۱۵ ژوئن ۱۹۵۰ از طرف حضرت ولی امرالله به محفل روحانی ملی جزایر بریتانیا / انوار هدایت، شماره ۹۵۷

۳- نقل ترجمه دستخط ۶ فوریه ۱۹۷۳ بیت‌العدل اعظم از صفحه ۲۷ جزوه تحقیق و تتبع

۴- ترجمه - از دستخط ۱۷ ژوئیه ۱۹۸۹ از طرف معهد اعلی / Compilation II, no. 2346

شما و همسران نباید در تداوم مشاوره با مشاورین حرفه‌ای در امر ازدواج، اعم از فردی یا در صورت امکان با هم، و نیز استفاده از مشاوره مؤثر و سودبخش دوستان خردمند و بالغ، تأمل نمایید. مشاورین غیربیمائی می‌توانند سودمند باشند اما معمولاً لازم می‌آید که نظر آنها با بیش‌بیمائی تعدیل گردد.^(۱)

فرد بیمائی که دارای مشکلی است، می‌تواند بعد از دعا و مناجات و بررسی کردن جمیع وجوه آن در ذهن خویش به اتخاذ تصمیم پردازد؛ او ممکن است ترجیح دهد با فردی از دوستان یا مشاورین حرفه‌ای مانند پزشکش یا وکیلش به مشورت پردازد و در اتخاذ تصمیم توصیه‌های آنها را مد نظر قرار دهد؛ یا در صورتی که چند نفر دخیل باشند، مانند وضعیتی خانوادگی، او می‌تواند از جمیع نفوسی که در این موضع سهیم هستند بخواهد جمع شوند تا بتوانند به طور دسته جمعی به نتیجه و تصمیمی برسند.^(۲)

۱- ترجمه - مکتوب نوشته شده از طرف معهد اعلی / *Compilation II, no. 2339*

۲- ترجمه - مکتوب نوشته شده از طرف بیت‌العدل اعظم، *Compilation I, no. 210*

راه حلّی برای امتحانات

از خداوند طلب بخشایش کنید

از خداوند طلب بخشایش کنید

يَا أَبْنَ الْوَجُودِ حَاسِبْ نَفْسَكَ فِي كُلِّ يَوْمٍ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبَ. لِأَنَّ الْمَوْتَ يَأْتِيكَ بَغْتَةً وَتَقُومُ عَلَى الْحِسَابِ فِي نَفْسِكَ. (١)

رحمت حق بر غضب او سبقت گرفته است

ارجعوا الى الله و توبوا اليه ليرحمكم الله بفضلِهِ و يغفر خطاياكم و يعفو جريراتكم و أنه سبقت رحمته غضبه و أحاط فضله كل من دخل في قص الوجود من الاولين و الآخريين. (٢)

حقّ عالم است بکل نفوس و ما عندهم حلم حقّ سبب تجرّی نفوس شده چه که هتک آستار قبل از میقات نمی فرماید و نظر بسبقت رحمت ظهورات غضبیّه منع شده، لذا اکثری از ناس آنچه سرّاً مرتکبند حق را از آن غافل دانسته اند لا و نفسه العليم الخبير. کلّ در مرآت علمیه مشهود و مبرهن و واضح. قل لک الحمد یا ستار عیوب الضّعفاء و لک الحمد یا غفّار ذنوب الغفلاء. (٣)

در مقابل خداوند باید نفس خود را به حساب بکشیم

انصب میزان الله في مقابلة عينيك ثم اجعل نفسك في مقام الذي كانك تراه ثم وزن اعمالك به في كل يوم بل في كل حين و حاسب نفسك قبل أن تحاسب في يوم الذي لن يستقر فيه رجل أحد من خشية الله و تضرب فيه افئدة الغافلين. (٤)

حزن خداوند از گناهان ما

اگر اسم رحمانم مغایر رضا حرفی از احبایم استماع نمود مهموماً مغنوماً بحلّ خود راجع شد و اسم ستّارم هر زمان مشاهده نمود نفسی بهتکی مشغول است بکمال احزان بمقرّ اقدس بازگشت و بصیحه و ندبه مشغول و اسم غفّارم اگر ذنبی از دوستانم مشاهده نمود صیحه زد و مدهوش بر ارض اوفتاد، ملثکة امریه بمنظر اکبر حملش نمودند... هر حین که اظهار عصیان از نفسی در ساحت اقدس شده هیکل قدّم از حیا اراده ستر جمال خود نموده چه که لازال ناظر بویفا بوده و عامل بشرايط آن. (٥)

١- کلمات مکتونه عربی، شماره ٣١.

٢- سورة الملوک، الواح نازله خطاب به ملوک و رؤسای ارض، ص ٣٣

٣- لوح علی، مجموعه اقتدارات، ص ٢٩٤

٤- سورة الملوک، الواح نازله خطاب به ملوک، ص ٤١

٥- مانده آسمانی ج ٤، ردیف س، باب ٢

دعای مخصوص استغفار

باید عاصی در حالتی که از غیرالله خود را فارغ و آزاد مشاهده نماید طلب مغفرت و آمرزش کند... عاصی باید مابین خود و خدا از بحر رحمت رحمت طلبد و از سماء کرم مغفرت مسئلت کند و عرض نماید:

الهی الهی اسألك بدماء عاشقیک الذین اجتذبهم بیاتک الاحلی بحث قصدوا الذروة العلیا مقرّ الشهادة الکبری و بالاسرار المکنونة فی علمک و بالثالیء المحزونة فی بحر عطائک أن تغفر لی و لأبی و امی و انک أنت ارحم الراحمین. لا اله الا أنت الغفور الکریم. ای ربّ تری جوهر الخطاء أقبل إلى بحر عطائک و الضعیف ملکوت اقتدارک و الفقیر شمس غنائک. ای ربّ لا تحییه بجدک و کرمک و لاتمنعه عن فیوضات ایامک و لاتطرده عن بابک الذی فتحته علی من فی ارضک و سمائک. أه آه خطیئاتی منعتنی عن التقرب الی بساط قدسک و جریراتی ابعثتی عن التوجه الی خباء مجدک. قد عملت ما نهیتنی عنه و ترکت ما أمرتني به. أسألك بسلطان الأسماء أن تکتب لی من قلم النضل و العطاء ما یقریبنی الیک و یطهرنی عن جریراتی الّتی حالت بینی و بین عفوک و غفرانک. إنک أنت المقتدر الفیاض. لا اله الا أنت العزیز الفضال^(۱)

عفا الله عما سلف

ای اهل عالم شما را وصیت می نمایم بآنچه سبب ارتفاع مقامات شما است. بتقوی الله تمسک نمائید و بذیل معروف تشبث کنید. براستی می گویم لسان از برای ذکر خیر است او را بگفتار زشت میالائید. عفا الله عما سلف. از بعد باید کلّ بما ینبغی تکلم نمایند. از لعن و طعن و ماتکدر به الانسان اجتناب نمایند.^(۲)

خداوند عیوب را می پوشاند

إن اطلعتم علی خطیئة استروها لیستر الله عنکم.^(۳)

عظمت رحمت الهی

ای ربّ ای ربّ ان لم تظهر الغفلة من این نصبت أعلام رحمتک و رفعت رایات کرمک و ان لم یعلن الخطا کیف یعلم بأنک أنت السّتار الغفار العلیم الحکیم نفسی لغفلة غافلک الفدا بما مرّت عن ورائها سمات رحمة اسمک الرّحمن الرّحیم. ذاتی لذنب مُذنبیک الفدا بما عرفت به اریاح فضلک و تضرّعات مسک الطافک. کینونتی لعصیان عاصیک الفداء لأنّ به اشرقت شمس مواهبک من افق عطائک و نزلت أمطار جودک علی حقایق خلقک.^(۴)

۱- بشارت نهم از لوح بشارت، مجموعه الواح طبع مصر، صص ۱۲۰-۱۱۹

۲- کتاب عهدی، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۳۹۹

۳- لوح شیخ نجفی، ص ۴۱ به نقل از لوح ملک پاریس

۴- مانده آسمانی، ج ۴، ردیف س، باب ۲

پروردگارا آمرزگارا این بندگان را پناه توئی، واقف اسرار و آگاه توئی. جمیع ما عاجزیم و تو مقتدر و توانا؛ جمیع ما گنه کاریم و توئی غافر الذنوب و رحیم و رحمن. پروردگارا نظر به قصور ما منما، به فضل و موهبت خویش معامله کن. خطاء ما بسیار است ولی بحر رحمت تو بی پایان؛ عجز ما بسیار است، ولیکن تأیید و توفیق تو آشکار.^(۱)

۱- مجموعه مناجاتهای حضرت عبدالبهاء، طبع آلمان، چاپ دوم، ص ۲۳۵ (فقرة ۲۰۷)

راه حلّی برای امتحانات

خشیه الله

خشية الله

براستی میگویم حفظ مبین و حصن متین از برای عموم اهل عالم خشية الله بوده، اوست سبب اکبر از برای حفظ بشر و علت کبری از برای صیانت وری. بلی در وجود آیتی موجود و آن انسان را از آنچه شایسته و لایق نیست منع می نماید و حراست می فرماید و نام آن را حیا گذارده اند و لکن این فقره محدود است بحدودی، کلّ دارای این مقام نبوده و نیستند.^(۱)

در اصول و قوانین، بآبی در قصاص که سبب صیانت و حفظ عباد است مذکور و لکن خوف از آن ناس را در ظاهر از اعمال شنیعه نالائقه منع می نماید. اما امری که در ظاهر و باطن سبب حفظ و منع است، خشية الله بوده و هست. اوست حارس حقیقی و حافظ معنوی. باید بآنچه سبب ظهور این موهبت کبری است تمسک جست و تشبّث نمود.^(۲)

یا جلیل^(۳) و صّ العباد بتقوی الله تالله هو القائد الاول فی عسا کر ربّک و جنوده الاخلاق المرضیة و الاعمال الطیبة و بها فتحت فی الاعصار و القرون مدائن الافئدة و القلوب و نصبت رایات النصر و الظفر علی اعلى الاعلام.^(۴)

براستی میگویم تقوی سردار اعظم است از برای نصرت امر الهی و جنودی که لایق این سردار است اخلاق و اعمال طیبه طاهرة مرضیه بوده و هست.^(۵)

دین نوری است مبین و حصنی است متین از برای حفظ و آسایش اهل عالم. چه که خشية الله ناس را بمعروف امر و از منکر نهی نماید.^(۶)

از کسی جز خدا نترسید

من عرف الله لن يعرف دونه و من خاف الله لن يخاف سواه ولو يجتمع علیه کلّ من فی الارض اجمعین.^(۷)

۱- لوح شیخ نجفی، ص ۲۱ به نقل از کلمات فردوسی، ورق اوّل

۲- لوح دنیا، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۹۶

۳- توضیح مترجم: این بیان عیناً در لوح شیخ نجفی صفحه ۹۹ نقل شده، با این تفاوت که به جای "ای جلیل"

عبارت "یا ایها الناظر الی الوجه" ذکر شده است. ۴- لوح اشراقات، مجموعه اشراقات، ص ۷۱

۵- کتاب عهدی، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۴۰۲

۶- اشراق اوّل از لوح اشراقات، مجموعه اشراقات، ص ۷۶

۷- سورة الملوک، الواح نازله خطاب به ملوک، ص ۲۴

ان السالك الى الله في منهج البيضاء و الركن الحمراء لن يصل الى مقام وطنه الا بكف الصفر عما في ايدي الناس و من لم يخف الله أخافه الله من كل شيء و من خاف الله يخاف منه كل شيء. (۱)

اهمیت خشية الله

از حضرت ولی امرالله راجع بخشیه الهی سؤال نموده بودید؛ شاید یاران متوجه این حقیقت نیستند که نفوس انسانی برای حفظ انتظام در رفتار و کردار خویش اکثر بحشیه الله نیازمندند مگر معدودی قلیل که صاحب ترقیات روحی عظیم بوده و صرفاً عشق و محبت یزدانی محرک اعمال و افعال ایشان است. بیم از مجازات و خوف از عقوبت الهی در صورت ارتکاب معاصی برای تثبیت اقدام نفوس در صراط مستقیم لازم و ضروری است. یقین است وجود ما باید نست به خداوند تعالی مشحون از عشق و انجذاب باشد، ولی خوف الهی را نیز بایستی در قلوب استقرار دهیم. بهمان نحو که طفل از غضب و تنبیه واقعی والدین در خوف و حراس است؛ این توجه و تذکر نباید چون دهشت و وحشت در برابر یک فرد ظالم تلقی گردد بلکه سزاوار است الطاف و عنایات رحمانیه را کامل و آن را ماوراء داد و معدلت الهیه بشناسیم. (۲)

و اما در خصوص فقراتی از آثار مبارکه که به غضب الهی اشاره دارد؛ حضرت ولی امرالله می فرمایند که ذات الوهیت دارای صفات بسیاری است: او مهربان و رحیم اما در ضمن عادل است. درست همانطور که بنا به بیان حضرت بیاءالله، مجازات و مکافات دو ستونی است که جامعه بر پایه آن استوار است (۳)، رحمت و عدالت را نیز می توان به عنوان همتای آنها در جهان آینده محسوب داشت. اگر ما نسبت به اوامر الهی عصیان نماییم و بر خلاف احکام و اوامر او عمل کنیم، او اعمال ما را به نظر عدالت خواهد نگرست و ما را مجازات خواهد کرد. مجازات، آنگونه که بعضی معتقدند، به شکل آتش جهنم نیست، بلکه به شکل محرومیت و هبوط روحانی است. به این علت است که ما غالباً در ادعیه زیارت می کنیم که "خدایا به عدل معامله فرما، بلکه به فضل و رحمت لانهایهات مقابله کن". غضب الهی در اجرای عدالتش، اعم از این جهان یا آن جهان، مشهود می گردد. خدایی که فقط مهربان یا فقط عادل باشد، خدای کاملی نیست. خداوند باید واجد هر دو جنبه مزبور باشد مانند پدری که باید هر دو جنبه را در رفتارش نسبت به فرزندانش نشان دهد. اگر لحظه ای تأمل و تفکر کنیم، مشاهده خواهیم کرد که رفاه و آسایش ما تنها زمانی می تواند تضمین شود که هر دو صفت الهی به طور یکسان مورد تأکید قرار گیرد و به حیر عمل در آید. (۴)

۱- چهار وادی، آثار قلم اعلی، ج ۳، ص ۱۵۰

۲- نقل ترجمه مکتوب ۲۶ ژوئیه ۱۹۴۶ از طرف حضرت ولی امرالله، از صفحه ۱۰۹ مجموعه نصوص تربیتی

۳- اشاره به بیان مبارک در لوح مقصود: "خیمه نظم عالم بدو ستون قائم و برپا، مجازات و مکافات." (ص ۷) -

۴- ترجمه - مکتوب اول سپتامبر ۱۹۳۳ از طرف حضرت ولی امرالله / Arohanui, p. 32-33

درک معنای خشية الله

برای توضیح مفهوم خشية الله برای کودکان، مانعی ندارد که آن را به گونه و به وسیله تمثیل و تشبیه، آنطور که حضرت عبدالیهاء اغلب تعلیم می فرمودند، آموزش دهیم. در این باره نیز، باید به کودکان تفهیم کرد که ما نمی گوییم که خدا ظالم است و به این علت از او می ترسیم، بلکه ما به این علت از او می ترسیم که عادل است، و اگر عمل خطایی انجام دهیم و مستحق تنبیه باشیم، در این صورت او ممکن است به صرف عدالت خویش مجازات ما را عملی بجا تشخیص دهد. ما هم باید نسبت به خداوند عشق بورزیم هم از او بترسیم.^(۱)

بیانات مبارکه برای

جهت

حصول آسایش در حین بیماری

بیانات مبارکه جهت حصول آسایش در حین بیماری

یا الهی اسمک شفائی و ذکرک دوائی و قریبک رجائی و حبیبک مونسى و رحمتک طبیی و
معنی فی الدنیا و الآخرة و انک أنت المعطى العظیم الحکیم. (۱)

... ذکرک شفاء أفئدة المقربین... (۲)

روح مقدس از بیماری ها است

معلوم انجناب بوده که روح در رتبه خود قائم و مستقر است و این که در مریض ضعف
مشاهده می شود بواسطه اسباب مانع بوده و الا در اصل ضعف بروح راجع نه. (۳)

قدرت دعای شفاء

... ان تحفظ حامل هذه الورقة المباركة ثم الذى يقرأها ثم الذى يلقي عليها ثم الذى يمر في
حول بيت التي هي فيها ثم أشف بها كل مريض و عليل و فقير عن كل بلاء و آفة و مكروه و
حزن ثم أهد بها كل من يريد أن يدخل في سبيل هدايتك و مناهج فضلک و غفرانک. (۴)

از بیماری اجتناب نتوان نمود

نقامت هرچند از عوارض ذاتیه انسانست ولی فی الحقیقه مشکل است. نعمت صحت بر
جميع نعماء مرجح است. (۵)

ای کنیز الهی اگرچه جسمت ضعیف و مریض است و، مانند ایوب، در معرض امتحانات
بسیار، اما الحمد لله روحی قوی داری که در نهایت صحت و مسرت است. از خصائص این عالم
عنصری، نقامت است و بیماری، و جوهر عالم الهی صحت است و سلامت و توانایی. جسم
مانند زجاج است و روح مانند سراج. الحمد لله، اگر به زجاج تا حدی آسیب رسیده، سراج در
نهایت لمعان است. (۶)

۱- لوح طب، مجموعه الواح مبارکه طبع مصر، ص ۲۲۵

۲- مناجاة، ص ۵۸

۳- مجموعه اقتدارات، ص ۶۹

۴- ادعیه حضرت محبوب، طبع طهران، صفحه ۱۸۰

۵- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالهء، ص ۱۴۸ (فقره ۱۳۲)

۶- ترجمه - لوح حضرت عبدالهء خطاب به آلبرتا حال Alberta Hall / نجم باختر، سال ۹، شماره ۱۵،

ص ۱۷۳

مرض بر روح تأثیر ندارد

غالباً بیماری جسمی انسان را به خالقش نزدیکتر می‌سازد، قلبش را متأثر می‌کند تا از امیال دنیوی خالی شود تا لطیف و نسبت به رنجوران رقیق و نسبت به جمیع خلق مهربان شود. اگرچه امراض عنصری سبب آزرده‌گی موقت انسان می‌شود، اما تأثیری بر روح ندارد. بلکه، در تحقق مدد و مقصد الهی تأثیر می‌گذارد یعنی حساسیت‌های روحانی در قلب انسانی ایجاد می‌کند.^(۱)

اگر روح شفا نیابد

اگر روح شفا نیابد، معالجه جسم ارزشی ندارد. همه چیز در دست خداست، و بدون او، صحت و سلامت برای ما وجود ندارد.^(۲)

شفای جسمانی و روحانی

امراضی که بسبب عوارض جسمانی عارض گردد بدوای طبیبان معالجه شود و بعضی امراض که بسبب امور روحانی حاصل شود آن امراض با سبب روحانی زائل گردد. مثلاً امراضی که منبعت از احزان و خوف و تأثرات عصبیه حاصل گردد، معالجه روحانی بیش از علاج جسمانی تأثیر دارد. پس این دو نوع معالجه را باید مجری داشت؛ هیچیک مانع از دیگری نیست. لهذا شما معالجه جسمانی را نیز منظور دارید. زیرا این هم از فضل و عنایات الهیه است که فن طبابت را برای بندگان خود کشف و آشکار تا از این نیز مستفید گردند و همچنین بمعالجه روحانی نیز نهایت اهتمام نما زیرا تأثیرات عجیبه دارد.^(۳)

و اما راجع به سؤال شما در خصوص معالجه روحانی؛ چنین معالجه‌ای مسلماً شامل یکی از مؤثرترین روشهای آسوده کردن شخص از آلام و رنجهای روانی یا جسمی است. حضرت عبدالیهاء در خطابه‌های مندرج در *Paris Talks* با این بیان بر اهمیت آن تأکید فرموده‌اند که باید از آن به عنوان وسیله‌ای اساسی برای تأثیر بر شفای کامل عنصری استفاده کرد. اما، شفای روحانی جانشین معالجه مادی نیست و نمی‌تواند باشد، اما مساعد ارزشمندی برای آن است. مسلماً، هر دو معالجه ضروری و مکمل یکدیگر هستند.^(۴)

و اما در خصوص سؤال شما در خصوص معالجه روحانی؛ اهمیت آن، همانطور که مطمئناً واقفید، مورد تأکید شدید حضرت عبدالیهاء بوده است. هیکل مبارک محققاً آن را بخشی اساسی از

۱- ترجمه - منسوب به حضرت عبدالیهاء، دفتر خاطرات احمد سهراب / نجم باختر، سال ۸، شماره ۱۸،

ص ۲۳۱

۲- ترجمه - خطابه حضرت عبدالیهاء مندرج در صفحه ۱۹ *Paris Talks*

۳- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالیهاء، ج ۱، ص ۱۴۸

۴- ترجمه - مکتوب ۱۶ فوریه ۱۹۳۵ از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت شماره ۹۲۸

جریانات معالجهٔ عنصری می‌دانستند. معالجهٔ عنصری نمی‌تواند کامل و پایدار باشد مگر آن که به وسیلهٔ معالجهٔ روحانی تقویت شود. معالجهٔ روحانی را به بهترین وجه می‌توان با اطاعت از احکام و اوامر الهی که توسط مظاهر ظهورش نازل شده، کسب نمود. اما آحاد اجزاء نیز می‌توانند با معالجهٔ روحانی دیگران، مساعدت نمایند. اما توفیق مساعی آنان کاملاً منوط به تمسک تام آنها به تعالیم الهی، و نیز روشی است که این معالجه را انجام می‌دهند. طبق بیان حضرت یسایا، انسان نمی‌تواند هدایت کامل را از خداوند دریافت دارد. او باید آن را از طریق انبیاء الهی کسب کند.^(۱)

گاهی شفا مناسب مریض نیست

مناجاتهایی که بجهت طلب شفا صادر شده شامل شفای جسمانی و روحانی هر دو بوده، لپذا بجهت شفای روحانی و جسمانی هر دو تلاوت نمائید. اگر مریض را شفا مناسب و موافق، البته عنایت گردد؛ ولی بعضی مریضها شفا از برایشان سبب ضررهائی دیگر شود، اینست حکمت اقتضای استجاب دعا نماید.^(۲)

مشورت با طیب حاذق

از رأی حکیم حاذق بنص مبارک نباید خارج شد و مراجعت فرض، ولو نفس مریض حکیم شپیری نظیر باشد. باری، مقصود اینست که با مشورت حکیم بسیار حاذق، محافظهٔ صحت فرمائید.^(۳)

کل مأمور بمعالجه و متابعت حکما هستند. این محض اطاعت امرالله است والا شافی خدا.^(۴)

سرور بهترین شفا دهنده است

جمع ما باید از مریضان عیادت کنیم. وقتی که آنها محزون و رنجورند، ورود یک دوست به آنها واقعاً کمک می‌کند و برایشان مفید است. مسرت برای نفوسی که بیمارند شفا دهنده است. در شرق رسم است که به عیادت بیمار می‌روند و فرداً با او ملاقات می‌کنند. اهل شرق نهایت محبت و شفقت را نسبت به بیماران و رنجوران ابراز می‌کنند. این امر به مراتب بیشتر از نفس شفا مؤثر است. شما باید همیشه این تفکر محبت‌آمیز و لطف و عنایت را موقع عیادت از بیماران و آزرندگان داشته باشید.^(۵)

۱- ترجمه - مکتوب ۲۳ مه ۱۹۳۵ از طرف حضرت ولی امرالله / *Compilation I, no. 1059*

۲- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبداله، ج ۱، ص ۱۵۸ (فقرة ۱۴۰)

۳- همان، ص ۱۵۳ (فقرة ۱۳۵) - همان، فقرة ۱۳۶

۵- ترجمه - خطابه ۱۷ ژوئن ۱۹۱۲

همیشه باید سرور باشید. شما باید در زمره اهل سرور و شرف باشد و باید به اخلاق الهی مزین گردید. سرور تا حد زیادی صحت ما را حفظ می‌کند، اما حزن و افسردگی روح موجود مرض و بیماری است.^(۱)

ما امر مبارک را داریم که ملجأ و پناه ما باشد

در دنیای امروز، سرطان مصیبتی هولناک است. اما هنگامی که ید تقدیر اجبای الهی را به چنین غذایی الیم مبتلا نماید، آنها امر مبارک را دارند که به آن پناه آورند، محبت دوستان بهائی را دارند که آنها را تسلی دهد، و کلام میمن حضرت یبءالله را در خصوص فتنان‌پذیری و جاودانگی دارند که به آنها اطمینان و شمامت می‌بخشد. ما مسلماً حتی در بحبوحه سخت‌ترین مصائب و بلاها، برخوردار از مواهب هستیم.^(۲)

حالت یأس و بدینی به خود نگیرید

همانطور که واقفید امروزه امراض روانی و مشکلات دماغی فراوان وجود دارد، و آنچه که بهائیان نباید انجام دهند این است که در مقابل آنها حالت یأس و بدینی به خود بگیرند. قدرت مودعه در امر الهی چنان است که می‌تواند ما را علیرغم هر نوع بیماری، نسبت به منکران و معرضان این امر ربانی، در سطوح بالاتر قرار دهد. البته این بدان معنی نیست که ما از نظریه‌ها و معالجات پزشکی غفلت نمایم. برعکس، باید نهایت سعی خود را مبذول داریم که از نظرات متخصصان و اطباء حاذق کاملاً استفاده کنیم.^(۳)

بیماری هیچ تأثیری بر روح ندارد

بسیار سخت است که انسان در معرض هر نوع بیماری، بخصوص بیماری روانی قرار گیرد. با وجود این ما باید همواره به خاطر داشته باشیم که این امراض هیچگونه تأثیری بر روح یا رابطه یاطنی ما با خداوند ندارند. سبب تأسف بسیار است که دانش ما در مورد ذهن و روان، کارکرد آن و بیماری‌هایی که آن را متأثر می‌سازند، هنوز اینقدر قلیل است؛ تردیدی نیست، وقتی که تفکر اهل عالم به سوی روحانیت بیشتر گرایش پیدا کند، و دانشمندان به ماهیت حقیقی انسان پی ببرند، دارو و درمان انسانی‌تر و پایدارتری برای شفای بیماری‌های روانی کشف خواهد شد.

... شما همیشه باید به خاطر داشته باشید که هر قدر شما یا دیگران به مشکلات روانی و دماغی مبتلا و به محیط خردکننده این مؤسسات ایالتی گرفتار باشید، روحتان سالم و به محبوب ما نزدیک است، و در جهان بعد از آرامش و آسایش مطلوب برخوردار خواهد بود. حال باید امیدوار باشیم که در این ضمن دانشمندان راههای معالجه بهتر و پایدارتری برای مبتلایان به امراض روانی بیابند. اما در این

۱- ترجمه - بیان منسوب به حضرت عبداله‌ء، مندرج در صفحه ۲۲ *Throne of the Inner Temple*

۲- ترجمه - ۵ سپتامبر ۱۹۴۹ از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت، شماره: ۹۷۸

۳- ترجمه - مکتوب ۱۲ ژانویه ۱۹۵۷ از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت، شماره: ۹۵۶

جیان، تحمل چنین امراضی سخت و دشوار است.^(۱)

به علت معلولیت احساس ذلت و حقارت نکند

حضرت ولی امرالله معتقدند که شما نباید اجازه دهید اختلال گفتاری که بدان مبتلا هستید در شما احساس ذلت و حقارت ایجاد نماید. حضرت موسی مبتلا به لکنت زبان بودند. آنچه که شما هستید و نیز اعتقاد شما به امر یثائی مزیت عظیمی است که شما بر دیگران دارید. این بدان معنی نیست که شما نباید برای غلبه بر آن تلاش کنید و برای کسب هدایت و مساعدت به پزشکان مراجعه نمایید. ایشان به شما اطمینان می دهند که دعا خواهند کرد که شما بر این مشکل به طور کلی فائق آید، و نیز در هر نقطه که هستید راهها برای تبلیغ و خدمت به امرالله به روی شما مفتوح گردد.^(۲)

آلام جسمانی اجتناب ناپذیرند اما حکمتی در آنها مکنون است

و اما در خصوص سؤال شما درباره معنی آلام جسمانی و رابطه آنها با شفای روحانی و روانی؛ آلام جسمانی ملازم ضروری کل وجود بشر و به عبارت دقیق تر اجتناب ناپذیر است. مادام که بر وجه ارض حیات وجود دارد، رنج و مشقت به صورت درجات مختلف وجود خواهد داشت. اما از رنج و مشقت، اگرچه واقعیتهای مسلم می باشد، می توان به عنوان وسیله ای جهت وصول به سرور و سعادت استفاده نمود. این تعبیر و تفسیری است که جمیع انبیاء و قدیسین از آن به عمل آورده اند. آنها در بجاوبه مصائب و بلاهای شدید، احساس سرور و وجد موفور می نمودند و آنچه را که در زندگی بهتر و مقدس تر بود تجربه می کردند. رنج و مشقت هم یادآوری کننده است و هم هدایت بخشنده. رنج و درد ما را بهتر آماده می کند تا خود را با شرایط محیط انطباق دهیم، و به این ترتیب این طریق به ارتقاء نفس منجر می گردد. در هر رنج و عنایی می توان معنایی و حکمتی مشاهده کرد. اما یافتن سر حکمت مزبور همیشه آسان نیست. گاهی اوقات وقتی که مشقت مزبور سپری شده و دیگر وجود ندارد، ما از سودمندی آن آگاه می شویم. آنچه را که انسان تصور می کند شر است و ضرر است، بعد معلوم می شود که موجد برکت و عنایت بوده است. و این ناشی از میل او است که می خواهد بیش از آنچه که می تواند بداند. حکمت الهی، مسلماً، برای جمیع ما مجهول است و تلاش برای کشف مواردی بیش از آنچه که همیشه در ذهن ما به صورت راز باقی می ماند، کاری عبث است.^(۳)

بیماری ممکن است برای پیشرفت ما یا دیگران باشد

حضرت ولی محبوب امرالله مقرر فرمودند به شما و والدین این نوزاد عزیز اطمینان دهم که برای شفای جسمانی و روحانی او دعا خواهند فرمود.
درک چنین مصائب مستولیه مشکل است. نفوسی که ایمانی محکم به امر الهی دارند، می دانند

۱- ترجمه - مکتوب ۱۲ آوریل ۱۹۴۸ از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت شماره ۹۴۸

۲- ترجمه - مکتوب ۲۷ سپتامبر ۱۹۴۷ از طرف حضرت ولی امرالله / *Unfolding Destiny*, p. 446

۳- مکتوب ۲۹ مه ۱۹۳۵ از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت، شماره ۹۴۴

که بد قدرت حق حفظ و صیانتشان می‌کند و مطمئن هستند هنگامی که بلیه‌ای از این نوع برایشان رخ می‌دهد، مبتنی بر علت و حکمتی است که به پیشرفت روحانی فرد مبتلا یا ترقی معنوی و رفاه مادی عزیزان او مربوط می‌شود؛ یا حتی برای متأثر کردن قلوب نفوس غیرمؤمنانه‌ای است که مقدر است از طریق مشاهده نحوه مواجهه فرد بیثباتی با چنین بلیات و مشقاتی، تحت تأثیر و نفوذ روح الهی قرار گیرند.^(۱)

در خصوص امراض روانی

تحمل سالها بیماری روانی، که شما توصیف نموده‌اید، کار آسانی نیست. آنطور که پیدا است شما از نفوس متعدّد، بازمینه تحصیلات علمی و غیرعلمی استمداد نموده‌اید و ظاهراً در طی سالیان دراز بیمارستان، ثمره و نتیجه چندانی به دست نیاورده‌اید. در صورت امکان، شما باید مشورت با بهترین متخصصان یک مرکز درمانی را، در یکی از شهرهای اصلی، که پیشرفته‌ترین وسایل و روشهای معاینه و معالجه در آنجا ممکن‌الحصول است، مورد توجه قرار دهید. علم روان و نیز وقوف به شرایط طبیعی کارکرد آن، و نیز ناتوانی‌های ناشی از آن، هنوز در مرحله نسبتاً صباوت است، اما احتمال زیاد دارد که همین علم، در جهت کاستن از رنج شما، کمک کرده زندگی فعالی را برایتان میسر سازد. در ده سال اخیر در معالجه اختلالات روانی پیشرفتهای مهمی حاصل شده که می‌تواند برای شما بسیار مفید باشد.

کشف شما از امر مبارک، و از آثار شفا بخش و مقاصد عظیم و متعالی‌اش، حقیقتاً، در مسیر تحقق حیاتی سالم، نیروی عظیم را برایتان به ارمغان آورده که زندگی شما را، علیرغم هر نوع بیماری، در سطوحی عالی‌تر و بالاتر قرار می‌دهد. برای جریان درمان، بهترین نتایج هنگامی حاصل می‌شود که روشهای جسمانی و روحانی توأم گردند. زیرا در این صورت برای شما ممکن خواهد شد که با ترکیب و تلفیق قدرت دعای مستمر و تلاش مصمّانه، بر بیمارستان غلبه یابید.^(۲)

ناراحتی‌های روانی روحانی نیستند، اگرچه ممکن است تأثیرات آن مسلماً مانع از پیشرفت روحانی فرد شده بر ماسعی او در این سیل تأثیر کندکننده داشته باشد. در مکتوبی که از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از اجباء نوشته شده این بیان نیز مندرج است: "بر چنین موانعی (یعنی بیماری‌ها و مشکلات ظاهری)، هر قدر هم که در نگاه اول سخت و غلبه‌ناپذیر به نظر برسند، می‌توان و باید به قوت ماسعی قاطع و مستمر و دعا فائق آمد."

این کوشش شامل مشورت با پزشکان مطلع و مجرب از جمله متخصصان روانپزشکی است. کار و زحمت برای امر الهی، خدمت به نیازمندان، شرکت در تبرعات شما را در مبارزه و غلبه بر رنج‌هایتان یاری خواهد کرد. به طور قطع و یقین، یکی از این فعالیت‌های مفید، علیرغم احساس نواقص شخصی، کوشش در تبلیغ امرالله است. زیرا بدین طریق شما به کلمات شفا بخش طلعات مقدسه اجازه می‌دهید ذهن و روان شما را در معرض سریان و سیلان فیوضات و قوه خلافة خود قرار دهند.^(۳)

۱- مکتوب ۲۳ ژوئیه ۱۹۵۳ از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت، شماره ۹۴۳

۲- مکتوب ۲۳ ژوئیه ۱۹۸۴ از طرف بیت‌العدل اعظم / انوار هدایت، شماره ۹۵۴

۳- مکتوب ۱۵ ژوئن ۱۹۸۲ از طرف بیت‌العدل اعظم / انوار هدایت، شماره ۹۵۵

بیانات مبارکہ

دربارہ

مرگ

بیانات مبارکه در مورد مرگ

یا ابن العماء جعلتُ لك الموت بشارة كيف تحزنُ منه و جعلتُ التور لك ضياءً كيف تحتجبُ عنه^(۱)

ترقی روح

و اما ما سئلت عن الروح و بقائه بعد صعوده فاعلم انه يصعد حين ارتقائه الى ان يحضر بين يدي الله في هيكل لا تغيره القرون و الأعصار و لا حوادث العالم و ما يظهر فيه و يكون باقياً بدوام ملكوت الله و سلطانه و جبروته و اقتداره و منه تظهر آثار الله و صفاته و عناية الله و الطافه. ان القلم لا يقدر ان يتحرك على ذكر هذا المقام و علوه و سموه على ما هو عليه و تدخله يد الفضل الى مقام لا يعرف بالبيان و لا يذكر بما في الامكان^(۲)

اگر بعد از فوت جسد روح را فنائی باشد مثل اینست که تصور تمائم مرغی در قفس بوده بسبب شکست قفس هلاک گردیده و حال آن که مرغ را از شکست قفس چه باک و این جسد مثل قفس است و روح بمثابة مرغ. ما ملاحظه کنیم که این مرغ را بدون این قفس در عالم خواب پرواز است؛ پس اگر قفس شکسته شود مرغ باقی و برقرار است، بلکه احساسات آن مرغ بیشتر شود، ادراکاتش بیشتر شود، انبساطش بیشتر شود، فی الحقیقه از جحیمی به جنت نرسد زیرا از برای طیور شکور جنتی اعظم از آزادی از قفس نیست. اینست که شهدا در نهایت طرب و سرور بمیدان قربانی شتابند.^(۳)

ترقی روح بعد از قطع تعلق از جسد ترایی در عالم الهی یا بصرف فضل و موهبت ربانی و یا به طلب مغفرت و ادعیه خیریه سائر نفوس انسانی و یا بسبب خیرات و میراث عظیمه که بنام او مجری گردد حاصل شود.^(۴)

روح انسانی چون از این خاکدان فانی بجهان رحمانی پرواز نماید، پرده برافتد و حقایق آشکار گردد. جمیع امور مجهوله معلوم شود و حقایق مستوره محسوس گردد. ملاحظه نما که انسان در عالم رحم از گوش کربود و از چشم نابینا و از زبان لال و از جمیع احساسات محروم و چون از آن جهان ظلمانی به این عالم روشن و نورانی انتقال نمود دیده بینا شد و گوش شنوا گشت و زبان گویا گردید. همچنین چون از این عالم فانی بجهانی رحمانی شتابد ولادت روحانی یابد،

۱- کلمات مکنونه عربی، فقرة ۲۲

۲- مجموعه الواح مبارکه طبع مصر، ص ۱۶۳ / مجموعه اشراقات، ص ۲۱۵

۳- مذاوَضات عبدالبهاء، ص ۱۷۲

۴- مذاوَضات عبدالبهاء، ص ۱۸۱

دیده بصیرت باز شود و سمع روح شنوا گردد و جمیع حقائق مجهوله معلوم و آشکار شود. (۱)

ارتباط ما یا نفوسی که در گذشته اند

چنانچه ما در اینجا قوه داریم که در حق این نفوس دعا نمائیم همین طور در عالم دیگر هم که عالم ملکوت باشد همین قوه را دارا خواهیم بود. آیا جمیع خلق آن عالم مخلوق خدا نیستند. پس در آن عالم هم می توانند ترقی کنند. همچنان که در اینجا می توانند بتضرع اقتباس انوار نمایند در آنجا هم می توانند طلب غفران نمایند، بتضرع و رجا اقتباس انوار کنند. پس چون نفوس در این عالم بواسطه تضرع و ابتیال یا دعای مقدسین تحصیل ترقی می نمایند، بهمچنین بعد از فوت نیز بواسطه دعا و رجای خود می توانند ترقی کنند. (۲)

چرا باید مغموم و دلشکسته باشی؟ این فراق موقتی است؛ این دوری و حزن تنها برای مدتی معدود است. او را در ملکوت الهی خواهی یافت و به اتحاد ابدی خواهی رسید. الفت جسمانی موقت است، اما ارتباط آسمانی ابدی است. هرگاه اتحاد ابدی و لایزایی را به خاطر آوری، تسلی یابی و مسرور شوی. (۳)

در مورد فوت طفل

از فوت آقای سندی کینی (۴) بسیار متأثر شدم. طفلی بسیار دوست داشتنی بود. از طرف من به جناب کینی و حرم محترم بگو: "محزون مباشید و ناله نکنید. آن نهال لطیف و شیرین از این عالم به گلستان ملکوت نقل مکان کرد و آن کیوتر مشتاق به آشیانه الهی پرواز نمود. آن شمع در این عالم ادنی خاموش شد تا در ملاء اعلی برافروزد. یقین است که او را در عالم اسرار در محفل نورا ملاقات خواهید کرد." (۵)

از فراق پسر خوبت محزون مباش. او فی الحقیقه از این عالم تنگ و تاریک که احزان لایزایی تیره اش ساخته عروج کرد تا به ملکوت وسیع، نورانی، مسرت بخش و زیبا وارد شود. خداوند او را از چاه تاریک رها کند و به ملاء اعلی رساند. به او بال بخشید تا به مدد آن به سماء وجد و سرور پرواز نماید. فی الحقیقه این از رحمت عظیم خداوند عزیز و غفار است. (۶)

۱- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالهء، ص ۱۷۳ (فقره ۱۴۹)

۲- مفاوضات عبدالهء، ص ۱۷۵

۳- ترجمه - لوح حضرت عبدالهء، *Tablets of Abdul-Baha*, p. 99

۴- Sandy Kinney

۵- ترجمه - لوح حضرت عبدالهء خطاب به چارلز میسن ری، نجم باختر سال ۱۱، شماره ۱۵، ص ۲۶۰

۶- ترجمه - *Tablets of Abdul-Baha*, p. 51

از وفات آن نوجوان عزیز از جهت فرقت شما نهایت حزن و حرقت حاصل شد. زیرا در عنفوان شباب و سن جوانی باشیان آسمانی پرواز نمود. ولی چون از این لانه کدر آشیانه نجات یافت و باشیانه ملکوت ابدی توجه نمود از جهان تاریک و تنگ نجات یافت بجهان نورانی بیرنگ شتافت، سبب تسلی خاطر است. در چنین وقوعات جانگداز حکمت بالغه الهی مندرج است. مثل آنست که باغبان مهربان نهالی تر و تازه را از محل تنگی بمکان وسیعی نقل کند. این انتقال سبب پژمرده گی و افسردگی و اضمحلال آن نهال نیست، بلکه سبب نشو و نما و حصول طراوت و لطافت و ظهور بار و برگ است. ولی این سر مکتون در نزد باغبان معلوم، اما نفوسی که از این موهبت خبر ندارند، گمان چنین کنند که باغبان آن نهال را بقهر و غضب از محلش ریشه کن نموده. ولی نفوس آگاه را این سر مکتوم معلوم و این قضای محتوم موهبتی محسوب. لہذا شما از صعود آن طیر وفا مایوس و محزون مگردید بلکه در جمیع احوال طلب مغفرت و علو درجات از برای آن نوجوان بخواهید. (۱)

باهای روح

از مصیبتی که بغتہ بر تو نازل شد و مشقتی که ثقلی فادح بر تو وارد آورد محزون مباش و مغموم مگرد. سزاوار نفسی چون تو چنان است که هر امتحان و افتتانی را تحمل نمایی، و به هر قضا و قدری راضی باشی و جمیع امورت را به خداوند بسپاری تا بتوانی در حضور خداوند، نفس راضیہ مرضیہ مطمئنہ باشی. بدان که پسر محبوب تو به مدد بالهای روح به اعلی مدارجی که در ملکوت الهی نہایتی ندارد عروج نموده. برای این سعادت که اصفا مشتاقانہ از آستان مقدس و متعالی (خداوند) می طلبند، مسرور باش. به تو می گویم، اگر از مقام و موقفی که پسر در آن قرار دارد مطلع می شدی، وجه تو به نور سرور منیر می گشت و پروردگار غفور را شکر و ثناء می گفتی و مشتاق می شدی که به آن مقام ممدوح عروج نمایی. (۲)

و اما نفوسی که در این جهان تولد یابند و لطیفه های نورانی هستند ولی از شدت گرفتاری از فوائد کلی محروم شوند و از این عالم بروند، حقیقتاً شایان تأسف است و نظر باین حکمت است که مظاهر کلیه در این جهان کشف نقاب کنند و تحمل هر مشقت و بلا نمایند و خود را فدا فرمایند تا این نفوس مستعدہ را مطالع انوار کنند و حیات ابدیہ بخشند اینست قربانی حقیقی که حضرت مسیح خود را بجهت حیات عالم فدا نمود. (۳)

یکی از یاران سؤال کرد: "چگونه باید به مرگ نگریست؟"

حضرت عبدالبهاء جواب فرمودند: شخص چگونه به هدف و مقصد از سفر نگاه می کند؟ با

۱- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۱۹۴ (فقره ۱۶۹)

۲- ترجمه - بیان حضرت عبدالبهاء، Tablets of Abdul-Baha, p. 86

۳- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۶۲ (فقره ۳۱)

امید و انتظار. همین موضوع دربارهٔ این سفر در این عالم ادنی مصداق دارد. در عالم بعد، انسان خود را از بسیاری از معلولیت‌هایی که اینک از آن رنج می‌برد، خلاص و رها می‌یابد. نفوسی که به مدد مرگ به آنجا جیان رفته‌اند، عالمی مخصوص به خود دارند. این عالم از ما گرفته نمی‌شود؛ کار آنها، کار ملکوت، از آن ماست؛ اما مقدس از "زمان و مکان" است. ما زمان را با خورشید می‌سنجیم. وقتی که دیگر طلوع و غروب نباشد، زمان به صورت مزبور برای انسان وجود نخواهد داشت. ^(۱) نفوسی که صعود کرده‌اند دارای صفاتی دیگریند که خلق این عالم از آن بیخبرند. معذک انفصالی در میان نیست. در حال تضرع و دعا این کیفیت با یکدیگر اتصال یابد. پس در حق آنها دعا کنید مثل این که آنها در حق شما دعا می‌کنند. ^(۲)

آنها برای ما دعا می‌کنند همانطور که ما برای آنها دعا می‌کنیم

اگر بستری از گل‌های سوسن داشته باشید که به آنها عشق بورزید و در کمال محبت از آنها مراقبت کنید، آنها نمی‌توانند شما را ببینند، و به مراقبتی که از آنها می‌کنید پی ببرند، اما، به علت همان مراقبت است که شکوفا می‌شوند و رشد می‌کنند.

در مورد همسر شما نیز این موضوع مصداق دارد. شما نمی‌توانید او را ببینید، اما نفوذ و تأثیر محبت آمیز او شما را احاطه می‌کند، از شما مراقبت می‌کند، ناظر به حال شما است. نفوسی که به حدائق الهی صعود کرده‌اند، برای ما که در اینجا هستیم دعا می‌کنند، همانطور که ما برای آنها دعا می‌کنیم. ^(۳)

ادعیهٔ مخلصانه همیشه تأثیر دارد لهذا در عالم دیگر نفوذش شدید است. هرگز انقطاع و فصلی نیست بین ما و نفوسی که در آن عالم‌اند و لکن تأثیرات حقیقیهٔ معنویه‌اش در عالم دیگر است نه در این دنیا. ^(۴)

مکالمهٔ روحانی

آیا نفسی که در گذشته است می‌تواند با کسی که هنوز در قید حیات است مکالمه نماید؟
 جواب: می‌تواند مکالمه‌ای را برقرار کرد، اما نه مانند مکالمهٔ ما. تردیدی نیست که قوای عوالم بالاتر با قوایی که در این عالم هستند تأثیر متقابل دارند. قلب انسان به روی الهامات مفتوح است؛ این ارتباطی روحانی است. همانطور که انسان در عالم رؤیا در حالی که لسان ساکت است با دوستی صحبت می‌کند، مکالمهٔ در عالم روحانی نیز چنین است. ^(۵)

۱- ترجمه - بیان حضرت عبدالهء / Abdul-Baha in London, p. 95

۲- ترجمهٔ این عبارات از کتاب بهاء‌الله و عصر جدید ص ۲۱۷ نقل گردید - م

۳- ترجمه - بیان منسوب به حضرت عبدالهء، شاهراه منتخب، اثر لیدی بلامفیلد، ص ۲۱۵ (انگلیسی)

۴- بهاء‌الله و عصر جدید، طبع برزیل، ص ۲۱۸

۵- ترجمه - خطابهٔ حضرت عبدالهء در Paris Talks صفحه ۱۷۹

رتبه و مقامی به مراتب شریف‌تر و جمیل‌تر

تقاضای توضیح کرده‌اید که پس از ترک این عالم برای ما چه اتفاقی می‌افتد. این سؤالی است که تاکنون هیچ‌یک از مظاهر الیه به طور مشروح جواب آن را بیان نکرده‌اند، صرفاً به این دلیل که شما قادر نیستید آنچه را که با تجربیات دیگران تفاوت کامل دارد، در ذهن آنها وارد سازید. حضرت مولی‌الوری به نحو جالبی بیان می‌فرمایند که نسبت این زندگی به حیات آینده مانند جینی در عالم رحم است که چشم، گوش، دست، پا، و زبان اکتساب می‌کند ولی در عمل چیزی برای دیدن و شنیدن ندارد و نمی‌تواند راه برود یا چیزی را به چنگ آورد یا حرفی بزند. او تمام این امکانات را برای این جهان کسب می‌کند. اگر سعی کنید از کیفیت این دنیا برای جینی بگویید، هرگز حرف شما را نخواهد فهمید؛ اما بعد از تولد به فهم آن می‌رسد و قابلیت و امکاناتش از قوه به فعل در می‌آیند. به همین ترتیب، ما نیز از تجسم مقام و موقفمان در جهان بعد قاصریم. کل آنچه می‌دانیم این است که هوشمندی و شخصیتمان را در عالم بعد نیز خواهیم داشت و آن جهان خیلی از جهان خاکی بهتر است همانگونه که این عالم از عالم ظلمانی رحم بهتر است.^(۱)

هنگامی که چنین ارواح مشتاقی این زندگی را پشت سر می‌گذارند، به رتبه و مقامی اشرف و اجمل از حیات این جهان وارد می‌گردند. ما از مرگ می‌ترسیم فقط به دلیل عدم شناخت نسبت به آن و نقصان ایمانمان به کلمات انبیاء و رسولانی که حامل پیام حقیقی مطمئن از آن فضای روحانی برای ما بودند. ما باید با کمال سرور با مرگ مواجه شویم علی‌الخصوص اگر زندگیمان در این مرحله وجود مشحون از اعمال و کردار حسنه بوده باشد.^(۲)

سؤال کرده‌اید که آیا نفسی می‌تواند در عالم بعد از حقیقت اطلاع پیدا کند. چنین آگاهی و وقوفی مطمئناً میسر است، و دال بر رحمت و محبت حقّ قدیر است. ما می‌توانیم با تلاوت ادعیه به هر نفسی کمک کنیم تدریجاً به این مقام بلند واصل شوند، حتی اگر از وصول به آن در این جهان ممنوع مانده باشد. ترقی روح با مرگ متوقف نمی‌شود. بلکه در سطحی جدید شروع می‌شود. حضرت یسّاء اللّه تعلیم می‌فرمایند که امکانات عظیم و وسیع در عالم بعد در انتظار روح است. ترقی روحانی در آن عالم لایتناهی است و احدی، در این جهان نمی‌تواند عظمت و وسعت کامل آن را درک نماید.^(۳)

حضرت ولی امرالله از شنیدن لطافات شدیدی که در اثر فقدان فرزندان تحمل کرده‌اید بسیار متأسف شدند. ما نمی‌توانیم چنین اموری را درک کنیم؛ اما ما یهائیان می‌توانیم تسلیم شویم و بگویم خداوند بر بدایت و نهایت سیلی که در این زندگی طی می‌کنیم واقف است، در حالی که ما فقط بخشی

۱- ترجمه - مکتوب ۳۰ اکتبر ۱۹۴۳ از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت، شماره ۷۰۱

۲- ترجمه - مکتوب ۳۱ دسامبر ۱۹۳۲ از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت، شماره ۶۹۷

۳- ترجمه - مکتوب ۲۲ مه ۱۹۳۵ از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت، شماره ۶۸۳

از آن را مشاهده می‌کنیم و نمی‌توانیم به وضوح و آگاهانه به فضاوت پردازیم.^(۱)

مواهب عالم بعد

حضرت بهاء‌الله می‌فرمایند که اگر ما دید مناسبی برای مشاهده مواهب عالم بعد داشتیم نمی‌توانستیم حتی یک ساعت زندگی در این جهان را تحمل کنیم. ما به این دلیل از چنین دیدی محرومیم که اگر از آن برخوردار بودیم احدی میلی به ماندن در این جهان نداشت و کل بافت جامعه از هم می‌پاشید.

لذا، حضرت ولی امرالله مایلند شما به مواهبی که نصیب او شده فکر کنید و از مسرت او مسرور باشید. اگر ما به کلام انبیاء ایمان حقیقی داشته باشیم نه از مرگ هراسی خواهیم داشت نه از درگذشت عزیزانمان مغموم و محزون خواهیم گشت.^(۲)

حضرت بهاء‌الله در الواح مبارکه می‌فرمایند که اگر ما می‌توانستیم آرامشی را که در عالم بعد برای ما مهیا شده، درک کنیم، مرگ تلخی خود را از دست می‌داد؛ حتی ما از آن به عنوان دروازه‌ای به عالمی بی‌نهایت متعالی‌تر و شریف‌تر از این محنت‌کده خاکی، استقبال می‌کردیم. لذا، شما باید به مواهب آنها فکر کنید و خود را در این فراق موقت تسلی بخشید. جمیع ما به موقع خود به نفوسی که از ما جدا شده‌اند خواهیم پیوست و در سرور و جوار آنها شریک و سهیم خواهیم شد.^(۳)

پایان ترجمه کتاب در ساعت ۴:۳۵ بعد از ظهر شنبه ۲۲ فروردین ماه ۱۳۸۳ شمسی، طهران.

۱- ترجمه - مکتوب ۱۹ سپتامبر ۱۹۵۱ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء

۲- ترجمه - مکتوب ۱۲۲ اکتبر ۱۹۳۲ از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت شماره ۶۹۶

۳- ترجمه - مکتوب ۱۳ ژانویه ۱۹۳۲ از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت، شماره ۶۹۵

کتابشناسی نویسنده

- 'Abdu'l-Baha. *Paris Talks*, London: Bahá'í Publishing Trust, 1979
- *The Promulgation of Universal Peace*. Wilmette, Illinois: Bahá'í Publishing Trust, 2nd edn. 1982
- *The Secret of Divine Civilization*. Wilmette, Illinois Bahá'í Publishing Trust, 1957
- *Selections from the Writings of 'Abdu'l-Bahá*. Haifa: Bahá'í World Centre, 1978
- *Tablets of Abdul-Baha Abbas*. New York: Bahá'í Publishing Committee; vol. 1, 1930; vol. 2, 1940; vol. 3, 1930
- *Tablets of the Divine Plan*. Wilmette, Illinois Bahá'í Publishing Trust, rev. edn. 1977
- The Bab. *Selections from the Writings of the Bab*. Haifa: Bahá'í World Centre, 1976
- Bahá'í Prayers: A Selections of Prayers revealed by Bahá'u'lláh, the Bab and 'Abdu'l-Bahá*. Wilmette, Illinois: Bahá'í Publishing Trust, 1991
- Bahá'í World, The*. vol. 18: (1979-83), Haifa: Bahá'í World Centre, 1986
- Bahá'í World Faith*. Wilmette, Illinois: Bahá'í Publishing Trust, 2nd edn. 1976
- Bahá'u'lláh. *Epistle to the Son of the Wolf*. Wilmette, Illinois Bahá'í Publishing Trust, 1988
- *Gleanings from the Writings of Bahá'u'lláh*. Wilmette, Illinois Bahá'í Publishing Trust, 1983
- *The Hidden Words*. Wilmette, Illinois Bahá'í Publishing Trust, 1990
- *The Kitáb-i-Aqdas*. Haifa: Bahá'í World Centre, 1992
- *Kitáb-i-Íqán*. Wilmette, Illinois Bahá'í Publishing Trust, 1989
- *Prayers and Meditations*. Wilmette, Illinois Bahá'í Publishing Trust, 1987
- *The Seven Valleys and the Four Valleys*. Wilmette, Illinois Bahá'í Publishing Trust, 1991
- *Tablets of Bahá'u'lláh*. Wilmette, Illinois Bahá'í Publishing Trust, 1988
- Bahá'yyih Khánum, the Greatest Holy Leaf: A Compilation of the Faith and Bahá'yyih Khánum's Own Letters*. Haifa: Bahá'í World Centre, 1982
- Balyuzi, H. M. *Eminent Bahá'ís in the Time of Bahá'u'lláh: with some Historical Background*. Oxford: George Ronald, 1985
- Blomfield, Lady [Sara Louise]. *The Chosen Highway*. Wilmette, Illinois Bahá'í Publishing Trust, 1967
- Compilation of Compilations, The*. Prepared by the Universal House of Justice 1963-1990. 2 vols. [Sydney]: Bahá'í Publications Australia, 1991
- Diary of Juliet Thompson, The*. Los Angeles: Kalimát Press, 1983.
- Divine Art of Living, The: Selections from the Writings of Bahá'u'lláh and 'Abdu'l-Bahá*. Compiled by Mabel Hyde Paine, revised by Anne Marie Scheffer. Wilmette, Illinois Bahá'í Publishing Trust, 1986
- Esslemont, J. E. *Bahá'u'lláh and the New Era*. London, Bahá'í Publishing Trust, 1974

- Gail, Marzieh. *Summon Up Remembrance*. Oxford: George Ronald, 1987
- Lights of Guidance: A Bahá'í Reference File*. Compiled by Helen Hornby. New Delhi: Bahá'í Publishing Trust, 2nd edn. 1988
- Living the Life*. London: Bahá'í Publishing Trust, 1984
- Maxwell, May. *An Early Pilgrimage*. Oxford: George Ronald, 1976
- Moffett, Ruth. *Du'a: On Wings of Prayer*. Happy Camp, California: Naturegraph Publishers, rev. edn. 1984
- Rutstein, Nathan. *Corinne Tru: Faithful Handmaid of 'Abdu'l-Bahá*. Oxford: George Ronald, 1987
- Shoghi Effendi. *The Advent of Divine Justice*. Wilmette, Illinois Bahá'í Publishing Trust, 1990
- *Arohanui: Letters of Shoghi Effendi to New Zealand*. Suva, Fiji: Bahá'í Publishing Trust, 1982
 - *Bahá'í life*. Compiled by the Universal House of Justice. Wilmette, Illinois-Bahá'í Publishing Trust, 1981
 - *Citadel of Faith: Messages to America 1947-1957*. Wilmette, Illinois Bahá'í Publishing Trust, 1965
 - *Dawn of a New Day: Messages to India 1923-1957*. New Delhi: Bahá'í Publishing Trust, 1970
 - *Directives from the Guardian*. New Delhi: Bahá'í Publishing Trust, 1973
 - *God Passes By*. Wilmette, Illinois Bahá'í Publishing Trust, rev. edn. 1974
 - *High Endeavors: Messages to Alaska*. [Anchorage]: National Spiritual Assembly of the Bahá'ís of Alaska, 1976
 - *The Light of Divine Guidance: The Messages from the Guardian of the Bahá'í Faith to the Bahá'ís of Germany and Austria*. vol. 1. Hofheim-Langenhain: Bahá'í-Verlag, 1982
 - *Messages to Canada*. [Toronto]: National Spiritual Assembly of the Bahá'ís of Canada, 1965
 - *The Promised Day is Come*. Wilmette, Illinois Bahá'í Publishing Trust, rev. edn. 1980
 - *The Unfolding Destiny of the British Bahá'í Community: The Messages of the Guardian of the Bahá'í Faith to the Bahá'ís of the British Isles*. London: Bahá'í Publishing Trust, 1981
- Star of the West*. Rpt. Oxford: George Ronald, 1984
- Throne of the Inner Temple, The*. Compiled by Elias Zohoori. Jamaica, 1985
- The Universal House of Justice. *A Wider Horizon: Selected Messages of the Universal House of Justice 1983-1992*. Riviera Beach, Florida: Palabra Publications, 1992
- *Messages from the Universal House of Justice 1963:1986: The Third Epoch of the Formative Age*. Wilmette, Illinois Bahá'í Publishing Trust, 1996.

کتابشناسی مترجم

۱- حضرت بهاء الله

- ۱-۱ مجموعه الواح مبارکه، طبع قاهره مصر، ۹ ذوالتعمده ۱۳۳۸ هـ (۲۵ یولیر ۱۹۲۰ م)
- ۱-۲ منتخبانی از آثار مبارکه حضرت بهاء الله، لجنة ملی نر آثار امری بلسان فارسی و عربی، لانگتپاین آلمان، نشر اول، ۱۴۱ بدیع
- ۱-۳ آثار قلم اعلى ج ۱ (کتاب مبین)، خط زین المقرین، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۰ بدیع
- ۱-۴ آثار قلم اعلى ج ۲، مطبع ناصری، بمبئی، محرم الحرام ۱۳۱۴
- ۱-۵ آثار قلم اعلى ج ۳، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۱ بدیع
- ۱-۶ آثار قلم اعلى ج ۴، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۳ بدیع
- ۱-۷ آثار قلم اعلى ج ۵، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۱ بدیع
- ۱-۸ آثار قلم اعلى ج ۶، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۲ بدیع
- ۱-۹ متاجاة، مجموعة اذکار و ادعية من آثار حضرة بهاء الله، دار النشر البهائية في البرازيل، شهر البهاء ۱۳۸ (آذار ۱۹۸۱)
- ۱-۱۰ کتاب اقدس، مرکز جهانی بهائی، حیفا، ۱۹۹۵
- ۱-۱۱ الواح نازله خطاب بملوک و رؤسای ارض، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۴ بدیع
- ۱-۱۲ دریای دانش، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۳ بدیع
- ۱-۱۴ لوح مبارک خطاب به شیخ محمد تقی مجتهد اصفهانی معروف به نجفی، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۱۹ بدیع
- ۱-۱۵ الواح مبارکه حضرت بهاء الله جل ذکره الاعلى شامل اشراقات و چند لوح دیگر، بدون محل و تاریخ طبع و نام ناشر
- ۱-۱۶ الواح مبارکه حضرت بهاء الله جل ذکره الاعلى شامل اقتدارات و چند لوح دیگر، خط مشکین قلم، ۱۳ شهر رجب المرجب سنه ۱۳۱۰
- ۱-۱۷ ادعية حضرت محبوب، طبع مصر، ۱۳۳۹ هـ
- ۱-۱۸ ادعية حضرت محبوب، طبع طهران، بدون تاریخ
- ۱-۱۹ کتاب ایقان، طبع مصر، بدون تاریخ
- ۱-۲۰ لوح مقصود، مطبعة سعادة مصر، ۹ صفر ۱۳۳۹ قمری (۲۱ اکتوبر ۱۹۲۰ م)
- ۱-۲۱ مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، لجنة ملی نشر آثار امری بلسان فارسی و عربی، آلمان، طبع ثانی، ۱۵۶ بدیع (۲۰۰۰ میلادی)

۲- حضرت ربّ اعلى

- ۲-۱ منتخبات آیات از آثار حضرت نقطه اولی جل اسمه الاعلى، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۴ بدیع

۳- حضرت عبدالبهاء

- ۱-۲ خطابات حضرة عبدالبهاء فى اوربا و امريكا، الجزء الاول فى سفره الاول اوربا، طبع مصر، ۱۳۴۰ قمرى، ۱۹۲۱ ميلادى
- ۲-۲ خطابات مبارکه حضرت عبدالبهاء، ۲، در سفر امريكا، مؤسسه ملى مطبوعات امرى، ۱۲۷ بدیع
- ۳-۲ خطابات مبارکه، ج ۳، مؤسسه ملى مطبوعات امرى، ۱۲۷ بدیع
- ۴-۲ منتخبانى از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، مؤسسه مطبوعات امرى ویلمت، ۱۹۷۹ م
- ۵-۲ منتخبانى از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۲، مرکز جهانى بهائى، حینا، ۱۹۸۴ م
- ۶-۲ التور الابيى فى مفاوضات عبدالبهاء، مطبعة بريل در شهر ليدن هلند، ۱۹۰۸ م
- ۷-۲ رساله مدنيه، مطبعة كردستان علميه، ۱۳۲۹ قمرى
- ۸-۲ مجموعه مناجاتها، مؤسسه ملى مطبوعات امرى، آلمان، نشر ثانى، ۱۵۷ بدیع
- ۹-۲ مکاتیب عبدالبهاء، ج ۱، مطبعة كردستان علميه، ۱۳۲۸ قمرى، ۱۹۱۰ ميلادى
- ۱۰-۲ مکاتیب عبدالبهاء، جلد ثالث، طبع مصر، ۱۳۴۰ هجرى، ۱۹۲۱ ميلادى

۴- حضرت ولي امرالله

- ۱-۳ ظهور عدل الیہى، ترجمه نصرالله مودت، مؤسسه ملى مطبوعات امرى، ۱۳۲ بدیع
- ۲-۳ نظم جهانى بهائى، ترجمه هوشمند فتح اعظم، مؤسسه معارف بهائى بلسان فارسى کانادا، ۱۴۶ بدیع (۱۹۸۹ ميلادى)
- ۳-۳ قرن بدیع، ترجمه نصرالله مودت، نشر ثانى، مؤسسه معارف بهائى بلسان فارسى، کانادا، ۱۴۰ بدیع، ۱۹۹۲ ميلادى
- ۴-۳ حصن حصین شریعت الله، ترجمه فؤاد اشرف، مؤسسه ملى مطبوعات امرى آلمان، ۱۵۴ بدیع (۱۹۹۷ ميلادى)
- ۵-۳ توفیعات مبارکه، جلد سوم ۱۹۴۸-۱۹۲۲، مؤسسه ملى مطبوعات امرى، ۱۳۰ بدیع
- ۶-۳ قد ظهر يوم الميعاد، لجنة ملى نشر آثار امرى، ۱۰۴ بدیع

۵- مجموعه آثار

- ۱-۵ نار و نور، منتخبانى از آثار مبارکه حضرت بهاءالله، حضرت عبدالبهاء، حضرت ولي امرالله، لجنة نشر آثار بلسانهای فارسى و عربى، لانگنهاین، ۱۳۹ بدیع، نشر اول
- ۲-۵ آثار مبارکه درباره تربیت بهائى، مؤسسه ملى مطبوعات امرى، ۱۳۵ بدیع
- ۳-۵ نمونه حیات بهائى، مؤسسه ملى مطبوعات امرى، ۱۳۱ بدیع، نشر ثانى

۶- بيت العدل اعظم و دارالتحقيق بين المللى

- ۱-۶ منتخبانى از پیامهای عمومى بيت العدل اعظم الیہى خطاب به یاران ایرانى، لجنة ملى نشر آثار امرى بزبانهای فارسى و عربى، لانگنهاین، آلمان غربى، ۱۴۲ بدیع (نشر اول)

- ۲-۶ بحرانها و پیروزی‌ها، جمع‌آوری و نشر دارالتحقیق بین‌المللی
 ۳-۶ تحقیق و تتبع، گردآوری بخش تحقیق بیت‌العدل اعظم، فوریه ۱۹۹۵ میلادی
 ۴-۶ بهائیه خانم حضرت ورقه علیا، تدوین دایره مطالعه نصوص و الواح مرکز جهانی بهائی،
 لجنة ملی نشر آثار امری بزبانیهای فارسی و عربی، لانگنهاین، آلمان غربی، ۱۴۲ بدیع

۷- سایر کتب از مؤلفین بهائی

- ۱-۷ گنج شایگان، عبدالحمید اشراق خاوری، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۴ بدیع
 ۲-۷ مائده آسمانی، ج ۱، عبدالحمید اشراق خاوری، لجنة ملی نشر آثار امری، ۱۰۴ بدیع
 ۳-۷ مائده آسمانی، ج ۴، عبدالحمید اشراق خاوری، لجنة ملی نشر آثار امری، ۱۰۴ بدیع
 ۴-۷ مائده آسمانی، ج ۵، عبدالحمید اشراق خاوری، لجنة ملی نشر آثار امری، ۱۰۴ بدیع
 ۵-۷ مائده آسمانی، ج ۸، عبدالحمید اشراق خاوری، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۱ بدیع

بدیع

- ۶-۷ گنجینه حدود و احکام، عبدالحمید اشراق خاوری، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۸ بدیع

بدیع

- ۷-۷ ایام تسعه، عبدالحمید اشراق خاوری، مؤسسه ملی مطبوعات امری، نشر چهارم، ۱۲۷ بدیع

بدیع

- ۸-۷ نفحات ظهور حضرت بهاء‌الله، ادیب طاهرزاده، ترجمه باهر فرقانی، ج ۱، مؤسسه معارف بهائی کانادا، ۱۵۵ بدیع

- ۹-۷ گلزار تعالیم بهائی، ریاض قدیمی، مطبعة دانشگاه تورونتو، ۱۹۹۵

- ۱۰-۷ بهجت‌الصدر، حاجی میرزا حیدرعلی اصفهانی، لجنة ملی نشر آثار امری بزبان فارسی و عربی، چاپ سوم، ۱۵۹ بدیع (۲۰۰۲ میلادی) هوفهایم، آلمان

- ۱۱-۷ درگه دوست، کلبی آیوز، ترجمه ابوالقاسم فیضی

- ۱۲-۷ امر و خلق ج ۳، فاضل مازندرانی، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۸ بدیع

- ۱۳-۷ اخلاق بهائی، محمدعلی فیضی، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۰ بدیع

- ۱۴-۷ بهاء‌الله و عصر جدید، جان ابنزر اسلمنت، ترجمه ع بشیر الهی، هرحیمی، ف سلیمانی، دارالنشر البهائیه فی البرازیل، ۱۴۵ بدیع، ۱۹۸۸ میلادی

۸- نشریات

- ۱-۸ پیام بهائی شماره ۱۸۲، دی و بهمن ۱۳۷۳ (ژانویه ۱۹۹۵ میلادی)